



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



معلولان و انتخابات

علی نوری



انجمن ملی حقوق بشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معلولان و انتخابات

نویسنده:

دفتر فرهنگ معلولین

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	معلولان و انتخابات
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست
۲۲	مقدمه
۲۷	فصل اول: پیشینه
۲۷	اشاره
۲۹	دوره قبل از اسلام
۲۹	اشاره
۲۹	حضرت شعیب
۴۶	حضرت اسحاق
۶۲	حضرت ایوب
۸۹	حضرت یعقوب
۹۱	دوره اسلامی
۹۱	اشاره
۹۱	عبدالله بن ام مکتوم
۹۲	اسماء
۹۴	عبدالله بن عقیف ازدی
۹۶	ابوالجارود، عبدی همدانی خراسانی، زیاد بن ابی زیاد منذر (۱۵۰ق)
۹۶	ابن صهبان، ابوعمر حفص بن عمر (۱۵۰-۲۴۶ق)
۹۸	محمد بن سعدان (۱۶۱-۲۳۱ق)
۹۸	ابن میمون، عماره بن حمزه (۱۹۹-؟ق)
۹۸	ابن ابی الیمان (۲۰۰-۲۸۴ق)

- ۱۰۰ ابن مرزبان، ابومنصور (متولد ۳۰۰ ق)
- ۱۰۰ ابن مقله بیضاوی، ابو علی محمد (۲۷۲-۳۲۸ ق)
- ۱۰۲ آل بویه، معزالدوله ابوالحسن (۳۰۳-۳۵۶ ق)
- ۱۰۲ ابن سلامه، ابوالقاسم هبه الله (متولد ۴۱۰ ق)
- ۱۰۴ ابن حنط (درگذشت ۴۳۷ ق)
- ۱۰۴ ابن فضلان، جمال الدین (۵۱۷-۵۹۵ ق)
- ۱۰۵ ابراهیم شاه خلجی، رکن الدین (درگذشت ۶۹۵ ق)
- ۱۰۵ ابن بدوخ/ بدوح (قرن ۶ ق)
- ۱۰۵ تیمور لنگ (۷۳۶-۸۰۷ ق)
- ۱۰۶ محمد بن عمر صالحی مشهور به ابن سلطان (۸۷۰-۹۵۰ ق)
- ۱۰۶ وجیه الدین ابوضیاء عبدالرحمان مشهور به ابن زیاد (۹۰۰-۹۷۵ ق)
- ۱۰۷ داود انطاکی
- ۱۰۸ دوره معاصر
- ۱۰۸ اشاره
- ۱۰۸ سید نعمت الله
- ۱۰۹ محمد خزائی
- ۱۲۲ منیره عیسی بن هندی
- ۱۲۲ آلوسی، عبدالحمید (درگذشت ۱۳۲۴ ق)
- ۱۲۴ محمدابراهیم (۱۳۱۱-۱۳۸۹ ق)
- ۱۲۴ پایان و نتیجه
- ۱۲۵ فصل دوم: کاندیداهای دارای معلولیت در انتخابات ۹۶
- ۱۲۵ اشاره
- ۱۲۷ اسماعیل ابوطالبی
- ۱۲۷ بهزاد اشتري
- ۱۳۳ محمدعلی افشاری
- ۱۳۷ بهرام برزگر

- ۱۴۱ لیلا بهرامی مگری
- ۱۵۱ محمدحسن پارسائیان
- ۱۵۱ غلامرضا تجدد محمد علیخانی
- ۱۵۳ حمیدرضا جعفریان
- ۱۵۶ حسن حسینلو
- ۱۵۹ سید صابر حسینی
- ۱۶۱ علیرضا حیدری رامشه
- ۱۶۴ رحمان دلاوری
- ۱۶۸ روح الله ذوقی احسان
- ۱۷۶ طاهره رضاپور کویشاهی
- ۱۸۴ کاظم رضایی
- ۱۸۸ محمود سلوکی
- ۱۹۰ محسن شریفی فہلیانی
- ۱۹۲ عباس شیری
- ۱۹۶ علی صابری
- ۲۰۰ حیدر صدقعلی
- ۲۰۲ محمد طہماسبی
- ۲۰۴ مرادحسین طہماسبی الفت آبادی
- ۲۰۶ اصغر عباسی
- ۲۰۶ علی اصغر عین القضاة
- ۲۱۰ مہدی قنبری موحد
- ۲۱۳ حسین کردان
- ۲۱۳ علی کیانی
- ۲۱۷ محمدحسین معین
- ۲۱۹ قدرت الله ممبینی
- ۲۲۵ مسلم ویسی

۲۲۷	فصل سوم: قانون حضور معلولان در انتخابات
۲۲۷	اشاره
۲۲۹	پیشینه قانون شرکت نابینایان در انتخابات
۲۳۱	آغاز تلاش های نمایندگان: آبان ۱۳۹۰
۲۳۱	طرح مجدد در مجلس نهم
۲۳۵	دیدگاه رئیس فراکسیون حمایت از حقوق معلولان مجلس
۲۳۶	دیدگاه کمیسیون بهداشت مجلس
۲۳۶	طرح قانونی شرکت نابینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی
۲۴۰	دیدگاه تشکل های ویژه معلولیت
۲۴۳	رای گیری مجدد
۲۴۷	انتقاد علی صابری از مصوبه جدید
۲۵۱	نقض حقوق اساسی نابینایان
۲۵۵	دفاع از حقوق نابینایان
۲۵۷	مگر نمایندگان مجلس با چشم تصمیم گیری می کنند!؟
۲۵۷	نقض حقوق شهروندی با حذف نابینایان از انتخابات مجلس
۲۵۸	تلاش مجدد برای طرح کاندیداتوری نابینایان در مجلس
۲۵۹	نتیجه و پایان
۲۶۰	فصل چهارم: مبانی حقوقی اسلام
۲۶۰	اشاره
۲۶۲	نگرش اسلام به حقوق معلولان
۲۷۷	برابری و تبعیض
۲۸۰	حقوق معلولان در نهج البلاغه
۲۹۳	واقع گرایی
۲۹۳	مشارکت اجتماعی و سیاسی معلولان
۳۰۳	مشارکت فرهنگی و علمی معلولان
۳۰۹	نتیجه گیری

۳۱۰	فصل پنجم: بازتاب های اجتماعی
۳۱۰	اشاره
۳۱۲	گفت وگو با برخی از نامزدهای دارای معلولیت شوراهای شهر و روستا
۳۱۷	بازتاب انتخابات شوراهای در روزنامه ها
۳۲۳	حضور کاندیدای جامعه معلولان در شورای شهر نوید بخش شهری پویا
۳۳۰	شورای شهر و حقوق معلولان
۳۳۲	لزوم حضور کاندیدای جامعه معلولان در عرصه رقابت انتخابات شوراهای
۳۳۴	کاندیداتوری معلولان در انتخابات شوراهای مصداق بارز موفقیت توانمندسازی
۳۳۶	انتظار جامعه معلولان از ۱۷۴ معلول منتخب شورای شهر و روستا
۳۴۳	منابع و مآخذ
۳۴۷	درباره مرکز

سرشناسه : نوری، علی، ۱۳۶۳ -

عنوان و نام پدیدآور : معلولان و انتخابات / علی نوری ؛ [برای] دفتر فرهنگ معلولین.

مشخصات نشر : قم: توانمندان، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۲۰۰ ص.: مصور.

شابک : ۲۰۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۰۸-۱-۹ :

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : معلولان -- وضع حقوقی و قوانین -- ایران

موضوع : People with disabilities -- Legal status, laws, etc. -- Iran

موضوع : انتخابات -- ایران

موضوع : Elections -- Iran

موضوع : انتخابات -- قوانین و مقررات (فقه)

موضوع : Election law (Islamic law)

موضوع : شوراهای اسلامی -- ایران

موضوع : Islamic councils -- Iran*

شناسه افزوده : دفتر فرهنگ معلولین

رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ م۶ن/۱۵۳۲ KMH

رده بندی دیویی : ۵۵۰.۱۳/۳۴۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۴۴۰۲۴

ص: ۱

اشاره

معلولان و انتخابات

به اهتمام: علی نوری

ویراستار: عبدالله امینی پور

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۰۸-۱-۹

عکس روی جلد: از سایت صدا و سیما مرکز خوزستان

ناشر: توانمندان شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۰۰۰/۲۰۰ ریال

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com

www.DataDisability.com , info@handicapcenter.com ,

ص: ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

فصل اول: پیشینه

دوره قبل از اسلام ۱۵

حضرت شعیب ۱۵

حضرت اسحاق ۲۴

حضرت ایوب ۳۲

حضرت یعقوب ۴۶

دوره اسلامی ۴۸

عبدالله بن ام مکتوم ۴۸

اسماء ۴۹

عبدالله بن عقیف ازدی ۵۰

ابوالجارود، عبدی همدانی خراسانی، زیاد بن ابی زیاد منذر (۱۵۰ق) ۵۱

ابن صهبان، ابو عمر حفص بن عمر (۱۵۰-۲۴۶ق) ۵۱

محمد بن سعدان (۱۶۱-۲۳۱ق) ۵۲

ابن میمون، عماره بن حمزه (۱۹۹-؟ق) ۵۲

ابن ابی الیمان (۲۰۰-۲۸۴ق) ۵۲

ابن مرزبان، ابو منصور (متولد ۳۰۰ق) ۵۳

ابن مقله بیضاوی، ابو علی محمد (۲۷۲-۳۲۸ق) ۵۳

آل بویه، معزالدوله ابوالحسن (۳۰۳-۳۵۶ق) ۵۴

ابن سلامه، ابوالقاسم هبه الله (متولد ۴۱۰ق) ۵۴

ابن حناط (درگذشت ۴۳۷ق) ۵۵

ابن فضلان، جمال الدین (۵۱۷-۵۹۵ق) ۵۵

ابراهیم شاه خلجی، رکن الدین (درگذشت ۶۹۵ق) ۵۶

ابن بدوخ / بدوح (قرن ۶ق) ۵۶

تیمور لنگ (۷۳۶-۸۰۷ق) ۵۶

محمد بن عمر صالحی مشهور به ابن سلطان (۸۷۰-۹۵۰ق) ۵۷

وجیه الدین ابوضیاء عبدالرحمان مشهور به ابن زیاد (۹۰۰-۹۷۵ق) ۵۷

داود انطاکی ۵۸

دوره معاصر ۵۹

سید نعمت الله ۵۹

محمد خزائلی ۶۰

منیره عیسی بن هندی ۶۷

آلوسی، عبدالحمید (درگذشت ۱۳۲۴ق) ۶۷

محمد ابراهیم (۱۳۱۱-۱۳۸۹ق) ۶۸

پایان و نتیجه ۶۸

ص: ۵

فصل دوم: کاندیداهای دارای معلولیت در انتخابات ۹۶

اسماعیل ابوطالبی.. ۷۱

بهزاد اشتری.. ۷۱

محمدعلی افشاری.. ۷۴

بهرام برزگر.. ۷۶

لیلا بهرامی مگری.. ۷۸

محمدحسن پارسائیان.. ۸۳

غلامرضا تجدد محمد علیخانی.. ۸۳

حمیدرضا جعفریان.. ۸۴

حسن حسینلو.. ۸۶

سید صابر حسینی.. ۸۸

علیرضا حیدری رامشه.. ۸۹

رحمان دلاوری.. ۹۱

روح الله ذوقی احسان.. ۹۳

طاهره رضاپور کویشاهی.. ۹۷

کاظم رضایی.. ۱۰۱

محمود سلوکی.. ۱۰۳

محسن شریفی فهلیانی.. ۱۰۴

عباس شیری.. ۱۰۵

علی صابری.. ۱۰۷

حیدر صدقعلی.. ۱۰۹

محمد طهماسبی.. ۱۱۰

مرادحسین طهماسبی الفت آبادی.. ۱۱۱

اصغر عباسی.. ۱۱۲

علی اصغر عین القضاة.. ۱۱۲

مهدی قنبری موحد.. ۱۱۴

حسین کاردان.. ۱۱۶

علی کیانی.. ۱۱۶

محمدحسین معین.. ۱۱۸

قدرت الله ممینی.. ۱۱۹

مسلم ویسی.. ۱۲۲

فصل سوم: قانون حضور معلولان در انتخابات

پیشینه قانون شرکت نایبانیان در انتخابات.. ۱۲۵

آغاز تلاش های نمایندگان: آبان ۱۳۹۰. ۱۲۶

طرح مجدد در مجلس نهم.. ۱۲۶

ص: ۶

دیدگاه رئیس فراکسیون حمایت از حقوق معلولان مجلس ۱۲۸

دیدگاه کمیسیون بهداشت مجلس ۱۲۹

طرح قانونی شرکت نایب‌نایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۲۹

دیدگاه تشکل‌های ویژه معلولیت ۱۳۱

رأی‌گیری مجدد ۱۳۳

انتقاد علی صابری از مصوبه جدید ۱۳۵

نقض حقوق اساسی نایب‌نایان ۱۳۷

دفاع از حقوق نایب‌نایان ۱۳۹

مگر نمایندگان مجلس با چشم تصمیم‌گیری می‌کنند؟! ۱۴۰

نقض حقوق شهروندی با حذف نایب‌نایان از انتخابات مجلس ۱۴۰

تلاش مجدد برای طرح کاندیداتوری نایب‌نایان در مجلس ۱۴۱

نتیجه و پایان ۱۴۲

فصل چهارم: مبانی حقوقی اسلام

نگرش اسلام به حقوق معلولان ۱۴۵

برابری و تبعیض ۱۵۳

حقوق معلولان در نهج البلاغه ۱۵۵

واقع‌گرایی ۱۶۲

مشارکت اجتماعی و سیاسی معلولان ۱۶۲

مشارکت فرهنگی و علمی معلولان ۱۷۰

نتیجه‌گیری ۱۷۶

فصل پنجم: بازتاب های اجتماعی

گفت و گو با برخی از نامزدهای دارای معلولیت شوراهای شهر و روستا ۱۷۹

بازتاب انتخابات شوراهای در روزنامه ها ۱۸۳

حضور کاندیدای جامعه معلولان در شورای شهر نوید بخش شهری پویا ۱۸۸

شورای شهر و حقوق معلولان ۱۹۲

لزوم حضور کاندیدای جامعه معلولان در عرصه رقابت انتخابات شوراهای ۱۹۳

کاندیداتوری معلولان در انتخابات شوراهای مصداق بارز موفقیت توانمندسازی ۱۹۴

انتظار جامعه معلولان از ۱۷۴ معلول منتخب شورای شهر و روستا ۱۹۵

منابع و مآخذ ۱۹۹

ص: ۷

معلولان اعم از نابینایان، ناشنوایان، فاقدان حس حرکتی و افراد دارای ضایعات نخاعی و خلاصه همه اقشار دارای نوعی معلولیت در یکصد سال اخیر در ایران، مسیر پر سنگلاخ و پر حادثه و کاملاً صعب العبور را طی کرده اند. در دوره قاجاریه و پیش از آن معلولان سواد خواندن و نوشتن نداشتند و از کوچک ترین حقوق و امتیازات اجتماعی بهره مند نبودند. فاقد مدرسه و نظام آموزش و پرورش؛ نظام حقوقی مصوب ویژه خودشان بوده و بدون در نظر گرفتن حقوق انسانی حتی از سوی نخبگان جامعه، در وضعیت نامناسبی زندگی می کردند. با اینکه متون دینی و آموزه های اسلامی در قرآن و احادیث، حقوق آنان را به رسمیت شناخته و از مدیریت اجتماعی خواستار تأمین زیست و زندگی کاملاً مطلوب انسانی برای آنان شده است.

از وقتی معلولان به این واقعیت پی بردند که خودشان باید به رفع موانع و ساختن وضعیت مطلوب جامعه شان پردازند و به آموزه های قرآنی «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»^(۱) توجه پیدا کردند، با پشتکار و تلاش خودشان توانستند مراحل صعود مدنی را مرحله به مرحله، پشت سر گذارند. نخستین مرحله سواددار شدن و فراگیری خواندن و نوشتن بود. بدون گذر از این مرحله، ورودشان به دنیای مدرن ممکن نبود؛ وقتی وارد مدنیت و حقوق گرای می شدند که بتوانند سخنان دیگران را متوجه شوند و بتوانند با یکدیگر تفهیم و تفاهم برقرار نمایند و جامعه مدنی هر چند کوچک تشکیل دهند. عنصر اولیه چنین جامعه ای سواد خواندن و نوشتن است. افرادی مانند مرحوم باغچه بان و مرحوم رشیدی تلاش بی دریغ در سواددار کردن معلولان به خرج دادند.

پس از گذشتن از مرحله فراگیری خواندن و نوشتن، وارد تحصیلات متوسطه و همزمان وارد نهادهای مدنی اولیه مثل اشتغال و ورود در کسب و کار شدند. پس از چند سال تثبیت در مرحله میانی و ثبات در شغل و درآمدیابی و انتقال از طبقه ضعیف به طبقه متوسط جامعه، راه ورودشان به تحصیلات عالی و حرکت به طرف نهادهای عالی اجتماعی مثل دانشگاه ها، پژوهشگاه ها، تعاونی ها، تشکل های مدنی و مراکز شغل و اشتغال هموار گردید.

چند دهه از ورودشان به این مرحله گذشت؛ تا اینکه تجربه جدید در جامعه هدف مطرح شد و آن ضرورت ورود معلولان به سطح مرجع جامعه است. معلولانی که مشاغلی مثل وکالت، استادی دانشگاه و مدیریت نهادهای مدنی را تجربه کرده بودند، خود را بر حق می دانستند که جزء اقشار

تصمیم ساز کلان جامعه شوند و بتوانند برای نیازها و مشکلات خودشان در سطح کلان و ملی تصمیم سازی نمایند. چون در این دوره نظریه هایی مطرح شده بود که مشکلات معلولان برطرف نمی شد مگر اینکه خودشان در مناصب عالی اجتماعی حضور و عضویت پیدا کنند. قانون جامع معلولان ایران وقتی سامان خواهد یافت که خود معلولان در قوه مقننه حضور داشته باشند و با یارگیری در این جبهه بتوانند تصمیم گیری و نهایتاً تصویب کنند. همینطور شغل و اشتغال، درآمد و کسب و کار، فرهنگ و آموزش و پرورش و ده ها مشکل معلولان بر اساس این نظریه فقط با عضویت و حضور آنان در مراکز عالی تصمیم گیری سامان دهی می گردد.

اما حضور آنان در قوه مجریه به عنوان رئیس جمهور یا معاونان ریاست جمهوری یا وزیران یا معاونان وزرا و در قوه مقننه و نهادهای همسو و وابسته به این قوه مثل شورای نگهبان یا در قوه قضائیه به دو شیوه امکان پذیر است: باید از بالا نصب شوند و یا توسط مردم انتخاب گردند.

منظور از نصب، تعیین توسط مقامات بالاتر مثل رهبری یا رئیس جمهور یا رئیس قوه قضائیه یا قوه مقننه است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی چنین نصبی مشاهده نشده، دیده نشده به نایبنا یا ناشنوا یا معلول جسمی حرکتی برای منصبی، حکم داده شود. البته در مورد جانبازان مواردی بوده ولی در مورد معلولان مادرزاد و حادثه ای سراغ نداریم؛ حداقل برای مناصب عالی سراغ نداریم؛ اما برای مناصب رده چندم مواردی بوده است.

راه دوم انتخاب توسط مردم است. اغلب مردم وقتی رأی می دهند که کارایی و توانمندی فرد را دیده و تجربه کرده باشند. وقتی در سال ۱۳۴۲ مردم اراک به محمد خزائلی نایبنا برای مجلس شورای ملی رأی دادند، در واقع توانایی های او را دیده بودند. وی چندین جلد کتاب منتشر کرده و در زمینه های فرهنگی توانایی های مناسب و مقبول از خودش بروز داده بود.

بنابراین در دهه های اخیر معلولان به این نتیجه رسیدند که، رفع مشکلات مدنی آنان با حضورشان در مراکز قدرت و در نهادهای اصلی تصمیم گیری امکان پذیر است. اما حضور آنان فقط از طریق انتخابات ممکن می باشد، البته راه های دیگر هم هست که زمان بر و طولانی است، مثل طی کردن روند اداری و تلاش برای رسیدن به مدیریت های بالاتر. به هر حال به نظر می رسد مشارکت معلولان در انتخابات مهم ترین و سریع ترین و مطمئن ترین راهی است که آنان را به مراکز اصلی قدرت نزدیک می کند.

با اینکه انتخابات نسبت به راه های دیگر برای معلولان مطلوب تر است ولی نیاز به آموزش و مطالعه تجارب گذشته دارد. در هر انتخابات چه انتخابات شوراها یا مجلس شورای اسلامی یا ریاست جمهوری، ده ها معلول ثبت نام می کنند و بسیاری با اعتقاد می آیند و بسیار تلاش می نمایند اما اغلب آنها موفق نمی شوند. یک دلیل آن، فقدان آموزش و عدم انتقال تجارب گذشته به آنان است. به همین دلیل در دفتر فرهنگ معلولین درصدد برآمدیم انتخابات گذشته را با محوریت معلولان مرور نماییم. اما بررسی همه انتخابات از دوره مشروطیت تاکنون بسیار وقت گیر و

مشکل است. از این رو فعلاً در این کتاب افراد نامزد شده در همه انتخابات سال ۱۳۹۶ را شناسایی و تحلیل خواهیم کرد.

هدف و خط مشی از تألیف و انتشار این کتاب چند مطلب است:

۱- انتخابات به عنوان یک آزمون می تواند ارتباط و تعامل مردم و معلولان را نشان دهد. در این آزمون می توان به دیدگاه های مردم درباره معلولان پی برد و دانست چه مقدار به معلولان باور دارند؟ عدم باورشان به چه دلیل و تابع چه متغیرهایی است؟ احترام و اعتقاد مردم به نامزدهای دارای معلولیت را چگونه می توان ترمیم کرد و ارتقا بخشید؟

با مطالعه علمی انتخابات و روابط مردم و نامزدهای معلول می توان به تجارب و دستاوردهای سودمندی دست یافت و با به کارگیری آنها در انتخابات بعدی راه موفقیت را گشود.

۲- ورود معلولان در دستگاه های عالی نظام چه مشکلاتی به همراه دارد و چگونه و با اتکا بر چه داشته هایی می تواند موفق شوند؟

متأسفانه تجارب پیشین گردآوری نشده و به صورت مکتوب در نیامده، این کتاب اولین تلاش در این حوزه است.

۳- مشکلات معلولان بر طرف نمی شود مگر اینکه خودشان در دستگاه های نظام سیاسی و اجرایی حضور و اشتغال داشته باشند. حضور فقط با رأی مردم ممکن است. اما معلول چکار کند و چه مسیری را طی نماید تا از صندوق رأی بتوانند با موفقیت بیرون بیایند؟

۴- انتخابات متکی بر سه محور انسانی است: نامزد و منتخب؛ مردم انتخابات کننده؛ مسئولان و مدیران تصمیم گیر و مجری یا قانون گذار برای انتخابات و مؤثر در آن.

موفقیت معلولان به عنوان نامزد، پیش از هر چیز به فرهنگ سازی نیاز دارد. یعنی اولاً خود معلولان باید این اقدام را مهم و سرنوشت ساز ببینند؛ مردم باید به کاندیداتوری معلولان احترام گذاشته و نگویند آدم نابینا یا ناشنوا و یا ویلچری نمی تواند کار کند، برعکس خدمات و شایستگی و صلاحیت آنان را دیده و بالاخره مدیران و مسئولان در بخش های مختلف توجه شده باشند و این اقدام را مشروع و مقبول بدانند.

اگر به مردم گفته شود معلول توانایی کار و خدمت دارد و به همین دلیل رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عبدالله بن ام مکتوم نابینا را به عنوان جانشین خود در شهر مدینه تعیین می کرد و هر وقت می خواست برای امور نظامی از مدینه خارج شود، امور شهر و مردم را به عبدالله می سپرد، یا اگر زندگی نامه سفیران و پادشاهان و حتی انبیایی مثل حضرت یعقوب برای مردم و مسئولان گزارش گردد که با داشتن نوعی از معلولیت، وظایف خطیر اجتماعی را بر عهده داشتند، بسیار مؤثر است.

۵- ورود معلولان در عرصه های انتخابات مدنی مشتمل بر تجارب گران سنگی است که معلولان نسل های بعد با تکیه بر آنها می توانند به موفقیت برسند. این کتاب درصدد است تجارب را جمع آوری و به نسل های بعد منتقل کند.

۶- معلولان در طول تاریخ پروژه های بسیار داشته، خدمات و فعالیت گوناگون انجام داده اند ولی تاریخ نگاران به ثبت و نگهداری و گزارش آنها نپرداخته اند. مردم این زمان به دلیل در اختیار نداشتن آن گزارش ها، شناخت درستی از معلولان دوره های سابق ندارند. این کتاب درصدد است فعالیت معلولان در حوزه انتخاب را گردآوری و چهره های معلولان نامزد و کاندیدا شده و فعال در عرصه انتخابات را به تاریخ معرفی کند.

کتاب درصدد است اولاً ادله و مستندات دینی و ملی که انتخاب معلولان را مشروع می نماید، معرفی کند؛ دوم اینکه حضور معلولان در رأس نهادهای قدرت را در طول تاریخ نشان دهد؛ سوم کاندیداهای دارای معلولیت که در سال ۱۳۹۶ در ایران در جریان انتخابات مشارکت داشتند معرفی نماید. نظریات و آرای حقوقی مخالفان و موافقان را هم مطرح کند. هدف ما این است که مسیر و تجربه انتخاب معلولان را به صورت مکتوب در اختیار کاندیداهای نسل جدید قرار دهیم.

از فرهیختگانی که با راهنمایی های خود به ارتقای این اثر کمک کردند تشکر می کنیم. به ویژه از جناب حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی نماینده آیت الله العظمی سیستانی مدظله که با راهنمایی و مساعدت، انجام این تحقیق را میسر کردند تشکر می نمایم.

علی نوری

بهار ۱۳۹۷

ص: ۱۲

فصل اول: پیشینه

اشاره

ص: ۱۳

اگر به بحث های نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسات مربوط به نامزد شدن و انتخاب شدن معلولان توجه شود، می بینیم بعضی از آنها هیچ جایگاهی برای معلولان در زمینه اشغال پست ها و سمت های مدیریتی کشور اعم از سمت های بالا یا میانی یا سمت های تقنینی و کارشناسی در سطح حضور در شوراها قائل نیستند و حضور معلولان در مقام قاضی، نمایندگی مردم در شورای شهر و روستا و مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و مانند اینها را غیرمشروع می دانند. البته گاه مطرح کرده اند که نسبت به جانبازان یعنی معلولان جنگ مشکلی ندارند.

این فصل درصدد بررسی تاریخی این مسئله است. آیا در طول تاریخ، نابینایی یا معلول جسمی حرکتی یا ناشنوایی در سمت های بالایی یا میانی کشوری حضور داشته اند؟ آیا قرآن کریم یا روایات یا سیره معصومین علیهم السلام با حضور معلولان مشکل دارند و این پدیده را نفی می کنند؟ یا برعکس در طول تاریخ معلولانی در سمت های کشوری حضور داشته و اسلام هم با این گونه موارد تعارضی ندارد؟

این فصل از سه مقطع تاریخی، دوره قبل از اسلام، دوره اسلامی و دوره معاصر یا جدید، نمونه هایی گزارش نموده تا نشان دهد، معلولان در همه دوره ها در سمت های مدیریتی، قضایی، دیوانی و تقنینی حضور داشته و اسلام هم به نفی آنها نپرداخته است.

منظور از اسلام قرآن کریم و روایات در مورد شخصیت هایی است که به رغم آسیب جسمی رهبری مردم را هم بر عهده داشتند مثل حضرت ایوب و قرآن با اینگونه افراد برخورد منفی ندارد.

در دوره اسلامی در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم یا ائمه علیهم السلام و گاه با دستور ایشان معلولانی در سمت هایی مشغول می شدند. البته هدف معرفی همه شخصیت ها نبوده که خود چند جلد کتاب نیاز دارد بلکه منتخبی از آنها اینجا معرفی شده اند.

قرآن کریم چند شخصیت دارای آسیب را معرفی کرده است و از حضرت یعقوب یا حضرت ایوب به عنوان کسانی که در دوره ای از زندگی شان دچار آسیبی در جسمشان شدند با این حال رهبری مردم را بر عهده داشتند یاد کرده است.

به تصریح قرآن کریم انبیاء از جنس بشر بوده و دارای جسم بوده اند. با توجه به اینکه جسم به بیماری، پیری و مرگ مبتلا می گردد، از این رو هر انسانی به دلیل جسم داشتن ممکن است دچار معلولیت شود. قرآن از چند تن از انبیاء نام می برد که نابینا شده یا به آسیب های جسمی گرفتار شده بودند. اما تحلیل و موضع قرآن کریم نسبت به این افراد اهمیت دارد و هیچ گاه آنها را تخطئه و نفی نمی کند بلکه به تکریم آنان می پردازد.

حضرت شعیب

نسبشناسی

شعیب پیامبر(ع) از فرزندان ابراهیم(ع) نه از فرزندان اسحاق و نه از فرزندان اسماعیل بود. نام پدرش مدین بن ابراهیم و مادرش از فرزندان لوط بود(۱). نامش در فرهنگ یهود و عبری و نیز در تورات، یترون ثبت شده است.(۲) بعضی نام پدرش را نویب و مدین را پدربزرگ او دانسته و نامش را به این صورت ثبت کرده اند: شعیب بن نویب بن مدین بن ابراهیم.(۳) ابراهیم پس از ساره همسری از کنعانیان گرفت. مدین از این همسر است.(۴)

نامش در تورات یترون است ولی بعضی یترون (پدر زن موسی) را شعیب ندانسته اند. نیز اینکه یترون همان پدر زن موسی است یا نه؟ اختلافی است(۵).

نابینایی

شعیب بر اساس اسناد و منابع قدیمی نابینا بود و نابینایی او در بسیاری از منابع تأیید شده است. صفدی (در گذشت ۷۶۴ق) او را در کنار یعقوب و اسحاق، و هر سه را نابینا می داند.(۶)

همو از کتاب

ص: ۱۵

۱- تاریخ بلغمی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲- همان.

۳- تفسیر کشف الاسرار، ج ۷، ص ۱۴۷؛ نامش را به صورت های دیگر هم ثبت کرده اند. نک اعلام القرآن، ص ۴۸۸.

۴- . همان.

۵- . اعلام القرآن، ص ۴۸۸؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۳۲۱-۱۳۲۲؛ دایرةالمعارف تشیع، ج ۹، ص ۵۹۷.

۶- . نکت الهمیان، ص ۴۲.

تلقیح فهم اهل الاثر ابن جوزی و از کتاب رأس مال النذیم، ابوالعباس احمد بن علی بن بانه نقل کرده که اسحاق، یعقوب و شعیب را نابینا می دانستند. (۱)

صفدی کتاب نکت الهمیان را درباره نابینایان نوشت و اطلاعات مختلف آنان را گردآوری و در این کتاب آورده است. در مقدمه، بخشی را به انبیای نابینا اختصاص داده و سه تن از انبیا یعنی شعیب، یعقوب و اسحاق را نابینا می داند. البته دیدگاه مخالف را هم آورده و می نویسد: قرآن به صراحت به نابینایی حضرت یعقوب می پردازد و می فرماید: «أَبْصَرْتُ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ» یعنی چشمان حضرت یعقوب به دلیل فراق یوسف، سفید شد. نیز در جای دیگر می فرماید: «فَارْتَدَّ بَصِيرًا» یعنی حضرت یعقوب با دیدن یوسف بینا شد. سفید شدن چشم و برگشت بینایی دلالت دارد که شخص قبلاً نابینا بوده است. (۲)

به نظر صفدی، قاضی و نبی می تواند نابینا باشد، البته ایشان بیشتر به ادله نقلی اکتفا کرده و وارد ادله عقلی نشده، مهم ترین دلیل نقلی مطلبی است که در قرآن کریم ذکر شده، می فرماید: بر اثر کثرت گریه و تأثیری که فراق یوسف بر جسم یعقوب گذاشت، موجب شد چشمان او نابینا شود. چون یعقوب و دیگر انبیا بشر هستند و بعد جسمانی دارند و مثل دیگر انسان ها بیمار شده، در جنگ اگر تیر به بدن آنها اصابت می کرد، مجروح می شدند. کسانی که پیامبران را فاقد بیماری و آسیب جسمانی و ناتوانی در اعضا و جوارح می دانند، در واقع باید انبیا را از جنس بشر ندانند بلکه آنها را از جنس ملائکه و امثال آن بدانند. در صورتی که این دیدگاه برخلاف قرآن و روایات است.

نکته مهم دیگر اینکه بیماری، نقص و مذموم نیست بلکه مثل دیگر رخدادهای این جهانی و طبیعت و جهان مادی، از واقعیت های غیرقابل انکار است. بنابراین این نظر که بیماری را مذموم و مخالف شرافت و کرامت انبیا می دانند، غلط است. شرافت و کرامت پیغمبران به روح و عقل و آرای درست و الهی آنان است. اما بیماری یا آسیب جسمی آنان خلل و اشکالی در انسانیت و روان آنها وارد نمی کند. معلولیت مثل نابینایی هم نوعی بیماری است و برای همه انسان ها از جمله پیامبران طبیعی است. به همین دلیل قرآن کریم می فرماید حضرت یعقوب بر اثر کثرت ناراحتی و گریه، چشمانش سفید شد و آسیب دید. مثل هر انسان دیگر که اگر زیاد گریه کند، چشمانش آسیب دیده و بینایی اش ضعیف خواهد شد.

منابعی که نابینایی حضرت شعیب را مطرح کرده بسیارند؛ مثل میدی در تفسیر کشف الاسرار (۳)؛

مولانا در دیوان شمس از این رخداد استفاده عرفانی کرده و آن را در قالب اشعار زیبا بیان کرده است. (۴)

ص: ۱۶

۱- همان، ص ۳-۴.

۲- همان، ص ۴۲-۴۳.

۳- تفسیر کشف الاسرار، ج ۷، ص ۱۴۷.

۴- کلیات شمس یا دیوان کبیر، به کوشش فروزانفر، امیر کبیر، چاپ اول، ص ۶.

نیز تفسیر سوراآبادی(۱) و بعضی دیگر که می گویند: کثرت گریه شعیب به دلیل حُب و اشتیاق زیاد او به خداوند و معبودش موجب ناینایی شد.(۲)

سید هاشم بحرانی از علمای سده ۱۲ق در تفسیر البرهان ذیل آیه ۹۱ سوره هود «وَإِنَّا لَتَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا» نوشته است: چشمان شعیب ضعیف شده بود.(۳)

ذیل آیه ۲۷ سوره قصص که نکاح دختر شعیب با موسی را مطرح می کند آورده است:

ابن بایویه از آنس روایت کرده است که رسول خدا(ص) فرمود: شعیب از حُب خدا آن قدر گریست تا نایننا شد. پس خداوند بینایش را به وی بازگرداند. باز آن قدر گریست تا نایننا شد و خدا بینایی وی را بازگرداند. بار چهارم خداوند به وی وحی کرد که: ای شعیب! این کار را تا کی می خواهی ادامه دهی؟ اگر این کار تو از شدت ترس از آتش است، آن را از تو برداشتم و اگر به شوق بهشت است، آن را به تو بخشیدم. عرض کرد: ای خدا و سرورم! تو خود می دانی که من نه از ترس آتش و نه به شوق بهشت گریستم. خداوند به وی فرمود: حال که چنین است، من کلیم خود موسی بن عمران را به خدمت تو می گمارم.(۴)

صاحب تفسیر البرهان این روایت را از کتاب علل الشرایع صدوق نقل کرده است.(۵)

دیدگاه علامه طباطبایی

علامه سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان(۶) مبحثی به ناینایی شعیب اختصاص داده و روایات متعدد در این زمینه را آورده و بررسی کرده، نخستین روایت از شداد بن اوس به نقل از کتاب الدر المنثور است:

شداد از رسول خدا(ص) نقل کرده: شعیب(ع) از عشق به خدا آنقدر گریست تا کور شد و خدای تعالی دوباره چشمش را به او برگردانید و به وی وحی فرستاد: ای شعیب! این چه گریه ای است که می کنی؟ آیا از شوق به بهشت است و یا ترس از دوزخ؟ شعیب عرضه داشت: نه، ولیکن حُب تو در دلم گره خورده، وقتی به تو نظر کنم، دیگر باکی از آن ندارم که تو با من چه معامله ای خواهی کرد، پس خدای تعالی به وی وحی فرستاد که: ای شعیب! اگر این گفته تو حق باشد، پس گوارا باد تو را لقای من، ای شعیب! به همین جهت من موسی بن عمران را خادم تو کردم با اینکه او حکیم و هم سخن من است.(۷)

چند نکته مهم در این روایت هست:

ص: ۱۷

۱- اعلام القرآن، الشبستری، ص ۴۸۸.

۲- همان، ص ۴۸۸.

۳- ترجمه تفسیر روایی البرهان، ج ۵، ص ۲۱۱.

٤- . همان، ج٧، ص ١١٠.

٥- . علل الشرايع، شيخ صدوق، ج١، ص ٧٤

٦- . ترجمه تفسير الميزان، ترجمه سيد محمدباقر موسوي همداني، ج١٠، ص ٥٦٥.

٧- . الدر المنثور، ج٣، ص ٣٤٨.

۱. زمان کور شدن و زمان شفا یافتن ذکر نشده اما از قرائن پیداست که به هنگام سکونت در مدین، نابینا شده است. با توجه به حوادث زندگی شعیب و اینکه مدین هلاک و نابود شد و او به «ایکه» کوچ کرد و نیز قرائن دیگر، احتمالاً در سنین میانسالی او بوده است.

۲. ازدواج موسی با دختر شعیب و داماد وی شدن و این که قرار شد به عنوان مهریه دخترش ده سال خدمت و کار کند، همه اینها به اذن الهی و به دلیل نابینایی شعیب بوده است.

چون شعیب نابینا بوده، موسی می پذیرد مساعدت کند و اینکه دخترانش در ملاقات نخست با موسی، پدرشان را پیر سالخورده (شیخ کبیر) معرفی و توصیف کردند، قرینه بر نابینایی او می تواند باشد.

نیز در کتاب الدر المنثور آمده که ابوالشیخ از علی بن ابیطالب روایت کرده که روزی در خطبه اش این آیه را که راجع به شعیب است تلاوت کرد که قوم به او گفتند: «وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا» یعنی هر آینه تو را بین خودمان ضعیف میبایم. آنگاه فرمود: شعیب (ع) نابینا شده بود، بدین جهت او را ضعیف شمرده و نسبت ضعف به او دادند؛ در تفسیر جمله «وَلَوْلَا رَهْطُكَ» علی (ع) فرمود: «به خدا سوگند که جز او معبودی نیست، آنها از جلال و عظمت پروردگارشان هیچ پروایی نکردند و جز از قوم و عشیره از هیچ چیز هیبت نمی بردند».

در روایت امام علی (ع) چند نکته هست:

۱. حضرت علی (ع) به عنوان بهترین مفسر قرآن کریم، معنی «ضعف» در آیه «وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا» (۱) (یعنی قوم شعیب به او می گفتند: ما تو را در جامعه خودمان ضعیف و ناتوان یافته ایم)، از نگاه مخالفان شعیب ناتوانی به دلیل نابینایی می داند. یعنی حضرت علی (ع) می گوید: مشرکان و کفار بت پرست و مستکبر، شعیب را ضعیف و ناتوان می دانستند چون نابینا بوده است.

مفهوم سخن اینست که مؤمنان و پیروان شعیب و موحدان، شعیب را به دلیل نابینایی نباید ناتوان و ضعیف بدانند.

۲. تمامی آیه این گونه است: قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَعُهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا □ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ □ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ؛ مخالفان شعیب گفتند: ای شعیب آنچه می گویی ما نمی فهمیم در حالی که تو در این جامعه ضعیف هستی و اگر قبیله کوچک تو نبود، هر آینه تو را سنگسار می کردیم و هرگز تو نزد ما عزت و اعتبار نداری.

حضرت علی (ع) عبارت «لَوْلَا رَهْطُكَ» را این گونه تفسیر کرده: مخالفان شعیب بر مبنای معیارهای جاهلی فکر می کردند عظمت و هیبت شخص، در بزرگی قبیله و عشیره اش است!

بنابراین حضرت علی (ع) دو ملاکی را که از طرف مخالفان شعیب به عنوان عدم امتیاز و برتری مطرح می شد یعنی «نابینایی» و «قبیله یا گروه اندک پشتیبان» هر دو را نمی پذیرد.

در واقع از نظر معیارهای اصیل اسلامی، عظمت و اعتبار و عزت فرد به شخصیت، تفکر، اتکا بر خداوند و تقوایش است. زیرا خود شعیب در آیه بعد به صورت استفهامی می گوید: آیا قبیله (پیروان)

۱- .سوره هود، آیه ۹۱.

کوچک من با اینکه نزد خداوند عزیز و معتبراند، کوچک و ناتوان است؟ یا شما که اوامر خداوند قادر مطلق را کنار گذاشته اید و مهم ترین تکیه گاه خود را از دست داده اید، قوی هستید؟

۳. مخالفان می گفتند: چون تو نابینا هستی، پس ناتوان هستی و ما سخن ناتوان نابینا را نمی فهمیم. هرچند سخنان بسیار داری ولی به همان دلیلی که میگفتند،

نمیخواستند آنها را درک کنند.

متأسفانه همیشه در طول تاریخ ملل و جوامع به سخنان کسانی که قدرت، ثروت و شهرت دارند و فاقد معلولیت هستند، توجه می کرده و گوش جان میسپرده اند؛ اما فرد نابینا با اینکه اخلاقیات نیکو، تفکر عالی و روابط اجتماعی مطلوب داشته، اما اهتمام و توجه چندانی به او نمیشده است. متأسفانه گاه امروز هم این روش ناپسند مشاهده می شود. با اینکه قرآن کریم به صراحت این گونه برخوردها با نابینایان و دیگر معلولان را ناپسند میداند و محکوم میکند؛ حتی این شیوه را سنت مستکبران در دوره شعیب می داند اما به دلیل عدم اطلاع مردم و فقدان فرهنگسازی صحیح همواره این شیوه رواج داشته و دارد.

۴. آیه به صراحت رفتار دو جبهه «حق طلب» و «گرفتار بطلان» را نشان می دهد. شعیب و پیروانش درصدد بودند با نرمی و مدارا و گفت و گو، اشراف کافر و مشرک را هدایت کنند ولی آنان شیوه خشونت و سنگسار را پیش کشیدند.

۵. در پایان آیه، مخالفان می گویند: ای شعیب تو را عزیز و معتبر نمی دانیم چون نابینا و ناتوان هستی و نیروی انسانی اندک در اختیار داری. اما شعیب با منطق و استدلال قوی به آنان می گوید: عزت از آن من است. چون به خداوند متکی هستم، (۱) نیز در دیگر آیات اشاره می کند که: سرمایه حلال و پاک دارد، (۲)

اهل نماز، (۳) رشادت و بردباری است؛ (۴) دارای رزق و امکانات مطلوب است؛ (۵) بر خداوند توکل دارد (۶) و سنت های تاریخی و قوانین اجتماعی علیه شما و طرفدار من است. (۷)

۶. کوچکی قبیله پس از ضعیف دانستن آمده، یعنی می توان احتمال داد مردم آن دوره بر این باور بودند که شعیب آدم نابینا و ناتوان است و دور او جمع نمی شدند. حداقل او را به عنوان رهبر قبول نمی کردند. مگر عده اندکی که خالصانه به او باور داشتند. در حادثه چوپانی دختران شعیب و برخورد موسی با آنها و اینکه گفتند مردم به ما اجازه نمی دهند گوسفندان خود را آب دهیم و صبر می کنیم در پایان از ته مانده، آب می دهیم، اینها نشانگر اینست که به حضرت شعیب توجه نمی کردند و به او کمک نمی نمودند حتی برای آب دادن گوسفندانش مشکل داشت.

ص: ۱۹

۱- . هود، آیه ۹۲.

۲- . هود، آیه ۸۶.

۳- . هود، آیه ۸۷.

۴- . هود، آیه ۸۷.

۵- . هود، آیه ۸۸.

۶- . هود، آیه ۸۸.

۷- . هود، آیه ۸۹.

وقتی موسی از دختران علت را می پرسد، آنان می گویند: پدری مسن و سالخورده داریم. البته سخنانی که از این شخص مسن در قرآن نقل شده، قوت و صلابت و منطق قوی دارد.

رسالت و نبوت

شعیب پس از یوسف بن یعقوب و پیش از موسی بن عمران و معاصر ابراهیم خلیل الله به پیامبری مبعوث شد. (۱) گاه گفته شده بعد از نوح و هود و صالح و لوط در سرزمین مدین برگزیده شد. «مدین» یا «مدین شعیب» شهری در شرق خلیج عقبه است. شهر مدین نزدیک بحیره در ناحیه البلقاء در بیابان شام قرار داشته، این شهر امروزه به نام «معان» معروف است. (۲)

از سوره شعراء آیات ۱۷۶ و ۱۷۷، معلوم می شود شعیب پیامبر اصحاب ایکه (درخت زار و بیشه) بوده، به نظر می رسد نخست در مدین سکونت داشته ولی پس از هلاکت اهل مدین و نابودی این شهر، به طرف قوم ایکه رفته، ظاهراً شهری به نام ایکه بوده که نزدیک مدین قرار داشته، این شهر امروزه به نام تبوک مشهور است. (۳)

پژوهشگران و مورخان درباره عمرش اختلاف دارند. بعضی معتقدند ۲۴۲ سال زندگی کرد، کسانی هم عمرش را ۲۵۴ و ۴۰۰ سال نوشته اند. در مورد محل درگذشت و محل دفن او هم اختلاف است و این محل ها را به عنوان مدفن او معرفی کرده اند: مکه و نزدیک کعبه دفن شد؛ قبرش در حصرموت است؛ در فلسطین در دهکده ای به نام حطین دفن شد؛ قبرش در شهر تستر (شوشتر) از شهرهای ایران باستان است. بنابراین چهار محل برای دفنش گفته اند.

شمایی از سیره شعیب

سیره حضرت شعیب از نظر قرآن کریم، شامل پنجاه سرفصل مهم فردی و اجتماعی است. این سرفصلها را از آیات مختلف قرآن کریم استخراج و معرفی خواهیم کرد. شعیب به رغم نابینایی و به رغم نداشتن نیروی اجتماعی همراه و یاوران مطیع توانست تحولات ژرف اجتماعی پدید آورد. چون انسانی خود ساخته و با عزم و اراده بود. ویژگی ها و فعالیت های او را ذیل چند عنوان: مدیریت، حقوق جامعه، اخلاقیات، ترویج فرهنگ توحیدی، اصلاحات و مبارزه با مفسدان معرفی کرده ایم.

مدیریت

۱. افزایش نیروی انسانی (وَإِذْ كُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ) (۴)

۲. برخورد منطقی و ملایم با مخالفان (قَالَ أَوْلُو كُنَّا كَارِهِينَ) (۵)

۳. مدیریت عقلانی جامعه و پرهیز از مدیریت استبدادی (وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ) (۶)

۴. رسول امین (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) (۷)

- ۱- . اعلام القرآن، الشبستری، ص ۴۸۸؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۳۲۱.
- ۲- . اعلام القرآن، الشبستری، ص ۴۸۸.
- ۳- . همان، ص ۴۸۱-۴۸۸.
- ۴- . اعراف، آیه ۸۶
- ۵- . اعراف، آیه ۸۸
- ۶- . هود، آیه ۸۶
- ۷- . شعراء، آیه ۱۷۸

۵. عدم دریافت مزد از مردم (ما أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ) (۱)

۶. توسعه فرهنگ تعاون و هم افزایی (لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ) (۲)

۷. دریافت پاداش الهی (إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) (۳)

۸. دلسوزی برای مردم و خوف داشتن نسبت به عذاب فراگیر و هلاکت آنها (إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ) (۴)

حقوق جامعه

۱. ابداع ترازو و پیمانۀ جهت اجرای عدالت (فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ؛ لَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ) (۵)

۲. سالم سازی اقتصاد و اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی (فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ؛ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ) (۶)

۳. اعطای حقوق اجتماعی (لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ؛ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ) (۷)

۴. مبارزه با استثمار و غارت اموال مردم (لَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ) (۸)

۵. تأکید بر مال حلال و دست رنج و سود پاک (بِقِيَّةِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ) (۹)

۶. داشتن رزق نیکوی آسمانی (رَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا) (۱۰)

۷. جلوگیری از کم فروشی (أَوْفُوا الْكَيْلَ) (۱۱)

اخلاقیات

۱. نجات یافتگی (إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا؛ نَجَّيْنَا شُعَيْبًا) (۱۲)

۲. صادق بودن در قول و رفتار (قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ) (۱۳)

۳. مخالفت با ارتجاع و بازگشت به شرک (مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا) (۱۴)

۴. نصیحت و خیرخواهی برای مردم (نَصَحْتُ لَكُمْ) (۱۵)

۵. حلیم و رشید بودن شعیب (إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ) (۱۶)

ص: ۲۱

- ۲- . شعراء، آيه ۱۸۱
- ۳- . شعراء، آيه ۱۸۰
- ۴- . هود، آيه ۸۴
- ۵- . اعراف، آيه ۸۵؛ هود، آيه ۸۴.
- ۶- . اعراف، آيه ۸۵؛ هود، آيه ۸۵؛ شعراء، آيه ۱۸۲.
- ۷- . اعراف، آيه ۸۵؛ هود، آيه ۸۵؛ شعراء، آيه ۱۸۳.
- ۸- . هود، آيه ۸۴.
- ۹- . هود، آيه ۸۶.
- ۱۰- . هود، آيه ۸۸.
- ۱۱- . شعراء، آيه ۱۸۱.
- ۱۲- . اعراف، آيه ۸۹؛ هود، آيه ۹۴.
- ۱۳- . اعراف، آيه ۸۹.
- ۱۴- . اعراف، آيه ۸۹.
- ۱۵- . اعراف، آيه ۹۳.
- ۱۶- . هود، آيه ۸۷.

۶. توفیق طلبی از خداوند (مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ) (۱)

۷. تکیه بر خداوند (عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ) (۲)

۸. بازگشت به خداوند (إِلَيْهِ أُنِيبُ) (۳)

۹. نقش سازنده نماز در پیروان شعیب (قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ) (۴)

۱۰. گسترش تقوا (قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ؛ فَاتَّقُوا اللَّهَ) (۵)

۱۱. گسترش اطاعت خداوند (أَطِيعُونَ) (۶)

۱۲. متصف به صالح بودن (سَتَجِدُنِي مِنَ الصَّالِحِينَ) (۷)

ترویج فرهنگ توحیدی

۱. فرستاده خداوند جهت هدایت اهالی مدین (وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا) (۸)

۲. دعوت مردم به توحید (قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ؛ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ) (۹)

۳. داشتن معجزه و ارائه آن به عنوان دلیل (فَدُجَاءُكُمْ بَيِّنَةٌ) (۱۰)

۴. گسترش فرهنگ ایمانی (ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (۱۱)

۵. ابلاغ رسالت پروردگار (لَقَدْ أَنْبَأْتُكُمْ رَسُولَهُ رَبِّي) (۱۲)

۶. داشتن دلیل و منطق آسمانی (كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي) (۱۳)

۷. گسترش فرهنگ توبه و استغفار (اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ) (۱۴)

۸. ترویج دین رحمانی (إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ) (۱۵)

۹. مشمول رحمت الهی (بِرَحْمَةٍ مِنَّا) (۱۶)

۱۰. فرستاده خدا (كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ) (۱۷)

ص: ۲۲

- ۲- . هود، آیه ۸۸.
- ۳- . هود، آیه ۸۸.
- ۴- . هود، آیه ۸۷.
- ۵- . شعراء، آیه ۱۷۷.
- ۶- . شعراء، آیه ۱۷۹.
- ۷- . قصص، آیه ۲۷.
- ۸- . اعراف، آیه ۸۵.
- ۹- . همان؛ هود آیه ۸۴.
- ۱۰- . همان.
- ۱۱- . اعراف، آیه ۸۵.
- ۱۲- . اعراف، آیه ۹۳.
- ۱۳- . هود، آیه ۸۸.
- ۱۴- . هود، آیه ۹۰.
- ۱۵- . هود، آیه ۹۰.
- ۱۶- . هود، آیه ۹۴.
- ۱۷- . شعراء، آیه ۱۷۶.

۱. جلوگیری از فساد مفسدان و گسترش اصلاحات (لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا؛ لَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ) (۱)

۲. مبارزه با موانع و دفاع از مؤمنان (لَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن آمَنَ بِهِ) (۲)

۳. خسارت دادن در صورت عدم ایمان (إِنَّكُمْ إِذَا لَخَّسِرُونَ) (۳)

۴. خیرخواهی برای مردم (إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ) (۴)

۵. رهایی از هلاکت و عذاب الهی (لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا) (۵)

۶. آسان گیری در زندگی اجتماعی (وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْسُقَ عَلَيْكَ) (۶)

۷. اصلاح طلبی (إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ؛ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا)

مبارزه با فاسدان

۱. توجه دادن به سرانجام مفسدان و نابودی آنها (انظروا كيف كان عاقبة المفسدين) (۷)

۲. مقاومت در برابر متکبران و تبعید و اخراج از سرزمین (قال الملأ الذين استكبروا من قومهم لنخرجنك يا شعيب...) (۸)

۳. توکل بر خداوند در مسیر هدایت مردم و مبارزه با مستکبران (على الله توكلنا) (۹)

۴. عدم همراهی با مستکبران و روی برگرداندن از آنها (فتولى عنهم) (۱۰)

۵. تکذیب شعیب توسط مردم (فكذبوه؛ نطنتك لمن الكاذبين) (۱۱)

۶. دیوانه پنداشتن شعیب (أنت من المسخرين) (۱۲)

ص: ۲۳

۱- اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیه ۸۵؛ شعراء، آیه ۱۸۳.

۲- اعراف، آیه ۸۶.

۳- اعراف، آیه ۹۰.

۴- هود، آیه ۸۴.

۵- هود، آیه ۹۴.

۶- قصص، آیه ۲۷.

- ۷- . اعراف، آیه ۸۶.
- ۸- . اعراف، آیه ۸۸.
- ۹- . اعراف، آیه ۸۹.
- ۱۰- . اعراف، آیه ۹۳.
- ۱۱- . شعراء، آیه ۱۸۹ و ۱۸۶.
- ۱۲- . شعراء، آیه ۱۸۵.

اسحاق فرزند ابراهیم و ساره و برادر اسماعیل دارای چهره و شخصیت متفاوت در کتاب مقدس و قرآن کریم است. قرآن در هفده آیه، اسحاق را ذکر کرده و به ویژگی ها و کارکرد و شخصیت او پرداخته است. حدود سی ویژگی مثبت برای او بیان شده است؛ مثل مقام امامت؛ شهرت فراگیر به دلیل خوش نامی در بین مردم؛ برخورداری از رحمت الهی؛ تداوم خط و راه حضرت ابراهیم؛ نزول وحی بر او؛ دارای ملت (مله اسحاق). هر یک از این ویژگی ها می تواند زندگی و سرنوشت فرد را تعیین کند. از این رو اسحاق به رغم نابینایی به بلندترین مدارج معنوی، دینی و اجتماعی رسید. قرآن کریم برای آحاد نابینایان این پیام را دارد که نابینایی مانع پیشرفت نیست. به شرط اینکه یاد و راه خدا، شور و شوق و مجاهدت فراموش نشود. این فصل نخست اسحاق را در متون تاریخ اسلام و سپس در آیات قرآنی بررسی می کند.

منابع تاریخی اسلام

تقریباً همه منابع تاریخ عمومی اسلام که در قرون سابق تألیف شده مثل الکامل و مروج الذهب، نیز منابع سیره رسول خدا که به معرفی انبیای الهی پرداخته اند، اسحاق را هم معرفی کرده اند. مطالب چند کتاب به عنوان نمونه گزارش می شود:

مسعودی (۲۸۰-۳۴۵ق) ذیل ابراهیم و پیامبران بنی اسرائیل می نویسد: اسحاق پس از ابراهیم، رفقا دختر بتوایل را به زنی گرفت. او عیص و یعقوب را از یک شکم آورد. هنگام تولدشان، اسحاق شصت ساله بود که نابینا شد. اسحاق در یکصد و هشتاد و پنج سالگی قبض روح شد و در جوار پدرش خلیل به خاک رفت. محل گورشان در هیجده میل از بیت المقدس در مسجد ابراهیم است. (۱)

یعقوبی ملقب به ابن واضح (درگذشت ۲۸۴ق) در کتاب مشهور تاریخ یعقوبی می نویسد: پس از وفات ابراهیم در شام، اسحاق به جای او بود. و رفقا دختر بتوایل را به زنی گرفت. عیص و یعقوب از آنها در وقتی که اسحاق شصت ساله بود متولد شدند و در ۱۸۵ سالگی از دنیا رفت. پس از بچه دار شدن در وادی جادو ساکن شد و چشمانش از دیدن تار گشت. (۲) همین نکته را ابن اثیر (۵۵۵-۶۳۰ق) در الکامل آورده است. (۳)

کسانی که درباره نابینایان به عنوان یک جامعه مستقلاً تحقیق کرده اند، به اسحاق و نابینایی او اشاره کرده اند. نخستین مؤلف و پژوهشگری که درباره معلولان کتاب مستقل نوشت جاحظ است. ابوعثمان عمرو بن بحر معروف به جاحظ (درگذشت ۲۵۵ق) کتابی به نام البرصان و العرجان و العمیان و الحولان درباره جذامی ها، معلولان حرکتی و نابیناها نوشت. این نخستین اثر درباره معلولان و نابیناها بود. در این کتاب از پیامبران نابینا و اسحاق یاد نشده است. نیز ابن قتیبه دینوری (درگذشت ۲۷۶ق)

ص: ۲۴

۱- مروج الذهب، مسعودی، ج ۱، ص ۳۹.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۸-۲۹.

در کتاب المعارف یک فصل به ناینها پرداخته ولی یادی از اسحاق نکرده است. (۱) اما ابن جوزی (ابوالفرج عبدالرحمن، درگذشت ۵۹۷ق) در کتاب تلخیص فہوم اهل الاثر، فصلی به انبیای نایننا اختصاص داده و در آنجا اسحاق، یعقوب و شعیب را معرفی کرده است. صفدی (درگذشت ۷۶۴ق) در مقدمه کتاب مشهورش، نکت الہمیان و نکت العمیان، اسحاق را به عنوان نایننا معرفی کرده و او را عضوی از جامعہ نایننایان می داند. (۲)

البته در قرآن سخن از نایننایی اسحاق به میان نیامده ولی در کتاب مقدس در سفر پیدایش در سطر اول چنین آمده است:

چون اسحاق پیر شد و چشمانش از دیدن تار گشته بود. نایننایی او تا حدی بوده که پسرش یعقوب را نمی دید و به او گفت: جلو بیا تا تو را لمس کنم. (۳)

چه زمانی نایننا شده و علل نایننایی او چه بوده، به وضوح مطلبی نمی یابیم. از قراین می توان به تاریخ نایننا شدن او پی برد، از بعضی نوشته ها که زمان نایننایی را با زمان بچه دار شدن مقارن دانسته و زمان بچه دار شدن را شصت سالگی دانسته اند، می توان حدس زد تاریخ نایننایی او شصت سالگی بوده است. بر اساس این سند حداقل دو سوم از عمرش یعنی ۱۲۰ سال از عمرش را نایننا بوده است. بعضی درباره اسحاق نوشته اند: پس از سپری شدن ۱۳۷ سال در حالی که پیر و نایننا شده بود، خواست از میان دو فرزندش یکی را به جانشینی انتخاب کند. (۴) یعنی حداقل تا ۱۳۷ سالگی بینا بوده و پنجاه سال بقیه زندگی اش را در نایننایی بوده، این مدت به اندازه عمر یک انسان معمولی است. به هر حال از منابع مختلف می توان نتیجه گیری کرد چندین دهه از عمرش نایننا بوده است.

اسحاق در قرآن کریم

هفده آیه ای که شامل اسحاق است، به ترتیب نظم قرآن های کنونی، به اختصار بررسی می شود:

- بقره، ۱۳۳: باور اسحاق به توحید

أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

فرزندان یعقوب به او گفتند: ما خدای یکتای اسحاق را می پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم. این آیه گویای اینست که اسحاق به توحید باور داشته است.

- بقره، ۱۳۶: وحدت دعوت اسحاق و محمد(ص)

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

-
- ۱- . نکت الهمیان، ص ۲.
 - ۲- . همان، ص ۳.
 - ۳- . عهدین، سفر پیدایش، ۲۷: ۱- ۲۹.
 - ۴- . دائرہالمعارف قرآن کریم، ج ۳، ص ۱۸۶.

بگوئید: ما به خدا ایمان آورده ایم و آنچه به ما... و اسحاق نازل شده است. مسلمانان خطاب به علمای یهود که دین خود را برتر می دانستند باید می گفتند: تفاوتی بین ادیان الهی نیست و دعوت همه آنها یکی است.

- بقره، ۱۴۰: یهودی نبودن اسحاق

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَنتُمْ أَغْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

می گوئید: ابراهیم... و اسحاق یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو: شما بهتر می دانید یا خدا که آنان یهودی و نصرانی نبودند.

در دوره حضرت محمد(ص) رهبران یهود اصرار داشتند که ابراهیم، یعقوب و اسحاق تابع دین آنان بودند و از مسلمانان می خواستند آنان هم تابع دین آنها باشند. اما این آیه به صراحت می گوید اسحاق و دیگر انبیا یهودی و نصرانی نبودند و شما به آنان تهمت می زنید.(۱)

- آل عمران، ۸۴: نزول آیات بر اسحاق

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

بگو به خدا و به آنچه بر... اسحاق نازل گردید، ایمان آوردیم. این آیه تصریح دارد همان گونه که شریعت و آیات بر یعقوب، ابراهیم، موسی و عیسی نازل شده، بر اسحاق هم نازل شده است.(۲)

- نساء، ۱۶۳: نزول وحی بر اسحاق

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا

به تو (محمد) وحی فرستادیم همان گونه که به نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، اسباط (بنی اسرائیل)، عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان وحی نمودیم.

یهود مدینه میان رسولان تفرقه می افکندند، خطاب به آنان می فرماید: بین آنها فرقی نیست و بر همه وحی فرستاده ایم. تفسیر نمونه می گوید: احتمال دومی مطرح است و ممکن است مخاطب اعراب جاهلی باشد. به مشرکان و بت پرستان می فرماید: چرا با محمّد و آیین او مخالفت می کنید در حالی که همین وحی بر امت ها و رسولان گذشته نازل می شد و آنان مخالفتی نداشتند.(۳)

- انعام، ۸۴: هدایت یافتن اسحاق توسط خداوند

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

به ابراهیم، اسحاق و یعقوب (فرزند اسحاق) را اعطا کردیم، هر دو را هدایت کردیم. خداوند تأکید می کند که فرزند پیامبر بودن فضیلت نیست بلکه باید ذاتاً پاک باشند. از این رو می فرماید: فرزندان

ص: ۲۶

۱- . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۴۰-۳۴۹.

۲- . همان، ج ۳، ص ۴۹۰.

۳- . تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۱۲.

ابراهیم را هدایت کرده ایم (کلاً هدینا). شأن دیگر اسحاق در آیه اینست که ادامه دهنده رسالت ابراهیم و میراث بان او است.

- هود، ۷۱: موجب شادی ابراهیم و همسرش

وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ

همسر ابراهیم در حالی که ایستاده بود، پس از اینکه او را به فرزندى به نام اسحاق بشارت دادیم، خندید و خوشحال شد.

اسحاق در زبان عبری به معنای خنده است. (۱) برخی از پژوهشگران مسلمان این آیه را بیانگر همین معنا می دانند. یعنی اسحاق موجب سرور و شادی و خنده پدر و مادرش، ابراهیم و ساره شده بود. (۲) اما این خوشحالی مطابق ضوابط الهی است و بدون ضابطه نیست؛ چون می فرماید: بشارت دادیم. بشارت به خبر مطلوب گفته می شود. یعنی شخصیت اسحاق و تولد او مطابق خواست و اراده خدا بود. به همین دلیل ساره هم خوشحال شد و موجب خوشحالی ابراهیم نیز شد. (۳)

- هود، ۷۱؛ تداوم دهنده خط ابراهیم

وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ

پس از اینکه به همسر ابراهیم از وجود فرزندى به نام اسحاق بشارت دادیم، خندید و از فرزندان اسحاق، یعقوب به رسالت خواهد رسید.

در این آیه دو بار کلمه اسحاق آمده: یک دفعه موجب شادی ابراهیم و ساره شد و بار دوم می فرماید: از جمله فرزندان اسحاق و یعقوب است. انبیا به عنوان هدایتگران جوامع انسانی همواره حضور دارند. اسحاق تداوم بخش راه ابراهیم و یعقوب تداوم راه اسحاق است. (۴)

- یوسف، ۶: اتمام نعمت بر اسحاق

كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحْيَادِِيثِ وَبِئْتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

اینگونه پروردگارت تو (یوسف) را بر می گزیند و تعبیر خواب به تو می آموزاند و نعمتش را بر تو و آل یعقوب کامل می کند همان طور که پیش تر بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام کرد.

آیه به صراحت تکمیل و تمام کرد نعمت بر اسحاق را گزارش می دهد. برخی تکمیل نعمت را دادن نبوت و مقام رهبری جامعه می دانند. (۵)

- یوسف، ۳۸: دارای ملت

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آيَاتِي إِِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مِمَّا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكُمْ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

من (یوسف) از آیین پدرانم، از ابراهیم، اسحاق و یعقوب پیروی می کنم.

ص: ۲۷

۱- . قاموس كتاب مقدس، ص ۵۳.

۲- . دائره المعارف قرآن كريم، ج ۳، ص ۱۸۸.

۳- . تفسير نمونه، ج ۹، ص ۱۶۷- ۱۷۰.

۴- . همان، ص ۱۶۷- ۱۷۱.

۵- . تفسير نمونه، ج ۹، ص ۳۰۷- ۳۱۰.

یوسف پس از اینکه عزیر مصر برایش مشکلاتی ایجاد کرد و زندانی شد، خودش را به زندانیان این گونه معرفی می کند: من تابع ملت پدرانم اسحاق و ... هستم، برای خداوند شریک قائل نیستیم. ملت یعنی دین، البته راغب اصفهانی با اینکه چند تفاوت بین ملت و دین قائل شده ولی در ارکان و جوهره ملت و دین را یکی می داند. (۱) ولی تفاوت ها و تمایزهای خاص ادیان با ملت بیان می شود؛ مثلاً گفته می شود مله ابراهیم یا مله اسحق یعنی دین ویژه ابراهیم و مشخصات خاص آن. ملت اسحاق هم دینی با ویژگی خاص داشته است.

- ابراهیم، ۳۹: اسحاق هدیه خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ

حمد خدای را که در سن پیری، اسحاق و اسماعیل را به من بخشید و هدیه کرد.

آیه از قول حضرت ابراهیم نقل می کند که می گفت: اینکه در سن پیری من و ساره بچه دار شدیم، همه بخشش خداوند است. برخی سن ابراهیم را به هنگام زاده شدن اسماعیل، ۹۹ سال و به هنگام زاده شدن اسحاق ۱۱۲ سال می دانند. (۲)

- مریم، ۴۹-۵۰: اسحاق عطیه الهی

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا (۴۹) وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۵۰)

یعنی همین که ابراهیم از آنها و بت های آنان که به جای خدا می پرستیدند کناره گرفت، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم. در این آیه اسحاق هبه و عطیه خداوند به ابراهیم دانسته شده اما این بخشش بدون دلیل نبوده بلکه پاداش بت شکنی ابراهیم است.

در این آیات دوبار فعل وهبنا (بخشیدیم، اهدا کردیم) به کار رفته اما محتوای بخشش ها متفاوت است. در آیه ۴۹، اسحاق و یعقوب موهوب اند و گیرنده بخشش، ابراهیم است، مورد بخشش هم اسحاق و یعقوب اند. اما در آیه ۵۰، موهب الیه، موهوب و مورد بخشش رحمت الهی است. (۳)

- مریم، ۴۹: انتصاب اسحاق به مقام نبوت

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا

یعنی به دلیل دوری ابراهیم از بت ها و بت پرستی، اسحاق و اسماعیل را به او بخشیدیم و هر یک را پیامبر قرار دادیم.

در این آیه دو امتیاز و شأن برای اسحاق در نظر گرفته شده: یکی هبه بودن حضرت؛ دوم انتصاب اسحاق به مقام نبوت است.

هر دو مقام نتیجه مبارزه با شرک و بت پرستی است. این درس برای همه مردم به ویژه برای نابینایان در همه زمان ها و دوره ها مطرح است. اگر خداگرا شوند و به ارزش های خدایی برگردند و عمل

ص: ۲۸

-
- ۱- . مفردات راغب، ص ۴۹۲.
 - ۲- . تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۶۳-۳۶۴.
 - ۳- . ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۸۱.

کنند، شرک را کنار بگذارند و یکتاپرست باشند، خداوند، پاداش های بزرگی برای آنها در نظر می گیرد و اعطا می کند.

- مریم، ۵۰: رحمت بودن اسحاق

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

یعنی به آنان (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) از ذخائر رحمت الهی بخشیدیم.

در آیه ۴۹ فرمود: ابراهیم از بت پرستی دوری نمود و خداوند را عبادت کرد، از این رو به عنوان پاداش به او اسحاق و یعقوب اهدا شد. سپس فرمود: ما آنان را به مقام نبوت هم برگزیدیم. در ادامه در این آیه می فرماید: از رحمت خود به آنان هبه کردیم و مکتب و ثروت اعطا نمودیم.

منظور و مراد رحمت در اینجا چیست؟ علامه طباطبایی سه احتمال ذکر کرده است: تأیید توسط روح القدس، امامت و بالاخره مطلق ولایت الهی. (۱)

هر کدام از اینها باشد، اسحاق به مقام بلندی رسیده است. با این تصور که گفته می شود نابینایان نمی توانند به جایی برسند و توانایی لازم را ندارند، مخالفت جدی دارد چون به تأیید قرآن اسحاق نابینا به مدارج عالی رسید.

- مریم، ۵۰: شهرت نیک اسحاق

وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

یعنی به اسحاق و یعقوب شهرت و آوازه ای بلند دادیم.

آیه در ادامه آیه ۴۹ است که فرمود: ابراهیم از بت و بت پرستی دوری نمود و غیر خدا را عبادت نکرد، به همین دلیل اسحاق و یعقوب را به او اهدا کردیم، دوم اینکه آنان را به منصب امامت برگزیدیم، سوم اینکه شهرت و آوازه فراگیر و صادقانه به آنها دادیم.

بنابراین خداوند چند پاداش مهم که هر کدام می تواند سرنوشت فرد و جامعه را دگرگون سازد، به اسحاق و یعقوب اعطا کرده است: اسحاق به عنوان عطیه الهی به ابراهیم بخشیده شد و سپس به مقام نبوت رسید؛ همه اینها از باب رحمت خداوند بوده است. یعنی خداوند اسحاق را خلق کرد و مقام نبوت داد تا رحمت برای مردم باشد؛ لسان صدق یا شهرت صادقانه و فراگیر به او داده شد. این مخالف با ذهنیتی است که نابینایان را منزوی و غیر کارآمد و غیر مشهور می داند. خداوند می فرماید: نابینا می تواند شخصیت مشهور باشد به طوری که جامعه نامش را به نیکی یاد کند.

- انبیاء، ۷۲: صالح بودن اسحاق

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ

یعنی به ابراهیم اسحاق و یعقوب بخشیدیم (تا ثواب کارش باشد) و هر یک از آنها را صالح قرار دادیم.

در این آیه دو نکته است: یکی اینکه اسحاق و یعقوب که به ابراهیم و هبه شده اند، نافلة هستند. یعنی ابراهیم اقدامات بزرگی انجام داده، برای تشکر از او، پاداشی به او اعطا شد که فرزنددار شدن در ایام پیری است. هر چه کار بزرگتر باشد، هدیه و پاداش هم باید بزرگ باشد. عمل ابراهیم بسیار بزرگ بوده چون بساطت پرستی را نابود کرد. اهدای اسحاق به او به عنوان پاداش بزرگ است.

ص: ۲۹

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۸۱.

نکته دوم صالح و نیکوکار بودن است. خداوند اسحاق را به مقام نیکوکاری منصوب کرد. این مقام عالی برای هر کس اتفاق نمی افتد. (۱)

- انبیاء، ۷۳: اسحاق از عابدین شد

وَجَعَلْنَاهُمْ

أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ.

یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب را به مقام امامت رساندیم تا هدایتگر امر الهی باشند، و به آنها وحی فرستادیم تا خیرات را انجام داده، نماز به پا دارند و زکات پردازند، و آنان برای ما از عابدان بودند. این آیه به چند شأن و ویژگی اسحاق اشاره می کند: امامت، هدایت، وحی، عابد و انجام خیرات. قبلاً هدایت و نزول وحی بر اسحاق توضیح داده شد (وحی بر اسحاق در نساء آیه ۱۶۳؛ هدایت اسحاق در انعام آیه ۸۴). اکنون به مقام عبادت اسحاق می پردازیم. اسحاق عابد و مطیع دستورات الهی بود و دستورات دیگران را اطاعت نمی کرد.

- انبیاء، ۷۳: انتصاب به مقام امامت

وَجَعَلْنَاهُمْ

أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا.

در ابتدای آیه می فرماید: ابراهیم، اسحاق و یعقوب را به مقام امامت رساندیم. علامه طباطبایی این مقام را برای ابراهیم و ذریه او مهم دانسته، زیرا آنان علاوه بر تصرف تشریحی، تصرف تکوینی در نفوس هم پیدا کردند. آنان به خوبی می توانستند مردم را هدایت و رهبری کنند. (۲)

- انبیاء، ۷۳: فعل خیرات

وَجَعَلْنَاهُمْ

أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ.

ابراهیم، اسحاق و یعقوب علاوه بر رسیدن به امامت و مقامی که به آنان وحی می شد، فاعل خیرات یعنی نشردهنده و مبلغ و مروج نیکی ها و خوبی ها در جامعه هم بودند. برای نمونه: نماز و زکات را ترویج می کردند. این دو، نمونه ای از کارهای نیک آنان است.

- عنکبوت، ۲۷: داشتن کتاب و اجر دنیوی و اخروی

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ.

یعنی ما به ابراهیم، اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و در دودمانش نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پاداش او را در دنیا دادیم و در آخرت از صالحان است.

چند نکته به عنوان ویژگی و شأن اسحاق بر می شمارد: عطیه الهی به ابراهیم، اعطای نبوت، و کتاب، اجر دادن در دنیا و در آخرت از صالحان بودن.

این پنج ویژگی و اجر دنیوی در این آیه جدید است ولی بقیه را قبلاً بیان کرده است. (۳) خوش نامی (لسان صدق) که قبلاً بیان شد، مصداقی از اجر دنیوی است.

ص: ۳۰

۱- . ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۲۸.

۲- . همان، ص ۴۲۸-۴۹۲.

۳- . تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۵۰-۲۵۲.

- صفات، ۱۱۲-۱۱۳: برکت؛ دودمان نیکوکار و ظالم

وَبَشِّرْنَا هُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ، وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ

ما به ابراهیم، اسحاق را به عنوان پیامبری صالح بشارت دادیم؛ او و اسحاق را برکت دادیم و از دودمان آنها افرادی نیکوکار به وجود آمدند و افرادی که آشکارا به خود ستم کردند.

در این دو آیه دو نکته جدید است و بقیه در آیات پیشین بود. برکت و ذریه دو گانه اسحاق در آیات پیشین نبود.

برکت اعطا شده به اسحاق عام است و شامل امور معنوی، مادی، مکتب و دین، زندگی و عمر انسان و اخلاق نیک می شود.

اما ذریه نیکوکار و بدکار یعنی ویژگی ها و شأن هایی که خداوند به اسحاق داد، به این معنا نیست که همه افراد ذریه او در آینده نیکوکار و صالح اند، بلکه هر کس با عمل و عقیده خود به مدارج عالی می رسد و می تواند با عمل بد و زشت خود به اسفل سافلین برسد. از ذریه اسحاق یهود چنین شدند. (۱)

- ص، آیات ۴۵-۴۷: صاحب چشم بینا و دست نیرومند؛ خالص شدن، برگزیده و نیک

وَأَذْكُرُ

عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ، إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصِهِ ذِكْرَى الدَّارِ، وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ.

در این آیات پنج ویژگی برای اسحاق بر شمرده است: دارای دستان نیرومند و چشمان بصیر، خالص شدن از همه ناپاکی ها توسط خداوند و رسیدن به مقام خالص به طوری که هر کاری را نه برای سود دنیوی که به خاطر آخرت انجام می داد، ویژگی دیگر اسحاق، برگزیده و از نیکان بود. خداوند از بین هزاران نفر او را برگزید و بالاخره با همت و تلاش خودش و عنایت الهی از نیکان شد. (۲)

نتیجه

قرآن کریم جمعاً ۲۹ ویژگی برای اسحاق بر شمرده است. هر یک از اینها اهمیت بسیار دارد و می تواند سرنوشت فرد یا قوم را دگرگون سازد. اسحاق بنابر اطلاعات تاریخی اکثر عمرش را نابینا بوده ولی قرآن کریم او را دارای بصیرت چشم دل می داند. یعنی بینایی فقط به داشتن حس بینایی نیست بلکه انسان با خودسازی و وصول به برکت و فیوضات الهی، توان تشخیص امور و بصیرت را خواهد داشت.

سرگذشت اسحاق برای نابینایان در این دوره بسیار عبرت آموز است و می توانند او را الگوی خود قرار دهند. (۳)

- ١- . تفسير نمونه، ج ١٩، ص ١٣٠-١٣١.
- ٢- . تفسير نمونه، ج ١٦، ص ٣٠٦-٣١٠.
- ٣- . اسحاق پیامبر هديه الهی، ص ٢٥-٢٧.

درباره مشخصات شخصی حضرت ایوب اختلاف‌های بسیار وجود دارد. بعضی او را پیامبری از ذریه اسحاق نبی دانسته‌اند؛ در حالی که بعضی او را معاصر حضرت ابراهیم می‌دانند. بعضی از نسب شناسان، جد ششم او را، ابراهیم (ع) دانسته (۱) و به آیه ۸۴ انعام که می‌فرماید «و من ذُریته داود و سلیمان و ایوب» اشاره می‌کنند. اکثراً ایوب را از انبیای بنی اسرائیل نمی‌دانند. چون بنی اسرائیل از نسل یعقوب اند ولی ایوب از نسل برادر یعقوب، عیص است. (۲) مسعودی نامش را به این صورت ضبط کرده است: ایوب بن موص بن زراح بن رعوایل بن عیص بن اسحاق بن ابراهیم. (۳)

اما در اینکه ایوب پیامبری بوده که علاوه بر مقام تبلیغ و ارشاد و راهنمایی، کتاب هم داشته و به اصطلاح اولوالعزم بوده، نیز در اینکه علاوه بر مقام نبوت، پادشاهی هم داشته، اختلاف است. (۴) در عهد عتیق با اینکه مفصلاً به ایوب پرداخته ولی به پیامبری او اشاره نشده، (۵) مستر هاکس در قاموس کتاب مقدس نوشته است: جزقیا اولین دفعه نام ایوب را به کار برد. به نظر او، ایوب در شرق فلسطین در جایی به نام عوص زندگی می‌کرد. (۶)

اما در معنای این نام و نیز در ریشه لغوی آن اختلاف است. بعضی ایوب را اصالتاً عبری و اصل آن را ایوب یا یوباب می‌دانند. نیز بعضی معتقدند: ریشه عبری ایوب به معنای گریه است و ایوب به کسی گفته می‌شد که فراوان گریه می‌کرده و اشک می‌ریخته است. مولانا درباره ایوب می‌گوید: من بهر مویت صبری دادمت. یعنی خداوند به دلیل مویه‌های ایوب، به او صبر داد، البته اگر این دیدگاه را بپذیریم، تناقضی پیدا می‌شود. از یک طرف گفته شده ایوب صابر و خوشنود به رضای حق بود و از طرف دیگر در مقابل مصائب و عارضه‌های امراض و معلولیت، دائماً ناراحت و گریان بود و اشک می‌ریخت. اینها مخالف علم و صبر است. از این رو نمی‌توان گفت ایوب صابر بوده و بر اثر صبرش به بزرگی و رحمت و بسیاری از محاسن رسیده ولی از طرف دیگر او را گریان و نالان در برابر مشکلات و معلولیت معرفی کرده‌اند. نیز اسمش ایوب به معنای گریان است.

این تناقض را می‌توان به دو صورت حل کرد؛ یک راه حل این است که زاری در دوره نخست بیماری و از دست دادن اموال بوده ولی صبر و شکر در دوره زمانی دیگر بوده اما راه حل دوم این است که ریشه نام و معنای ایوب را گریه و زاری ندانست؛ بلکه ریشه لغوی ایوب را ایب و به معنای بازگشت کننده به سوی خداوند دانست. البته برخی ایب را عبری و برخی عربی و نقل شده به فرهنگ عبری می‌دانند.

ص: ۳۲

۱- . روض الجنان، ج ۱۳، ص ۲۵۹؛ اعلام القرآن، ج ۲، ص ۴۸۷.

۲- . تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳- . مروج الذهب، مسعودی، ترجمه پاینده، ج ۱، ص ۴۰.

- ۴- . دائرہالمعارف قرآن کریم، ج ۵، ص ۲۰۷.
- ۵- . کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب ایوب، ص ۷۸۵-۸۲۹.
- ۶- . قاموس کتاب مقدس، مستر ہاکس، ص ۱۴۶؛ لغت نامہ دہخدا، ج ۳.

این معنا با توصیفی که در قرآن راجع به ایوب آمده و او را اَوَاب یعنی بازگشت کننده به خداوند معرفی کرده (۱)، سازگاری دارد. نیز بازگشت و بازگشت کننده با سرگذشت ایوب سازگاری بیشتر دارد. چون ایوب پس از سال های بیماری و صبر کردن، شکر خداوند را به جای آورد و از خداوند استمداد نمود تا سلامت پیدا کند.

همسر او با نام هایی چون الیا، لیا و رحمه (رحیمه) معرفی شده و او را دختر لوط یا دختر یعقوب دانسته اند. بعضی مادر او را، دختر لوط دانسته اند. پدر ایوب هم فردی متدین، خداگرا و موحد و تابع آیین ابراهیم شمرده شده است. (۲)

بیماری و آسیب جسمی

در قرآن مشکلات جسمی ایوب با دو واژه ضُر و نُصَب بیان شده است. ایوب خطاب به خداوند می گوید:

«وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (سوره انبیا، آیه ۸۳)

نیز «وَأذْكَرَ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ نُصُوبًا وَعَذَابًا» (سوره ص، آیه ۴۱)

بر اساس تفسیر نمونه، کلمه ضُر (بر وزن حر) به هرگونه بدی و ناراحتی که به روح و جان یا جسم انسان برسد، همچنین نقص عضو، از بین رفتن مال، مرگ عزیزان، پایمال شدن حیثیت و مانند آن گفته می شود. (۳)

بر اساس تفسیر المیزان، کلمه «ضر»- به ضم ضاد- به معنای خصوص بلاهایی است که مستقیماً به جسم آدمی می رسد، مانند مرض، لاغری و امثال آن. کلمه «ضر»- به فتح ضاد- همه انواع بلاها را شامل می شود. از ظاهر آیات بعدی برمی آید که مراد از «نُصَب و عَذَاب» بد حالی و گرفتاری هایی است که در بدن او و در خانواده اش پیدا شد. (۴) «نُصَب و عَذَاب» به معنای رنج و سختی و بلا- و شر است. پس ایوب (ع) مورد هجوم انواع بلاها قرار گرفت (۵) و مبتلا به درد و رنج فراوان و طاقت فرسا و شدید شده بود. (۶) بعضی منابع او را این گونه توصیف کرده اند: مبتلا به انواع بیماری های خبیث و بدخیم شده، به طوری که غیر از قلب و زبانش، عضو سالمی برای او باقی نمانده بود. (۷)

طبرسی گزارش کرده بعضی ها گفته اند: بیماری «ایوب» چنان شدت پیدا کرد که مردم از او دوری گزیدند و شیطان نیز به آنان وسوسه کرد که حضرت را پلید دانسته و از او بدشان آید. نیز به دلشان انداخت ایوب را از شهر بیرون کنند؛ حتی اجازه نمی دادند همسرش به عنوان یگانه پرستارش نزد مردم برود. ایوب از این مسئله بسیار ناراحت شد و در مناجات خود از بیماری سخت خود گلایه نکرد؛

ص: ۳۳

۱- .سوره ص، آیه ۳۴.

۲- .دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۷۲۲.

۳- .تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۷۸.

- ٤- . ترجمه تفسير الميزان، ج ١٤، ذيل آيه ٨٣ سوره انبياء؛ مجمع البحرين، ج ٢، ص ١٧٢.
- ٥- . ترجمه تفسير الميزان، ج ١٧، ص ٣١٧-٣١٨.
- ٦- . تفسير نمونه، ذيل آيه ٤١ سوره ص، ج ١٩، ص ٢٩٤.
- ٧- . اعلام القرآن، الشبستري، ص ١٦٤.

بلکه از شیطنت شیطان که رابطه حضرت را با مردم قطع کرد تا حضرت را از چشم مردم بیندازد، شکوه می کرد. (۱)

بلا- و بیماری در تورات چنین وصف شده است که سر تا پای بدن حضرت دچار دمل های دردناک شد به گونه ای که ایوب (ع) از شدت درد و رنج به خودش می پیچد و مردم نیز به سبب عفونت های بدنش از وی دوری می کردند. (۲)

امام صادق (ع) در این زمینه فرموده اند که هیچ یک از ابتلائات ایوب (ع) عفونت پیدا نکرد و بدبو نشد، نیز صورتش زشت و زننده نگردید، حتی ذره ای خون و یا چرک از بدنش بیرون نیامد و احدی از دیدن او تنفر نیافت. مردم نسبت به مقام او نزد پروردگارش جاهل بودند و نمی دانستند که خدای تعالی او را تأیید کرده و به زودی فرجی در کارش ایجاد می کند. بر اساس تفسیر نور بیماری و رنج وی مایه تنفر مردم از او نبوده، زیرا در این صورت، علاوه بر آن که برخلاف قاعده لطف است، با بسیاری از روایات و تفاسیر، از جمله تفاسیر المیزان، تفسیر کبیر فخر رازی، اطیب البیان، روض الجنان و روح الجنان از ابوالفتح رازی و تفسیر نمونه سازگار نیست. (۳)

از نظر عقلی هم، تنفر و دوری مردم از حضرت ایوب با عقل انسان سازگار نیست. پیغمبر نباید به گونه ای باشد که نتوان به وی نزدیک شد و پیامبر همیشه جاذبه دارد. (۴) یعنی انبیا مرجع و هدایتگر مردم اند و باید زمینه حضورشان در بین آنان فراهم باشد که هدایت تحقق پذیرد. آیه هم همین نکته را می فرماید: پیامبر نباید چنان باشد که مردم از اطرافش پراکنده شوند: «فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك»: یعنی در پرتو رحمت الهی برای آنها نرم و مهربان شدی که اگر خشن و سنگدل بودی، از گرد تو پراکنده می شدند (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹). (۵)

از این گفته ها بر می آید که دوری مردم از حضرت ایوب به خاطر نداشتن جاذبه و یا وضع ظاهری او نبوده بلکه به خاطر ضعف مالی حضرت و از دست دادن فرزندان و اقوامش بوده است، و این از کوه بینی مردم بوده که خودشان را از رحمت الهی (حضور ایوب نبی) محروم کرده بودند.

البته این مطلب که حضرت ایوب علاوه بر بیماری، فرزندان، ثروت و نعمت های زندگی را نیز از دست داده می توان از واژه های نُصَب و ضُرٌّ یعنی بلا و آسیب به دست آورد. هرچند این دو واژه در سوره انبیا و ص آمده اما در روایات و نیز در تورات آمده است: از بین رفتن اموال و فرزندان. نتیجه اینکه از منظر قرآن، ایوب به نُصَب و ضُرٌّ دچار شده و معنای عام این واژگان شامل هرگونه آسیب جسمی، مالی، خانوادگی و غیره می شود. از این رو حضرت آسیب مند و آسیب پذیر شده بود. بر اساس روایت تورات، شیطان نخست اموال و فرزندان و اقوامش را گرفت و هلاک ساخت، سپس جسمش را معیوب و بیمار نمود. از این رو وقتی جسمش معیوب شد، توانی برای اصلاح و مقابله برایش باقی نمانده بود.

ص: ۳۴

۱- مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۷۸؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۲۸.

۲- عهد عتیق، کتاب ایوب، ص ۷۸۶-۷۸۷ (باب دوم).

۳- تفسیر نور، محسن قرائتی، ذیل سوره ص آیه ۴۱ و سوره انبیاء آیه ۸۳.

۴- . تفسير نمونه، ج ۱۳، ص ۴۸۱.

۵- . همان، ج ۱۹، ص ۳۰۳.

تعبیر و گزارش منابع از وضع جسمی حضرت ایوب متفاوت است. حمدالله مستوفی معتقد است جسم ایوب که آکنده از زخم‌ها و آسیب‌ها بود، با ورود به چشمه یا عین ایوبی درمان شد و معلولیتش از بین رفت چنان‌که دیگر معلولان با رفتن به این چشمه، شفا پیدا می‌کنند. (۱)

اکثر منابع نُصب و ضَرْ را به گونه‌ای معنا کرده یا گزارش آنها از شرح وقایع و وضعیت جسمی ایوب به گونه‌ای است که نشان می‌دهد او بر اثر بیماری ناتوان و زمین‌گیر شده بود. این تعابیر مترادف و مرادف با معلولیت است. از این رو کسانی که نسبت به استفاده از واژه معلول برای حضرت ایوب حساسیت دارند، درست نیست. مهم این است که نباید به معلول بار منفی داد؛ معلول نوعی آسیب جسمی و بیماری است که بر هر انسانی حتی انبیا ممکن است عارض گردد. حتی رسول اکرم محمد مصطفی (ص) بیمار می‌شد. اگر انسانی بیمار نشود و حد بالای بیماری را که معلولیت است نداشته باشد، انسان نیست بلکه فرشته است یعنی جسم ندارد. هر موجودی جسم داشته باشد، ماهیت و لازمه آن، عروض بیماری، پیری، گذر از مسیر تولد تا مرگ است.

علت گرفتاری

در مورد علت بیماری و ناتوانی جسمی حضرت بین مفسران و مورخان اختلاف هست و چند تحلیل گفته‌اند: گاهی سبب آن را پناه بردن ایوب به فرعون بر اثر قحطی در سرزمین شام گفته‌اند و این که در حضور فرعون به اعمال او اعتراض نکرده است. دلیل این افراد، آیه ۴۱ از سوره ص: «وَإِذْ كُرِّعَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ نُنْصَبُ وَعَذَابٌ» است. به نظر اینان چون ایوب مرتکب گناه ترک امر به معروف و نهی از منکر شده بود، به عذاب یعنی بیماری و ناتوانی مبتلا گشت. زیرا عذاب، جزای گناه است.

نظر دیگر این است که عدم یاری مظلومی که از ایوب یاری خواسته بود یا مغرور شدن وی به مال فراوان را سبب گرفتاری اش گفته‌اند. اما دانشمندان معتزله و مفسران شیعه این دسته گزارش‌ها را برنتابیده و آن را برگرفته از تورات و اسرئیلیات دانسته‌اند. آنان در رد دیدگاه اول می‌گویند: واژه عذاب در آیه ۴۱ سوره ص به معنای مجازات نیست و هیچ دلیلی هم وجود ندارد که بیماری و گرفتاری‌های ایوب پیامد گناه او باشد. واژه «عذاب» در آیه ۴۱ از سوره ص: «أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ نُنْصَبُ وَعَذَابٌ» به معنای مجازات نیست، بلکه به معنای درد، تعب، رنج و ضرر است، برخلاف واژه «عقاب» که همواره به معنای مجازات است. (۲) در واقع عذاب در این آیه مترادف نُصب و توضیحگر معنای آن است. نُصب از ریشه «ن ص ب» یک بار در قرآن به کار رفته و به معنای تعب (رنج و آسیب) و انصَبنی به معنای اتعبی است. (۳)

در عهد عتیق وجود دارد: «اصحاب حضرت ایوب به وی گفتند: بگو بینم تو چه گناه بزرگی کرده‌ای که این چنین مبتلا شده‌ای؟». (۴)

ص: ۳۵

- ۲- . دائرہالمعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۲۰۷؛ دائرہالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۷۲۲.
- ۳- . مفردات راغب ص ۵۱۵.
- ۴- . کتاب مقدس، عهد عتیق، ص ۷۸۶ به بعد.

اما طبق آنچه در روایات و تفاسیر اصیل اسلامی موجود است، بیماری ایوب به خاطر گناه یا کفر نعمت نبوده بلکه به خاطر شکر نعمت بوده است. ابلیس بر شاکری اش حسد ورزیده، نزد خداوند عرضه داشت که عبادت و شکرگزاری ایوب به خاطر رفاه وی می باشد. پس اجازه تصرف در مال و فرزندان و جسم حضرت را خواست که ثابت کند ایوب وقتی در کام مشکلات فرو رود، دیگر شاکر نخواهد بود.

علامه طباطبایی روایتی از امام صادق (ع) نقل کرده که ابتلای ایوب به خاطر شکرگزاری او، نه عدم شکرگزاری بوده است. (۱)

همه جا چشیدن سختی ها نشانه ی دوری از خدا نیست. گاهی اولیای خدا سخت ترین شرایط را تحمل می کنند، تا به نعمت الهی برسند. ایوب هم پس از گرفتاری و سختی و ناتوانی ها با زدن پا بر زمین، چشمه آب خنک برایش جاری شد و با شستشو و نوشیدن به رضای الهی رسید. (۲)

در تفسیر المیزان به نقل از تفسیر قمی آمده که: همیشه بلاها و مصائب جنبه کیفری و تنبیهی ندارد، بلکه گاهی برای اعطای درجه است و جنبه آزمایشی دارد. با توجه به اینکه انبیا معصوم هستند، ناگواری ها به خاطر ارتکاب گناه و گوشمالی نیست. (۳)

بر اساس تفسیر نمونه شکوفایی استعدادها دلیل این رخداد است. بدین شکل که بدون آزمایش های سخت استعدادهای نهفته شکوفا نمی شوند. پس گاهی وجود حوادث چه برای افراد عادی یا انبیا ضرورت است، ضرورت شکوفایی استعدادها. (۴)

در تفسیر المیزان روایتی درباره چرایی ابتلای حضرت ایوب ذکر شده است که: امام صادق (ع) از پدرشان نقل کرده اند که اگر خدای تعالی او را به بلایی عظیم گرفتار کرد، بلایی که با آن در نظر مردم خوار و بی مقدار گردد، برای این بود که مردم درباره اش دعوی ربوبیت نکنند، و از مشاهده نعمت های عظیمی که خدا به وی ارزانی داشته، او را خدا نخوانند. (۵)

قرآن حادثه را این گونه تحلیل کرده است: این اتفاق به واسطه رحمت خداوند بوده تا درس عبرتی برای صاحبان عقل و خرد و اهل هوش باشد: «رَحْمَةً مِّنَّا وَ ذِكْرًا لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (سوره ص، آیه ۴۳)

این دلیل واضح و روشن حادثه است که قرآن بیان کرده و تفاسیر مختلف از جمله مجمع البیان، اطیب الطیبان، المیزان، کشاف، نمونه و نور نیز همین علت را ذکر کرده اند.

پس دلیل این رخداد، درس عبرتی به همه انسان ها، اعم از سالم یا معلول و حتی عبادت کنندگان (ذکری للعبادین: آیه ۸۴ از سوره انبیا و ذکری لِّأُولِي الْأَلْبَابِ: آیه ۴۳ از سوره ص) در همه اعصار و قرون است که صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و ناملایمت های زندگی نتیجه اش چیره شدن بر

- ١- . ترجمه تفسير الميزان، ج ١٧، ص ٣٢٤.
- ٢- . تفسير نمونه، ج ١٩، ص ٢٩٣-٢٩٧.
- ٣- . ترجمه تفسير الميزان، ج ١٧، ص ٣٢٤-٣٢٨.
- ٤- . تفسير نمونه، ج ١٩، ص ٢٩٣-٢٩٧.
- ٥- . ترجمه تفسير الميزان، ج ١٧، ص ٣٢٧.

مشکلات و کسب مقام والا در پیشگاه خداوند است؛ و اینکه فرزندان آدم نباید از مشکلات خم به ابرو آورده و غرق در شادی‌ها و غافل از خداوند باشند. چرا که خارج از توان خداوندی نیست که هر لحظه حال‌ها را دگرگون کرده و قوی را ضعیف و ضعیف را قوی کند و کسی را از عرش بر فرش بنشانند و دیگری را از فرش به عرش بکشانند. پس بدا به حال آنهایی که ضعیف را به خاطر فقرش ترک کرده و ثروتمند و قوی را به خاطر قوتش ستایش کنند.

سنت خداوندی این گونه است که به هنگام بروز مصیبت‌ها، صبر و شکیبایی موجب گشایش و آرامش است و در برابر مشقت و سختی‌ها باید صبور بود و نباید به سراغ یأس و دل‌مردگی رفت.

سنت دیگر که در سرگذشت ایوب آموزنده است: اراده خداوند این گونه محقق می‌شود که از طریق سلسله علل انسان‌ها به ذلت یا قدرت می‌رسند. آیه «...تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُنْزِلُ مَنْ تَشَاءُ...» (آیه ۲۶ سوره آل عمران) گویای همین نکته است. یعنی خداوند هر که را بخواهد با فقر، مریضی، ثروت یا هر وسیله دیگری امتحان می‌کند، خواه پیامبر باشد یا هر شخص دیگری.

گاه کسی را با این امتحان بالا برده به سعادت می‌رساند و یا فردی را به شقاوت کشانده و غرق بدبختی می‌کند.

این مبحث ریشه در بحث مهم کلامی «قضا و قدر» دارد. ولی خلاصه آن این است که خداوند علت اصلی در بیماری یا معلولیت نیست بلکه علل مختلف دست به دست هم داده و موجب معلولیت می‌گردد. (۱)

نقش شیطان

داستان ایوب گویای نکات مهمی است. یک نکته این است که معلولیت و مرض‌ها را خداوند به وجود نیاورده و منسوب به او نیست. چون ایوب می‌گوید: انی مسنی الشیطان بُصِبَ و عذاب (سوره ص، آیه ۴۱)؛ یعنی شیطان در من بیماری و معلولیت و رنج به وجود آورده، مشکلات را به شیطان منسوب کرده است. با اینکه حضرت ایوب به وضوح نصب و عذاب را به شیطان نسبت داده اما سؤالاتی پیش می‌آید:

۱. نقش شیطان در گرفتاری حضرت ایوب چه بوده است؟

۲. همان طور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های انبیا عصمت آنهاست که طبیعتاً باید مانع سلطه شیطان بر پیامبران شود، اما چرا حضرت ایوب بیماری و مشکلات خود را به شیطان نسبت داده است؟

۳. از آنجا که بیماری هم علل طبیعی دارد و هم علل عادی، چگونه حضرت بیماری خود را هم به بعضی از عوامل طبیعی نسبت داده و هم به شیطان؟

متکلمان مسلمان از قدیم به این مبحث پرداخته‌اند که آیا شیطان در سرنوشت انبیا راه دارد و اگر دارد، تا چه اندازه؟ آنان در پاسخ پرسش‌های فوق گفته‌اند:

۱. بعضی احتمال داده‌اند که دخالت شیطان در بیماری و مشکلات حضرت ایوب به واسطه وسوسه‌های او بوده که پیوسته

خطاب به حضرت می گفته: تو نعمت های بزرگی داشتی و روزگاری بر

ص: ۳۷

۱- انسان و سرنوشت، ص ۵-۳۰.

تخت سلامت و صلابت و قوت نشسته و اکنون خوار و ذلیل گشته ای. خدایی که عبادتش می کردی، تو را فراموش کرده و به خویش رهایت ساخته است و دیگر به تو رحمت و موهبتی ندارد. تا بدین طریق حضرت را از مسیر نورانی عبادت منحرف ساخته و به وادی ناسپاسی واردش کند. (۱)

بعضی دیگر از تفاسیر از جمله المیزان و مجمع البیان نقش شیطان را وسوسه کردن مردم اطراف حضرت دانسته اند که از ایوب متنفر شده و وی را از شهرشان بیرون کنند و از او دوری گزینند.

۲. تفسیر المیزان به نقل از تفسیر کشاف گفته است که به هیچ سخن نمی توانیم این سخن را بپذیریم که خدا شیطان را بر انبیای خود مسلط کند تا هر جور دلش خواست، آن حضرات را اذیت و آزار کند و دچار عذاب نماید و از این راه داغ دل خود را از آنان بستاند، چون اگر بنا باشد این کار نسبت به انبیا جایز باشد، نسبت به پیروان انبیا یعنی مردم صالح نیز جایز است، آن وقت رانده ی درگاه خدا هیچ مؤمن صالحی را از این انتقام خود سالم نمی گذارد. همه را بیچاره و هلاک می کند با اینکه در قرآن کریم مکرر آمده که شیطان به غیر از وسوسه هیچ دخالت و تأثیر دیگر ندارد. پس اشکال زمخشری وارد نیست؛ برای اینکه آنچه در قرآن کریم از خصائص انبیا و سایر معصومان شمرده شده، عصمت است که به خاطر داشتن آن، از تأثیر شیطان در نفوسشان ایمن اند، و شیطان نمی تواند در دل های آنان وسوسه کند. اما تأثیرش در بدن های انبیا و یا اموال و اولاد و سایر متعلقات ایشان، به اینکه از این راه وسیله ناراحتی آنان را فراهم سازد، نه تنها هیچ دلیلی بر امتناع آن در دست نیست، بلکه دلیل بر امکان وقوع آن هست، و آن آیه شریفه «فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَ مَا أَنَسَانِيَهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ» می باشد که راجع به داستان مسافرت موسی با همسفرش یوشع (ع) است. یوشع به موسی می گوید: اگر ماهی را فراموش کردم، فراموشی کار شیطان بود، او بود که نگذاشت به یاد ماهی بیفتم. پس از آیه برمی آید که شیطان این گونه دخل و تصرف ها را در دل های معصومان دارد. اما اینکه گفت: لازمه جواز و امکان مداخله شیطان در دل های انبیا این است که در دل های پیروان انبیا نیز دخل و تصرف بکند، در پاسخش گفته اند: این ملازمه را قبول نداریم، زیرا ما که می گوئیم ممکن است شیطان چنین تصرف هایی در دل های معصومان بکند، معتقدیم که هر جا چنین تصرف هایی بکند، به اذن خدا می کند، به این معنا که خدا جلوگیری نمی شود، چون مداخله شیطان را مطابق مصلحت می بیند، مثلاً می خواهد مقدار صبر و حوصله بنده اش معین شود، از آن گذشته این تصرف محدود و موقتی بوده و ترفیع حضرت را به دنبال داشته است. لازمه این حرف آن نیست که شیطان بدون مشیت و اذن خدا هر چه دلش خواست، بکند و هر بلایی که خواست، بر سر بندگان خدا بیاورد. (۲)

۳. پاسخ این سؤال را علامه طباطبایی چنین بیان کرده است: این دو سبب یعنی شیطان و عوامل طبیعی، دو سبب در عرض هم نیستند، تا در یک مسبب جمع نشوند، و نشود مرض را به هر دو نسبت داد، بلکه دو سبب طولی اند. ممکن است گفته شود: اگر چنین استنادی ممکن باشد، ولی صرف امکان دلیل بر وقوع آن نمی شود. از کجا که شیطان چنین تأثیری در انسان ها داشته باشد که هر کس را خواست بیمار کند؟ پاسخ: نه تنها دلیلی بر امتناع آن نداریم، بلکه آیه شریفه «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَ

۱- . تفسیر نمونه، ذیل آیه ۴۱ از سوره ص.

۲- . ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۱۹-۳۲۰.

الْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» (سوره مائده / ۹۰) دلیل بر وقوع آن است، برای اینکه در این آیه، شراب و قمار و بت ها و ازلام را به شیطان نسبت داده و آن را عمل شیطان خوانده است. (۱)

به هر حال فراوان از معلولان می شنویم که خداوند مرا به معلولیت دچار ساخته و تمامی مشکلات را گردن خدا می اندازند. در حالی که ایوب مشکلات خود را به شیطان نسبت داده است. چون خداوند خیر، رحمت، نیکی و سعادت برای بنده اش می خواهد ولی شیطان شقاوت، بدبختی، مرض و معلولیت را به ارمغان می آورد.

واکنش حضرت ایوب

در جمله «...أَنَا وَجَدَنَاهُ صَابِرًا نَعِمَ الْعَبْدُ أَنَّهُ أَوَّابٌ». (سوره ص، آیه ۴۴) حضرت ایوب به سه وصف مهم توصیف شده که در هر شخص باشد انسان کاملی است: ۱. مقام عبودیت ۲. صبر و شکیبایی و استقامت ۳. بازگشت پی در پی به سوی خدا. (۲)

۱. بندگی

خداوند در تجلیل و بزرگداشت «ایوب» او را به بندگی خود مفتخر ساخت و درباره او این تعبیر را به کار برد: «وَأَذْكُرُ عِبَادَنَا».

بندگی در جامعه انسانی و بین دو شخص به معنای بردگی، در بند، بسته بودن، دنباله رو، غلام و گوش به فرمان ارباب بودن است. اما در بندگی خداوند که یک طرف آن خدا و طرف دیگر آدمی است، یعنی عشق به خدا به عنوان کمال محض و منجی انسان، نیز داشتن کرنش در برابر خداوند بی هیچ تفاخر و تکبر، یعنی دلبسته و تسلیم خدا، تسلیمی اختیاری و تنها از سر عشق، تسلیم محضی که سراسر لذت است و بس. این بنده عاشقی است که جز خواست معشوقش را نمی خواهد. در برابر خواست خداوند در خودش اختیاری نمی بیند؛ برای رضایتش می گوید، برای رضایتش می پوشد، برای رضایتش کار می کند، برای رضایتش می خوابد و اینکه یکایک ثانیه های زندگی اش در سایه سار رضایت خدا سپری می شوند. کمال و تمام زیبایی ها را در وجود خداوند می بیند، جز او را خوب مطلق نمی داند، پیوسته و هر کجا و هر زمان با خدایش است و تابع امر او. این بنده وابستگی به معشوقش را در تک تک سلول های تنش احساس می کند، و جسم و جان، دارایی، خویشان و نزدیکان و خلاصه هستی خود را در گرو وجود خداوند و متعلق به او می داند. اگر دارای ثروت باشد یا نباشد؛ قوم و خویشی داشته یا نداشته باشد؛ تمام اعضای تنش سالم باشد یا دردمند؛ ظاهری طبیعی یا غیرطبیعی داشته باشد؛ خلاصه انسان عابد همواره در مقام رضایت کامل است. چرا که می داند نه مالک خود است و نه مالک چیز دیگری از دنیای فانی، بلکه مالک حقیقی همان معبود است. پس کسی که به مقام بندگی حضرت حق نائل آید، خود را چنان کودکی در آغوش گرم خداوند رها می کند و با تمام وجود به ناخدای کشتی زندگی اعتماد کرده و سرسپرده امر او، به هر سو که خدایش برد، خشنود است. حال اگر نعمتی را از کف دهد، به عزایش نمی نشیند که هیچ، بلکه خواست خدا را بر خواست خود ترجیح می دهد. حضرت ایوب(ع)، این

١- . ترجمه تفسير الميزان، ج ١٧، ص ٣١٨.

٢- . تفسير نمونه، ج ١٩، ص ٣٠٠.

شکيب مرد تاريخ، با وجود همه گرفتاري ها و مشكلات پاى در عرصه بندگى نهاده و از طرف خداوند ميزبان اين مقام عظيم قرار مى گيرد.

در واقع بندگى خداوند، آزاد شدن از همه قيود و بردگى هاى انسان نسبت به افراد ديگر؛ ساختن خويشتن در عرصه کمالات و تربيت نفس خويش و پرورش اخلاقيات نيك در ضمير خود است.

۲. صبر

مفسران و قرآن پژوهان، ابتلاى حضرت ايوب را بين هفت تا هيچده سال دانسته اند. (۱)

بيمار نياز به آرامش و تسلى خاطر دارد ولى نزديكان و مردم دوره ايوب به جاى ايجاد آرامش، او را ترك كردند و يا به شماتت و ملامت ايوب پرداختند. (۲)

حضرت در اين دوران كه اموال و ثروت و سلامت خود را از دست داد، دردى تازه به جانش افتاد و در ميان ناراحتى ها و رنج ها آنچه بيشتر روح ايوب را آزار مى داد، شماتت دشمنان بود. (۳)

پس دوستانش، اين كوته فكران سطحى نگر، بى رحمانه زبان به شماتت و ملامت وى گشوده و زخم زبانش مى زدند، زخمى بس التيام ناپذير و درد آور. در آخر پراكنده شده و تنهائش گذاشتند. حتى كسى نبود زير شانه هائش را بگيرد و يا اينكه دردش را ببيند. اما هيچ يك از ناملايمت هاى روزگار نتوانستند ايشان را به انحراف از مسير حق بكشانند.

آن پيامبر بزرگ خدا هرگز نه در مهر و لطف خدا ذره اى ترديد كرد و نه از شكيبايى در برابر گرفتاري ها ذره اى تزلزل به خود راه داد (۴) و براى عبور از بحران صبر را برگزيد (اَنَا وَجَدَنَاهُ صَابِرًا: سوره ص / آيه ۴۴).

پيدااست كه دعائى او به درگاه خدا، و تقاضاى دفع وسوسه هاى شيطان، و رنج و محنت و بيمارى، منافات با مقام صبر و شكيبايى ندارد، آن هم بعد از هفت سال يا به روايتى هيچده سال با درد و بيمارى و فقر و ندارى ساختن و تحمل كردن و شاکر بودن. (۵) نيز سرگرم عشق بازي با خدا و بى تفاوت نسبت به تعريف و تحقير و دوستى و دشمنى مردمان، چنان كه بالاترين دليرى و جسارت را به خرج داد و خزان را به اميد جوانه اى دوباره تحمل كرد (اَنَا وَجَدَنَاهُ صَابِرًا). اگرچه بيمارى و مشكل روى خوشى ندارند اما براى دوستان خدا، درد عالمى دارد چنان كه حضرت با بودن با خدايش از درد و رنج تهى مى شد. زيرا عشق خداوندى برايش مرهم زخم زبان ها بود و داشتنش جبران همه نداشتن ها.

سال ها بر اين منوال گذشت تا آنگاه كه تنش از درد بيمارى چو شمع مى سوخت، و آنگاه كه زمين تنگ و روزگار پريشان شده بود، آنگاه كه سنگيني مشكلات ايوب پيامبر رعه بر تن كوه مى انداخت و بى خردان اطرافش صحنه آزمون خداوند را ترك گفته و رهايش كردند، آنگاه كه لحظاتش سخت تشنه

- ١- . تفسير نمونه، ج ١٩، ص ٢٩٦.
- ٢- . مجمع البيان، ج ٨، ص ٣٦٥.
- ٣- . ترجمه تفسير الميزان، ج ١٧، ص ٣٢٥-٣٢٧؛ تفسير نمونه، ج ١٩، ص ٢٩٦.
- ٤- . تفسير مجمع البيان، ج ٨، ص ٣٦٥.
- ٥- . تفسير نمونه، ج ١٩، ص ٣٠٠.

باران رحمت خداوندی بود، آنگاه که دردهای کهنه اش را مرهم نیاز بود، شاید هر شخص دیگر غیر از حضرت در آن آشفتگی دقایق، طوفان مصیبت تار و پودش را زیر و رو می کرد و چهار ستون بدنش زیر فشار مشکلات تا می خورد، حضرت اما فقط دست نیاز را به سوی خداوند دراز کرد و عرض نمود: پروردگارا به من رنج و عسرتی رسیده است و تو ارحم الراحمینی. (سوره انبیاء / ۸۳).

حضرت حل مشکلات خود را با تعبیری بسیار مؤدبانه و خالی از هر گونه شکایت از خدا خواست. (۱) آنگاه که گفت: «پروردگارا! به من رنجی رسیده است، همانا تو ارحم الراحمینی». ایوب در جریان دعا کردن از تعبیری استفاده نکرد که بوی شکایت بدهد و حتی نمی گوید: پروردگارا گرفتاری مرا برطرف کن، بلکه می گوید: گرفتار مشکلاتی شده ام و تو ارحم الراحمینی، زیرا می داند که خداوند بزرگ است و رسم بزرگی را می داند؛ نیز در این آیه خدا را با صفتی خوانده که با نیازش تناسب دارد. یعنی گفت: ارحم الراحمین. این گفتار نشان از آن دارد که حضرت به غیر درگاه حق، یاری از خلق نمی خواهد و غیر پروردگار به دیگری امیدی ندارد (انت ارحم الراحمین: سوره انبیاء / ۸۳). (۲)

۳. بازگشت کننده

سوره «ص» سه نفر از پیامبران بزرگ را به عنوان اواب (توبه کننده) توصیف کرده است: داود و سلیمان و ایوب، و در سوره ق آیه ۳۲ این وصف را برای همه بهشتیان ذکر کرده است: «هذا ما توعدون لکل اواب حفیظ». این تعبیرات نشان می دهد که مقام اوّابین والا و ارجمند است. هنگامی که به منابع لغت مراجعه می کنیم می بینیم اواب از ماده «اوب» «بر وزن قول» به معنی رجوع و بازگشت است.

رجوع و بازگشت با توجه به صیغه اواب که مبالغه است، دلالت بر تکرار و کثرت دارد. اشاره به این است که اوّابین در برابر عواملی که آنها را از خدا دور می سازد، اعم از زرق و برق جهان ماده، یا وسوسه های نفس و شیاطین، حساسیت بسیار دارند. اگر لحظه ای دور شوند، بلافاصله متذکر شده و به سوی او باز می گردند. اگر لحظه ای غافل گردند، به یاد او می افتند و جبران می کنند. (۳) طبق این توصیف حضرت ایوب پیوسته مواظب اعمال خود بود. حتی در دوره بیماری، روح خویش را به گونه ای پرورش داد که مطابق میل خداوند باشد. در نهایت خداوند وی را بنده خطاب کرد؛ و بنده یعنی عاشق و در عالم عشق جای هیچ گله از معشوق نیست، و گرنه که آن عشق نیست.

به قول حافظ:

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ

عشق بازان چنین مستحق هجرانند

ص: ۴۱

٢- . تفسير نور، ذيل آيه ٨٣ سورة انبياء.

٣- . تفسير نمونه، ج ١٩، ص ٣٠٤.

خزائلی و بعضی دیگر، وصف اَوَاب را که در قرآن آمده، ریشه عربی واژه ایوب می دانند و گفته اند: آیب اسم فاعل، اوب و اَوَاب صیغه مبالغه آن است و ایوب متناسب با این دو واژه در طول قرون به این صورت متداول شده است. (۱)

اجابت دعا و شفا یافتن

دعای حضرت ایوب (ع) مستجاب شد (فاستجبنا...، سورة انبیاء / ۸۴). سپس ندا آمد که «ارکض هَذَا مُغْتَسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ: اینک در برابر دید گانت چشمه ای است برای شستشوی بدن و دارای آبی سرد و گوارا برای نوشیدن» (سورة ص، آیه ۴۲)؛ «ارکض» از ماده «رکض» (بر وزن مکث) به معنی کوبیدن پا بر زمین، و گاه به معنی دویدن آمده و در اینجا به معنی اول است. (۲)

واژه «مُغْتَسِلٌ» به مفهوم جایگاه شستشو آمده، گرچه بعضی آن را به آبی که در آن شستشو می کنند نیز معنا کرده اند. (۳) گاه گفته شده معنای آیه چنین است: آبی پدید آمد، حضرت از آن نوشید و حمام کرد و شفا یافت؛ و یا اینکه چشمه ای جوشید و حضرت بهبود یافتند، در مفهوم آیه تفاوتی ایجاد نمی کند، اما معنی اول مورد تأیید اکثر تفاسیر از جمله المیزان و نمونه است. به نظر می رسد که در آیه چیزی حذف شده باشد و در اصل گویی این گونه است: پس او پای خود را بر زمین کوبید؛ و آنگاه چشمه ای جوشید. به باور برخی با کوبیدن پا بر زمین به خواست خدا دو چشمه جوشید که از یکی از آن دو برای شستشوی بدن بهره گرفت و بهبود یافت و از دیگری آب سرد و گوارا نوشید. (۴)

در تفسیر المیزان آمده: در این جمله کلمه ای در تقدیر است و اصل آن این گونه است: «فاستجبنا له و قلنا ارکض...» سیاق آیه که امر است، اشاره دارد بلکه کشف می کند: آن جناب در آن موقع آن قدر از پا در آمده بود که قادر به ایستادن و راه رفتن با پای خود نبوده، در سراپای بدن بیماری داشته، خدای تعالی اول مرض پای او را شفا داده، سپس چشمه ای در آنجا برایش جوشانده، دستور داد که از آن چشمه حمام بگیرد، و بنوشد تا ظاهر و باطن بدنش از مرض ها بهبودی یابد. و این مطالب، مورد تأیید روایات است.

در تفسیر قمی در ذیل آیه «وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ...» (سورة انبیاء / ۸۴) آمده: یعنی خداوند فرزندان وی را که مرده بودند زنده کرد، چه آنهایی که پیش از گرفتاری حضرت مرده، و چه آنها که در حال گرفتاری از دنیا رفته بودند. از امام صادق علیه السلام درباره ی «و مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ» سؤال شد که چگونه همانند آنان را به ایوب داد؟ فرمود: خداوند از فرزندان او که قبلاً به مرگ طبیعی مرده بودند، همراه کسانی که هلاک شده بودند، به او برگرداند: (۵)

«خانواده او را سالم و با نشاط به او باز گرداندیم. و»

ص: ۴۲

۱- . اعلام قرآن، ص ۲۳۴؛ دائرةالمعارف قرآن کریم، ج ۵، ص ۲۰۷.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۶؛ نیز نک تفاسیر المیزان و مجمع البیان ذیل همین آیه.

٣- . مجمع البيان، ج ٨ ص ٣٦٤.

٤- . همان.

٥- . ترجمه تفسير الميزان، ذيل آيه ٨٤ سوره انبياء.

مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ؛ و خاندان و بستگان و همانند آنها و ثروت از دست رفته اش را به او بازگردانیدیم و همه آنها را به صورت دو برابر افزایش دادیم» (۱).

در روایات آمده: تمامی کسان او به غیر از همسرش مردند و آن جناب به داغ همه فرزندانش مبتلا شده بود، و بعداً خدا همه را برایش زنده کرد، و آنان را مثل سابق به آن جناب بخشید.

بعضی گفته اند که فرزندان او در ایام ابتلا از او دوری کردند و خدا با بهبودی اش آنان را دوباره دورش جمع کرد، و همان فرزندان زن گرفتند و بچه دار شدند. پس معنای اینکه خدا فرزندان او را به وی بخشید، همین است که آنان و فرزندان او را دوباره دورش جمع کرد (۲).

همچنین در تفسیر جمله «آئیناه اهل و مثله معهم»، گفته شده که خداوند علاوه بر فرزندان خودش، فرزندان دیگری نیز به او داد. بعضی نیز احتمال داده اند که خداوند فرزندان تازه و نوه هایی به ایوب داد که جای خالی فرزندان از دست رفته اش را پر کردند (۳).

اما نکاتی که از این دو آیه (سوره انبیاء، آیه ۸۴ و سوره ص، آیه ۴۴) می توان آموخت، عبارت اند از:

۱. نتیجه بندگی خدا، بنده شدن حوادث است. به محض اینکه حضرت خدایش را خواند، مشکلات و حوائج در برابر استقامت و امیدواری این شکیب مرد قد خم کرده و به زانو در آمدند.

۲. رابطه خاص حضرت ایوب با پروردگار در کنار موج مصیبت های وارد شده بر ایشان.

۳. لطف الهی بیش از درخواست بندگان است؛ چرا که حضرت ایوب فقط می گوید: پروردگارا به من بیماری و رنجی رسیده است و تو مهربان ترین مهربانانی. اما خداوند هم بیماری حضرت را شفا می بخشد و هم اقوام و ثروت ایشان را به وی باز می گرداند.

خلاصه اینکه «أَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا: قطعاً در پی دشواری ها آسانی است» (سوره انشراح، آیه ۶). خداوند در قرآن با زبانی واضح و رسا با بندگان صحبت کرده؛ فقط کافی است اندکی هشیار باشیم، به گفته هایش گوش جان بسپاریم، توکل کرده و به وعده هایش اعتماد کنیم تا همچون حضرت ایوب که جواب توکل و صبرش را گرفت و به مقام بندگی نائل آمد، ما هم اگر همین راه برویم، به آرامش حقیقی می رسیم.

بالاخره ایوب با صبوری و شکیبایی نه تنها عافیت و سلامت یافت بلکه به امکانات و دارایی های فراوان هم رسید. این درس بزرگی برای معلولان است.

تدبیر حضرت ایوب

در پیوند با عهدی که در مورد همسر خود بسته بود، ایوب تدبیری اندیشید. نام همسر حضرت ایوب، رحمت دختر افرایم

فرزند یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم (ع) بود. (۴) طبق برخی روایات دیگر نامش لیا و دختر یعقوب بود. (۵)

ص: ۴۳

-
- ۱- . مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۶۴.
 - ۲- . ترجمه تفسیر المیزان، ذیل آیه ۸۴ سوره انبیاء.
 - ۳- . تفسیر نمونه، ذیل آیه ۸۴ سوره انبیاء.
 - ۴- . ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۲۵.
 - ۵- . تفسیر نور، ذیل آیات ۴۱ تا ۴۴ سوره ص.

در قرآن هیچ نامی از همسر حضرت ایوب برده نشده اما آیه: وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ... یک مشت شاخه در دست بگیر و به او بزن تا سوگند خود را نشکسته باشی (سوره ص / ۴۴) اشاره به تکلیف حضرت ایوب در پیوند با تصمیمی است که در مورد همسرش گرفته، در قرآن علت این تصمیم حضرت ذکر نشده است.

اما در تفسیر المیزان به نقل از تفسیر قمی آمده همسر وفادار حضرت ایوب نزد مردم می رفت تا صدقه بگیرد، و طعامی برای ایوب تهیه کند و چون گیسوانی زیبا داشت، بدو گفتند: ما طعام به تو می دهیم به شرطی که گیسوانت را به ما بفروشی. وی از روی اضطرار و ناچاری و به منظور این که همسرش ایوب گرسنه نماند، گیسوان خود را فروخت.

ایوب چون دید گیسوان همسرش بریده شده، پیش از اینکه از جریان بپرسد، سوگند خورد که صد تازیانه به او بزند. و چون همسرش علت بریدن گیسوانش را شرح داد، ایوب (ع) نسبت به سوگندش اندوهگین شد. (۱)

عده ای در این مورد نوشته اند: آن بزرگوار به خاطر برخی کوتاهی های همسرش عهد کرده بود که پس از بازیافت سلامتی خویش یکصد تازیانه به او بزند. بعضی دیگر دلیل تصمیم «ایوب» را دیر آمدن همسرش می دانند. همسرش از پی کاری روان شد و در بازگشت اندکی دیر آمد. آن بزرگوار که از فشار درد و رنج و تأخیر او ناراحت شده بود، سوگند یاد کرد که پس از بهبودی کامل یکصد تازیانه به او بزند. پس از بهبودی در این اندیشه بود که این تصمیم را عملی کند یا نه؟ که مهر و لطف خدا بر او فرود آمد و فرمان رسید که: وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ؛ برای عمل به نذر کافی است که دسته ای از گل و گیاه و یا ساقه گندم را بگیرد و به وسیله آنها به همسرش بزند تا هم به نذر خویش وفا نموده باشد و هم یار و مددکار روزهای گرفتاریش را نرنجانند. (۲)

درست است که زدن یک دسته ساقه گندم یا چوب های خوشه خرما مصداق واقعی سوگند او نبوده، ولی برای حفظ احترام نام خدا و عدم اشاعه قانون شکنی این کار را انجام داد، و این تنها در موردی است که طرف مستحق عفو باشد و انسان می خواهد در عین عفو، حفظ ظاهر قانون را نیز بکند، و گرنه در مواردی که استحقاق عفو نباشد، هرگز چنین کاری مجاز نیست. (۳) حال که حضرت ایوب در برابر انواع مصیبت ها بندگی کرد یا به بیان دیگر هوای ایمان خود را داشت تا مبادا از فراز آسمان ها و همسایگی خداوند به زمین آمده و از درگاهش دور شود، پس از بهبودی وی نیز خداوند این چنین هوای حضرت را داشت که در زمینه این تصمیم، راه درست را به حضرت نشان داد. از این رو بنده شایسته خداوند، نه عهدی را شکست و نه به همسرش ظلمی کرد. خوشا آنان که تا این حد با خداوند دوست و رفیق باشند.

ص: ۴۴

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۲۸.

۲- مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۶۴.

۳- تفسیر نور، ذیل آیه ۴۴ سوره ص.

از نظر قرآن، معلولیت سد راه ترقی انسان ها نیست؛ حتی خداوند معلولیت را مانع پیامبری نمی داند. اینکه خداوند فرد معلولی را به پیامبری برگزید، مایه درس آموزی است. نکات و عبرت های زیادی در سرگذشت ایوب در قرآن آمده و مایه عبرت آموزی مسلمانان است. قرآن پس از بیان سرگذشت حضرت می فرماید: این تذکری است برای اولی الالباب (خردمندان)؛ به پاره ای از این نکات اشاره می شود:

- ایوب از هدایت یافتگان است. (انعام، آیه ۸۴)
- ایوب از محسنین و نیکوکاران است. (انعام، آیه ۸۴)
- به او وحی می شده است. (نساء، آیه ۱۶۳)
- هم ردیف ابراهیم، اسماعیل، یعقوب، یونس، هارون و سلیمان است. (نساء، آیه ۱۶۳ و انعام، آیه ۸۴)
- بدبختی ها و مشکلات در زندگی انسان از جمله در زندگی ایوب منسوب به شیطان است. (سوره ص، آیه ۴۱)
- با تلاش و بهره گیری از توانمندی های خود، نصب، ضر و معلولیت را کنار زد و بی اثر ساخت. (سوره ص، آیه ۴۲)
- باید از خداوند برای رفع مشکلات ناشی از معلولیت طلب کمک نمود (انبیاء، آیه ۸۳)
- اجابت و پاسخ مثبت خداوند به درخواست ایوب (انبیاء، آیه ۸۴)
- رفع مشکلات و ناراحتی های ناشی از معلولیت پس از خدا گرایی. (انبیاء، آیه ۸۴)
- ایوب بر اثر معلولیت نه تنها فقیر و بیچاره نشد بلکه ثروتمند و صاحب امکانات فراوان گردید. (انبیاء، آیه ۸۴)
- سرگذشت ایوب را عبرتی برای بندگان و خردمندان دانسته است. (سوره انبیاء، آیه ۸۴)
- ایوب را بر اثر مرض و معلولیت از جامعه طرد کردند و مردم با او رفتار ناشایسته داشتند ولی او هرگز آنان را نفرین نکرد و بد مردم را نخواست.
- خداوند به او امر کرد که پا به زمین بکوبد و چشمه ای آب گرم برای شستشوی بدن بیمارش و چشمه ای آب سرد به او اعطا کرد. (سوره انبیاء، آیه ۸۴) یعنی او روی پای خودش به پا خواست و عافیت بازیافت.
- خداوند ایوب را اواب یعنی بازگشت کننده به سوی خداوند (ص، آیه ۳۲)، صابر (ص، آیه ۴۴) و عبد می داند (سوره انبیاء، آیه ۸۴).

- معلولیت منتسب به خداوند نیست بلکه ایوب می گوید شیطان مرا به بلایا دچار کرده است. (ص، آیه ۴۱)

- خداوند به ایوب کتاب، داوری و نبوت اعطا کرد. (انعام، آیات ۸۹-۹۰)؛ حتی بر اساس برخی اسناد پادشاهی به او داد.

ص: ۴۵

داستان سرگذشت ایوب در سه فرهنگ اسلامی، یهودی و مسیحی مؤثر بوده است. به طوری که هم در قرآن به آن توجه شده و هم در تورات، رساله ای به نام ایوب هست. نیز در ادبیات فارسی مثل هایب مثل صبر ایوب، چشمه ایوبی و شراب ایوبی رواج دارد. ایوب نبی در بلاکشی و صبر و تحمل و یعقوب نبی در فراق و دوری از فرزندش و صبر، در همه این فرهنگ ها اسوه و الگو شده اند.

فرجام سخن

داستان حضرت ایوب(ع) حاکی از این است که همه انسان ها؛ اعم از معلول و غیر معلول، در همه دوره ها به تذکار نیاز دارند، که اگر به هر شکلی اوضاعشان تغییر کرد (به بدترین یا بهترین شکل)، یاد و خاطرشان باشد که غلام، برده و بنده خدایند، پس باید پذیرای تغییر و راضی به رضایش باشند (ذکری لأولی الالباب). بدانند که حوادث وارده طبق مصلحت خداوندی است و حتماً حکمتی دارد.

هدف از زندگی رسیدن به کمال است و اگر در شادی ها غرق باشیم و خدا را فراموش کنیم و یا غم زمانه، سایه‌ی ناامیدی بر زندگی مان بیافکند، مسافتی به وسعت تمام عمر از کمال و مقام قرب الهی جا می‌مانیم. اما اگر هدفمان را درک کنیم و کیفیت و لذت عالم قرب را به کام خویش بچشیم، هیچ حادثه و گرفتاری و مسئله ای ما را از مسیر بندگی منحرف نمی‌سازد. واقعیتی که پیوسته جاری است، زندگی است. زندگی صحنه بازیگری است و پروردگار با همه جبروتش کارگردان بازی ما. تلخی و شیرینی دوران بازیگری مان می‌گذرد، بازی ما اما محفوظ می‌ماند. و هنرمند، آن که در این فرآیند با اجرای خویش محبوب کارگردان شود. (۱)

حضرت یعقوب

یعقوب فرزند اسحاق، فرزند ابراهیم خلیل، علیهم السلام، ملقب به اسرائیل است (آل عمران، ۹۳؛ مریم، ۵۸). این نام عربی و از ریشه «عقب» نیست، بلکه عبری است. فرزندان اسرائیل را که عبرانیان یا قوم یهود باشند «بنی اسرائیل» می‌نامند. بنی اسرائیل همان اسباط دوازده گانه اند که زاد و رود دوازده فرزند یعقوب هستند، از این رو یعقوب جد بنی اسرائیل است. برادر توأم عیسو، و مادرش دختر لوط(ع) بود. از انبیای عظام الهی است، و نام او در قرآن شانزده بار یاد شده و چند مورد نیز به او اشاره شده که مفصل ترین اشاره به او در داستان یوسف(ع) در سوره یوسف است. پس از درگذشت اسحاق(ع) به پیامبری رسید. شریعتی که تبلیغ می‌کرد، شریعت ابراهیم(ع) بود و کتاب او صُحُف ابراهیم(ع)؛ و در قرآن به این مسئله اشاره شده است که یعقوب هنگام مرگ از فرزندان خود پرسید: پس از من چه کسی را خواهید پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت، خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را خواهیم پرستید (بقره، ۱۳۳).

ص: ۴۶

در قرآن دوازده بار اسم حضرت یعقوب آمده و در آیاتی به صورت ضمیر و اشاره مورد خطاب قرار گرفته از جمله در آیه ۸۴ سوره یوسف آمده است:

«وَأَبْيَضْتُ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ» یعنی چشمان حضرت یعقوب از فرط اندوه نسبت به یوسف سفید شد (نابینا گردید) اما او هرگز کفران نمی کرد.

نویسندگان تفسیر نمونه و علامه طباطبایی «ابيضت عیناه» را به معنای کوری چشمان حضرت یعقوب تفسیر کرده اند. علامه طباطبایی آیه ۹۳ همین سوره را قرینه می داند که باید «ابيضت عیناه» را نابینا شدن چشمان حضرت یعقوب تفسیر کرد. زیرا یوسف می گوید:

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرا (سوره یوسف آیه ۹۳) یعنی پیراهن مرا ببرید و روی صورت پدرم بیندازید، بینایی او باز می گردد. (۱)

یعقوب در شرایطی که راهنمایی جامعه را بر عهده و مقام نبوت داشت، حداقل چند سالی بر اثر فراق فرزندش یوسف نابینا شده بود.

ص: ۴۷

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۳۳۲-۳۳۳ و ۳۱۸-۳۱۹؛ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۵۱-۵۲.

معلولان در سمت‌ها و پست‌های عالی کشوری در دوره اسلامی حضور داشته و به عنوان قاضی؛ ریاست بیمارستان و بهداشت و درمان؛ جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در امور اجتماعی و فرهنگی؛ مشارکت در فعالیت‌های بزرگ اجتماعی و دینی؛ رهبری مبارزه علیه حاکمان ظالم؛ پادشاه یا وزیر و غیره به اداره امور پرداخته‌اند. نمونه‌هایی مثل سلطان محمد خدابنده و احمد بن بابویه در تاریخ اسلام و ایران فراوان می‌باشند. پادشاهان، وزیران و دیوان سالاران دارای معلولیت را «صفدی» در کتابش نکت‌الهمیان فی نکت‌العمیان معرفی کرده است. ولی هنوز تحقیق جامع در این باره نشده است. اینجا صرفاً منتخبی از شخصیت‌های دارای معلولیت و شاغل در سمت‌های بالا را معرفی می‌کنیم.

عبدالله بن ام مکتوم

عبدالله یا عمرو بن قیس بن زائده، از بنی عامر بن لؤی، صحابی و مؤذن نابینای پیامبر اکرم. گفته‌اند که نام وی قبل از گرویدن به اسلام، حصین بود و پیامبر او را عبدالله نام نهاد. پدرش، دایی خدیجه همسر پیامبر بود و مادرش عاتکه بنت عبدالله بن عنکته بن عامر بن مخزوم نام داشت و کنیه اش ام مکتوم بود و عبدالله به وی منسوب شد. درباره تاریخ تولد، دوران جوانی و نیز چگونگی نابینایی ابن ام مکتوم آگاهی دقیقی در دست نیست، اما به نظر می‌رسد که چشمان خود را در کودکی از دست داده بوده است. وی در اوایل بعثت در مکه حضور داشت. به اسلام نیز دلبستگی یافته بود چندان که از پیامبر، آنگاه که با برخی از سران قریش چون ولید بن مغیره سخن می‌گفت و امید داشت که به اسلام بگروند، خواست برایش قرآن بخواند، آیه «عَبَسَ - وَ تَوَلَّى، اَنْ جَاءَهُ الْاَعْمَى» در حق وی فرود آمده است. ظاهراً وی اندکی پس از آن، اسلام آورد. گفته‌اند که ابن ام مکتوم و مصعب بن عمیر، نخستین کسانی بودند که به دستور پیامبر و برای ارشاد مردم یثرب - پیش از هجرت - به آن شهر رفتند. اما برخی برآنند که وی اندکی پس از جنگ بدر به مدینه رفت و در «صَفَّه» مسجد مدینه مسکن گرفت و پیامبر سپس او را در خانه مخرمه بن نوفل فرود آورد.

ابن ام مکتوم نیز چون بلال، مؤذن پیامبر بود و رسول خدا چندان به وی اعتماد داشت که او را سیزده بار، از جمله در غزوات احد، خندق، بنی نضیر و بنی قریظه، به جای خود در مدینه برگمارد. پس از جنگ تبوک آیه ۹۵ سوره نساء که در سرزنش کسانی که از رفتن به پیکار سرباز زده بودند، نازل شد و مجاهدان را بر راحت طلبان برتری نهاد، ابن ام مکتوم نابینا و دیگر ناتوانان را مستثنا ساخت: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ - مِنَ الْمُؤْمِنِينَ - غَيْرِ اُولِي الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ». با این همه، پس از آن در جنگ‌ها حاضر می‌شد و می‌گفت: پرچم جنگ به من دهید، چه نابینایم و نمی‌توانم بگریزم.

گفته اند که ابن ام مکتوم در جنگ قادسیه حاضر بود و پرچم سیاهی در دست داشت. سپس به مدینه بازگشت و همان جا درگذشت؛ و به روایتی در همان جنگ به قتل رسید. کسانی چون عبدالرحمان بن ابی لیلی و ابورزین اسدی از او روایت کرده اند. (۱)

ابن ام مکتوم از صحابه نامدار رسول خدا(ص) بود که به رغم نابینایی آثار و خدمات قابل توجهی از خود به یادگار نهاد. سمت های مهم از رسول خدا دریافت نمود. او نه از اقوام حضرت و نه از بزرگان قریش یا دیگر طوایف عرب بود تا به جهات سیاسی و مصالح ملی یا دینی بر کاری منصوب گردد؛ نه رسول خدا(ص) اهل زدوبندهای مرسوم در بین سیاستمداران و فرهنگ جاهلی بود تا بی جهت او را بر مقامی بگمارد؛ بلکه شخصیت عالی قدر و مؤثر و کاردانی ابن ام مکتوم موجب شد تا کارهای بزرگی به او سپرده شود.

مشاغل و سمت هایی مثل مؤذن صبح رسول خدا در آن زمان مثل رئیس ستاد تبلیغات یا وزیر فرهنگ و ارشاد در این زمان، یا جانشین رسول خدا به هنگام رفتن به جبهه و تدبیر امور مدنی مثل نخست وزیر در این زمان است. حال این پرسش مطرح است که در این دوره آیا مسلمانان و رهبران مسلمانان آمادگی دارند که یک نفر نابینای مطلق و کسی که موقعیت خاص در مناسبات و اقوام و قبائل ندارد و از اشراف یا اشراف زادگان نیست و از این نظر آدمی کاملاً معمولی محسوب می شود، به عنوان مدیر کل جامعه، مدبر جامعه، رئیس تبلیغات و امور فرهنگی جامعه انتخاب شود؟

پرسش دوم اینست: مسلمانانی که خود را تابع رسول خدا دانسته و حضرت را مقتدا و اسوه خویش می دانند به ویژه رهبران دینی مسلمانان، چرا تاکنون نابینایان شایسته را در مناصب کلان منصوب نکرده و به سیره حضرت اقتدا ننموده اند؟

اسماء

دختر ابوبکر

اسماء دختر ابوبکر (عبدالله بن ابی قحافه)، ۲۷ سال پیش از هجرت به مدینه، در شهر مکه چشم به جهان گشود. در مکه رشد کرد و در جوانی با زبیر بن عوام ازدواج نمود. جزء بیست نفر نخستین اسلام آورندگان به واسطه پدرش بود.

مهم ترین خدمت او به جامعه پویای اسلامی کمک به مخفی شدن رسول خدا(ص) و ابوبکر در غار، در راه مکه و مدینه و تأمین نیازمندی های آنان به ویژه خوراک آنان بود. نقش اسماء بیش از یک فرد مطلع بوده و در گمراه کردن تعقیب کنندگان مؤثر بود. ابن اثیر رخدادهای مربوط به هجرت را با تفصیل بیشتر گزارش کرده است. آنان سه روز در غار بودند. اسماء هر روز پس از تاریک شدن هوا برای آنان غذا می برد. رفتن به سمت غار هم به بهانه چراندن گوسفند بود.

قریش یکصد شتر و افراد فراوانی را مأمور یافتن رسول خدا و همراهانش کرده و فضای امنیتی شدید در مسیر مکه به مدینه حاکم بود. گروهی به رهبری ابوجهل خانه های مکه را تفتیش می کردند.

۱- . توان نامه، آبان - بهمن ۱۳۹۲، ص ۶۶-۶۷.

وقتی به خانه ابوبکر رسیدند، از اسماء پرسیدند: پدرت کجا است؟ اسماء گفت نمی دانم؛ ابوجهل سیلی محکمی به گونه وی زد.

یکی از افتخارات اسماء این است که او را به «ذات النطاقین» لقب داده اند. نطق به معنای کمر بند و پیش بند است. چون پیش بند خود را دو قسمت کرد و غذای پیامبر را در آن بست و نزد حضرت برد.

بعداً با تغییر ارزش ها، ذات النطاقین که روزی افتخار بود، توسط شامیان و پیروان معاویه به عنوان لقب منفی و مذمت به کار می رفت و مثلاً پسر اسماء را فرزند ذات النطاقین می خواندند. اسماء چندی پس از هجرت رسول خدا، به مدینه هجرت کرد. گاه درباره فعالیت های اجتماعی او شرکت در جنگ یرموک همراه شوهرش زبیر در دوره خلافت عمر گزارش شده است. اما چندی بعد از زبیر جدا شد و تا آخر عمرش با فرزندانش زندگی می کرد. او تا سال ۷۳ق و حدود یکصدسال زندگی کرد. اما چند دهه آخر عمرش نابینا و ناتوان شده بود. دانشمندان رجالی اهل سنت، اسماء را راوی و محدث ثقه و مورد اطمینان دانسته اند. او روایات فراوانی نقل کرده است. روایان پرکاری مثل عباد بن عبدالله، عروه بن زبیر و فاطمه بنت منذر از او روایت نقل کرده اند. نیز در حوادث فرهنگی و اجتماعی سده اول و دوم هجری صاحب رأی بود و نقش داشت. او زنی فصیح بود و شعر می سرود. در رثاء شوهرش زبیر، مرثیه ای سروده که در منابع تاریخ درج است. دانش های دیگری مثل تعبیر خواب می دانست و به دیگران آموزش می داد. آیه شش در سوره ممتحنه در شأن او نازل شده و اسماء را ضمناً عدالت پیشه و غیرظالم به حقوق دیگران می خواند.

در مجموع با اینکه تقریباً یک سوم از عمرش را دچار معلولیت و ناتوانی و نابینایی بود ولی همواره در امور اجتماعی و فرهنگی مسلمانان فعال بود. حتی زن بودن مانع فعالیت های او نبود. از این رو الگوی مناسبی برای توان خواهان و معلولان است. (۱)

عبدالله بن عقیف ازدی

نابینا ظلم ستیز

پس از حوادث کربلا ابن زیاد امر کرد مردم در مسجد کوفه اجتماع کنند؛ در جامع بزرگ کوفه جمعیت زیادی حاضر شدند، ابن زیاد منبر رفت و گفت: ستایش می کنم خداوند را که حق را آشکار کرد و امیرالمؤمنین یزید و حزب او را پیروز گردانید، و دروغ گوی فرزند دروغ گو را با شیعیان و یارانش را کشت!

هیچ کس پاسخ او را نداد، ناگاه یک نابینا به نام عبدالله بن عقیف از جایش حرکت کرد و با صدای رسا گفت: ای فرزند مرجانه! دروغ گو و فرزند دروغ گو تو هستی و پدرت بود و آن کس که تو را به این مقام منصوب کرده است. فرزند پیمان شکنان را می کشید و مانند صدیقان سخن می گوید؟!!

۱- . توان نامه، آبان - بهمن ۱۳۹۲، ص ۷۴.

تصور کنید در شرایطی که سپاه ابن زیاد مسرور از پیروزی است و اباعبدالله حسین (ع) و یارانش را شهید نموده اند و تمامی صدهای حق خواه را در سینه ها خفه نموده اند، دل شیر می خواهد که در مقابل مسئول همه حوادث ایستاد و با شجاعت سخن گفت.

ابن زیاد گفت: این کیست؟ عبدالله گفت: من هستم ای دشمن خدا، تو ذریه طاهره را می کشی و فرزندان پیغمبر (ص) را که خداوند فرموده آنها از هر نوع آلودگی پاک هستند، دشنام می دهی و گمان می کنی که مسلمان هستی، کجا هستند فرزندان مهاجر و انصار که از این ستمگر ملعون که پیغمبر آن ها را لعنت کرده است انتقام بگیرند؟!

ابن زیاد از سخنان او به خشم آمد و گفت: او را نزد من بیاورید، پاسبانان حرکت کردند او را دستگیر کنند، عبدالله شعار قبیله ازد «یا مبرور» را بر زبان جاری کرد، در این هنگام گروهی از قبیله ازد برخاستند و او را از دست سربازان ابن زیاد نجات دادند و به منزلش بردند، عبدالرحمان بن مخنف ازدی گفت: این چه کاری بود که کردی؟! خود و عشیره ات را در معرض هلاکت قرار دادی.

ابن زیاد گفت: از تو سؤالی نمی کنم و اینک مرگ را خواهی چشید، عبدالله گفت: من خداوند را سپاسگزار خواهم بود که مرا بکشی. همواره از خداوند آرزو داشتم که شهادت را روزی من کند، پیش از آن که مادرت تو را بزاید و از خداوند خواسته بودم که ملعون ترین و مبغوض ترین بندگانش مرا بکشد. هنگامی که دید گانم نابینا شد، از نعمت شهادت مأیوس شدم، ولی اکنون خداوند را سپاسگزارم که پس از یأس مرا به آرزویم رسانید، و دعای مرا اجابت فرمود. ابن زیاد دستور داد گردن عبدالله را زدند و جسد او را در محل کثیفی به دار آویختند. (۱)

ابوالجارود، عبدی همدانی خراسانی، زیاد بن ابی زیاد منذر (۱۵۰ق)

مفسر قرآن و نابینا

زیاد بن ابی زیاد منذر بن جارود عبدی همدانی خراسانی، مکنّی به ابوالجارود و ابوالنجم. نخست از اصحاب حضرت باقر علیه السلام بلکه به نوشته بعضی، از اصحاب حضرت امام سجّاد و صادق علیه السلام نیز بود؛ لکن تفسیر خود را تنها از حضرت باقر علیه السلام روایت می نماید. اخیراً بعد از خروج زید بن علی بدو گرایید، از آن حضرت اعراض کرده و زیدی مذهب شد و همچنان که کور مادرزاد و بی بصر بود، بی بصیرت هم گردید. فرقه جارودیه هم که به همین جهت به سرحوییه نیز موسوم و از شعب زیدیه هستند، بدو منسوب و اخبار بسیاری در نکوهش وی وارد است. در سال ۱۵۰ق و یا بعد از آن سال درگذشت. (۲)

ابن صهبان، ابو عمر حفص بن عمر (۱۵۰-۲۴۶ق)

مدرس قرآن و ادیب و نابینا

۱- . توان نامه، شهریور و مهر ۱۳۹۲، ص ۵۴.

۲- . ریحانه الادب، جلد ۷-۸، ص ۵۱-۵۰؛ دائرهالمعارف نوابغ، ص ۷۷.

ابوعمر حفص بن عمر بن عبدالعزیز ابن صهبان، قرآن آموز و متخصص در ادبیات عرب بود و سال ۱۵۰ق در بغداد به دنیا آمد. با اینکه نابینا بود، در طلب علم به سفر پرداخت و سرانجام در سامرا و ری ایران سکونت گزید. قرائت را از ابوعمر و بن علاء و کسایی آموخت و از آنان روایت می کرد. عربی را از ابومحمد یحیی بن مبارک یزدی فراگرفت و احمد بن حنبل از وی حدیث شنید. از آثارش می توان به قرآت النبی و اجزاء القرآن اشاره کرد. وی در سال ۲۴۶ق در ربویه، از روستاهای ری درگذشت. (۱)

محمد بن سعدان (۱۶۱-۲۳۱ق)

نحوی و قاری شیعی و نابینا

ابوجعفر محمد بن سعدان مشهور به ابن سعدان در سال ۱۶۱ق در بغداد متولد شد. وی نحوی و قاری و پیرو مذهب تشیع بود. در نحو پیرو کوفیان و در قرائت از حمزه زیارت پیروی می کرد و قرائت ویژه ای عرضه کرد که رواج نیافت. از محمد بن سعد کاتب واقدی، عبدالله بن احمد بن حنبل و ابن مرزبان روایت کرد. وی نابینای مادرزاد بود.

آثارش عبارت اند از: الجامع، المجرد، کتاب القرائه و مختصر النحو. (۲)

ابن میمون، عماره بن حمزه (۱۹۹-؟ق)

شاعر و کاتب، نابینا از یک چشم

عماره بن حمزه ابن میمون، شاعر و کاتب دستگاه دیوانی عباسیان از موالی عبدالله بن عباس، سفاح و ابوجعفر منصور بود. نزد منصور و مهدی عباسی جایگاهی بلند داشت و در بصره، فارس، اهواز، یمامه و بحرین حکومت راند. ابن میمون از یک چشم نابینا بود. در خدمت ابن مقفع درس خواند. مردی زبان آور، خودپسند و در عین حال، گشاده دست و بلند همت بود. به بدخویی شهرت داشت. اما چون وی را بر گردن عباسیان حقی بود، جانبش را رعایت می کردند و حرمتش نگه داشتند. در کتابت استادی چیره دست بود و او را در بلاغت با استادانی چون ابن مقفع مقایسه می کردند. از جمله آثارش عبارتند از: دیوان الرسائل، الرساله الماهنیه و رساله الخمیس. (۳)

ابن ابی الیمان (۲۰۰-۲۸۴ق)

ادیب و زبان شناس نابینا

ابن ابی الیمان، ابوبشر یمان بن ابی الیمان بندنیجی، در سال ۲۰۰ق در شهر بندنیج به دنیا آمد. وی ادیب و زبان شناس ایرانی تبار مقیم عراق و نابینای مادرزاد بود. او به بغداد، سامرا و بصره سفر کرد

- ۱- . دائرہالمعارف نواب، ص ۶۵.
- ۲- . فرهنگ زندگی نامہ ہا، ص ۴۷۱.
- ۳- . دائرہالمعارف نواب، ص ۷۵.

و نزد ابن سکیت و ریاضی علم و ادب آموخت. ابن ابی الیمان در سال ۲۸۴ق در بغداد وفات یافت. او آثار ارزنده ای از خود به جای گذاشته است. از جمله آثار او: التعقبه، معانی الشعر و العروض. (۱)

ابن مرزبان، ابومنصور (متولد ۳۰۰ق)

ادیب، فلج دو دست

ابومنصور محمد بن سهل مشهور به ابن مرزبان بغدادی، وی را از مردم کرج ابی دلف در ناحیه جبال ایران می دانند. اندیم با وی معاصر بود و به نقل از کسی که ابن مرزبان را دیده بود، می گوید که: دست های وی فلج بوده ولی از هوش و درایت بسیاری بهره ور بود. علاوه بر تدریس نویسنده هم بوده است. (۲)

ابن مقله بیضاوی، ابو علی محمد (۲۷۲-۳۲۸ق)

وزیر، شاعر و مبتکر خط، بریده شدن دست و زبان

ابو علی محمد بن حسین ابن مقله بیضاوی شیرازی، وزیر، شاعر و خوشنویس چند تن از خلفای عباسی بود. پدرش از مردم بیضای فارس بود که به بغداد کوچ کرد. محمد در زادگاهش نزد پدر به تحصیل علم و فراگیری خط کوفی پرداخت. او نه تنها در خوشنویسی یگانه عصر خویش بود، بلکه ابداع و اختراع چند نوع خط را به او نسبت می دهند. بنا به روایت، او خط ثلث را از خط کوفی استخراج نموده، سپس نسخ، تعلیق، توفیق و رقاع را نیز اختراع کرد. او در اندک زمانی شهرت یافت و شهره خاص و عام گردید. خانه وی محل تجمع علاقه مندانش گردید که برای آموختن خط از شهرهای دور و نزدیک به دورش جمع می شدند. ابن مقله در زمان خود تمامی خطوط مذکور به خصوص خط نسخ را به مناسبت سهولت کتابت بسیار رواج داد.

وی به خدمات دیوانی پرداخت و پیش از سنه ۲۹۶ق در فارس تحصیل دار مالیات اراضی بود. ابوالحسن بن فرات وی را به خود نزدیک گردانید. از این پس کار ابن مقله بالا گرفت. ابن مقله در وزارت دوم ابن فرات (۳۰۴ق) با تنی چند در توطئه علیه وزیر شرکت جست. با آشکار شدن نقش او در توطئه، ابن فرات او را در بند کرد. همسر وی که از خانواده ای توانگر بود، با پرداخت مبلغ یک میلیون دینار او را از زندان آزاد کرد. در دوره دوم وزارت، علی بن عیسی (۳۱۵ق) متصدی مصالح عامه شد. در سال ۳۱۶ق مقتدر، خلیفه عباسی، وی را به وزارت گمارد. یک سال بعد، خلیفه او را بر کنار کرد و به فارس فرستاد، در همین دوره سرپرستی دیوان مظالم و قضا را نیز به عهده داشت. ابن مقله، در برابر درازدستی و سستی که خلیفه پیشه کرده بود، با مخالفان وی همدلی کرده و در اندیشه فرو گرفتن خلیفه افتاد. اما خلیفه از قصد ابن مقله باخبر شد و وی را ناچار گریخت.

ص: ۵۳

در ۳۲۰ق سرکردگان ترک سپاه، قاهر را از خلافت برداشته و راضی (۳۲۲ق) را بر جای او نشانند. خلیفه جدید نیز ابن مقله را برای سومین بار به وزارت برگمارد. در سال ۳۲۴ق با توطئه و فتنه انگیزی، ابن رائق خلیفه را واداشت تا او را از وزارت بردارد. ابن رائق که هنوز از جانب وی آسوده خاطر نبود، خلیفه را ناگزیز کرد تا او را دربند کرده، دست راستش را از تنش جدا سازد. ابن مقله کوشید تا نظر خلیفه را برگرداند، اما توفیقی نیافت و دست وی که بیم آن می رفت با نوشته هایش به مردم آگاهی رسانیده و آشوبی برانگیزد، بریده شد.

ابن مقله از این پس کوشید با دست چپ به نوشتن ادامه دهد. وی تا آنجا پیش رفت که با باقیمانده دست راست خود نیز می نوشت. این کار میسر نبود جز با تلاش و کوشش ممارست.

ابن مقله شعر را نیکو می سرود و در اشعار خود که در این دوره سروده، از سرنوشت خود نالیده است.

اصلاحات وی در خط، آن را به صورت ابزاری مناسب برای نگارش درآورد. اسماعیل بن حمار، محمد بن اسماعیل بغدادی، ابواسحاق ابراهیم بن هلال صابی، شمس المعالی قابوس بن وشمگیر، حسن بن مرزبان سیرانی، احمد بن حسین غضاوی، ابن بواب و گروهی دیگر از شاگردان و پیروان وی بودند. چندی بعدی در زندان، زبان ابن مقله را به خاطر گفتن سخن حق بریدند و سرانجام به روایتی در سال ۳۲۸ یا ۳۳۰ق درگذشت. (۱)

آل بویه، معزالدوله ابوالحسن (۳۰۳-۳۵۶ق)

پادشاه قطع یک دست و چند انگشت

معزالدوله ابوالحسن احمد بن ابی شجاع آل بویه. در نبردی که میان وی و علی بن زنگی، معروف به علی گلویه (در متون عربی، با کاف نوشته می شود) سر کرده قبایل کوفیچ و بلوچ رخ داد، یک دست و چند انگشت احمد بریده شد و او از همین رو به «قطع» معروف گشت.

اندکی بعد پسر بویه وارد بغداد شد (۱۹ دسامبر ۹۴۵م) و از سوی خلیفه لقب «معزالدوله» یافت. برادرانش علی و حسن نیز به ترتیب به «عمادالدوله» و «رکن الدوله» ملقب شدند و به دستور خلیفه القاب آنها بر سکه ها نقش گردید و معزالدوله شیعی مذهب، بر خلیفه عباسی چیرگی تمام یافت. دوازده روز بعد، خلیفه المستکفی را کور کرد و به زندان افکند و فضل بن مقتدر را به نام «المطیع لله» به خلافت نشانند و روزانه صد دینار مقرری برای او تعیین کرد. (۲)

ابن سلامه، ابوالقاسم هبه الله (متولد ۴۱۰ق)

مفسر نابینا

ابوالقاسم هبه الله بن سلامه بن نصر بن علی مشهور به ابن سلامه، مفسر بغدادی از ابتدا نابینا بود. کرسی درس داشت و در مسجد منصور درس می گفت. محدث و راوی هم بود. علاوه بر تدریس،

١- . دائرهالمعارف بزرگ اسلامي، ج ٤، ص ٦٨٣-٦٨٥؛ دائرهالمعارف نوابغ، ص ٧٠-٧٣.

٢- . دائرهالمعارف بزرگ اسلامي، جلد ١، ص ٦٣٣.

نویسنده آثاری مثل الناسخ و المنسوخ فی القرآن و الناسخ و المنسوخ فی الحدیث و المسائل المنثوره در نحو است. در بسط و توسعه علوم قرآن و تفسیر مؤثر بود. (۱)

ابن حناط (درگذشت ۴۳۷ق)

پزشک و شاعر نابینا

ابن حناط ابو عبدالله محمد بن سلیمان رعینی قرطبی پزشک و شاعر اندلسی است. وی به علت بیماری چشم پس از چندی نابینا شد. چون پدرش گندم فروش بود، به ابن حناط شهرت یافت. هزینه تحصیل او را بنی ذکوان از بزرگان قرطبه می پرداختند. ابن حناط، در سال های نخست سده پنجم اشعاری در ستایش علی و قاسم بن حمود حمودی سرود که در برخی از ابیات آن هواخواهی از خاندان علی ابن ابیطالب پیدا بود، اما معلوم نیست که او واقعاً از پیروان مذهب تشیع بوده باشد. پس از چندی کاتب هشام اموی (۴۱۸-۴۲۲ق) شد. در منطق به درجه استادی رسید. چون به بی دینی متهم گردید، از آنجا به جزیره خضرا گریخت و به فرمانروای آنجا، محمد بن قاسم حمودی، پناهنده شد. او در سال ۴۳۷ق در جزیره خضرا دار فانی را وداع گفت. برخی از آثارش عبارت اند از: و شی العلم و حلی الکرام و الرساله المهرجانیه. (۲)

ابن فضلان، جمال الدین (۵۱۷-۵۹۵ق)

محدث و فقیه شافعی، نداشتن یک دست

جمال الدین ابوالقاسم یحیی بن علی بن فضل بن هبهالله بن برکه ابن فضلان، محدث و فقیه شافعی در سال ۵۱۷ق در بغداد به دنیا آمد. در زادگاهش نزد ابوالفضل بن عالمه قرآن آموخت. فقه را از ابومنصور سعد بن محمد بن زرار فراگرفت. دو بار به نیشابور سفر کرد و از ابو غالب احمد بن حسن بن بناء ابوالقاسم اسماعیل بن سمرقندی، محمد بن عمر محمد بن ناصر، محمد بن یحیی، ابو حفص عمر بن احمد بن منصور صفار، ابوالاسعد هبه الرحمان بن عبدالواحد بن عبدالکریم قشیری و ابو عثمان اسماعیل بن عبدالرحمان بن سعید عسایدی حدیث شنید. وی در سفری از شتر به زمین افتاد و یک دستش را قطع کردند. در فقه تطبیقی شهرت داشت و به مناظره با فقیهان می پرداخت. چندی در مدرسه لوزیه بغداد تدریس می کرد. بعد از آن به مدرسه فخرالدوله بن مطلب رفت و کرسی درس مشهوری داشت. پیکر وی را در گورستان وردیه در سال ۵۹۵ق کنار پدرش به خاک سپردند. او از مشاهیر فقه شافعی است و از چهره های مشهور است. (۳)

ص: ۵۵

۱- فرهنگ زندگی نامه ها، ص ۴۷۶.

۲- فرهنگ زندگی نامه ها، ص ۳۸۳.

۳- دوائرالمعارف نوابغ، ص ۶۸.

وی پس از جلال الدین فیروز شاه به تخت در آمد. دوره پادشاهی او چند ماه نپایید و پسر عمویش، علاءالدین خلجی وی را کور کرد و پادشاهی دهلی را به دست گرفت. شاهان این دودمان جملگی آئین اسلام می ورزیدند.^(۱)

ابن بدوخ / بدوح (قرن ۶ق)

مفسر، محدث، شاعر و داروشناس نایینا

ابن بدوخ / بدوح، ابو جعفر عمر بن علی بن بدوخ قلعی، پزشک، مفسر، محدث، شاعر و داروشناس عرب، در مغرب متولد شد. به دمشق کوچ کرد و در آنجا عطاری پیشه کرد. سالیانی دراز زیست و سال های پایانی عمر را با نایینایی گذراند.

برخی از آثارش عبارتند از: حاشیه بر قانون ابن سینا، شرح فصوص بقراط، ذخیره الالباء و اشعار.^(۲)

تیمور لنگ (۷۳۶-۸۰۷ق)

بنیانگذار سلسله تیموریان، دارای نقص در پا و دست

تیمور در ۲۵ شعبان ۷۶۳ق در شهری به نام گش یا سیز چشم متولد شد. در زمان تولد او آشفتگی و جنگ های فراوانی در ایران بود. سلطان ابوسعید آخرین ایلخان قدرتمند مغول از جهان رفت و مرگ او نشانه آشکار پایان عصر چنگیز بود. وقتی تیمور متولد شد در قسمت غربی اردوی جغتائیان فردی به نام قزان سلطان حکومت می کرد. حکومتش ستمگرانه بود و مردم زندگی سخت و بدی را می گذراندند. یکی از امیران به نام امیر قرغن شورش کرد و حکومت را به دست گرفت، از آن پس هیچ گاه آرامش و امنیت به اردوگاه بازنگشت.

این جنگ تاریک ترین نقطه زندگی تیمور و تلخ ترین خاطره او را رقم زد و در همین جنگ یا در یکی از جنگ های منطقه ای در سیستان پاشنه پای راستش مجروح شد. پس از آن نمی توانست درست راه برود و می لنگید. همین جراحت باعث شد که او را «تیمور لنگ» بنامند. غربی ها هم تیمور را به عنوان «تامرلین» می شناسند؛ یعنی، «تیمور لنگ». هم کتف راستش مجروح شد و هم دو انگشت آخر دست راستش را از دست داد. خلاصه از قسمت راست بدن ناکار شد. تیمور پس از این جنگ همراه امیرحسین به نقطه صفر رسیدند. سربداران سمرقند نردبان ترقی تیمور شدند.

ص: ۵۶

۱- . دائرالمعارف نوابغ، ص ۴۹.

۲- . دائرالمعارف نوابغ، ص ۵۵-۵۶.

ابن عرب شاه یکی از مورخان عهد تیموری نوشته است که: تیمور مردی بلند بالا و قامتی کشیده داشت. چنان که گفتی از بازماندگان عمالقه است. (عملیق نام یکی از فرزندان نوح است و عمالیق و عمالقه، گروهی از فرزندان او را گویند).

سرش بزرگ، پیشانی اش بلند و رنگ چهره او سپید مایل به سرخی بود. اندام استوار، شانه های فراخ، دست و پای راستش شل و لنگ بود. اندیشه ای رسا، هوشی شگرف و عرفی پایدار داشت و سخت کوش و حافظ قرآن بود.

تیمور هرگاه که شهری یا کشوری را محاصره و قتل عام می کرد، هنرمندان را از طبقات دیگر جدا می ساخت و مانند غنائم جنگی و اسیران با خود می برد. اگرچه به آنها مهربانی و احترام می کرد، ولی در حقیقت به زور با آنها چنگ می انداخت. تیمور زبان های عربی، فارسی و ترکی را می دانست و در علم قرآن و فقه اسلامی آن قدر زبردست بود که هیچ مسلمان عالمی نمی توانست با او مباحثه کند.

پس از آن که مقبره تیمور ساخته شد، جسد او را به آنجا منتقل کردند. در همان هنگام که جسد تیمور را در سمرقند، در آرامگاه اختصاصی او به خاک می سپردند، جنگ پنهان قدرت بین بازماندگان او به شدت آغاز شده بود. جنگ های جانشینانش موجب شد که امپراتوری عظیم او به سرعت تمام فرو ریزد. (۱)

محمد بن عمر صالحی مشهور به ابن سلطان (۸۷۰-۹۵۰ق)

تاریخ نگار و مفتی شام و نابینا

قطب الدین ابو عبدالله محمد بن محمد بن عمر دمشقی صالحی مشهور به ابن سلطان، تاریخ نگار و مفتی شام در سال ۸۷۰ق در دمشق متولد شد و نزد استادانی چون ابن شحنه شریعت و قضا آموخت. او حنفی مذهب بود و در مدرسه قضائیه ظاهریه و جامع اموی درس می گفت. در عهد سلطه ممالیک و حکومت اشرف قانصوه الغوری (۹۰۶-۹۲۲ق) قاضی القضاة مصر بود. در این سال ها بینایی خود را از دست داد. اما چنان خوش سیما بود که همه او را بینا می پنداشتند. ابن سلطان در میان دولتمردان نفوذ کلام داشت. مسئولان و مجریان امور از او استفتا می کردند. او از ترس نیرنگ آنان فتوای خود را می نگاشت. قطب الدین ابن سلطان در سال ۹۵۰ق در دمشق درگذشت. آثارش عبارت اند از: الجواهر المضیه فی الأحوال السلطان محمد سلیم الفاتح للبلاد العربیه، الفقد، البرق اللامع فی المنع من البرکه فی الجامع، تحریم الافیون، تشویق الساجد الی زیاره اشرف المساجد. (۲)

وجیه الدین ابویضیاء عبدالرحمان مشهور به ابن زیاد (۹۰۰-۹۷۵ق)

فقیه و مفتی، نابینا

ص: ۵۷

۱- . دائرالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۶، ص ۶۶۲-۶۷۰؛ دائرالمعارف نوابغ، ص ۴۶۴-۴۶۶.

۲- . دائرالمعارف نوابغ، ص ۶۲-۶۳.

ابن زیاد، وجیه الدین ابوضیاء عبدالرحمان، زبید، فقیه شافعی عرب، به مقاصره از تبار عکک بن عدنان منسوب است. در زادگاهش برآمد. در فروع شافعی، در اعتقادات اشعری و در تصوف پیرو طریقه یافعی و حافظ قرآن بود. از محمد بن موسی ضجاعی، احمد مزجد و شاگردش صنیداوی حدیث شنید. نزد استادان دیگری چون وجیه الدین بن دیبع، غریب حنفی، جمال الدین یحیی قیب و مفضل لحنی حدیث و سیره و تفسیر و اصول آموخت. در فقه و فتوی بلند آوازه بود. در ۹۶۴ نابینا شد، اما همچنان به تدریس، فتوی و تألیف ادامه می داد تا اینکه در سال ۹۷۵ ق درگذشت. (۱)

داود انطاکی

پزشک و حکیم

داود بن عمر طیب انطاکی ملقب به «بصیر» در سال ۹۵۰ ق متولد شد. با تلاش فراوان به مدارج علمی رسید و از مشاهیر اطبا و حکمای نامدار اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم قمری شد. او پیش از هفت سالگی قرآن مجید را حفظ کرد؛ در علوم ادبی به اکثر بلاد مصر و شامات سفر کرد؛ از حکمای هر دیاری فنی و از اطبای هر شهر تجربتی یاد گرفت و در تحصیل لغت یونانی نیز رنجی بسزا برد، تا آن که ریاست اطبای زمان خود را به دست آورد و به دلیل کثرت ذکاوت، فطانت و بصیرت علوم متنوع را میدانست. مهارتهای حیرتانگیز در معالجه و مداوای بیماران از وی دیده‌اند. با اینکه قوه بینایی نداشته و نابینا بوده، اما حافظه‌اش چنان قوت داشت که هر مطلبی را یک مرتبه میشنید، تا آخر عمر از یادش نمیرفت. تألیفات وی را این گونه فهرست کرده‌اند:

استقصاء العلل؛ لعیبه المحتاج در طب؛ النهجه؛ تذکره اولی الالباب و الجامع للعجب العجاب در طب؛ تزیین الاسواق و تفصیل الشواق العشاق؛ الدرر المنتخبه فی الادویه المجریه؛ زبیه الطروس فی احکام العقول و النفوس؛ شرح قصیده النفس ابوعلی سینا؛ غایه المرام فی علم الکلام؛ النزهره الجهجه فی تشحید الاذهان و تعدیل الامزجه.

به مذهب شیعه گرایش داشت و گاه به نقد اهل سنت و جماعت پرداخته است. در سال هزار و پنچ یا هشت یا نه قمری در مکه معظمه وفات یافت. (۲)

ص: ۵۸

۱- . دائره‌المعارف نوابغ، ص ۶۰.

۲- . همان

اما در دوره معاصر معلولانی بوده اند که توسط ورزشکاران یا تشکل های مدنی برای امور صنفی مثلاً برای مدیریت فدراسیون ورزشی معلولان پیش از ۱۳۵۷ انتخاب شده اند. نمونه بارز سید رضاقلی شهیدی ناشنوا است که با انتخاب تشکل های معلولان به مدیریت سازمان ملی رفاه ناشنوایان دست یافت.

متأسفانه تاکنون این گونه فعالیت های معلولان کار پژوهشی نشده ولی نشانگر موفقیت های آنان است. دفتر فرهنگ معلولین مشغول جمع آوری اسناد و مدارک برای تدوین کتابی در این باره و قرار است دو جلد کتاب درباره شخصیت های فرهیخته و مدیر از قرن نخست اسلامی تا مشروطیت و پس از آن را تألیف و تقدیم کند.

اکنون به عنوان نمونه، چند شخصیت دارای معلولیت در دوره معاصر مربوط به ایران یا دیگر کشورهای اسلامی را معرفی می کنیم.

سید نعمت الله

شیخ الاسلام خوزستان در دوره قاجار

سید نعمت الله (درگذشت حدود ۱۲۳۸ق)، فرزند سید عبدالهادی، عالم شیعی ایرانی و از نوادگان سید نعمت الله جزایری (درگذشت ۱۱۱۲ق) بود. در خدمت پدرش درس خواند و در سال هایی که محمدعلی میرزای دولتشاه قاجار حکومت خوزستان، لرستان و کرمانشاهان را داشت، سید نعمت الله شیخ الاسلام خوزستان بوده است (۱۲۸۱-۱۲۳۷ق). چون به بیماری کری گرفتار بود، از او به نام سید نعمت الله کر نیز یاد می کردند. میر عبداللطیف شوشتری درباره اش می گوید: «سید نعمت الله سیدی بزرگ منش و عالی شأن و به قدر حوصله در تحصیل علم ممتاز اقران است. اما فکر بلندی مرتبه و جاه و تلاش منصب شیخ الاسلامی پیوسته در گریبان خیالش خار افکن است و تکاپوی در این وادی او را از غواصی بحر فضیلت باز داشته». از آثارش: ۱- فائق البیان در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» به فارسی در دو بخش که بخش یکم آن در تفسیر عدل و احسان و نیکی کردن در حق خویشان و نزدیکان و بخش دوم درباره منکر و فحشا و بغی است؛ ۲- حاشیه بر تمهید القواعد شهید ثانی؛ ۳- فریده الاصقاع که ترجمه سلوان المطاع محمد بن محمد بن ظفر اندلسی است. نسخه ای از این کتاب که در اخلاق است و مترجم آن را به نام محمدعلی میرزای دولتشاه کرده، به شماره ۳۵۶۳ در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می شود؛ ۴- منتهی المطالب که ترجمه بغیه الطالب شیخ جعفر کاشف الغطاء (درگذشت ۱۲۲۸ق) می باشد. (۱)

ص: ۵۹

دکتر محمد خزائلی دانشمند و محقق نابینای معاصر، فرزند محمدرضا به سال ۱۲۹۲ در کهرود اراک متولد شد. در هجده ماهگی بر اثر ابتلا به بیماری آبله بینایی خود را از دست داد. در آن زمان آموزش و پرورش در سراسر کشور مدارس ملی امروزی را نداشت، مکتب خانه ها به تعلیم و تعلم کودکان همت گماشته بودند. در این بین آنهایی از نعمت سواد بهره مند می شدند که خانواده پولدار داشته باشند.

وضعیت نابینایان بدتر از دیگران بود، آنها از مدارس خاص خودشان محروم بودند، باید در مکتب خانه ها، همراه با دیگران درس یاد می گرفتند یعنی تنها به حافظه خودشان باید تکیه می کردند. به همین دلیل محمد رهسپار مکتب خانه های قدیم شد. وی در هفت سالگی به مکتب شیخ حسین مدنی رفت. مدتی برای فراگرفتن قرآن نزد شیخ می رفت. در دوازده سالگی قرآن را کاملاً حفظ بود، چنانچه آیه ای برایش تلاوت می شد، بلافاصله ادامه ی آن را قرائت می کرد. روزی به پدرش گفت: «آقای معلم قرآن را غلط می خواند!» شاید این اولین انتقاد او نسبت به محیط تعلیم و تربیت بود. پدرش متوجه شد که مکتب خانه جوابگوی خواسته ی پسرش نیست.

تحصیل در مدارس دولتی

در آن زمان اولین مدرسه اراک به نام «مدرسه صمصامیه» تأسیس شد. پدر محمد تصمیم گرفت فرزندش را به مدرسه جدید بفرستد، بنابراین محمد خزائلی که در شانزده سالگی بود وارد مدرسه جدید شد.

در مدت تحصیل درس ها را برایش می خواندند و او به لطف داشتن حافظه ای قوی آنها را یاد می گرفت. وی در دوران ابتدایی همیشه شاگرد ممتازی بود.

رفقای دوران تحصیل وی نقل می کنند: هنگامی که برای بازی و تفریح به بیرون شهر می رفتند، از آنان درخواست می کرد که نوشته های روی سنگ قبرها را به وی نشان دهند و او با لمس کردن آنها با اشکال مختلف حروف فارسی آشنایی پیدا کرد. در دوره ابتدایی همیشه شاگرد اول بود و با وجود عدم بینایی با اشکال زیادی مواجه نشد و به اخذ مدرک پایه ششم ابتدایی با معدل بیست موفق گردید.

تحصیلات متوسطه را در صمصامیه اراک ادامه داد ولی برای گذراندن پایه سوم متوسطه با مشکلات فراوانی مواجه شد. در این زمان بود که برای اولین بار فقدان بینایی خویش را بیشتر احساس کرد. امتحانات شفاهی دروس را با موفقیت گذرانید ولی نابینایی، مانع از امکان شرکت وی در امتحانات کتبی می شد. از این رو در آن سال موفق به دریافت مدرک سوم متوسطه نشد.

ایشان به مدت دو سال به مکاتبه با مرکز مشغول بود تا اینکه «آقای شکیب» رئیس فرهنگ وقت اراک به تهران رفت و ترتیبی داد که محمد خزائلی بتواند با کمک منشی امتحانات کتبی را بگذراند. به این ترتیب معمایی بزرگ حل شد و از آن زمان، این شیوه امتحان برای همه نابینایان معمول گردید.

برای همه در آن زمان عجیب بود که فرد ناینبایی بتواند تحصیل کند، ولی محمد خزائلی اهل مبارزه با مشکلات بود و آنی از تلاش غفلت نمی کرد تا اینکه بالاخره به تهران رفت و در امتحانات

ص: ۶۰

متفرقه پایه ششم متوسطه شرکت کرد و در رشته ادبی در سراسر کشور رتبه اول را به دست آورد و به دریافت مدال علمی نائل گردید.

آغاز رسمی فعالیت اجتماعی

محمد خزائلی در سال ۱۳۱۲ش اولین فعالیت اجتماعی خود را ضمن ادامه تحصیل در دبیرستان، با تشکیل کلاس های درس در منزل آغاز نمود. در همین دوران بود که به یادگیری زبان فرانسه، خارج از محیط مدرسه نزد شخصی به نام ژوزف که از ارامنه جلفا و پدرش تاجر فرش بود، پرداخت. این معلم ابتدا الفبای زبان فرانسه را با کمک حروفی که از گچ و چوب درست کرده بود، به وی یاد داد و سپس به تعلیم کتاب های مقدماتی فرانسه پرداخت.

روزی که محمد امتحان زبان فرانسه را در دبیرستان می گذرانید، طبق روال پیشین فقط یک نسخه سؤال از مرکز برای آن حوزه امتحانی ارسال شده بود. اگر ممتحنان می خواستند سؤالات را در جلسه عمومی قرائت کنند، آنگاه در دست منشی محمد نسخه ای از سؤالات نبود تا برایش بخواند و اگر عکس قضیه را انجام می دادند، سایر شاگردان از سؤالات مطلع نمی شدند. در این جا حافظه و هوش سرشار محمد مددکار همه شد، وی به ، ممتحنان پیشنهاد نمود که ابتداً یک مرتبه دیکته و ترجمه فرانسوی را برایش بخوانند و بعد سؤالات را برای امتحان سایر شاگردان ببرند، ، ممتحنان این کار را کردند و وی بدون اشتباه، مطالب قرائت شده را به منشی دیکته کرد و هجی نمود و نمره بیست گرفت.

وی با این کار خود توانست وزارت فرهنگ را قانع کند که نابینایان می توانند تحصیلات منظم داشته باشند و امتحانات رسمی را مانند یک نفر برجسته بینا بگذرانند.

استخدام وزارت فرهنگ

به دست آوردن کار دولتی برای نابینایان، مشکل بزرگ تری بود که محمد خزائلی با آن مواجه گردید و مثل همیشه با تلاش و کوشش و نشان دادن لیاقت شخصی خود، در سال ۱۳۲۱ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به این ترتیب راه دیگری به روی نابینایان گشوده شد.

ایشان در دبستان های گلپایگان و خمین، و سپس در دبیرستان های اراک به تدریس پرداخت. در زمانی که معلم مدرسه «عظیمیه» اراک بود، وزیر فرهنگ وقت علی اصغر حکمت به اراک رفت و قرار شد معلمان هر کدام در مورد رشته و فن خود مطلبی را بیان کنند. وزیر فرهنگ از مدیر مدرسه پرسیدند: معلم کلاس ششم کیست؟ مدیر، محمد خزائلی را معرفی نمود.

ایشان در حضور وزیر فرهنگ، هندسه را با ارائه اشکال هندسی به شاگردان تدریس نمود. نتیجه کار به قدری عالی بود که مورد توجه و تعجب وزیر فرهنگ قرار گرفت تا آنجا که مدال درجه اول علمی را به وی اعطا نمود.

محمد خزائلی در جوانی با هنر موسیقی آشنایی پیدا کرد و گهگاه نغمه هایی برای آرامش دل خود می نواخت. تا اینکه روزی در مجلس جشن و سروری حاضر بود، ساز را به دامن او نهادند و از او خواستند که بنوازد، این عمل برایش ناخوشایند

بود، وی پس از اندکی تأمل، ساز را به کناری نهاد و از آن پس برای همیشه دست از نواختن برداشت.

ص: ۶۱

در یکی از کلاس های درس بود که محمد خزائلی عاشق یکی از شاگردان خود به نام صدیقه عظیمی عراقی شد. به رغم آن که این عشق دوجانبه بود ولی پدر و مادر دختر با این ازدواج مخالف بودند. بالاخره پس از گذشت چند سال این ازدواج سر گرفت و در سال ۱۳۱۸ش زندگی مشترکشان را آغاز کردند. حالا دیگر همسرش کتاب ها را برایش می خواند و او مطالب را به حافظه اش می سپرد. ثمره این پیوند چهار پسر و چهار دختر می باشد.

متأسفانه از همسر و فرزندانش اطلاعاتی به دست نیاوردیم، به امید روزی که زندگی نامه کاملی از دکتر خزائلی توسط خانواده اش تهیه و به جامعه تقدیم گردد.

تحصیلات دانشگاهی

محمد خزائلی که او را محمد نابغه لقب داده بودند، هیچ گاه در راه تحصیل علم از پای ننشست. ایشان در ضمن کار و تحمل مخارج زندگی به آموختن ادبیات عرب، فلسفه قدیم، عرفان، فقه و اصول، ملل و نحل، علم کلام و تاریخ اسلام پرداخت. آنگاه به تهران رفت و با وجود مشکلات فراوانی که در سر راهش بود، در سال ۱۳۲۱ش در کنکور دانشگاه شرکت کرد و قبول شد و در دانشکده معقول و منقول مشغول تحصیل شد. سرانجام در سال ۱۳۲۴ش موفق به اخذ درجه لیسانس با رتبه شاگرد اولی از دانشکده الهیات و نیز مفتخر به دریافت مدال علمی گردید. پس از آن باز در سال ۱۳۲۵ش از دانشکده حقوق و در سال ۱۳۲۹ش از دانشکده ادبیات به دریافت لیسانس توفیق یافت.

در واقع محمد نابغه در مدت هشت سال با تلاشی خستگی ناپذیرش موفق شد از سه دانشکده سه درجه لیسانس «ادبیات»، «حقوق»، و «الهیات» را با رتبه عالی اخذ کند و افتخار برای جامعه نابینایان و شادی برای جامعه معلولان به وجود آورد.

این نابغه بزرگ با پشتکار عجیب و ذوق به تحصیل علم و دانش که در نهاد او منحصر به فرد بود، تحصیلات عالی خود را ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۳۲ش در رشته ادبیات فارسی و در سال ۱۳۳۶ش در رشته قضایی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران درجه دکتری گرفت، وی تشنه علم بود و به عالی ترین درجه علمی دست یافت. با این کارش به همه ثابت کرد که نابینایی، ناتوانی نیست. بلکه نابینایان هوشی مضاعف دارند که باید آن را به کار گیرند تا به موفقیت های عالی دست یابند.

دکتر خزائلی به تصدیق اغلب دانشمندان و اهل فن، در زمینه علوم مذهبی، ادبیات عرب، معقول و منقول، تصوف، علم، تفسیر، حقوق اسلام و مذهب شناسی کم نظیر بود. به سه زبان عربی، فرانسه و انگلیسی تسلط کامل داشت و با زبان آلمانی نیز آشنا بود. می گویند ایشان اصول اولیه زبان انگلیسی را فقط در عرض دو هفته فرا گرفت.

خدمات فرهنگی اجتماعی

محمد خزائلی در سال ۱۳۱۱ش آموزشگاه خزائلی را در اراک تأسیس کرد و بعدها آموزشگاه های متعدد خزائلی را در تهران بنیان نهاد و تمام آنها را شخصاً مدیریت می کرد. او بنیانگذار اولین مدرسه شبانه در ایران است.

وی نه تنها برای باسواد کردن افراد بینا سعی بسیار نمود بلکه از باسواد نمودن نابینایان نیز غافل نبود. او اولین کسی بود که «انجمن هدایت و حمایت نابینایان ایران» و سپس «آموزشگاه نابینایان

ص: ۶۲

بزرگسال» را تأسیس نمود و سهم خود را در باسواد کردن روشندان کشور تا سر حد امکان ادا نمود. وی یک لحظه از تلاش در عرصه تعلیم و تربیت غافل نماند و به راستی عمر خود را در گرو تحصیل و تدریس علم و دانش نهاد.

در سال ۱۳۴۸ش «مجله روشندان» را برای اشاعه اخبار مربوط به نابینایان ایران و جهان منتشر کرد. از مؤسسات نابینایان کشورهای سیلان، هندوستان، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، عربستان سعودی، جمهوری دمکراتیک آلمان، روسیه و اسپانیا با هدف گسترش فعالیت های نابینایان ایران بازدید نمود. وی عضویت «کمیته اجرایی خاورمیانه» در «شورای ملی رفاه نابینایان»، «اتحادیه بین المللی نابینایان» و «کمیته اجرایی کنفرانس بین المللی تربیت مبتلایان به نقص بینایی» را بر عهده داشته است.

محمد خزائلی علاوه بر تدریس در آموزشگاه های خود، در مراکز آموزشی عالی کشور نیز به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت.

نماینده مردم اراک در مجلس

دکتر خزائلی در دوره بیست و دوم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۶ش در حوزه اراک برگزیده شد و به مجلس راه یافت. گوشه هایی از دو نطق ایشان را با رعایت اختصار می آوریم:

* سخنرانی دکتر خزائلی در مجلس شورای ملی، دوره ۲۲، جلسه ۱۱، سال ۱۳۴۶

آقای دکتر خزائلی که روشندان و نابینا بود، درباره حقوق معلولان به ایراد سخن پرداخت:

به نام خداوند قادر عالم سمیع بصیر، و با اجازه مقام ریاست و همکاران گرامی می خواهم به مناسبت هفته روشندان که امروز دومین روز آن است، مطالبی درباره علت وجودی هفته روشندان گفتگو کنم و کمی همکاران گرامی را با وضع روحی و زندگی این طبقه مستعد و محروم که حرمان آنها قابل تدارک است و در تدارک آن مخصوصاً چشم امید به همکاران من دارند، بیان کنم.

روشندان طبقه ای مستعد هستند. بنا بر قانون روانشناسی هرگاه خداوند حسی را از کسی بگیرد، حس های دیگر را جانشین آن قرار می دهد و این مطلب در روانشناسی مسلم شده و گویندگان ما به آن توجه داشته اند.

خدا گر ز حکمت ببندد دری ز رحمت گشاید در دیگری

لامسه جای بینائی را تا حد زیادی می گیرد، منتهی عرض کردم نابینایان محروم و فراموش شده بودند زیرا حالات نفسانی آنها را کسی درک نمی کرد، البته ما می دانیم در کشور ما پدر شعر، رودکی نابینا بود و باز می دانیم ابوالعلاء معری فیلسوف بزرگ عالم اسلام نابینا بود. از جانب دیگر می دانیم در هندوستان و یونان شعر و ادب با نابینایان شروع شده است.

من از همکاران عزیزم دعوت می کنم که به آموزشگاه نابینایان خردسال در وقت فرصتی تشریف بیاورند و از نزدیک

کارهای آنها را ببینند، بیایید با هم همدستی کنیم و اینها را آموزش بدهیم، به آنها کار یاد بدهیم و آنها را در اجتماع به کار بگیریم تا آنها از زندگی شرافتمندانه بهره مند شوند تا هم اتمام حجتی بر بینایان شده باشد و هم این طبقه مستعد محروم نماند.

ص: ۶۳

ایشان لایحه ای به مجلس درباره نایبانیان ارائه داده بود و گفت:

حوزه انتخابی بنده شهر اراک محروم است، بنده از شهر انتخابی و طبقه محروم نایبانیان در مجلس سخن می گویم و از همکاران عزیزم خواهشمندم که با من کمال مساعدت را داشته باشند. هر جا که عنوان شهرها مطرح است، شهر اراک را به خاطر بیاورید و هر کجا که طبقات اجتماعی مطرح است، طبقه فراموش شده نایبانیان را در نظر داشته باشید.

** دومین سخنرانی دکتر خزائلی در مجلس شورای ملی، دوره ۲۲، جلسه ۱۵۷، ۶ آذر ۱۳۴۸ بوده است. ایشان در صحن علنی به ایراد سخن درباره نایبانیان و روشندان پرداخت.

به نام خدای بزرگ جهان آفرین و با اجازه مقام معظم ریاست و همکاران بسیار گرامی، چند دقیقه ای مزاحم اوقات شریفان می شوم. امروز روز وصل میان دو رویداد مقدس اسلامی است. دیروز سبط اکبر امام مجتبی مظهر صلح و صفا متولد شدند و در آن شب بنا به اشتهار روایات، قرآن مجید کتاب آسمانی اسلام بر قلب پیغمبر اکرم نازل شد و تقارن این دو رویداد با روز پایان هفته روشندان است. موقع را مغتنم می شمارم و هر سه رویداد را تبریک عرض می کنم و توفیق همه ملت را در پیروی از نیات مقدس خواستارم.

وقتی بنده در سفر سیلان، جهت شرکت در کنفرانس جهانی و بین المللی نایبانیان بودم، در روز افتتاحیه، شخصی به نام دکتر ایزابل گرانث که خزانه دار این اتحادیه بود، وقتی که خواست راجع به نایبانیانی که راهنمای نایبانیان هستند صحبت کند، اول از ایران شروع کرد و از اینکه بنده در پارلمان ایران هستم، ابراز خوشوقتی بسیار کرد.

همکاران محترم، جامعه روشندان از ما می خواهد که روشندان را به جامعه بشناسانیم. خواست روشندان این است که جامعه بفهمد که در آنها چه استعدادهایی نهفته است و از چه استعدادهایی برخوردارند.

در جهان روشندان یک رویداد بزرگ اتفاق افتاد، از ۲۵ کشور جهان، نمایندگان روشندان برجسته، دور هم توانستند جمع بشوند و با هم توانستند تصمیماتی اتخاذ کنند و به خودشان و سرنوشتان بیاندیشند و واقعاً توفیقی بسیار عظیم است. همکاران محترم باید استعداد های نایبانیان و احتیاجات آنها را مورد مطالعه قرار بدهیم و احتیاجات آنها را به جامعه معرفی بکنیم تا به مشکلات نایبانیان برسیم و بالاتر از همه رفع تبعیضاتی که به واسطه نایبانیی وجود دارد بشود. البته خود بنده هم موقعی که می خواستم در مسابقات دانشجویی شرکت کنم، به علت نایبانیی مانع شدند. یک نفر امسال در قسمت دانشسرای عالی موفق شد ولی چون نایبنا بود، آن راه ندادند به علت اینکه آئین نامه دانشسرای عالی نایبانیان را منع کرده و محروم می دارد. یک دوشیزه ای که الآن آموزگار است به نام خانم صفاری که استعداد زیادی دارد، چند سال پیش شرکت کرد و دوم شد ولی به او اجازه ندادند و حالا سنش از ۲۵ گذشته و در کنکور طبق مقررات جدید در قسمت های دیگر او را نمی پذیرند و مطلب دیگر تبعیض سنی در کنکور است که به عقیده من امر

خوبی نیست و منافات دارد با اینکه هرکس به تناسب استعداد خودش بهره ور بشود. تبعیض سن یا تبعیض به علت دیگر نباید مانع کار باشد.

در خاتمه امیدوارم به حمایت نمایندگان عزیز که مسلماً اصلی از اصول مرام نامه آنها کمک به معلولان است. طرح هایی راجع به استخدام نابینایان و راجع به صرف بودجه درباره نابینایان بدهند. می دانید که من به کشور خودم، علاقمند هستم و راضی نیستم که یک شاهی از پول مملکت به هدر برود. من متعهد می شوم هر دیناری که خرج نابینایان می شود سه ساله، ده برابرش عاید مملکت بشود. توفیق همه را از خداوند خواهانم. از اینکه به عرایض بنده توجه فرمودید تشکر می کنم.

تألیفات

دکتر خزائلی در دوران خدمتش، افتخار دریافت دو قطعه مدال درجه اول و یک قطعه نشان درجه دوم علمی را داشته است. وی در مدت ۶۲ سال زندگی پرثمر خود، چندین کتاب ارزنده تألیف کرد که اغلب آنها در دانشگاه ها و مدارس علمیه تدریس می شود. تألیفات ایشان در چهار بخش تحت عناوین: رسالات، کتاب های درسی، سایر تألیفات، و آثار چاپ نشده به شرح ذیل است:

۱. ایشان رساله دکترای ادبیات خود را به روشنگری درباره «اعلام قرآن» اختصاص داد و اکنون این کتاب ارزنده از جمله کتاب های منبع و مأخذ تحقیقات قرآنی و اسلامی است.

۲. رساله دکترای حقوق او کتابی است به نام «مسئولیت مدنی کارفرما، ناشی از عمل کارگر» که این اثر پژوهشی نیز می تواند ملاک بسیاری از داوری های وزارت کار قرار گیرد.

۳. ایشان تألیف ارزنده دیگری به نام «احکام قرآن» دارد. این کتاب جامع، مقام آن را دارد که رهنمود راستین حکام شرع قرار گیرد.

۴. وی کتاب «فقه» را در شش جلد تدوین نموده است.

۵. «فلسفه اسلام» و ترجمه «معالم القریه فی الحکام الحسبه» از آثار دیگر اوست.

۶ و ۷. او در گلستان و بوستان سعدی نیز عارفانه و محققانه سیر معنوی و علمی نموده و با تألیف دو جلد کتاب به نام های «شرح گلستان» و «شرح بوستان»، هرگونه معضل و مشکلی را که ادب دوستان در بیانات و سروده های سعدی داشته اند، رفع کرده و پرده ابهام و ایهام را از آن به کنار زده است.

۸. کتاب دیگری به نام «گل های ادب» در چهار جلد، تقدیم علاقه مندان به ادبیات فارسی نموده است.

۹. کتاب «دستور زبان جاویدان» از آثار گرانقدر ایشان است.

۱۰. «خودآموز حکمت مشاء» یکی دیگر از تألیفات اوست که ترجمه ای بلیغ و رسا از «مقاصد الفلاسفه» امام محمد غزالی است.

۱۱. «المنتخب فی ادب العرب» برگزیده هایی زیبا از آثار ادب عرب است که با طبع لطیف و حساس خود آن را جمع کرده است.

۱۲. «نهج الادب» در صرف و نحو عربی را در شش جلد نوشت.

۱۳. «الاسلوب الحدود» برای مکالمه عربی را در دو جلد تألیف کرد.

۱۴. «منطق و مختصری از فلسفه شرق»؛

۱۵. «منطق نظری»؛

ص: ۶۵

۱۶. «منطق عملی» این سه کتاب در رشته منطق است که در حقیقت از راه دانش ثمربخش منطق، دریچه‌ای به باغ فلسفه گشوده است.

۱۷. «تاریخ مختصر فلسفه و زیبایی‌شناسی» زیبایی‌شناسی یکی از رشته‌های فلسفه است و این واقعیت را در کتابی که دکتر محمد خزائلی تدوین کرده است، می‌توان به نیکویی دریافت.

۱۸. «مختصر روانشناسی»، کتابی است کامل که همگان را با دانش روانشناسی آشنا می‌سازد.

۱۹. داستان‌های «دایانا و ونوس» در ادبیات یونان، روم، انگلیس و ایران یکی از آثار زیبای اوست.

۲۰. «بدیع و قافیه» را با همکاری دکتر حسن سادات ناصری تألیف کرد.

۲۱. کتاب «مختارات» را با یاری دکتر محمد خوانساری نوشت.

۲۲. «دستور جاویدان» را به مدد سید ضیاءالدین میرمیران تدوین کرد.

۲۳. «اسلوب الحدیث» را با کمک سید عبدالباقی تنکابنی به مشتاقان هدیه کرده است.

۲۴. کلید دانش‌ها

۲۵. تاریخ حقوق ملل

۲۶. تاریخ تحول نظرات فلسفی

۲۷. ترجمه «تحافه الفلاسفه» غزالی

۲۸. ترجمه «مفتاح العلوم» خوارزمی

۲۹. «فرهنگ اصطلاحات روانشناسی و فلسفی» با استفاده از فرهنگ‌های روانشناسی و فلسفی فرانسه و انگلیس را می‌توان نام برد.

وی آثار مدون دیگری دارد که اکنون در کتابخانه‌ای که از او به یادگار مانده و به دانشگاه اصفهان هدیه شده موجود است.

فوت

دکتر محمد خزائلی نه تنها در راه نشر معارف دینی ایران و اسلام به راستی فعالیت می‌کرد، بلکه زندگانی و بهسازی و بهزیستی جامعه نایبانیان ایران را نیز مدنظر داشت. وی طی بیست سال متوالی که انجمن ملی هدایت و حمایت نایبانیان ایران را بنیاد نهاده بود و بعد منجر به تشکیل سازمان رفاه نایبانیان ایران شد، خدمتی همیشگی و مستدام در حق این گروه نمود و آنچه

داشت برای آنان در طبق اخلاص نهاد و هدیه کرد. ایشان، در ۲۲ خردادماه ۱۳۵۳ پس از یک هفته اغما در ۶۲ سالگی چشم از جهان فروبست. (۱)

در پایان

دکتر خزائلی با اینکه نابینا بود، به عنوان نماینده مردم اراک بسیار نیکو درخشید و مردم اراک او را بسیار دوست می داشتند. علاوه بر اینها در عرصه فرهنگ و هنر و ایجاد مدارس نابینایی و برای دیگر معلولان بسیار کوشا بود و خدمات زیادی داشته است. او در تربیت نسل جدید معلولان و در فرهنگ سازی مؤثر بوده است. به این دلایل او را برگزیدیم تا در این بخش معرفی کنیم، البته معلولان دیگر هم بوده اند که پس از مشروطیت کوشا و خلاق بوده اند.

ص: ۶۶

۱- . دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۹۸۶؛ دانشنامه دانش گستر، به کوشش کامران فانی و دیگران، ج ۷، ص ۴۸۹؛ روزنامه اطلاعات، ۱۷ آبان ماه ۱۳۷۱، ص ۷؛ دکتر خزائلی، به کوشش قدرت الله عفتی، ص ۷-۲۶؛ دانشوران روشندل، باقری بیدهندی، ص ۶۷.

نماینده ویلچری مجلس شورا در بحرین

منیره اصالتاً مصری است و در قاهره متولد شده ولی سال ها است مقیم بحرین و دارای حجاب کامل است، خوب سخنرانی می کند و دارای فعالیت های بسیار و سرزنده است و با امید به امور مردم رسیدگی می کند. دانش و خردورزی او مثال زدنی است.

با ویلچر در مجلس شورای بحرین حاضر می شود و به دلیل کثرت مطالعات و معلومات، سخنانش مورد توجه است. از این رو بسیاری از روزنامه نگاران و نشریات کشورهای عربی از او گزارش و تصویر منتشر کرده اند.

منیره یک سال و نیم داشت که بر اثر فلج اطفال از ناحیه دو پا (ساق به پایین) فلج شد. خانواده اش همه کاری برای درمان او انجام دادند ولی نتیجه نگرفتند. سرنوشت این خانواده را از قاهره به بحرین کشاند و در بحرین اقامت گزیدند.

منیره با اتمام تحصیلات متوسطه با خود فکر کرد در رشته های مرتبط به معلولان و معلولیت مطالعه و تحقیق و تحصیل کند. از این رو در رشته های روانشناسی؛ برنامه های ورزشی معلولان و تربیت ویژه معلولان تحصیل کرده و مدارکی اخذ کرده است.

دارای این مناصب بوده است: مدیر خدمات مهارت افزایی در وزارت توسعه؛ نماینده مردم در مجلس شورای قانون گذاری؛ نائب رئیس گروه مادر و کودک، مدیر عامل نگهداری کودکان معلول.

او در این تشکل ها عضویت دارد: المنظمه العربیه للمعاقین؛ المركز البحرینی للحراک الدولی؛ مجلس امناء المؤسسة الوطنیه لخدمات المعاقین؛ الجمعیه الخلیجیه للاعاقه؛ التأهیل الدولی؛ اللجنه الوطنیه لتفعيل العقد العربی للمعاقین.

او به شعر و ادبیات، قانونگذاری و خدمات برای معلولان علاقه دارد و در این عرصه ها فعال است. در نوامبر ۲۰۰۷ در همایش پارلمان های کشورهای خلیج فارس (للمؤتمر الاقلمی الثانی للبرلمانیات الخلیجیات) شرکت کرد و از حقوق زنان و حقوق معلولان دفاع نمود. او خواستار اهتمام دولت های منطقه و مردم به حقوق این دو قشر شد. در یکصد و پنجاه همایش بین المللی شرکت کرده و تجارب خود را به مشارکت گذاشته است. (۱)

آلوسی، عبدالحمید (درگذشت ۱۳۲۴ق)

ادیب و شاعر نابینا

عبدالحمید آلوسی، صوفی، ادیب و شاعر در خانواده آلوسی، در بغداد متولد شد. آلوس قریه ای است در عراق که در ساحل رود فرات واقع شده است و علما و ادبای زیادی از این قریه برخاسته اند. عبدالحمید آلوسی، در آستانه دو سالگی بینایی خود را در اثر ابتلا به آبله از دست داد. اما از حافظه ای بسیار قوی برخوردار بود. این انسان روشن ضمیر در اثر مقاومت در مقابل ناملایمات و ممارست در

۱- . توان نامه، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۲۹.

علم و کمال از لحاظ هوش و ذکاوت به انسانی فوق العاده تبدیل شد. او بیش از چهل سال در خانه خود انزوا اختیار کرد و تنها برای نماز جمعه و اعیاد بیرون می آمد. مریدان به زیارتش می رفتند و از محضرش فیض می بردند. او در سال ۱۳۲۴ق در گذشت و در بغداد در مقبره جنید به خاک سپرده شد. از آثار او می توان از کتاب نثرالآلی فی شرح الامالی نام برد. (۱)

محمدابراهیم (۱۳۱۱-۱۳۸۹ق)

مفتی عربستان و دارای مناصب مختلف و نابینا

محمدابراهیم مشهور به ابن عبداللطیف از خاندان شیخ محمد بن عبدالوهاب، در ۱۳۱۱ق در ریاض متولد شد. تحصیلات خود را در ریاض آغاز کرد و بیش از یازده سال نداشت که بینایی خود را از دست داد. کسب دانش را تا حفظ قرآن و پژوهش در کتب و متون فراوان ادامه داد. مدتی به تدریس پرداخت. او هرگز مأیوس نشد و لحظه ای از آموختن و آموزش دادن فارغ نبود. پس از آن به مشاغل ریاست دادگستری، ریاست دانشگاه اسلامی مدینه، ریاست مجلس مؤسسان برای ارتباط میان کشورهای اسلامی و ریاست سازمان آموزش دختران سراسر کشور عربستان (۱۳۸۰ق) برگزیده شد. در ۱۳۷۳ق با هممتی والا کتابخانه عمومی ریاض را احداث کرد و نزدیک پانزده هزار جلد کتاب چاپی و ۱۱۷ نسخه خطی در آن گرد آورد. محمد ابراهیم. در ۱۳۸۹ق پس از ۶۲ سال عمر در ریاض وفات یافت. او مقام مفتی اعظم عربستان را نیز به عهده داشت. علاوه بر مسئولیت ها، نویسنده چند عنوان کتاب است. (۲)

پایان و نتیجه

شخصیت هایی که به اجمال معرفی شدند، نمونه هایی است که در تاریخ به فراوانی دیده می شوند. این افراد را معرفی کردیم تا عیناً نشان دهیم معلولان در طول تاریخ مناصب و سمت های مهمی را به دست داشته و اقدامات بزرگی انجام داده اند. تیمور گورکانی بنیانگذار یک سلسله مهم و امپراطوری بود و معلولیت هم داشت. نتیجه اینکه معلولیت مانع تلاش و پیشرفت نیست.

لازم است قانونگذاران در ایران به نکات مندرج در این فصل توجه نمایند و بر اثر عدم اطلاع از تاریخ نگویند در اسلام هیچ معلولی سمت نداشته است.

ص: ۶۸

۱- . ریحانه الادب، جلد ۱ و ۲، ص ۶۰.

۲- . دائرة المعارف نوابغ، ص ۶۵-۶۶.

فصل دوم: کاندیداهای دارای معلولیت در انتخابات ۹۶

اشاره

ص: ۶۹

متأسفانه اطلاعات همه معلولانی را که در فرمانداری های شهرهای کوچک و بزرگ برای دو پست مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و روستاها ثبت نام کرده بودند، منتشر نشده و در اختیار نیست. فقط معلولانی که در جراید عمومی اطلاعاتشان را منتشر کرده بودند یا با تماس های انفرادی اطلاعات خود را برای ما فرستادند، در اینجا معرفی می شوند.

اما از همه عزیزانی که اطلاعاتشان اینجا آمده، استعدا داریم اگر نواقصی در گزارش ها مشاهده می کنند، حتماً خبر دهند و کامل و صحیح مطلب مورد نظر را برای ما بفرستند تا ویرایش و تصحیح کنیم. نیز کسانی که اطلاعات آنها اینجا نیامده، زودتر اطلاعات خود را برای ما بفرستند تا در ویراست دوم اعمال کنیم.

اما افراد، اطلاعات خود را با ساختارهای مختلف برای ما فرستاده اند یا اطلاعات آنها با ساختارهای متنوع منتشر شده است، و ما برای حفظ اصالت این ساختارها، تلاش کردیم به صورت اولیه اینجا منتشر شوند. فقط نظم مختصری به آن داده ایم.

برای هر کاندیدا، ابتدا اطلاعات مختصر و اولیه به عنوان معرفی اجمالی آمده و در ادامه اطلاعات تفصیلی به صورت گزارش یا مصاحبه آمده است.

به زحمت تلاش های فراوان و چند ماهه نتوانستیم اطلاعات همه افراد را گردآوری کنیم. زیرا همکاری نهادها و سازمان های متصدی امور انتخابات و امور معلولان ضعیف است و چون ارزش و اهمیت این گونه کارها را نمی دانند، همکاری لازم را هم انجام نمی دهند.

آمارها: در زمانی که این کتاب مراحل آخر چاپ و نشر را طی می کرد یعنی در ۷ مردادماه ۹۶ خبری منتشر شد که آقای نحوی نژاد معاون توانبخشی سازمان بهزیستی و آقای ربیعی وزیر کار و رفاه با منتخبان شورای شهر و روستا دیدار داشته اند.

در متن خبر نحوی نژاد می گوید: منتخبان در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر و روستا که در سال ۹۶ برگزار شد، ۱۷۴ نفر می باشند، چهل نفر از آنان شهرها و ۱۳۴ نفر آنان در روستاها انتخاب شده اند.

اصل این خبر تأمل برانگیز و از زوایای مختلف قابل بررسی است که بعداً به تحلیل آن می پردازیم. اما آمار حاضر نشانگر این است که فعالیت معلولان در روستاها وسیع تر است. در این فصل به رغم تلاش های فراوان، اطلاعات سی نفر گردآوری شده است. البته فقط منتخبان شهر شناسایی و آورده شده اند. یعنی فاصله ما از آمار واقعی ده نفر است.

البته به دلایلی که بعداً تحلیل خواهیم کرد اطلاعات منتخبان روستاها را در این کتاب نیاورده ایم، چون جریان اطلاع رسانی روستایی در ایران هنوز فراگیر نیست و ما نتوانستیم به اطلاعات کاندیداهای روستایی دست پیدا کنیم. سازمان بهزیستی و وزارت کشور هم اطلاعات معلولان را منتشر نکرده اند.

اسماعیل ابوطالبی

حوزه انتخاباتی: قم

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی، از ناحیه دو پا

نام پدر: محمد

تاریخ تولد: ۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۵

تحصیلات: کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد قم

وی مقام چهارم قهرمانی را در بسکتبال با ویلچر کسب کرده، با توجه به معلولیتش، این مقام برای فردی ویلچری قابل توجه است. سیزده سالی در تیم استان قم عضویت داشته (تیم ایثار) سوپر لیگ کشور بوده، دو نایب قهرمانی داشته است. البته یک مقام سوم قهرمانی کشور و یک مقام سوم بین المللی نیز داشته (۱۳۹۵) که با شرکت چهار تیم از باشگاه های ایران و کشورهای روسیه، قزاقستان و... بوده، چند شهر تاریخی جهان که با اصفهان توسط یونسکو خواهر خوانده شده، حضور داشته اند. وی در دو و میدانی و پرتاب وزنه و نیزه نیز فعالیت دارد. چنان که در رشته تئاتر کار کرده، نمایش هایی داشته است.

او جزء معلولان فعال در رشته های هنری از جمله تئاتر است که دو نوبت توسط نماینده قم (دکتر لاریجانی) تقدیر شده، جوایز و هدایایی دریافت کرده، در حوزه ورزش در سال های ۹۳ و ۹۴ به عنوان نخبه استانی انتخاب شده، در زمینه مهارت های کامپیوتری ICDL درجه دو گرفته، پس از اصرار دوستان به ویژه معلولان استان کاندیدا شده، طرح هایی در چارچوب وظایف شورای شهر برای اشتغال و مناسب سازی دارد.

نتیجه و رتبه

آقای ابوطالبی در انتخابات شورای شهر قم در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ شرکت کرد و از بین ۳۲۴ نفر، رتبه ۳۰۳ با ۱۲۳۹ رأی آورد. نفر اول ۰۳۴/۷۰ رأی آورده است.

بهزاد اشتری

حوزه انتخاباتی: تهران

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: ناشنوا

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

تحصیلات: کاردانی برق - قدرت

بهزاد در سال ۱۳۴۷ در شهر تهران در خانواده ای متوسط و فرهنگ دوست و معتقد متولد گردید. بهزاد که کودکی باهوش بود، به علت ناشنوا بودن قادر به تکلم نبود. اما والدین بهزاد تمام همت خود را صرف آموزش وی نمودند، از این رو در سن چهار سالگی به مرکز آموزشی شماره یک باغچه بان سپرده شد و به موازات آموزش علمی در منزل نیز با کوشش والدین فداکارش به فراگیری زبان اشاره و لب خوانی پرداخت. بالاخره این تلاش ها موجب شد با نمرات درخشان، مقاطع مختلف تحصیلی را پشت سر گذارد. بهزاد دوره دبستان و راهنمایی را در مدرسه شماره یک باغچه بان و دوره متوسطه را در هنرستان فنی نظام مافی سپری نمود. او در سال های اخذ دیپلم و پس از آن، به آموزش تعداد زیادی از دانش آموزان در درس های ریاضی، فیزیک، شیمی و عربی پرداخت. علاقه زیاد به تدریس منجر به انتخاب شغل دبیری فنی در هنرستان های نظام مافی و سید جمال الدین اسدآبادی گردید. در همین اثنا بهزاد علاوه بر تدریس به ادامه تحصیل در مرکز آموزش عالی، آموزشگاه فنی انقلاب اسلامی تهران شماره ۳ (لویزان) مشغول گردید. نیز موفق به تحصیلات دانشگاهی شد و در سال ۱۳۷۱ در رشته برق - قدرت در مقطع کاردانی فارغ التحصیل شد.

خدمات

بهزاد در کنار تدریس برای ناشنوایان و تلاش برای تربیت ناشنوایان خدمات فراوانی داشته است. یکی از خدمات او تأسیس مؤسسه فرجام جام جم به عنوان مؤسسه فرهنگی و هنری و غیردولتی است. این مؤسسه را در ۱۳۸۱ با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران تأسیس کرد. بخشی از فعالیت این مؤسسه، پژوهش در عرصه موضوعات ناشنوایان بود. فقدان مرکزی که طرح های تحقیقاتی مربوط به ناشنوایان را سامان دهد، از یک سو، و از دیگر سو نیاز به انجام طرح هایی که با تخصص و کارشناسی بتواند راه کارهای مناسب برای برطرف کردن مشکلات ناشنوایان در اختیار مسئولان ایرانی قرار دهد، مدیریت مؤسسه را به راه اندازی بخش پژوهش ترغیب کرد. هم اکنون در این بخش، چندین طرح کارشناسی شده و مؤسسه به تدریج در صدد فراهم آوردن زمینه اجرای آنهاست.

این مؤسسه در راینی های متعدد و مطالعات مختلف به این نتیجه رسیده که اولویت با انجام پژوهش های بنیادی، زیربنایی و مرجع در عرصه ناشنوایی است. از این رو، نخستین پروژه ای که راه اندازی کرد، تدوین دانشنامه ناشنوایان (دانا) است. هزینه های انجام این طرح را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پرداخته است.

اهداف این مؤسسه عبارت اند از: یاری ناشنوایان در عرصه های مختلف فرهنگی و هنری؛ آموزش ناشنوایان در مراحل مختلف، تا بتوانند عنصری فعال و پویا در سازندگی ایران باشند؛ مشاوره به ناشنوایان برای رفع مشکلات یا ارائه راهکارهای

مناسب از سوی خود ناشنویان تا سدهای راه ترقی آنان زدوده شده و راه پیشرفت هموار گردد؛ ارتقای ذوق هنری و خلاقیت ذهنی و رشد قدرت ابتکار؛ جلب استعدادهای ناشنویان برای پژوهش در موضوعات گوناگون.

ص: ۷۲

برای شناسایی بیشتر استعدادهای ناشنویان و تمرکز فعالیت های آنان، نخستین اولویت برای مدیریت مؤسسه، برگزاری چند نمایشگاه بوده است. اولین نمایشگاه با موضوع کتاب، آثار هنری و محصولات فرهنگی ناشنویان کشور را در ۱۳۸۱ در تهران تقدیم کرد. بزرگداشت جبار باغچه بان، انگیزه اصلی برای برگزاری نمایشگاه از سوی مؤسسه بود.

این مؤسسه در عرصه آموزش نیز فعالیت هایی را آغاز کرده است. برای افزایش دانش و آگاهی و رشد مهارت های حرفه ای ناشنویان تا حدی که بتوانند در عرصه های اجتماعی و مشاغل مطلوب جامعه جذب شوند، هم اکنون در حال برنامه ریزی برای برگزاری کلاس های آموزشی است.

کتابخانه و نگارخانه، مکان مناسبی برای ناشنویان است تا از آخرین آثار علمی و ساخته های هنری آگاهی یابند. همچنین دیگران را با نمایش آثار خود، از خلاقیت هنری و علمی ناشنویان آگاه سازند.

ایجاد زمینه های مناسب برای همکاری سازنده بین ناشنویان در خط مشی مؤسسه گنجانده شده است. ناشنویان هر چند از امکان طبیعی برای ارتباط محروم اند، ولی فرجام جام جم، با ایجاد همکاری و رابطه بین ناشنویان، درصدد ترمیم این کاستی و توسعه روابط عمومی ناشنویان است. این مؤسسه برای ارتباط بیشتر با پژوهشگران، آموزگاران و دیگر علاقه مندان به فرهنگ ناشنوایی، پایگاهی در شبکه سراسری اینترنت ایجاد کرده است. (۱)

مؤسسه فرجام جام جم به دلیل عدم حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد در دولت هشتم تعطیل شد. ولی بهزاد فعالیت های خود را نه تنها تعطیل نکرد بلکه در عرصه فرهنگ مذهبی ناشنویان فعالیت های خود را گسترش داده است.



بی آدم اصنای یکدکند که در آئینش ریک کوبزند
چون سبک برد آورد در درگاه دگر ضویرا نماند قسار

- طراحی و اجرای فضاهای شهری مناسب برای معلولان، سالمندان و کودکان
- اجرایی کردن راهکارهای ارتقاء سطح زندگی مردم شهر تهران به ویژه معلولان
- اصلاح حقوق و مقررات مربوط به عابر پیاده و پیاده راهها
- ساده و روان کردن مقررات اداری برای پاسخگویی سریع به شهروندان با استفاده از فناوری اطلاعات (IT)
- توسعه فرهنگسراها و فراهم نمودن زمینه های فعالیت های فرهنگی، هنری و آموزشی
- همکاری برای حذف محیط زیست از طریق کاهش آلودگی و صرفه جویی در مصرف انرژی در شهر تهران
- تلاش در ایجاد توسعه پایدار در شهر تهران از طریق توسعه کاربرد فناوری های نوین در روند مطالعات، طراحی و اجرای پروژه های شهری
- تلاش برای دستیابی به مسکن ارزان قیمت برای آحاد مردم از طریق حمایت از انبوه سازی و ساخت و ساز صنعتی
- حمایت از تشکل های غیر دولتی (NGO)

بهزاد اشتری
(ناشنوا)

نامزد مستقل سومین دوره انتخابات
شهری، مجلس شورای اسلامی
کد انتخاباتی: ۷۲۶۸

۱- شکست سکوت، ش ۹، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۳-۱۵.

حوزه انتخاباتی: همدان

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: زیاد علی

تاریخ تولد: ۲ خرداد ماه ۱۳۵۷

تحصیلات: کارشناسی ارشد زیست تکوینی

آقای افشاری از شخصیت های فعال و پر کار و خدوم شهر همدان است؛ با اینکه دارای معلولیت جسمی حرکتی است ولی این مشکل، مانع تحصیلات و فعالیت های اجتماعی او نشده است. اکنون به مهم ترین پیشرفت های او اشاره می کنم:

۱. دارای مدرک تحصیلی کارشناسی زیست شناسی عمومی از دانشگاه بوعلی سینا.

۲. دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد زیست تکوینی از دانشگاه آزاد.

۳. شاغل در آموزش و پرورش همدان به عنوان سرپرست آموزشی.

۴. رئیس هیئت مدیره جامعه معلولان استان همدان.

۵. مدیرعامل جامعه توانمندان فرهیخته همدان.

۶. عضو هیئت رئیسه هیئت ورزش های جانبازان و معلولان استان همدان.

۷. عضو شورای مرکزی تشکل های غیردولتی (NGO) استان همدان.

۸. مسئول اتاق فکر حوزه توانبخشی و حمایتی تشکل های غیردولتی استان همدان.

۹. عضو کمیسیون مناسب سازی استان همدان به عنوان نماینده معلولان. (استاندار)

۱۰. عضو کمیسیون مناسب سازی شهرستان همدان به عنوان نماینده معلولان. (فرمانداری)

۱۱. نماینده تشکل های حوزه معلولان همدان در سازمان بهزیستی کشور و استان همدان.

اهداف شرکت در انتخابات پنجمین دوره شورای اسلامی شهر همدان

۱. پیگیری مسائل و مشکلات عمده شهری و همشهریان گرانقدر.

۲. مشارکت معلولان در آبادانی و رونق شهر همدان به عنوان قشر قابل توجه و مثر ثمر.

۳. مشارکت معلولان در سیاستگذاری های کلان شهری و پیگیری و نظارت بر مصوبات.

۴. پیگیری، تصویب و نظارت بر اجرای حقوق نادیده گرفته شده معلولان در سطح شهر همدان.

خلاصه ای از برنامه ها پس از حضور در شورای اسلامی شهر

۱. تشکیل کمیته های متعدد جهت تهیه، تصویب و اجرای طرح های خدماتی و رفاهی برای معلولان و افراد کم توان در سطح شهر همدان.

۲. برنامه ریزی جهت استفاده بهینه و قانونمند همشهریان از فضاهای فرهنگی و فرهنگسراها.

ص: ۷۴

۳. برنامه ریزی و اجرای طرح های متعدد و متوالی در راستای فرهنگ سازی در حوزه های ترافیک، حقوق شهروندی، آداب شهروندی و

۴. برنامه ریزی جهت همکاری همه جانبه با تشکل های غیردولتی جهت بهره گیری از ظرفیت ها در مدیریت شهری.

۵. تصویب طرح های متعدد در حوزه های مختلف و برنامه ریزی جهت برون سپاری طرح ها به تشکل های غیردولتی از جمله تشکل های جوانان.

۶. تشویق و ترغیب جوانان در قالب تشکل های غیردولتی و هیئت های مذهبی، ورزشی و.. جهت استفاده و بهره برداری از فرهنگسراها.

۷. تصویب، حمایت و نظارت بر انجام کلیه برنامه های فرهنگی از جمله انتشار کتابچه، بروشور، فیلم کوتاه و... جهت فرهنگ سازی در حوزه های مختلف از جمله حوزه معلولان.

۸. ارتباط و همکاری بیشتر با مراکز مذهبی فرهنگی از جمله مساجد و حسینیه ها.

۹. حمایت از ایجاد اشتغال پایدار در سطح شهر همدان برای جوانان.

۱۰. حمایت از سرمایه گذاری در طرح های متعدد تولیدی، گردشگری، محیط زیست و...

۱۱. برنامه ریزی جهت مقابله با آلودگی شهر همدان.

۱۲. توجه ویژه و خاص به ورودی های شهر همدان جهت جلب گردشگر و کسب درآمد برای همدان.

۱۳. تشکیل کمیته های خاص برای ایجاد هماهنگی و همکاری مسئولان مرتبط با امور شهری همدان.

۱۴. تدوین و تصویب و نظارت بر اجرای طرح های جامع معماری و زیباسازی شهر همدان.

۱۵. تدوین و تصویب و اجرای طرح های مناسب سازی معابر عمومی و ساختمان های شهر همدان.

۱۶. تشکیل کمیته جهت بررسی مشکلات سطح شهر و همشهریان عزیز و ارائه راهکار به سازمان ها و ادارات جهت رفع این مسائل در شهر همدان.

افشاری
محرمی

یکی از ۱۱ صندوقی شورای شهر
برای حمایت از افراد کم توان

مورد حمایت: مجمع نخبگان
دانشگاهی حوزوی، تشکلهای
معلولین و سمنهای استان،
جمعیتی از فرهنگیان، نخبگان
هیاتهای مذهبی، رانندگان،
دانشجویان تولید کنندگان،
هنرمندان، کسبه، ورزشکاران،
اساتید، کشاورزان، بازنشستگان
خانوادههای اینارگران

گاندیدای پنجمین دوره انتخابات
شورای اسلامی شهر همدان
رئیس هیات مدیره جامعه معلولین استان همدان

کد ۱۶۵

حوزه انتخاباتی: تهران، ری و شمیرانات

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: اسماعیل

تاریخ تولد: ۱ شهریور ماه ۱۳۵۳

محل تولد: فاضل آباد گلستان

تحصیلات: کارشناسی ارشد حقوق بین الملل عمومی

آدرس سایت: www.kamalaan.ir

سوابق تحصیلی

بهرام پس از طی تحصیلات متوسطه، به دانشگاه آزاد اسلامی شه میرزاد سمنان، در رشته حقوق راه یافت و مقطع کارشناسی را با موفقیت پشت سر گذاشت. سپس در دانشگاه آزاد اسلامی دامغان سمنان در رشته حقوق بین الملل عمومی پذیرفته شد و در مقطع کارشناسی ارشد، فارغ التحصیل گردید.

سوابق اجرایی

فعالیت های مدنی و اجتماعی خود را از سال ۶۸ آغاز کرد. مهم ترین فعالیت های او گزارش می شود:

۱. عضو فعال بسیج از سال ۱۳۶۸ تا کنون

۲. جانشین فرمانده گردان تکاور امام حسین علیه السلام

۳. مشاور تحصیلی و مسئول ثبت نام مؤسسه آموزش عالی حکمت علوی، از ۳۰ فروردین ماه ۱۳۹۳ که همچنان ادامه دارد.

۴. به عنوان مشاور حقوقی - اداری و توسعه گسترش دانشگاه علمی کاربردی، از ۲۵ مردادماه ۹۴ تا ۲۵ مردادماه ۹۵.

۵. مشاوره توسعه و گسترش دانشگاه علمی کاربردی استان گلستان، از ۲۲ مردادماه ۹۴ تا ۲۲ مردادماه ۹۵.

۶. مسئول ثبت نام کمیته تبلیغات و نماینده تام‌الاختیار دانشگاه آزاد شه‌میرزاد سمنان، از ۲۸ تیرماه ۹۲ تا ۲۹ اسفند ماه ۹۴.

۷. بازرس گروه تولیدی پوشاک اریکا (تنها برند ملی پوشاک بانوان) از سال ۱۳۸۹-۱۳۹۱.

۸. مدیر گروه حقوقی پوشاک اریکا از سال ۱۳۹۰-۱۳۹۲.

۹. مسئول حقوقی حزب نیک اندیشان، از سال ۱۳۹۲ و همچنان ادامه دارد.

ص: ۷۶

۱۰. دبیر دفتر سیاسی جمعیت و فرزندان شاهد و ایثارگران انقلاب اسلامی، از سال ۱۳۹۵ و همچنان ادامه دارد.

۱۱. مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره مؤسسه حقوقی و بین المللی آوای عدالت کمالان در تهران، از سال ۱۳۹۵ و همچنان ادامه دارد.

۱۲. سازمان تعاون کار و رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی کشور، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۵ و همچنان ادامه دارد، به عنوان عضو هیئت امنا و مشاور حقوقی مؤسسه خیریه نیک آفرینان غدیر و مجتمع توانبخشی امام علی علیه السلام.

۱۳. سازمان وزارت صنعت و معدن استان تهران، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۲ و همچنان ادامه دارد، به عنوان ناظر افتخاری وزارت صنعت و معدن استان تهران.

۱۴. سازمان بهزیستی کشور، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۲ و همچنان ادامه دارد، به عنوان عضو انجمن معلولان نخبه کشور.

۱۵. وزارت کشور، ناظر انتخاباتی دوره دهم ریاست جمهوری.

۱۶. وزارت کشور، از ۱۳۹۴ و همچنان ادامه دارد، به عنوان دبیر دفتر سیاسی جمعیت دانشجویی حامیان عدالت اسلامی.

۱۷. جبهه ایستادگی، ستاد انتخاباتی ریاست جمهوری، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۲ به عنوان عضو شورای بازرسی جوانان و عضو کمیته فنی انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری.

عضویت در کارگروه ها، کمیسیون ها و مجامع تخصصی:

• عضو شورای نخبگان بسیجی حقوقدان سازمان بسیج حقوقدانان کشور

• نماینده بسیج حقوقدانان در کارگروه اقتصاد مقاومتی سپاه سیدالشهدا علیه السلام استان تهران

• مسئول حقوقی کارگروه تخصصی توسعه رفاه و اشتغال معلولان کشور (تشخیص مصلحت نظام)

برخی از دوره های آموزشی برگزار شده تا کنون:

۱- نشست حقوقی آنلاین به مدت چهار ساعت با سازمان تجارت جهانی (WTO)

۲- حضور در نشست تخصصی پژوهشکده مجازی سازمان بسیج حقوقدانان با همکاری مرکز پژوهش های شورای نگهبان ۱۸ مردادماه ۹۴

۳- شرکت در کارگاه آموزشی با موضوع نحوه قراردادهای تجاری بین الملل و داخلی و اخذ مدرک معتبر دانشگاهی (گواهی)

۴- شرکت در دوره های آموزشی در پرتو نظارت فقهی آیت الله هاشمی شاهرودی (دام ظلّه) در دانشگاه عدالت تهران و اخذ گواهی دوره آموزشی

- دوره آموزشی اقتصاد، ۲۳ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت

- دوره آموزشی تروریسم، ۲۵ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت

- دوره آموزشی زندان زدایی و حبس زدایی، ۲۶ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت

- دوره آموزشی رسانه و اطلاع رسانی، ۲۳ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت

ص: ۷۷

- دوره آموزشی ایثار و شهادت، ۲۲ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت

- دوره آموزشی آموزش و پرورش، ۲۴ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت

۵- اخذ گواهینامه پایان دوره آموزش کوتاه مدت

۶- فن بیان و دفاع آئینی و نگارش دفاعیه های حقوقی در دانشگاه علمی کاربردی ورامین، ۵ خرداد ماه ۹۴

لیلا بهرامی مگری

حوزه انتخاباتی: ارومیه

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: محمدحسن

کارمند آموزش و پرورش و شاغل در قسمت تدریس در مدارس دولتی و غیردولتی ناحیه یک ارومیه.

عضو علی البدل شورای اسلامی شهر ارومیه



خانم بهرامی هفده سال سابقه تدریس و ۲۱ سال سابقه آموزشی دارد. سال ها در کانون آموزش شهید سلامت معاون اجرایی و عضو علی البدل شورای اسلامی شهر ارومیه در دوره چهارم است. لیسانس جامعه شناسی از تهران و کارشناس ارشد روانشناسی عمومی از ارومیه را دارا می باشد. عضو انجمن روانشناسان است و تدریس جامعه شناسی، اقتصاد و روانشناسی در مدارس دولتی و غیردولتی ارومیه را بر عهده دارد.

یکی از اهدافش برای شرکت در شورای شهر ارومیه رسیدگی به وضعیت شهری و گسترش عدالت و توسعه امکانات شهری در کلیه مناطق شهری است.

با توجه به اشتغال در مناطق پایین و حاشیه ای شهر و آشنایی با مشکلات مردمان و دانش آموزان آن مناطق، خواهان تهیه امکانات برای آنها و تقسیم امکانات در نقاط مختلف شهر به طور مساوی است.

مسأله دیگری که در ارومیه و شهرهای به آن توجه نمی شود، وضعیت تردد معلولان در سطح شهر است. معلولان به رغم قشر زیادی از جامعه شهری ما خانه نشین شده اند. طرح او به عنوان یک کاندیدا این است که امکانات حمل و نقل، تفریحی و ورزشی را برای این قشر جامعه (که می توان گفت به عنوان شهروند درجه دو از لحاظ تقسیم امکانات شهری محسوب می شوند) اختصاص بدهد. چون این افراد هیچ تفاوتی با شهروند درجه یک ندارند و نباید شهروند درجه یک و دو را داشته باشیم به خاطر اینکه فرد ناتوانی ای دارد.

نقش شوراهای در تحقق شعار سال: به فرموده مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۶ سال اقتصاد مقاومتی و تولید و اشتغال است. شوراهای نقش مهمی می توانند داشته باشند. در زمینه اشتغال زایی با توجه به اینکه شهری است که نزدیکی به مرزهای عراق و ترکیه دارد، می تواند زمینه های مختلف اشتغال زایی برای جوانان انجام دهند و تسهیلاتی را برای جوانان در نظر بگیرند و با ایجاد امکانات تفریحی و عمرانی، سرمایه گذاران داخلی و خارجی را جذب کنند و رونقی به تولیدات ارومیه بدهند. بالا رفتن تولیدات باعث افزایش اشتغال زایی در سطح شهر ارومیه خواهد شد و دیگر جوانان ما مجبور نیستند برای کار به استان های اطراف و یا تهران مهاجرت داشته باشند. ایجاد مراکز تفریحی و گردشگری که در ارومیه بسیار کم است، نقش مهمی در اشتغال زایی دارند که نقش شوراهای در این امر مهم است. با ایجاد مراکز تفریحی و گردشگری، باعث جذب گردشگر از استان های اطراف و حتی کشورهای همسایه شوند و ایجاد اشتغال را داشته باشند.

مصاحبه

لیلا بهرامی مکرری نامزد پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر ارومیه به شانزده سؤال تیتراژ اول در حوزه مدیریت شهری پاسخ گفته، فرهنگی و سابقه آموزشی در مدارس ارومیه به مدت هفده سال تدریس و ۲۱ سال سابقه آموزشی در آموزش و پرورش آذربایجان غربی را دارد. عضو علی البدل شورای اسلامی شهر ارومیه در دوره چهارم، لیسانس جامعه شناسی از تهران و کارشناس ارشد روانشناسی عمومی از ارومیه را دارا می باشد. عضو انجمن روانشناسان است، نیز تدریس درس جامعه

شناسی، اقتصاد و روانشناسی در مدارس دولتی و غیردولتی ارومیه را بر عهده دارد.

ص: ۷۹

در مورد جناح سیاسی یا پایگاه فکری و اجتماعی مستقل بوده، ولی پابندی خاصی به فرمایشات حضرت امام خامنه ای دارد و در زمینه اجتماعی بیشتر در حوزه معلولان فعالیت می کند.

با توجه به مدرک و رشته تحصیلی خود تغییراتی را در حوزه مدیریت شهری ضروری می بیند، از جمله: توجه به ساختارهای شهری متناسب با فرهنگ مردم هر محله و شهر. توزیع عادلانه امکانات شهری در همه نقاط برخوردار و غیر برخوردار شهر، نیز توجه به وضعیت ناتوانان و کم توانان جسمی و ذهنی برای راحتی تردد آنها در شهر، ایجاد امکانات تفریحی (مثل پارک)، ورزشی، حمل و نقل برای افراد کم توان و مسن. وی می گوید که در صورت انتخاب مردم، در شورای اسلامی شهر ارومیه بیشتر در این زمینه ها فعالیت خواهد کرد:

در زمینه اجتماعی، فرهنگی توجه به زنان سرپرست خانوار را در اولویت قرار می دهد. توجه به عدالت محوری در تقسیم امکانات شهری برای همه نقاط شهری مخصوصاً توجه به رفاه و آسایش قشر معلول شهر که به دلیل نبود امکانات خانه نشین شده اند.

نقد وی به شورای شهر فعلی و ادوار چهارگانه آن این است که شورای فعلی در توجه به ساخت پل ها و فضای سبز شهری خوب عمل نموده ولی نسبت به مناطق محروم کار خاصی صورت نگرفته است یا توجهی به حمل و نقل شهری برای افراد مسن، نابینا، کم توان جسمی و ذهنی در همه ادوار گذشته ندیده است. طرح ها و ایده های وی به منظور ایجاد درآمدهای پایدار شهرداری ارومیه این گونه است:

۱. تبدیل ارومیه به شهری برای جذب گردشگران مختلف داخل و خارج استان و حتی کشورهای مرزی اطراف

۲. ایجاد مراکز تفریحی

۳. ایجاد پاساژهای تجاری و جذب سرمایه گذاران داخل شهر و استان.

درباره مهم ترین منابع درآمدی شهرداری ارومیه که از کجا و چگونه باید باشد، می گوید:

از اخذ عوارض شهرداری، ساخت و سازهای درون شهری، ایجاد مراکز تفریحی و گردشگری برای جذب گردشگران از شهرهای مختلف که کمک زیادی به جذب درآمد برای شهرداری دارد.

وی برای حل رکود بازار مسکن و افزایش درآمدهای شهرداری می گوید: گرچه بحث رکود در بازار مسکن مسئله کلی است و مربوط به کل کشور می باشد اما می توان از طریق ارائه تسهیلات به کسانی که مشغول ساخت و ساز هستند، درصدی رفع این مشکل برآمد.

برنامه او برای نوسازی ناوگان فرسوده حمل و نقل عمومی این است که در ناوگان حمل و نقل عمومی باید با توجه به رشد علم و تکنولوژی جدید تغییرات زیادی صورت گیرد و مخصوصاً مجهز به سیستم حمل معلولان در سطح شهر شود و آلودگی هوا به حداقل برسد.

برنامه خانم بهرامی برای سامان بخشی سرمایه گذاری های موجود و افزایش ناوگان حمل و نقل عمومی این است که سرمایه گذاری ها باید در سطح عمرانی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی باشد البته با توجه به مقتضیات محلی هر محله و منطقه به بهترین نحو، چنان که مهم ترین انتقاد او به شهردار کنونی موارد زیر است:

ص: ۸۰

عدم توجه به نوسازی ناوگان حمل و نقل، عدم توجه به مسائل و مشکلات تردد معلولان در سطح شهر که منجر به خانه نشین شدن قشر زیادی از آنان شده است. عدم توجه به امکانات تفریحی برای کودکان و ایجاد شهربازی و مکان مختلف برای پارک کودک.

درباره توانمندسازی حاشیه نشینان شهر ارومیه می نویسد:

با توجه به تدریس در مدارس محلات پایین شهر و بازتاب آن بر وضعیت دانش آموزان و مدارس پایین شهر، توجه ویژه ای لازم است. ایجاد تسهیلات برای این مناطق، اشتغال زایی برای جوانان این مناطق، دادن زمین و تسهیلات برای ساخت خانه ای آبرومند برای حاشیه نشین ها که مشکل آنها را از نزدیک لمس کرده و دیده است.

برنامه وی برای افزایش گردشگر در شهر ارومیه تدابیر ذیل است:

ایجاد مراکز تجاری در شهر ارومیه و جذب سرمایه داران برای مشارکت در مراکز تجاری برای جذب تجار و گردشگران، ایجاد مراکز تفریحی، شهربازی های بزرگ و پیشرفته، برگزاری جشن های شادی با توجه به فرهنگ مردم شهر برای افزایش گردشگران داخل و خارج استان، ایجاد تسهیلات برای گردشگران داخل و خارج استان. وی خصوصیات شهردار مورد انتخاب را چنین برمی شمرد:

مؤمن، مدیر، مدبر، عمل گرا، عدالت محور و بدون جناح بندی های سیاسی.

پول و منابع مالی که برای تبلیغات انتخاباتی خود در نظر گرفته حدود ده میلیون تومان بوده است. خانم بهرامی درباره نقش شوراهای شهر و روستا در تحقق شعار سال (اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال) معتقد است:

طبق اصل یک صدم قانون اساسی کشور در تعریف شورای اسلامی شهر، برای پیشبرد اهداف اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و اقتصادی با توجه به مقتضیات محلی آن شهر، بخش، شهرستان و روستا می باشد. توجه به اشتغال زایی، تولید ملی که شوراهای اسلامی می توانند در زمینه های مختلف فرهنگی و اجتماعی آن را کاهش دهند.

درباره دیدگاه های خانم بهرامی

به گزارش اطمینان نیوز، لیلا بهرامی مکرری لیسانس جامعه شناسی از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد روانشناسی از ارومیه را داراست.

سوابق اجرایش دارای هفده سال سابقه کار در آموزش و پرورش که دبیر جامعه شناسی و روانشناسی و اقتصاد در دبیرستان های دولتی و غیردولتی، ۲۱ سال سابقه آموزشی در آموزش و پرورش را دارد.

در مورد هدفش از کاندیداتوری اظهار داشته: در دور چهارم کاندیدای شورای شهر ارومیه جزء کاندیدای علی البدل شورای اسلامی شهر بوده و امسال هم تلاش خود را با توکل بر خدا بیشتر کرده است.

خانم لیلا- بهرامی مگری در مورد اهداف و برنامه هایش می افزاید: در تعریف شورای شهر بر اساس اصل یک صدم قانون اساسی شورای اسلامی شهر برای پیشبرد اهداف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، عمرانی و با توجه به مقتضیات محلی هر محله، شهر یا روستا صورت می گیرد تا مشکلات

ص: ۸۱

مردم به گوش مسئولان برسد و بتوان مشکلات مردم را تا حدودی حل کرد. از جمله اهداف وی با توجه به اینکه عضو اولیای دانش آموزان معلول مدرسه استثنایی عرصه تلاش ارومیه می باشد و مدت پانزده سال است که مشکلات اینها را در سطح شهر احساس کرده، به امید خدا بتواند امکانات تفریحی ورزشی و آموزشی برای این قشر فراموش شده در جامعه را فراهم کند، مثلاً موزاییک های زرد که در پیاده روها نصب شده ولی فرهنگ استفاده از آنها در بین عموم مردم اطلاع رسانی نشده و نابینایان را دچار مشکل و خانه نشین کرده است. وی معتقد است: قبل از اینکه زیر ساختی را عوض کنیم، باید فرهنگ و نحوه استفاده از آن را به مردم آموزش دهیم.

در مورد حاشیه نشینی و جذب گردشگر می گوید: امکانات توسعه شهری باید به مساوات تقسیم بشود. با توجه به اینکه سال هایی از خدمتش را در نواحی حاشیه نشین بوده و بیشتر مشکلاتشان را لمس کرده، ان شاءالله در صورت راه یابی به شورای شهر به مناطق حاشیه نشین توجه خاصی خواهد کرد. ارومیه شهری است که ویژگی های استراتژیکی خاصی دارد. برای جذب گردشگران داخل استان و خارج استان و حتی خارج از کشور، متأسفانه از این پتانسیل ها استفاده نمی کنیم، همچنین با کم آب شدن دریاچه ارومیه میزان گردشگران کاهش پیدا کرده و باعث رشد میزان بیکاری در بین جوانان شده و لازم این است توجه خاصی به این موضوع شود.

وی در مورد شعار انتخاباتی اش می گوید: «شهر آباد، شهری بدون مانع است» برای حمایت از قشر معلولان عزیز، آن را شعار انتخاباتی خود قرار داده، با توجه به نامگذاری امسال توسط مقام معظم رهبری به نام اقتصاد مقاومتی و تولید و اشتغال، باید شورای اسلامی شهر در این راستا قدم های اساسی بردارد و در شرایط سخت اقتصاد مقاومتی کمترین اتلاف را داشته باشیم و بتوانیم این شرایط سخت را با بهترین میزان بهره وری بالا-ببریم. بالا بردن تولیدات داخلی موجب اشتغال زایی می شود. ان شاءالله بتوانیم در این راستا قدم برداریم. (۱)



محمد حسن پارسائیان

حوزه انتخاباتی: یزد

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: نابینا

نام پدر: مرتضی

تاریخ تولد: ۲۴ دی ماه ۱۳۴۰

تحصیلات: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

وی از سال ۱۳۶۶ دبیر آموزش و پرورش می باشد. در زمینه حفظ قرآن فعال بوده و حافظ پانزده جزء قرآن است. از موفقیت هایش در این زمینه: مقام اول مسابقات حفظ ده جزء نابینایان، در مسابقاتی که در بوشهر برگزار می شد، می باشد. همچنین از مؤسسان و اعضای هیئت مدیره انجمن نابینایان یزد می باشد و در آموزشگاه نابینایان رسولیان هم فعالیت دارد. حامی و پشتیبان وی در موفقیت هایش بعد از خدا، همسر و فرزندانش می باشند.

غلامرضا تجدد محمد علیخانی

حوزه انتخاباتی: قزوین

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: پای راست فلج کامل

نام پدر: محمد

تاریخ تولد: ۱ فروردین ماه ۱۳۵۱

تحصیلات: کارشناسی حقوق

وی هفده سال است که وکیل پایه یک دادگستری بوده، در زمینه حقوق خصوصی و املاک مشغول بوده، به دلیل انگیزه های مذهبی و شخصی به صورت غیر حرفه ای در زمینه ورزش، هنر و قرآن فعالیت داشته، به جهت ارتباط مستقیم با سیستم های

دادگستری قوه قضائیه برای پیگیری پرونده ها با سیستم CMS آشناست. دو دوره عضو هیئت مدیره کانون وکلای استان قزوین بوده (۱۳۹۲-۱۳۹۴) و سه سال رئیس کانون بوده، در راستای کارهای حقوقی، فعالیت های فرهنگی داشته، صدها مقاله و مصاحبه در روزنامه های استان داشته است، چنان که عضو کمیسیون حقوقی اتحادیه سراسری وکلای ایران، عضو هفت نفر اصلی کمیسیون حقوقی وکلای سراسر

ص: ۸۳

کشور (اسکودا) می باشد، نیز عضو انجمن ایرانی جرم شناسی شعبه قزوین، و دبیر کنوانسیون حقوق کودک استانداری قزوین، و عضو کلینیک حقوق شهروندی وزارت دادگستری شعبه قزوین. وی مشوق خود را بیشتر معلولیتش دانسته، این نقطه ضعف باعث شد به فکر تقویت بقیه توانمندی هایش باشد.

حمیدرضا جعفریان

حوزه انتخاباتی: تهران (شهر بهارستان)

نوع انتخاب: شورای شهر

(شهر گلستان از شهرستان بهارستان از توابع استان تهران)

نوع معلولیت: جسمی حرکتی، فلج پای چپ

نام پدر: محمد

تاریخ تولد: ۳۰ شهریور ماه ۱۳۵۴

تحصیلات: کارشناسی روانشناسی عقب مانده ذهنی، کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی

وی رئیس هیئت ورزشی جانبازان و معلولان شهرستان های رباط کریم و بهارستان می باشد و مربی وزنه برداری جانبازان و معلولان.

دوازده سال است که کارمند اداره بهزیستی شهرستان رباط کریم است. حوزه هایی که کار داشته: مسئول دفتر ریاست اداره، کارشناس مراکز غیردولتی امور خیریه و اشتغال، معاون امور توانبخشی اداره، نفر اول و برتر کارشناس سازمان بهزیستی در کسب چهل درصد از کل اعتبارات استان تهران برای ساخت مسکن معلولان طرح امداد مسکن. در پرنده پانصد مددجو را صاحبخانه کرده و لوح تقدیر از مدیرکل و رئیس اداره دارد.

ده سال است که مربیگری وزنه برداری می نماید که بعضی اعضا نام آور مقام پارالمپیک و جهان هستند و در تیم ملی وزنه می زنند و تعداد کثیری از مددجوها هستند، توانبخشی که به صورت مقدماتی و زیر مجموعه کار می کنند. وی چهار سال می باشد که در پست شورای شهر گلستان است که بزرگ ترین مجموعه ورزشی جانبازان و معلولان در شهر گلستان در شهر سبزده را ساخته است. برای اولین بار که اینجانب به عنوان نماینده جامعه هدف توانست در بودجه شهرداری این مورد را بگنجاند و الحمدلله مجموعه بی نظیری است که تقریباً سه یا چهار ماه دیگر افتتاح می شود. ۲۰۰ میلیون تومان پیشنهاد در بودجه سال ۹۵ و ۹۶ بوده، یعنی در هر سال صد میلیون تومان برای خرید و تجهیز لوازم ورزشی جانبازان و معلولان که در طول دوره شورای شهر ادوار گذشته این طرح دو فوریتی بی سابقه بود که توانسته این طرح را مصوب بکند و در بودجه

شهرداری بگنجانند. بیش از ده هزار متر مناسب سازی مختص جانبازان و معلولان در سطح شهر برای روشنندل ها و معلولان جسمی حرکتی نیز به انجام رسانده است.

در شهر بهارستان شهر گلستان در شورای شهر این کارها را انجام داده، بالغ بر بیست میلیون تومان پول کمک به اداره بهزیستی شهرستان بهارستان برای خرید لوازم اداری که تأمین کرده، بالغ بر صد تن آسفالت را کف اداره بهزیستی و برای مناسب سازی اداره بهزیستی در شورای شهر مصوب نموده است. نیز طرح دو فوریتی برای خرید خودرو و مینی بوس مختص جابجایی معلولان و جانبازان، چنان که بالغ بر پانزده مدرسه را برای بچه هایی که ضایعه نخاعی سینه ای و یا گردنی و معلولان جسمی حرکتی بودند، مناسب سازی کرده است. تابلوی پارک ویژه جانبازان و معلولان در سطح شهر برای ادارات خدمت رسان نصب شده و معلولان به راحتی استفاده می کنند. بالغ بر پانزده مورد جهیزیه از محل ماده هفده و یا کمک های مردمی که به خانواده های بی بضاعت داده، بالغ بر ۳۰۰ یا ۴۰۰ مورد کمک هزینه معیشتی، درمانی، کمک هزینه فیزیوتراپی، کمک هزینه جهت تأمین دارو، پرداخت قبوض آب و برق و... نیز بازدیدهای رندومی به صورت دوره ای از منزل مددجویان و بررسی مشکلات آنها و پیگیری. در روز عصای سفید و مناسبت های مختلف کمک های موردی تعیین کرده، در جهت اشتغال و رفع مشکلات گام هایی برداشته است، نیز بازدیدهای دوره ای از خانواده معزز شهدا. طرح دو فوریتی جامع و کلی به جهت رعایت قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و دستور آن به شهردار وقت که تمام قوانینی که مربوط به اصول شهرسازی است، رعایت شود. حتی علائم راهنمایی و رانندگی مجهز به علائم صوتی بشود. تمام اداراتی و یا ساختمان هایی که تأسیس می شود و به عنوان یک نهاد عمومی محسوب می شود و زیر نظر شهرداری است دستور اکید داد. که بدون رعایت مناسب سازی، پایان کار به آنها داده نشود مگر اینکه استانداردهای لازم معلولان و جانبازان رعایت شود. تأسیس ساختمان شورای شهر که مناسب سازی با شرایط جانبازان و معلولان گردد. الحمدلله الآن به راحتی جانبازان و معلولان می توانند در دفتر شورا حضور داشته باشند و مشکلاتشان را مطرح کنند و خیلی خدمات دیگر. چهار سال زحمت و تلاش در محل شورای شهر

وی مسئول هیئت مذهبی محبان علی (ع) بوده، یعنی به عنوان مسئول هیئت مذهبی شهرستان مسئول هیئت محبان علی علیه السلام است. هیئت فعالیت مذهبی در شهر دارد. بالغ بر هزار هیئت مذهبی در شهر فعالیت دارد.

هر از گاهی به دعوت دوستان دکلمه ای - ذکری از ائمه در هیئت های مذهبی ارائه می دهد و به صورت هفتگی در هیئت جلسات قرآنی و به واسطه آن عزاداری و ضمن آن یاد شهدا و ائمه هست. مسئولیت معاون جوانان بسیج شهدای بهزیستی به وی تفویض شده و مدت دوازده سال است به عنوان عضو بسیج فعال ادارات در سطح شهر انجام وظیفه می کند. بالغ بر صد گواهینامه دوره های کشوری و بین المللی دارد.

سال ۷۴ دیپلم گرفته و با دامادشان یک تولیدی کوچک با وامی که از بهزیستی گرفت، تقریباً پانصد هزار تومان به عنوان وام خوداشتغالی گرفته و تولیدی مشارکت را شروع کرده است به جهت اینکه به بهزیستی مراجعه می کرد و به خاطر شاید بیشتر وضعیت جسمی که داشته، این

درد را احساس می کرد. که به هموعان خود خدمت کند و به همین دلیل بیشتر در حوزه کارهای اداری بوده است. از همان زمان به عنوان نماینده پیگیری مسکن معلولان در اداره بهزیستی به عنوان یکی از مددجویان و توانخواه ها با سازمان بهزیستی همکاری داشته، اداره بهزیستی شهرستان بهارستان زمین که الان دارد ۶۰۰ متر سندش به نام وی است که از شورای شهر آن زمان در دوره سوم اخذ کرده و پیگیری های مکرری داشته است. عضو شورای شهر می باشد و قوانین شهرداری را می داند، که زمین به نام بهزیستی نمی دهند. آنها با حق مالکیت زمین واگذار می کنند ولی با پیگیری هایی که داشته، توانسته سند شش دانگ زمین را به نام بهزیستی بزند که جزء سرمایه های سازمان محسوب بشود. نیز ۶۰۰ متر دوباره از شهرداری نسیم شهر اکبرآباد گرفته است. مسئول املاک شهرداری آن زمان بچه کم توان ذهنی داشتند. وقتی دیدند وی پیگیر است، به احترام او و به خاطر خدماتی که ارائه می داد و پیگیری هایی که داشت، با این وضعیت جسمی با سند شش دانگ آنجا را به نام بهزیستی زدند. دو زمین هم برای ساخت مسکن معلولان در شهر گلستان که بالغ بر یک میلیارد تومانی است برای ساخت مسکن معلولان گرفته، با موقعیت بسیار عالی که ان شاءالله خیر پیدا شود آنجا را بسازند و تحویل خانواده های نیازمند بدهند. مشوق اصلی را خودش می داند که واقعاً علاقه خاصی برای خدمت رسانی به هموعان خود در سازمان بهزیستی داشته است. وی در سال ۸۴ وارد سازمان بهزیستی شد، ابتدا به عنوان نیروی شرکتی وارد سازمان شد و همان لحظه عهد و پیمان با خدای خود بست که شأن و منزلت مددجویان سازمان همیشه حفظ بشود و هر کمکی که از دستش بریاید، برای این عزیزان انجام بدهد. زمانی که وارد سازمان شد، با دیپلم و امروز فوق لیسانس و امین مردم در شورای شهر و خیلی از مسئولیت های دیگر است که همه را مدیون لطف خداوند و تلاش های خود و دعای خیر پدر و مادر بوده و دعای خیر مددجویان. هشت هزار رأی آورده، نزدیک شش هزار رأی از جامعه هدف سازمان بهزیستی بوده است، چون به معلولان محبت و توجه کرده، اینان را گرمی داشته، شادی و منزلت شان را حفظ کرده، خود می گوید: پای درد دلشان نشسته، با خنده هایشان، خندیده و با گریه هایشان گریسته است.

حسن حسینلو

حوزه انتخاباتی: قم

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: قربانعلی

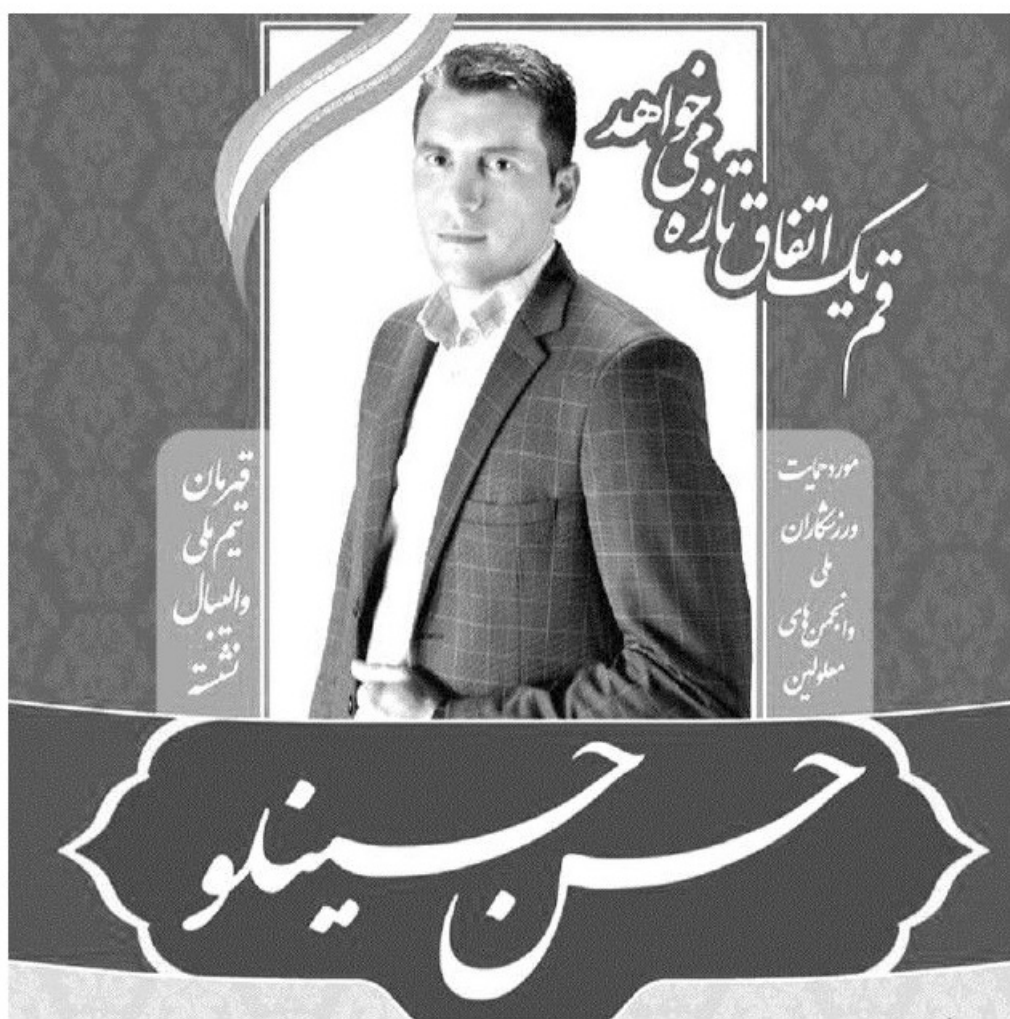
تاریخ تولد: ۱ شهریور ماه ۱۳۶۴

تحصیلات: کارشناسی تربیت بدنی، دانشگاه تهران، دانشجوی رشته تربیت بدنی گرایش جامعه شناسی ورزشی در مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران مرکز

در زمینه ورزش حدود چهارده سال می باشد که در رشته والیبال نشسته فعالیت دارد. قهرمانی جوانان کشور با تیم تهران در سال ۱۳۸۶ یا ۱۳۸۷، قهرمانی کشور با تیم استان قم در سال ۱۳۸۷، قهرمانی باشگاهی کشور با تیم استان قم در سال ۱۳۸۹، نایب قهرمانی کشور با تیم استان مرکزی در سال ۱۳۸۴، مقام سوم کشور با تیم تبریز، مقام دوم و سوم با تیم ذوب آهن اصفهان در سوپر لیگ، و دیگر عناوین از موفقیت های وی در زمینه مسابقات کشوری می باشند. همچنین حضور در تیم ملی در سال های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴ و قهرمانی در مسابقات جهانی اسلونی در سال ۱۳۸۵ از موفقیت هایش در عرصه بین المللی می باشند. مدرک درجه یک مربیگری را نیز اخذ کرده است.

انگیزه و پشتکار فردی عامل پیشرفت او در زمینه تحصیل و تشویق و حمایت های مربیان عامل موفقیت وی در عرصه ورزش می باشد.

آقای حسینلو در انتخابات ۹۶ برای انتخابات شورای اسلامی شهر قم شرکت کرد. این انتخابات در ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ برگزار شد. شهر قم ۳۲۴ نفر کاندیدا داشت و ایشان رتبه ۱۰۸ با ۳۹۵۲ رأی آورد. نفر اول ۰۳۴/۷۰ رأی آورد. (۱)



۱- . نتیجه انتخابات شهر قم، فرم ۳۱.

حوزه انتخاباتی: یاسوج

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: سید علی رحم

تاریخ تولد: ۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۹

تحصیلات: کارشناسی برق، دانشگاه نجف آباد اصفهان، دانشجوی رشته برق دانشگاه بوشهر در مقطع کارشناسی ارشد، مداح و فعال فرهنگی، فعال سیاسی، از اولاد امامزاده شاه قاسم (ع)

تنها لیسانس و فوق لیسانس برق قدرت در استان در بین معلولان است، و خیلی مطالبه شغل در دفتر ریاست جمهوری و وزارت نیرو کرده است.

در زمینه ورزش فعالیت داشته است که به کسب مقام منجر نشد، چون تحصیل می کرد. فوق لیسانس دو مرتبه قبول شده، ولی بهزیستی قم حاضر نشد به او خوابگاه بدهد و گرنه الان فوق لیسانس را تمام کرده بود و دکترا می خواند. بعد از فوق لیسانسی که قبول شد و به دلیل نداشتن خوابگاه نتوانست برود، امتحان حوزه داد. بهترین حوزه کشور قبول شد و مصاحبه داد. چون هم مداح و هم معلم قرآن بود، به غیر از مهندسی برق. دوازده سال کار تخصصی فرهنگی کرده، شاگرد آیت الله بهجت بود و در درس اخلاق آیت الله مظاهری شرکت می کرد. زیر نظر بهترین شاگرد مدرسه شهید بهشتی آن زمان در قم بود. سه سال به درس یکی از بهترین اساتید حوزه می رفت، به همین دلیل نماینده مجلس خبرگان حضرت آیت الله ملک حسینی تشویق کرد که حوزه برود. حوزه قبول هم شد نمره علمی آورد. مدتی است که در انجمن خوشنویسان عضو می باشد و یک سال و نیم زیر نظر یکی از اساتید قرآنی بوده، پس از یک سال و نیم معلم قرآن بچه های زیر شانزده سال شده است. مقام سومی در بسیج و در بحث دعا خوانی مقام اول شهرستان را آورده است.

دوازده سال است که مداحی می کند. در اصفهان و یاسوج و اطراف خیلی مداحی کرده است.

مهارت های کامپیوتر ICDL درجه یک و دو را گذرانده است. می گوید: در مجموعه فعالیت هایی که داشته، خدا پشتیبان است. در رشته برق تصمیم گرفته تا دکترا جلو برود. شرکت در انتخابات هم سبب ساز خدا بوده و امید دارد تا ریاست جمهوری ادامه بدهد!

دوره تکنسین داروخانه را هم گذرانده و مدرکش را گرفته است.

علیرضا حیدری رامشه

حوزه انتخاباتی: اصفهان

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: بینایی

نام پدر: غلامرضا

تاریخ تولد: ۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۳، تهران

تحصیلات: کارشناسی روانشناسی، دانشگاه دولتی اصفهان، کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان

وی دبیر آموزش و پرورش است و در عرصه پرورش نیروی انسانی به ویژه معلولان تبحر و تجربه دارد.

هشت سال سابقه دبیری در آموزش و پرورش اصفهان را دارد. مدیرعامل انجمن روشن بین، یکی از انجمن های فعال در امور نابینایان استان اصفهان نیز می باشد.

کандید معلول شورای شهری که شش هزار معلول دارد

معلولانی که عده‌ای از آنها

توان رای‌دادن ندارند

ولی حق زندگی کردن دارند

مهندس سید صابر حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد برق

مداح و فعال فرهنگی

فعال سیاسی

از اولاد امام زاده شاه قاسم (ع)

سازماندهای سندس سید صابر حسینی

کاندید شورای شهر یاسوج



روشن بین یکی از انجمن های فعال در امور نایبانیان استان و کشور است. فعالیت هایشان را در حیطه های اجتماعی و بحث مناسب سازی فعالیت هایی در حیطه اشتغال فعالیت های علمی و فرهنگی انجام می دهند.

انجمن روشن بین قبلاً انجمن جوانان روشن بین بود و سال ۷۹ تأسیس شد. به موجب درخواست دوستان و احساس نیازی که پیش آمد، سال ۹۴ به انجمن روشن بین تبدیل شد و مجوز را از وزارت کشور گرفت، یعنی تبدیل وضعیت داده شد.

وی حدود سیزده سال است که جودو کار می کند و دان سه جودو را دارد، مدرک مربیگری درجه سه جودو را گرفته است.

دو مقام سومی کشوری را یک مقام قهرمانی استانی و دو مقام سومی استانی هم دارد و در انجمن برای نایبانیان دو سال جشنواره موسیقی برگزار کرده اند.

یک دوره مسابقات شطرنج هم برگزار نموده اند؛ مسابقاتی بود که افراد مدرک می گرفتند. مدرکی است که درجه شطرنج باز را در سطح کشور و جهان دقیقاً مشخص می کند و یک نوع کلاس است.

دوره های

کامپیوتر را به صورت شخصی گذرانده، مهارت های کامپیوتر را در سطح ICDL و حتی بالاتر بلد است و مدرک ماساژ کاربر را هم دارد. افراد ماساژ درمانی را آموزش می بینند. یک دوره ۲۰۰ ساعته آموزش کارورزی است.

در دوره دانشگاه عضو انجمن علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی بوده، عضو بسیج دانشگاه بعد وارد فضای کسب و کار شده است. فعالیتی که انجام داده، انجمن روشن بین و فعالیت در امور مربوط به نایبانیان است.

در بحث نایبانیان حدود پانزده سال است که فعال می باشد یعنی تقریباً از زمانی که وارد دانشگاه شد. در سال ۸۱ وارد حیطه فعالیت در امور مربوط به نایبانیان و معلولان شد. این ارتباط و فعالیت باعث شد که نسبت به مشکلات و مسائل معلولان و نایبانیان به صورت اختصاصی آشنایی پیدا کند و همین طور بقیه افرادی که اگرچه معلول نبودند ولی مشکلاتی داشتند مثلاً خانواده های بی سرپرست یا جانبازان. این افراد یک ششم جامعه هستند. وی به این نتیجه رسید که به صورت خیلی رسمی مسائل و مشکلات آنها را پیگیری کند. به خاطر همین وارد عرصه فعالیت های سیاسی شد، برای اولین بار در شورای شهر.

در تمامی فعالیت ها خانواده مشوقش بوده اند و دوستان نزدیک، دوستانی که در گروه نایبانیان با هم دوست بودند، نیز دوستان بینا و نزدیکان. وی می گوید: « یکی از چیزهایی که خیلی مشوق من بود، انگیزه ای بود که برای حل مشکلات داشتیم. خیلی وقت ها یک نفر باید آدم را تشویق بکند، خیلی وقت ها انسان وقتی مشکلات را از نزدیک می بیند، به این نتیجه می رسد یعنی از یک طرف مشکلات را می بیند و از طرف دیگر ظرفیت ها را و خودش را در موقعیتی می داند که می تواند برای حل مشکلات با استفاده از ظرفیت هایی که وجود دارد، تلاش بکند. این خودش انگیزه می شود.

رحمان دلاوری

حوزه انتخاباتی: استان مرکزی

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: ابوالفضل

سال تولد: ۱۳۵۹

محل تولد: دلیجان

تحصیلات: کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی

رحمان پس از تحصیلات متوسطه در دانشگاه شیراز پذیرفته شد و در رشته مدیریت صنعتی در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شد. سپس در رشته مدیریت صنعتی، مقطع کارشناسی ارشد را در دانشگاه علامه طباطبائی تهران به پایان رساند و در سال ۱۳۸۷ فارغ التحصیل شد.

سوابق اجرایی

مهم ترین سوابق اجرایی رحمان عبارت اند از:

اولین کاندیدای نایب
انتخابات شورای اسلامی شهر اصفهان

علیرضا خدیری

آنچه را بخواهیم در پرتو همت و حمایت می توانیم
یقیناً معلولیت محدودیت نیست
تحقق آرمانهای گروهی، در گرو، اراده من، یاری
یزدان پاک و حمایت شما شهروندان نیک اندیش

- عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی - تخصصی مدیریت و حسابداری، دانشگاه شیراز، محل کار شیراز، شروع کار ۱۳۸۰، پایان کار ۱۳۸۲

- مشاور سیستم مدیریت کیفیت، شرکت تدبیر گستر، محل کار تهران، شروع کار ۱۳۸۲، پایان کار ۱۳۸۴

- ارزیاب وزارت نیرو (بر اساس مدل EFQM)، شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور، محل کار تهران، شروع کار ۱۳۸۴، پایان کار ۱۳۸۴

- مشاور سیستم مدیریت کیفیت، سازمان گاز تهران بزرگ - آب و فاضلاب ایلام - مفتولی قزوین - فرودگاه شیراز و امام خمینی - مدیریت درمان اهواز، محل کار متمرکز در تهران، شروع کار ۱۳۸۴، پایان کار ۱۳۸۴

- مشاور تدوین برنامه پنج ساله و بودجه ریزی عملیاتی، شهرداری دلیجان، (شهرداری برتر پژوهش در سال ۱۳۸۹)، کمیجان، آشتیان و خنداب، محل کار دلیجان، شروع کار ۱۳۸۷

- عضو سخنگوی شورای اسلامی شهر دلیجان، شروع کار ۱۳۹۲، پایان کار ۱۳۹۶

طرح های پژوهشی

- ارزیابی عملکرد واحدهای مستقل استراتژیک ITI، محل اجرای طرح: صنایع مخابرات راه دور ایران، طرف قرارداد: دانشگاه شیراز، سال اجرا: ۱۳۸۱

- ارزیابی فرآیند تولید کاشی و سرامیک، محل اجرای طرح: شرکت کاشی حافظ، طرف قرارداد: دانشگاه شیراز، سال اجرا: ۱۳۸۱

- ارزیابی کار و زمان خط تولید خودروی پژو سمند، محل اجرای طرح: شرکت ایران خودرو، طرف قرارداد: دانشگاه علامه طباطبائی، سال اجرا: ۱۳۸۲

- شناسایی و اولویت بندی نیازهای مشتریان خدمات پس از فروش با استفاده از مدل سروکوآل، کانو QFD، محل اجرای طرح: شرکت بهمن خودرو، طرف قرارداد: دانشگاه علامه طباطبائی، سال اجرا: ۱۳۸۴

- تدوین برنامه استراتژیک (کتاب دلیجان و توسعه)، محل اجرای طرح: شهرداری دلیجان، سال اجرا: ۱۳۸۷

- مطالعه و اجرای بودجه ریزی عملیاتی، محل اجرای طرح: شهرداری دلیجان، طرف قرارداد: دانشگاه قم، سال اجرا: ۱۳۸۹

- نقش سازمان مدیریت مقصد گردشگری (DMO) در توسعه پایدار گردشگری شهرستان دلیجان (با بهره گیری از تجربیات کشورهای موفق در حوزه گردشگری)، محل اجرای طرح: دلیجان، طرف قرارداد: پذیرفته شده در همایش توسعه پایدار شهرستان دلیجان و همایش توسعه گردشگری خوانسار، سال اجرا: ۱۳۹۳

دانشگاه پیام نور دلیجان، موضوع تدریس: زبان تخصصی مدیریت - کنترل پروژه - مبانی مدیریت صنعتی، سال شروع:

۱۳۸۷

ص: ۹۲

توانایی ها و مهارت ها

آشنایی با نرم افزارهای Word , Excel , Access , Power Point , MS Project

آشنایی با زبان انگلیسی در حد مطلوب

روح الله ذوقی احسان

حوزه انتخاباتی: قم

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

تاریخ تولد: ۱۳۵۹

تحصیلات: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

در سال ۱۳۵۹ در خانواده مذهبی به دنیا آمد. در یازده سالگی در نهضت سوادآموزی تحصیل را آغاز نموده و هم اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی می باشد. از ابتدای جوانی خود به فعالیت های اجتماعی و رفع مشکلات محرومان به ویژه معلولان پرداخت و برای این موضوع چند

دلجان، نام دیگر من...

کاندیدای پنجمین
دوره انتخابات
شورای اسلامی
شهر دلجان



مؤسسه در حوزه جوانان و معلولان راه اندازی کرد، همچنین در خصوص رفع مشکلات اشتغال شهروندان، تأسیس چند شرکت و کارمایی را در فعالیت های خود دارد و صدها نفر به واسطه این فعالیت ها مشغول به کار گردیده اند.

در حوزه معلولان نیز با ارائه خدمات ویژه تحولی ایجاد نمود که هزاران نفر از خدمات آن به خصوص در هیئت معلولان برخوردار گردیدند و در زمینه مناسب سازی نیز پیگیری ویژه ای را انجام داده و اقدامات مؤثری صورت گرفته از قبیل مناسب سازی پارک ها و ساختمان های اداری و

از جمله فعالیت های ایشان: راه اندازی مؤسسه مددکاری پرتو روشن زندگی و همچنین هیئت متوسلان به ائمه اطهار و شرکت خدمات پرتو ایرانیان می باشد.

هدف های انتخاباتی

- توسعه فضای سبز، اماکن فرهنگی هنری، ورزشی و مبلمان شهری در کلیه مناطق شهر

- هماهنگی با ارگان ها برای حل مشکلات از قبیل مسکن، اعتیاد، اشتغال و

- حمایت از هیئات مساجد و مؤسسات برای ارتقای فرهنگ اجتماعی

- توسعه امور زیربنایی و تسریع در آبادی شهر و پروژه های شهری

- پیگیری و حل ترافیک، حمل و نقل و تسریع در خدمات شهری

- توسعه پایدار و جذب سرمایه برای افزایش رفاه اجتماعی

- پیگیری مناسب سازی سطح شهر و حمل و نقل عمومی

نتیجه

آقای ذوقی در انتخابات ۲۹ اردیبهشت ۹۶ برای شورای شهر قم شرکت کرد و در بین ۳۲۴ نفر شرکت کننده، ۶۲ و ۷۱۵۰ رأی آورد. (۱)

مصاحبه (۲)

سوادآموز معلولی که اراده ای فولادی دارد

در این گفت و گو می خوانیم: اولین کلمه و نخستین فرمان آخرین کتاب آسمانی، امر به خواندن است. چنین کتابی و چنان

آیینی، مسلمانی را که نخواند و ننویسد، سرزنش می کند و این برای هرکس از کودک و پیر و جوان و زن و مرد در هر شرایط جسمی و بدنی واجب است. سوادآموزی به توفیق فرمان امام خمینی (ره) از یک حرکت محدود فرهنگی، به نهضتی فراگیر از روز هفتم دی ماه سال ۱۳۵۸ و از آن پس در شمار مقدس ترین آرمان های انقلاب اسلامی درآمد. روح الله ذوقی احسان چهره موفق سوادآموزی استان قم است که معلولیت نتوانسته او را از مسیر آموختن منحرف کند و قرار گرفتن در مسیر آموختن و دانایی او را بعد از سوادآموزی، اخذ دیپلم، طی کردن دوره

ص: ۹۴

-
- ۱- . نتیجه انتخابات شهر قم، فرم ۳۲.
 - ۲- . این مصاحبه به روش تبلیغی توسط عباس قاسمی میمند انجام شده و در روزنامه شاخه سبز، ۱۷ شهریور ۱۳۹۴ منتشر شده است.

آکادمیک هم اکنون به عنوان یک چهره موفق و خدوم در بین افراد جامعه به خصوص معلولان قرار داده است. او از کودکی اش برایمان گفت، از آمپولی که به اشتباه تزریق شد و معلولیت زودهنگام و همیشگی که خیلی زود در زندگی به سراغش آمد. ولی با همه این مشکلات، اراده فولادی اش از او یک چهره موفق ساخت. لذا جهت آشنای با این چهره موفق گفت و گویی صمیمی انجام داده ایم:

* ابتدا خودتان را معرفی کنید.

- اینجانب روح الله ذوقی احسان متولد سال ۱۳۵۳ هستم و در یکی از شهرهای همدان به دنیا آمده ام.

* در خصوص اینکه چگونه از نهضت شروع کردید توضیح دهید.

- از یازده سالگی به مدرسه رفتم و پنج سال ابتدایی را طی دو سال به اتمام رساندم.

* چرا از یازده سالگی؟!

- هنوز یک سالم تمام نشده بود که بر اثر تزریق یک آمپول اشتباهی دچار معلولیت از دو پا شدم. علی رغم اینکه از دو پا معلول بودم، ولی هنوز خودم تا هفت سالگی این حس را نداشتم که معلول هستم. وقتی که می خواستم در مدرسه ثبت نام کنم تازه فهمیدم که دچار معلولیت هستم.

* چه چیزی باعث شد در هفت سالگی به مدرسه بروید؟

- چون معلول بودم. آن زمان امکاناتی مانند ویلچر بسیار کم بود و رفت و آمد برایم سخت بود. خانواده ام با رفتن من به مدرسه موافقت نکردند با اینکه کلی گریه کردم که به مدرسه بروم.

* بعد از اینکه نتوانستید به مدرسه بروید چه اتفاقی افتاد؟

- در همان سال که موفق نشدم به مدرسه بروم، با کمک یکی از همسایه ها قالی بافی را فرا گرفتم و شروع به قالی بافی کردم تا اینکه وقتی یازده سالم بود یکی از همسایه ها به من گفت: شما که رفت و آمد برایتان سخت است، چرا ویلچر تهیه نمی کنید و من در جواب گفتم: پیدا کردن ویلچر برایم سخت است چرا که آن موقع ویلچر کمتر پیدا می شد. بالاخره با تلاش فراوان یک ویلچر خریدم و به دلیل علاقه ای که به درس خواندن داشتم، تصمیم گرفتم در نهضت سوادآموزی ثبت نام نمایم و ادامه تحصیل بدهم.

* در هفت سالگی نتوانستید علی رغم تمام علاقه ای که داشتید به مدرسه بروید، آن موقع چه احساسی داشتید؟

- بسیار ناراحت بودم و حسرت می خوردم چون بسیاری از هم سن و سالان خودم را به خصوص در بستگان می دیدم که به مدرسه می روند و من از این بابت حسرت می خوردم چون اشتیاق خاصی به مدرسه و درس خواندن داشتم، البته نه اینکه

* کمی از دوران نهضت سوادآموزی بگوئید که شروع به درس خواندن نمودید.

- پنج سال ابتدایی را طی دو سال گذراندم و بعد از آن در مدرسه راهنمایی به صورت شبانه ثبت نام کردم و به تحصیل ادامه دادم. در طی سه سال دوره راهنمایی با مشقت ها و مشکلات بسیاری از جمله رفت و آمد، ضعیفی چشم که متوجه نبودم و مشکلاتی از این قبیل مواجه بودم ولی همچنان با تلاش و جدیت درس را دنبال می کردم تا اینکه بعد از گذراندن دوره راهنمایی در دبیرستان ثبت نام کردم و اول دبیرستان را نیز خواندم ولی در دوم دبیرستان از من کارت پایان

خدمت خواستند که باید تکلیف پایان خدمت را روشن می کردم تا بتوانم به تحصیل ادامه بدهم ولی چون زمان بر شد، مجبور شدم دوم دبیرستان را غیرحضوری بخوانم. بالاخره بعد از سختی های فراوان که متحمل شدم، در سال ۸۰ در رشته ریاضی فیزیک دیپلم گرفتم. و همان سال به دلیل اینکه رشته ریاضی فیزیک در قم نبود، در دانشگاه آزاد در رشته علوم سیاسی شرکت کردم و در دانشگاه قبول شدم و طی سه سال مدرک لیسانس را گرفتم و در همین زمان مسئول یکی از انجمن های مربوط به مددجویان در قم شدم. بعد در کارشناسی ارشد نیز در رشته علوم سیاسی شرکت کردم و هم اکنون در حال ارائه پایان نامه هستم.

* گفتید که طی مدت تحصیل با چالش ها و مشکلات بسیاری روبرو شدید، می شود به نمونه ای از آنها اشاره کنید؟

- به دلیل اینکه از دو پا معلول بودم و با ویلچر رفت و آمد می کردم، با مشکلات عدیده ای در رفت و آمد مواجه می شدم. بعضی وقت ها در دبیرستان به دلیل طولانی بودن مسیر مدرسه تا منزل ساعت ها در مسیر بودم، از طرف دیگر چون کلاس ها که تشکیل می شد، بیشتر باید پله را طی می کردم، همین امر مشکلاتی را به مشکلات من می افزود. گاهی مواقع برای رفتن به مدرسه و یا برگشتن به منزل در زیر باران خیس می شدم. در طول مسیر در مجموع مشکلات زیادی را متحمل می شدم ولی به فضل الهی مشکلات نتوانست مانع تحصیل من شود.

* چه چیز سبب شد علی رغم همه محدودیت ها و مشکلات که داشتید همچنان ادامه تحصیل بدهید؟

- از وقتی که متوجه معلولیت خود شدم، همیشه به این فکر می کردم که باید تلاش کنم و به جایی برسم که بتوانم به افرادی که مثل بنده هستند، کمک کنم و همیشه کمک و خدمت به جامعه به خصوص قشر معلول از اهدافم بود.

* آیا معلولیت خود را مانعی برای موفقیت و رسیدن به اهداف خود می دانستید؟

- نه بنده سعی کردم به خود بقبولانم که انسان در هر شرایطی اگر اراده و پشتکار داشته باشد می تواند موفق باشد.

* الان در حال حاضر به چه کاری مشغول هستید؟

- در حال حاضر جهت خدمت به جامعه معلولان موسسه مددکاری پرتو روشن زندگی را راه اندازی کردم. هیئت متوسلان به ائمه اطهار و شرکت خدمات پرتو ایرانیان را نیز راه اندازی نمودم.

* فکر می کنید سواد و کسب علم تا چه حد توانسته در زندگی شما تأثیرگذار باشد؟

- کسب علم سبب رشد و ارتقای بنده شده و اطلاعات عمومی ام نیز بالا رفته است. با کسب علم و سوادآموزی به نوعی به کسانی که مثل بنده هستند و یا به کسانی که به جامعه معلولان نگاه دیگری دارند، توانستم ثابت کنم که اگر توکل به خداوند، اراده و پشتکار باشد، همه چیز دست یافتنی و قابل کسب است.

* علت موفقیت خود را در چه می دانید؟

- توکل بر خدا و ائمه معصومین، دعای خیر پدر و مادر و اراده و پشتکاری که داشتم. هر موقع به مشکلی برخوردم به ائمه معصومین متوسل شدم.

* چه توصیه ای به بی سوادان و آنهایی که با سواد هستند دارید؟

ص: ۹۶

- در هر موقعیتی که هستند دنبال سواد بروند و به این باور برسند که می توانند. چرا که بیکار با سواد بهتر از بیکار بی سواد است و افراد با سواد نیز علم و سواد خود را از حالت شعاری به حالت عملی تبدیل نمایند.

طاهره رضاپور کویشاهی

حوزه انتخاباتی: رشت

نوع انتخاب: شورای شهر

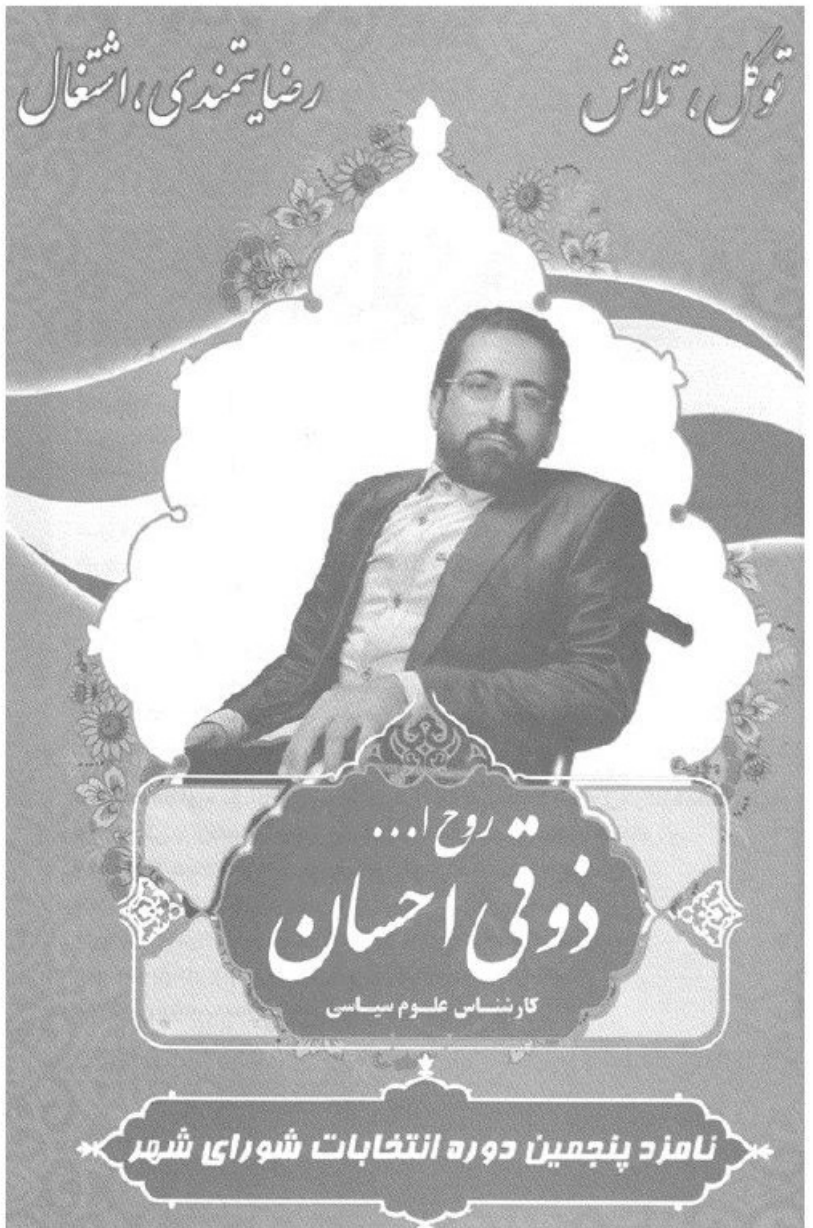
نوع معلولیت: جسمی حرکتی در رفتگی لگن در هر دو پا

نام پدر: علی

سال تولد: ۶ فروردین ماه ۱۳۵۷

طاهره به رغم معلولیت فردی کوشا و باهوش است و پس از تحصیلات متوسطه به دانشگاه راه یافت و مدارج لیسانس تا دکتری را طی کرد:

- لیسانس مهندسی کشاورزی، گرایش گیاه پزشکی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت سال ۸۶



- فوق لیسانس مهندسی کشاورزی، گرایش زراعت از واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت سال ۹۱

- دکتری تخصصی زراعت، گرایش اکولوژی گیاهان زراعی در دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان سال ۹۴ امتحان جامع داده شد، معدل کل ریز نمرات دکتری تخصصی ۲۵/۱۸، در حال اجرای پایان نامه دکتری تخصصی در مرکز تحقیقات برنج کشور

- اثر باکتری های حل کننده فسفات و کود فسفره بر عملکرد لوبیای محلی گیلان، با نمره پایان نامه ۱۹/۷۵ (درجه عالی) در سال ۱۳۹۳، معدل کل ریز نمرات کارشناسی ارشد ۷۷/۱۷

سوابق فعالیت ها و عضویت در سازمان ها

• دوره کارورزی بعد از اتمام دوره کارشناسی گیاه پزشکی در کلینیک گیاه پزشکی پدرام ۶ ماه سال ۹۳

• کارشناس IPM همکاری با کلینیک گیاه پزشکی پدرام وابسته به جهاد کشاورزی استان گیلان (قرارداد ۶ ماه) سال ۹۴

• کارشناس IPM همکاری با کلینیک گیاه پزشکی درمان پویش سبز وابسته به جهاد کشاورزی استان گیلان (قرارداد ۶ ماه) سال ۹۵

• همکاری با جهاد کشاورزی آستانه اشرفیه به عنوان کارشناس و مسئول گزارشات در سال ۹۶

• مدیر مسئول کلینیک گیاه پزشکی درمان پویش سبز آستانه اشرفیه در سال ۹۵

• نائب رئیس شورای کانون مهندسين کشاورزی و منابع طبیعی سپاه قدس گیلان

• مسئول سازندگی و امور پیگیری طرح همگام با کشاورز در خشک بیجار و خمام ۹۶

• مربی طرح همگام با کشاورز در منطقه خشک بیجار ۹۶

• کارشناس پخش زنبور تریکوگراما مبارزه بیولوژیک علیه کرم ساقه خوار برنج در استان گیلان، قرارداد دو ماه سال ۹۴/۹۵
۹۶

• همکاری با دهیار کفته رود جهت ترقی کشاورزان در مراحل کاشت، داشت و برداشت محصول به مدت ۶ ماه سال ۹۴/۹۵/۹۶

• عضو نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان

• کارشناس طرح همگام با کشاورز بسیج مهندسين کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان سال ۹۴/۹۵

• کارشناس در موسسه کاوشگران دانش بیکران

• همکاری با دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در مسابقات سراسری قرآن و عترت، دو ماه در سال ۹۲/۹۳/۹۴

• داور و بازیکن با هیئت شطرنج استان گیلان و دارای حکم قهرمانی شطرنج در مسابقات شطرنج باشگاه خانه شطرنج

• عضو تیم تنیس روی میز در سازمان بهزیستی و شرکت در مسابقات لیگ کشوری تنیس روی میز از سازمان بهزیستی به عنوان بازیکن در سال ۹۱ و مهارت در ورزش های یوگا، هیپنوتیزم، پرتاب نیزه، تیراندازی و شنا

ص: ۹۸

• همکاری با شورای هماهنگی دفاع از حقوق معلولان به مدت یک سال

• همکاری با پروژه های دانشجویی ارشد در دانشگاه

• همکاری با پروژه های مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان

مهارت های آموزشی و تخصصی

• اخذ گواهی به مدت شصت ساعت دوره آموزشی مریگیری حرفه ای PIT از سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان

• اخذ گواهی به مدت سی ساعت دوره آموزشی آشنایی با طرز کار گیرنده های GPS از سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان

• گواهی شرکت در کارگاه آشنایی با شیوه های تولید و چاپ مقاله های علمی در مجله های ISI به مدت ۶ ساعت در دانشگاه آزاد اسلامی رشت

• گواهی شرکت در کارگاه اخلاق علمی و اخلاق حرفه ای به مدت دو ساعت در دانشگاه آزاد اسلامی رشت

• گواهی شرکت در کارگاه اخلاق اصول و مبانی نگارش پایان نامه و انتشار مقاله های علمی به مدت چهار ساعت در دانشگاه آزاد اسلامی رشت

• گواهینامه پایان دوره آموزش کامپیوتر

• گواهی تشخیص صلاحیت و رتبه بندی مهندسین مشاور حقیقی از سازمان مهندسی و کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان

• گواهی پروانه اشتغال از سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان

• رتبه بندی ۲ در نظام مهندسی کشاورزی

• دارای گواهی آموزش طراحی فضای سبز

• گواهی نامه چهارمین دوره توانمندسازی ویژه مسئولان و مدیران بسیج جامعه زنان و مسئولان اقشار

فعالیت های علمی و فرهنگی

- مجله به زراعی کشاورزی، اثر برخی سویه ای باکتری حل کننده فسفات بر عملکرد و خصوصیات زراعی مهم لوبیای محلی (*Phaseolus vulgaris* L) گیلان در مقادیر مختلف کود فسفره، ۱۳۹۳، پردیس - ابوریحان - دانشگاه تهران

- اولین همایش یافته های نوین در محیط زیست و اکوسیستم های زراعی، اثر سویه های باکتری سودوموناس و کود فسفره بر تجمع نیتروژن و فسفر و ماده خشک دانه و بافت های لوبیا (۱۳۹۳)، (*Phaseolus Vulgaris L.*)، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران

- اولین همایش یافته های نوین در محیط زیست و اکوسیستم های زراعی، اثر کودهای زیستی و شیمیایی بر عملکرد و برخی خصوصیات زراعی مهم لوبیای (*Phaseolus Vulgaris L.*)، محلی گیلان، ۱۳۹۳، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران

- اولین همایش کشاورزی چند کارکردی، ضرورت کاربرد باکتری های حل کننده فسفات در راستای کاهش مصرف کودهای شیمیایی و آلاینده های زیست محیطی، ۱۳۹۲، دانشگاه آزاد اسلامی رشت

- هم اندیشی یک روزه توسعه تحقیقات زراعی و باغی گیلان، اثر متقابل نیتروژن و مقادیر گوگرد بر عملکرد دانه، پروتئین و اسیدهای چرب کلزا *Brassica napus L* زمستانه، ۱۳۹۳، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان

- سیزدهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، ارزیابی شاخص های زراعی و عملکرد اسانس دو رقم گیاه دارویی ریحان تحت تأثیر تراکم و آرایش کاشت، ۱۳۹۳، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال کرج

- سیزدهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، اثر متقابل منابع نیتروژن و مقادیر گوگرد بر شاخص های زراعی و عناصر غذایی در بذر کلزای زمستانه، ۱۳۹۳، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج

- سیزدهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، ارزیابی اثر کودهای ریز مغذی بر شاخص های زراعی ارقام کلزای زمستانه، ۱۳۹۳، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج

- سیزدهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، اثر متقابل منابع نیتروژن و مقادیر گوگرد بر عملکرد دانه، پروتئین و اسیدهای چرب کلزای زمستانه، ۱۳۹۳، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج

- سی و دومین گردهمایی و نخستین کنگره تخصصی بین المللی علوم زمین، **Evaluation of Growth Stages and Important Agronomic Traits in Winter Rapeseed (*Brassica napus L.*) Varieties as Affected by Micronutrient Fertilizers in Arak, Iran**، ۱۳۹۲، وزارت صنعت، معدن و تجارت

- سی و دومین گردهمایی و نخستین کنگره تخصصی بین المللی علوم زمین، **The interaction effects between nitrogen sources and sulphur rates on seed quantitative and qualitative indices in winter rapeseed (*Brassica napus L.*)**، ۱۳۹۲، وزارت صنعت، معدن و تجارت

- سی و دومین گردهمایی و نخستین کنگره تخصصی بین المللی علوم زمین، **Evaluation of agronomic and seed qualitative traits in winter rapeseed (*Brassica napus L.*) varieties**، ۱۳۹۲، وزارت صنعت، معدن و تجارت

- دومین کنگره بین المللی و چهاردهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، ارزیابی عملکرد دانه و ترکیب اسیدهای چرب روغن بادام زمینی در کشت مخلوط با ذرت تحت تأثیر سطوح مختلف نیتروژن *varieties*، ۱۳۹۵، دانشگاه گیلان

- دومین کنگره بین المللی و چهاردهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، ارزیابی مراحل رشد و برخی از خصوصیات فیزیولوژیک بادام زمینی و نسبت برابری در کشت مخلوط ذرت، ۱۳۹۵، دانشگاه گیلان



ص: ۱۰۰

حوزه انتخاباتی: شهر تهران، ری، شمیرانات

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

کاندیدای پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر تهران ری شمیرانات

کاظم رضایی به رغم معلولیت جسمی، به دلیل خصلت های اخلاقی، پشتکار، ایمان و اعتقاد به موفقیت اجتماعی رسیده است. موفقیتی که شاید رسیدن به آن برای بسیاری از انسان های سالم و بی نقص سخت و یا غیر ممکن باشد. این موفقیت ها علاوه بر لطف پروردگار بی همتا، مرهون تلاش ها و مجاهدت ها، تیزهوشی، ابتکار، خلاقیت و تحصیل علم در مقاطع عالی او است.

وی معتقد است معلولیت، محدودیت و محرومیت نیست و انسان ها متناسب با همت خویش، خود و جامعه را می سازند. باور دارد اگر همه چیز طبق روال همیشگی پیش برود، عین فاجعه است و باید با توسل به انسان های موفق، جامعه را به سمت موفقیت پیش برد. یادآور این حقیقت است که جامعه بزرگ و موفق را انسان های زیبا و قیافه های بزرگ کرده نمی سازند، جامعه بزرگ را اندیشه های بزرگ می سازند.

وی می گوید: اینک مسئولیت خطیر و سنگین شورای شهر را به کسی بسپارید که همه مسئولیت های اجتماعی اش را به زیباترین شکل انجام داده و اکنون قصد دارد تکالیفی که در قبال جامعه و شهروندان بر عهده دارد، به نحو احسن ایفا نماید.

سوابق علمی و پژوهشی

- کارشناس مترجمی زبان فرانسه و اسپانیولی

- کارشناس ارشد جامعه شناسی

- پذیرفته شده در دوره دکتری تخصصی جامعه شناسی علوم سیاسی

- مسلط به چهار زبان زنده دنیا (فرانسه، انگلیسی، اسپانیولی و ترکی)

- کارشناس برنامه های تلویزیونی

- محقق و پژوهشگر در حوزه های اجتماعی و شهری و گردشگری

- محقق در حوزه چالش ها و معضلات اجتماعی معلولان

- محقق در حوزه حقوق شهروندی

- محقق در حوزه ایجاد اشتغال و کارآفرینی

- متخصص در مدیریت جهانگردی شهری و روستایی

سوابق اجتماعی و شغلی

- معلول جسمی و عضو جامعه معلولان

ص: ۱۰۱

- عضو انجمن کارآفرینان

- صاحب امتیاز و مدیریت دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری آویژگان و مهتاب بال

- تکنسین طراحی و اجرای مکانیزه کردن سیستم های اداری

- مدیریت باشگاه فوتبال تیم پاس نوین با نه رده سنی در سطح آسیا و یژن

- مدیریت برگزاری رالی دوچرخه سواری

- برگزاری کنسرت های موسیقی، انجام امور فرهنگی و تهیه کنندگی برنامه های تلویزیونی

- انجام پروژه های مرمت جهت استفاده بهینه شهروندان از اماکن تاریخی در پنج نقطه ایران (کاروانسرای شاه عباسی دامغان، کاروانسرای بزرگ میاندشت. قلعه چالستر، کاخ دزک، خانه آقائی زاده یزد).

- بازدید بیش از هفتاد کشور دنیا و آشنایی با فرهنگ و رسوم این کشورها

- مبتکر طرح اشتغال برای بیش از یک میلیون نفر

- کارشناس و مجری طرح های گردشگری با بیست سال سابقه کار مفید در برگزاری تور در اقصا نقاط دنیا

- مدیریت و هماهنگی بیش از ششصد هزار نفر تور، ظرف بیست سال

کاظم رضایی این متن را خطاب به شهروندان و همشهری هایش نوشته است:

شهروند گرامی:

من یک جامعه شناس هستم و بر این باورم که همه ما از ناکارآمدی و عدم تخصص و سیاست زده بودن مدیران شهری رنج می بریم و این درد به پایان نمی رسد، مگر:

- اینکه مدیریت آن جامعه مبتنی بر سعی و خطا نباشد.

- که شهروندان آن به انجام کارهای صحیح و منظم و توأم با سلامتی مالی عادت کرده باشند.

- که حداقل سه و نیم درصد نرخ رشد اقتصادی داشته باشیم.

- که دستگاه های اجرایی آن با حقیقت مبتنی بر عقلانیت تحلیل کنند، نه با تخیل.

- که شهروندان آن نگران آینده خود نباشند.

- که شأن و احترام و منزلت تولیدکننده از صاحب سمت بالاتر نباشد.

- که در آن شهروندان علاقه ای به داشتن سمت دولتی نداشته باشند، بلکه با فکر، همت و توانایی های خود زندگی کنند.

- که تکمیل پیچیده ترین طرح های عمرانی، بیش از سه سال به اطاله نیانجامد.

- که حداکثر هزینه های غذا و مسکن، ۳۵ درصد درآمد شهروندان باشد.

- که حفظ تعالی، شکوفایی وطن و کشور بر هر امر دیگری اولویت داشته باشد.

ص: ۱۰۲

حوزه انتخاباتی: تهران، شهر جدید پردیس

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: کم بینا

نام پدر: مراد

تاریخ تولد: ۱ دی ماه ۱۳۶۱

تحصیلات: کارشناسی مهندسی برق قدرت، دانشگاه نوشیروانی بابل، کارشناسی ارشد مهندسی برق قدرت، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

آقای محمود سلوکی در حد نیازهای شخصی به ورزش می پردازد. فعالیت قرآنی داشته، در حفظ، مفاهیم، زبان آموزی کوشا بوده و در وزارت نیرو در کل کشور توانست مقام برتر را بیاورد. در عرضه سه جزء، جزء سه نفر برگزیده شد. در مسابقات وزارت نیرو در رشته زبان آموزی قرآن در سال ۱۳۹۴ مقام آورد و دوم شد.

همه مراحل مهارت آموزی کامپیوتر را فراگرفته، در بخش فرهنگی بسیج اداره و بسیج محل فعالیت داشته، بیشتر پشتکار خودش بوده است. وی می گوید: «واقعاً خیلی مشکلات و موانع داشته ام. به

من با توجه به معلولیت جسمی، در نقطه ای از موفقیت اجتماعی قرار دارم که شاید رسیدن به این نقطه برای بسیاری از انسانهای سالم و بی نقص سخت و یا غیر ممکن باشد. لذا کاملا جامعه پیرامون خود را درک کرده و در جهت ارتقاء و تعالی هر چه بیشتر شهر و شهروندان عزیز و گرانقدر و ارزشمند از هر جنبه ای تلاش خواهم نمود.

♦ معلول جسمی و عضو جامعه معلولان
♦ عضو انجمن کارآفرینان

کاندیدای
شورای شهر تهران

کاظم رضائی



دلیل موانع هفت سال ترک تحصیل داشتم. هفت سال تحصیل را رها کردم. بعد از هفت سال در سال ۸۲ یا ۸۴ آمدم پیش دانشگاهی را خواندم و کنکور هم خواندم و همان سال وارد دانشگاه شدم. غیر از پشتکار، تلاش و پیگیری شخصی، البته خانواده هم مهم است، ولی اراده و خواست فرد مهم تر از هر عاملی است. به نظر من عواملی مثل توکل به خدا، محیط، استاد و مربی و دیگر عوامل در راستای اراده و مجاهدت های خود انسان باید تعریف شود. یعنی اگر اراده و تلاش باشد، بقیه عوامل هم جواب می دهد ولی اگر خود انسان نخواهد، اگر دنیا هم جمع شوند و فشار بیاورند، حادثه ای رخ نمی دهد».

محسن شریفی فهلیانی

حوزه انتخاباتی: شیراز

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی - حرکتی

نام پدر: مرحوم ناصر شریفی فهلیانی

تاریخ تولد: ۸ اسفند ماه ۱۳۵۵

تحصیلات: لیسانس مدیریت، لیسانس حقوق، فوق لیسانس حقوق خصوصی

ایشان به نفع کاندیدای دیگر از کاندیداتوری شورای شهر انصراف داد.

محسن شریفی فهلیانی از سال ۸۰ تا ۸۵ درجه دار انتظامی پلیس فرودگاه بود و اواخر سال ۸۲ به این نتیجه رسید که باید درس خواند و از قافله عقب نیفتاد و شروع کرد به درس خواندن و کنکور

مهندس محمود سلوک

فوق لیسانس مهندسی برق
از دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

عضو سازمان نظام مهندسی استان تهران

کارشناس ارشد مهندسی برق
شرکت برق منطقه ای تهران

معلول نخبه و مورد حمایت
جائحه معلولان کشور

انجام پروژه های تحقیقاتی علمی و
عملی در دانشگاه خواجه نصرالدین طوسی

گاندیدای پنجمین دوره شورای اسلامی شهر پردیس



دانشگاه آزاد شرکت کرد. سال ۸۴ شروع به تحصیل در مقطع لیسانس مدیریت دولتی کرد و هنوز این تحصیل تمام نشده بود علاقه مند به حقوق شد و دوباره در کنکور شرکت کرد و مهر سال ۸۷ ترم آخر کارشناسی مدیریت بود و هم دانشجوی کارشناسی حقوق که یک ترم مرخصی گرفته، بهمن ماه ۸۷ لیسانس مدیریت را گرفت و سر کلاس حقوق نشست، اواسط این دوره یعنی زمستان ۸۹ در مسیر دانشگاه دچار سانحه شد و به معلولان پیوست، بعد از دو ترم مرخصی دوباره ادامه داد و در کنکور ارشد ۹۲ هم شرکت کرد و مهر ماه ۹۲ فارغ التحصیل کارشناسی حقوق شد و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، سال ۹۳ وارد شهرداری شیراز شد و الآن در پست کارشناس حقوقی فعالیت می کند.

وی نزدیک یک سال است که عضو هیئت امنای انجمن ضایعات نخاعی شیراز است.

تیرانداز تپانچه در تیم تیراندازی جانبازان و معلولان فارس می باشد. همراه دو تن دیگر از دوستانش در رشته تیراندازی تپانچه مقام اول تیمی قهرمانی کشور را به دست آورده و به همراه بقیه اعضای تیم که شامل تفنگ و تپانچه می شد، کاپ قهرمانی کشور را هم به دست آورده است.

عباس شیری

حوزه انتخاباتی: ایلام

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: نصراله

تاریخ تولد: ۲۰ شهریور ماه ۱۳۵۱

تحصیلات: کارشناسی مدیریت بازرگانی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی



ص: ۱۰۵

عباس شیری متولد ۱۳۵۱ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی مدیریت بازرگانی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی است و بیش از سه دهه سابقه کار اجرایی، اداری و اجتماعی و عام المنفعه، همراه و همگام در معیت معتمدان و بزرگان شهر ایلام دارد.

مسئولیت ها

۱. عضو هیئت رئیسه (تمام دوره چهارم) و رئیس شورای اسلامی شهر ایلام (هم اکنون)
۲. مؤسس و مدیرعامل مؤسسه خیریه بقیه الله (عج) ایلام از سال ۱۳۸۴ تاکنون (بزرگ ترین مرکز خیریه مردمی استان ایلام _ حمایت از ایتام و فقرا و نیازمندان)
۳. عضو شورای اجرایی و هیئت مدیره جمعیت هلال احمر استان در دو دوره با رأی اعضای جمعیت
۴. عضو انجمن حمایت از زندانیان
۵. عضو هیئت رئیسه ورزش های همگانی
۶. عضو جامعه خدوم بانکی کشور (کارمند بانک صادرات ایلام)
۷. اخذ هفتاد لوح تقدیر و سپاس از مسئولان عالی رتبه کشوری و استانی در عرصه های مختلف خدمت رسانی (دینی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریت شهری)
۸. مسئول هیئت امنای مسجد خاتم الانبیا
۹. بیش از دو دهه عضو هیئت اجرایی ستاد انتخابات فرمانداری

پیشرفت ها

- در رشته های مداحی، اذان و قرائت قرآن موفقیت هایی داشته است.
- در زمینه حفظ و مفاهیم قرآن مقام دوم را در سال های ۶۵ و ۶۶ به دست آورد.
- در سال ۶۶ در حفظ نهج البلاغه اول شد.
- در مسابقات بهزیستی در سال ۹۲ رشته ترتیل و اذان اول شد.
- در قصه نویسی سوم شد.



ص: ١٠٦

حوزه انتخاباتی: تهران

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: نابینا

تاریخ تولد: پنجم تیر ماه سال ۱۳۵۲ در محله ۱۳ آبان تهران

تحصیلات: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و دانشجوی دکتری حقوق در دانشگاه هاروارد

مشغول به شغل وکالت و دارای دفتر وکالت در تهران

از کاندیداتوری این دوره انصراف دادند.

علی صابری سیاست مدار اصلاح طلب، عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز و عضو روشندل چهارمین دوره شورای اسلامی شهر تهران است.

وی فعالیت های پیگیری نیز در زمینه حقوق معلولان دارد که عضویت در کمیته علمی مؤسسه استثنایی عصای سفید، عضویت در کمیته پنج نفره تدوین پیش نویس قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، عضویت در کمیته پیگیری و بهینه سازی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در سازمان بهزیستی، ریاست هیئت مدیره شبکه تشکل های نابینایان و کم بینایان کشور از آن جمله است.

صابری که از سال ۱۳۸۹ عضو شورای نخبگان حقوقی شهرداری تهران است، در دوره چهارم انتخابات شورای شهر تهران به عنوان عضو علی البدل از فهرست اصلاح طلبان انتخاب شد. پس از انتصاب مسعود سلطانی فر به عنوان معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی علی صابری جایگزین وی شد و به شورای شهر راه یافت.

سوابق تحصیلی

- آغاز تحصیلات ابتدایی سال ۱۳۵۹، مدرسه شیخ محمد خیابانی (حضرت عبدالعظیم کنونی) شهرری، پایان دوره متوسطه سال ۱۳۶۹ مدرسه نابینایان شهید محبی.

- آغاز دوره کارشناسی حقوق در دانشکده حقوق دانشگاه تهران با کسب رتبه دوم کنکور سراسری ۱۳۶۹.

- دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران سال ۱۳۷۳. موضوع پایان نامه: مسئولیت مدنی کارفرما در برابر

اشخاص ثالث

- ورود به دوره دکتری حقوق خصوصی سال ۱۳۷۷ دانشگاه تهران. موضوع پایان نامه: مسئولیت مدنی کارفرما در برابر کارگر

- دانشجوی دکتری حقوق در دانشگاه هاروارد

سوابق حرفه ای

- آغاز کارآموزی وکالت در کانون وکلای دادگستری مرکز سال ۱۳۷۸.

- اخذ پروانه وکالت پایه یک دادگستری ۹ آبان سال ۱۳۸۰ با رتبه ممتاز در آزمون اختبار.

ص: ۱۰۷

- به عهده گرفتن وکالت پرونده خون های آلوده موسوم به هموفیلی ها از سال ۱۳۸۱ که تاکنون نیز ادامه دارد. در این پرونده از بالغ بر دو هزار نفر احقاق حق شده است و هزار نفر دیگر پرونده مفتوح دارند.

- برگزیده شدن به عنوان عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز اسفند ۱۳۹۰.

فعالیت های علمی

- عضویت در کمیته علمی مؤسسه استثنایی عصای سفید که طرف مشورت یونسکو در خصوص معلولان در ایران است از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۰.

- شرکت در کنفرانس بین المللی حقوق بشر و معلولیت در سوئد ۲۰۰۶ میلادی و آخرین ویرایش کنوانسیون پیش گفته و اخذ گواهینامه مربوطه از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ و تلاش در جهت پیوستن دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون که ظرف دو سال این امر به وقوع پیوست.

- شرکت در دوره های آموزش حقوق بشر برگزار شده در کانون وکلای دادگستری مرکز با همکاری یونسکو در سال ۱۳۸۶.

- همکاری با کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی به ویژه درباره حقوق معلولان از سال ۹۱ تاکنون.

- سخنرانی در نخستین همایش نقد قانون جامع حمایت از حقوق معلولان برگزار شده توسط انجمن دانشجویان و دانش آموختگان نابینا ۱۳۸۳ تهران.

- شرکت در میزگرد تخصصی حقوق معلولان برگزار شده توسط مؤسسه پژوهش های حقوقی شهر دانش اسفند، ۱۳۹۱.

- سخنرانی درباره حقوق شهروندی و مسئولیت مدنی با رویکرد به پرونده هموفیلی ها در دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دانشگاه اصفهان، جامعه اسلامی وکلای اصفهان و... از سال ۱۳۸۵ تاکنون.

- سخنرانی درباره حقوق شهروندی و خسارت معنوی اسفند ۱۳۹۰ مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران.

فعالیت های اجتماعی

- فعالیت درباره پیشبرد حقوق معلولان از هفده سالگی و همزمان با ورود به دانشگاه.

- عضویت در کمیته پنج نفره تدوین پیش نویس قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (به عنوان مشاور حقوقی) از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۳ (زمان تصویب قانون).

- پس از تصویب قانون جامع در سال ۱۳۸۳ سخنرانی درباره ویژگی های این قانون در دانشگاه های تبریز و شهید چمران

اهواز در سال ۱۳۸۵ و مؤسسه شب چراغ شیراز سال ۱۳۸۶.

- همکاری با کمیسیون حقوق بشر اسلامی در زمینه حقوق معلولان و سخنرانی در شهرستان ساری سال ۱۳۸۶.

ص: ۱۰۸

- عضویت در کمیته پیگیری و بهینه سازی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در سازمان بهزیستی کشور از سال ۱۳۸۵ تاکنون

- عضویت در کمیته راهبردی پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق انسانی افراد دارای معلولیت متشکله در سازمان های مردم نهاد از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷.

- برگزیده شدن به عنوان رئیس هیئت مدیره شبکه تشکل های نایبایان و کم بینایان کشور مهرماه ۱۳۹۱.

- عضویت در شورای نخبگان حقوقی شهرداری تهران از سال ۱۳۸۹ تاکنون.

- همکاری با خانه های سلامت و سرای محلات و فعالیت در راه اندازی بخش های معلولان به ویژه در منطقه ۱ شهرداری از سال ۱۳۸۹ تاکنون.

- چند دوره تدریس حقوق کودک، حقوق بشر و معلولان و حقوق شهروندی به کارکنان بهزیستی استان تهران و نیز یک دوره تدریس کشوری از سال ۱۳۸۱ تاکنون.

- عضویت در سازمان های مردم نهاد معلولان مانند مؤسسه استثنایی عصای سفید، انجمن نایبایان ایران، انجمن باور، انجمن دفاع از حقوق معلولان و.... از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

حیدر صدقلی

حوزه انتخاباتی:

نوع انتخاب:

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

تحصیلات:

سرپرست هیئت ورزشی شهرستان

رئیس انجمن معلولان شهرستان

مجلس النواب
الجمهورية الجزائرية



ص: ١٠٩

محمد طهماسبی

حوزه انتخاباتی: مراغه

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: محمدباقر

تاریخ تولد: ۱۰ خرداد ماه ۱۳۵۷

تحصیلات: کارشناسی ارشد مدیریت دولتی

مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۰ خرداد ماه ۱۳۵۷، محمد طهماسبی در خانواده ای مذهبی در شهرستان مراغه دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی یعنی در سال ۱۳۷۳ به علت بیماری پای راست خود را از دست داد و معلول شد. اما این رخداد سرنوشت ساز در زندگی او تعیین کننده نبوده است. او به واسطه تعهد و صداقت در سال ۱۳۷۹ جذب دانشگاه پیام نور گردید. علاقه ذاتی ایشان در خدمت به هموعان و فعالیت های اجتماعی موجب گردید پیش از حصول مدارج عالی تحصیلی در سال ۱۳۸۲ به عنوان عضو هیئت مدیره جامعه معلولان شهرستان مراغه منصوب و پس از اخذ کارشناس حسابداری در سال ۱۳۸۳ و با عزم نهادینه موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دولتی در سال ۱۳۹۳ گردد.

سوابق خدمتی، مردم داری و تلاش مستمر در مناسب سازی کهن شهر مراغه برای تمامی اقشار به خصوص قشر سالخوردگان، معلولان، ناشنوایان و روشندان عزیز که به نوعی مورد بی مهری قرار

با روحی بلند میتوان زیست

معلولین
از جنس
مردمی خوش

مهندس حسین صانقلی

سرپرست هیئت ورزشی شهرستان
رئیس انجمن معلولین شهرستان
مدرس دانشگاه دروس معماری

مدیر، برنامه ریزی و شهری پاندار همراه با عدالت و انصاف است



گرفته اند، به همراه عشق به توسعه شهری موجب گردید تا به عنوان فردی متعهد، موفق، پرتلاش، خستگی ناپذیر و مهم تر اینکه انسانی محبوب و خوش آتیه در اذهان عمومی تجلی نماید.

ایشان هم اکنون با شانزده سال سابقه اجرایی و مدیریتی ضمن داشتن مسئولیت امور مالی دانشگاه پیام نور شهرستان مراغه، به عنوان خادم قشر محروم از سال ۱۳۹۳ ریاست هیئت مدیره جامعه معلولان مراغه را نیز بر عهده دارد.

مرادحسین طهماسبی الفت آبادی

حوزه انتخاباتی: شهرستان نورآباد دلفان لرستان

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: کاکامراد

تاریخ تولد: ۲ شهریور ماه ۱۳۵۷

تحصیلات: کارشناسی علوم تربیتی، گرایش مدیریت و برنامه ریزی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران

مهارت وی روخوانی قرآن بوده، مهارت های کامپیوتر در حد IT و مقدمات. با حمایت مردم آمده و ادامه می دهد.

سوکرائفی محمد طهماسبی



متصادف با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در خانواده ای مذهبی در شهرستان بrafه دیده به جهان گشود و بواسطه نهاد و صداقت در سال ۱۳۷۹ با مدرک کارشناسی حسابداری جذب دانشگاه پیام نور بrafه گردید. قبل از حصول مدارج عالی تحصیلی در سال ۱۳۸۲ بعنوان عضو هیئت مدیره جامعه معلولین شهرستان بrafه منصوب و پس از اخذ کارشناسی حسابداری در سال ۱۳۸۳ و با عزم نهاده در سال ۱۳۹۳ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گردید. اینان هم اکنون با ۱۶ سال خدمت صادقانه و سابقه اجرایی و مدیریتی ضمن داشتن مسئولیت بعنوان خادم محترم و از سال ۱۳۹۲ ریاست هیئت مدیره جامعه معلولین بrafه را نیز بر عهده دارد

مرادحسین طهماسبی الفت آبادی



حوزه انتخاباتی: شهرستان نورآباد دلفان لرستان
 نوع انتخاب: شورای شهر
 نوع معلولیت: جسمی حرکتی
 نام پدر: کاکامراد
 تاریخ تولد: ۲ شهریور ماه ۱۳۵۷
 تحصیلات: کارشناسی علوم تربیتی، گرایش مدیریت و برنامه ریزی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران

 مهارت وی روخوانی قرآن بوده، مهارت های کامپیوتر در حد IT و مقدمات. با حمایت مردم آمده و ادامه می دهد.

اصغر عباسی

حوزه انتخاباتی: شهرستان فریدونکنار، استان مازندران

نوع انتخاب: شورای روستای بزرگ بیشه محله

نوع معلولیت: جسمی حرکتی شدید

نام پدر: مسیب

تاریخ تولد: ۱۰ خرداد ماه ۱۳۵۳

تحصیلات: کاردانی علوم آزمایشگاهی، دانشگاه دولتی علوم پزشکی بابل

شغلش آزاد است و سوپرمارکت دارد. هشت سال است که والیبال نشسته کار می کند. در لیگ دسته یک کشوری بوده، رئیس هیئت ورزشی جانبازان و معلولان شهرستان فریدونکنار می باشد. وی از مردادماه ۱۳۹۵ رئیس هیئت ورزشی است.

فعالیت های

کامپیوتری در زمینه فتوشاپ و اینترنت دارد. وی می گوید: «در مجموعه فعالیت هایی که داشته مشوق زیاد نداشتم ولی مادرم خدایا مرز خیلی کمکم می کرد».

علی اصغر عین القضاة

حوزه انتخاباتی: تهران

نوع انتخاب: شورای شهر



رئیس هیات جانبازان و معلولین
شهرستان فردو ننگار



کاندیدای پنجمین دوره شورای اسلامی روستای بزرگ بیشه محله

- ◆ ایجاد و تشکیل صنوبر های خیره جهت کمک به فقر های ضعیف روستا
- ◆ بستر سازی و فراهم نمودن امکانات ورزشی و احداث سالن ورزشی
- ◆ افزایش مجوز طرح و توسعه داخل بافت روستا جهت ساخت و ساز
- ◆ بکار گیری فاز دو و سه اجرای طرح هادی
- ◆ چاپ نشر هر شش ماه یکبار از الله هرینه عملکرد شورا جهت اطلاع رسانی
- ◆ بکار گیری افراد بزرگان با تجربه و نشینگان محل جهت پیشبرد و آبادانی روستا
- ◆ احترام گذاشتن به پیشنهادات و انتقادات عموم افراد محل
- ◆ آفتاب سازی و زیبا سازی اطراف آبندها جهت جذب توریسم
- ◆ ایجاد شرکت های تعاونی در روستا
- ◆ ایجاد امنیت در روستا با نصب دوربین های امنیتی

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: حسین

تاریخ تولد: ۱۳۴۱ تهران

تحصیلات: لیسانس حقوق - فوق لیسانس حقوق عمومی - قبول علمی مقطع دکتری

از کاندیداتوری انصراف دادند.

علی اصغر عین القضاة ویلچر نشین است ولی در عرصه امور اجتماعی و مدنی معلولان تهران همواره کوشا بوده است. فعالیت های او به شرح زیر است:

سوابق اجتماعی - فرهنگی

• مشاور معاونت اداری مالی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

• تألیف کتاب امام علی (ع)، عقلانیت و حکومت - چاپ بیست و پنجم

• خبرنگار روزنامه انتخاب (دفتر تبلیغات حوزه علمیه) با بیش از یک صد و ده مقاله اجتماعی و فرهنگی

• مدیر مسئول نشریه پویا ویژه توان یابان

• مشاور فرهنگی و اطلاع رسانی مدیرعامل سازمان حمل و نقل و ترافیک

سوابق اجرایی و سیاسی

• عضو شورای مشورتی شهردار تهران در امور توان یابان (معلولان) و شهر دسترس پذیر

• عضو شورای راهبردی امور معلولان شهرداری تهران

• قائم مقام بنیاد مستضعفان و جانبازان شمیرانات

• فعال مدنی و زندانی سیاسی مسلمان قبل از انقلاب اسلامی (آزاده سیاسی و جانباز)

• افتخار حضور داوطلبانه در جبهه های دفاع مقدس

• فرمانده عملیات و گردان دریایی کمیته انقلاب اسلامی بندرعباس

• رئیس اداره طرح و برنامه گمرکات استان خراسان و رئیس گمرک مرزی

• نماینده تام الاختیار اداره صدور آرم طرح ترافیک شهرداری تهران

• عضو کمیته فرهنگی، آموزش و بازنگری قوانین و نظارت بر شورای حمل و نقل و ترافیک شهر تهران

• مشاور گزینشی شهرداری تهران

• کاندیدای مورد ائتلاف انجمن های فعال در حوزه معلولان برای پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر تهران-۱۳۹۶

ص: ۱۱۳

حوزه انتخاباتی: زنجان

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

تاریخ تولد: ۱۵ شهریور ماه ۱۳۶۱

تحصیلات: فوق لیسانس مدیریت تحول

وب سایت: www.mghmovahed.blogfa.com

مهدی قنبری موحد از معلولان فعال زنجان است؛ به رغم معلولیت جسمی، فعالیت های گسترده مدنی برای معلولان از اقبال مختلف داشته که بعضی از مهم ترین آنها معرفی می شود.

ص: ۱۱۴

سوابق تحصیلی


۱. دیپلم ریاضی فیزیک
۲. لیسانس حسابداری
۳. فوق لیسانس مدیریت تحول
۴. دارای مدرک آموزشی مدیران از وزارت تعاون و کار

سوابق اجرایی

۱. مدیرعامل جامعه معلولان استان زنجان
۲. رئیس هیئت مدیره جامعه معلولان استان زنجان
۳. عضو مجمع خیرین سلامت استان زنجان
۴. عضو توانبخشی شهرستان زنجان
۵. فرمانده پایگاه بسیج جعفر طیار استان زنجان
۶. عضو هیئت مدیره سهام عدالت استان زنجان
۷. عضو هیئت بازرس سهام عدالت استان زنجان به مدت دو دوره مالی
۸. مشاور مدیرکل بهزیستی استان زنجان
۹. مشاور شورای شهر زنجان
۱۰. عضو هیئت رئیسه مجمع هم اندیشی سازمان های مردم نهاد معلولان کشور
۱۱. عضو هیئت مؤسس شرکت تعاونی سهام عدالت استان زنجان و جامعه معلولان استان زنجان
۱۲. عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی کارگران استان زنجان

سوابق پژوهشی

ارائه پایان نامه با موضوع: تأثیر عدالت سازمانی، جو اخلاقی و طراحی مشاغل بر درک فشارهای عصبی ناشی از کار بین



مهندس
مهدی
حسینی
موسوی

سوابق اجرایی :

- ۱- مدیر عامل جامعه معلولین استان زنجان
- ۲- رئیس هیأت مدیره جامعه معلولین استان زنجان
- ۳- عضو مجمع خیرین سلامت استان زنجان
- ۴- عضو توانبخشی شهرستان زنجان توسط فرماندار محترم
- ۵- فرمانده پایگاه بسیج جعفر طیار استان زنجان

حسین کاردان

حوزه انتخاباتی: شهر ری

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

تحصیلات: کارشناس ارشد نظارت بر طرح های ملی کشور

فعالیت ها

نایب رئیس هیئت مدیره انجمن قاصدان مهر زندگی

فعال حقوق معلولان و کودکان اتیسم

علی کیانی

حوزه انتخاباتی: نهاوند همدان

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: نابینای مطلق

تاریخ تولد: ۲ مردادماه ۱۳۵۵

محل تولد: شهرستان نهاوند همدان

تحصیلات: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی



علی کیانی پس از تحصیلات متوسطه به دانشگاه راه یافت و در رشته حقوق مشغول شد. آنگاه کارشناسی حقوق خود را در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه بوعلی سینا همدان دریافت کرد. سپس کارشناسی ارشد خود را در رشته حقوق خصوصی از دانشگاه آزاد دماوند گرفت. فعالیت ها و تلاش های فردی و اجتماعی:

توانمندی و مهارت ها در بخش دولتی

۱. کارشناس روابط کار

۲. بازرس تحقیق اداره کار

۳. نماینده دولت در مراجع حل اختلاف اداره کار

۴. نماینده اداره کار در دادگستری دیوان عدالت اداری و شوراهای تخصصی دیوان عدالت اداری

۵. مشاور کارگر و کارفرما در اداره کار

۶. مدرس قانون کار و تأمین اجتماعی وابسته به جهاد دانشگاهی (دانشگاه الزهرا(س) - تربیت معلم کرج و...)

۷. مدرس قانون کار و تأمین اجتماعی جهت مددجویان کمیته امداد شهرستان شهریار - شرکت های خدماتی کرج و...)

۸. دبیر آموزش پرورش استثنایی

۹. مدرس قرآن در مدارس دولتی شهرستان نهاوند

۱۰. کسب رتبه دوم مسابقات نهج البلاغه دانش آموزان کشوری

۱۱. کسب عنوان جوان فرهنگی نمونه استان همدان

۱۲. کسب عنوان برترین دانش آموز استثنایی کشور

۱۳. گذراندن بیش از سیصد ساعت کلاس ضمن خدمت در راستای قانون کار تأمین اجتماعی

۱۴. مدرس کلاس های کارآفرینی

مهارت ها در بخش خصوصی

۱. وکیل پایه یک دادگستری

۲. وکالت در بیش از هفتصد پرونده در دادگستری - دیوان عالی کشور - دیوان عدالت اداری و...)

۳. وکالت در بیش از دویست پرونده در ارتباط با قانون کار و تأمین اجتماعی و کسب موفقیت در بیش از نود درصد پرونده های مذکور

۴. نماینده منتخب بیمه خدمات درمانی در شهرستان ملارد

۵. مشاور شرکت های وزان - ارس پولاد - داروسازی فارما گستر و...

۶. آشنایی کامل با قوانین تلفن های همراه (همراه اول، ایرانسل و رایتل)

۷. مدیرعامل شرکت عرفان ارتباط کیانی (زمینه فعالیت: امور خدماتی)

۸. مدیر مرکز مشاوره شغلی و کاریابی غیردولتی ولیعصر

۹. مدیر دفتر پیشخوان دولت

۱۰. خدمت در عرصه جامعه هدف سازمان بهزیستی در امر اشتغال

۱۱. نماینده کمیته امداد در شهریار در امور مشاوره، اشتغال، وام و...

ص: ۱۱۷

حوزه انتخاباتی: مشهد

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی، شدید

نام پدر: ابراهیم

تاریخ تولد: ۲۰ خرداد ماه ۱۳۶۴

تحصیلات: کارشناسی حسابداری، دانشگاه آزاد قاینات، کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد نیشابور

اولین دوره است که کاندیدا شده، ۲۲۱۰ رأی آورده و در شهر مشهد نفر ۲۸۵ در بین ۸۵۰ نفر شده، با ۵ درصد تبلیغات نسبت به بقیه. فعالیت وی جمع آوری خاطرات جانبازان و معلولان ورزشکار، و ارائه آن به دفتر معاونت فرهنگی شهرداری مشهد بوده، به صورت جزوه بوده، قرار است شهرداری به صورت کتاب دریاورند. در حوزه ورزش در کوهنوردی و وزنه برداری بوده، در رشته کوهنوردی شش قله را تاکنون صعود کرده، در وزنه برداری مقام سوم استانی را در اسفند ماه ۹۵ کسب نموده است. سال ۸۴ از طریق توانیابان یک دوره موسیقی در رشته ارگ گذرانده، کنسرت به صورت گروهی چند جا داشته، عضو گروه تواسیح معلولان هم بوده است. به صورت گروه سرود از طریق توانیابان برنامه هایی داشته، در رشته کامپیوتر، ICDL درجه دو و درجه یک را گذرانده است. وی می گوید: «در مجموعه فعالیت هایی که داشته ام برای تحصیل برادرم بیشتر مشوقم بودند. در حال راه اندازی NGO فرهنگی ورزشی هستم به نام سبز کوشان ولی هنوز کارهای ثبت و شناسه ملی اش انجام نشده است.»



مردی
از جنس مردم
برای
شهری آباد و زیبا

برای پیشرفت و آبادانی شهرمان

محمد حسین معین

نامزد تعیین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر مشهد

قدرت الله ممبيني

حوزه انتخاباتی: رامهرمز

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

تاریخ تولد: ۱ مردادماه ۱۳۵۸

تحصیلات: کارشناسی ارشد علوم اجتماعی شاخه جمعیت شناسی

از کاندیداتوری انصراف داده است.

قدرت الله ممبيني جوان فعالی است و به رغم معلولیت، فعالیت گسترده در عرصه معلولان داشته است. بخشی از فعالیت ها و تحصیلات او گزارش می شود:

تحصیلات

• کارشناس برنامه ریزی شهری

• ارائه پایان نامه طرح بهسازی و نوسازی شهر رامهرمز

• کارشناسی ارشد علوم اجتماعی شاخه جمعیت شناسی

• گواهینامه بازار و اوراق بهادار از مجتمع عالی آموزشی و پژوهشی صنعت آب و برق خوزستان

• گواهینامه بازار بورس و بازار سرمایه از مجتمع عالی آموزشی و پژوهشی صنعت آب و برق خوزستان

• گواهینامه مدیریت مالی برای مدیران غیرمالی از مجتمع عالی آموزشی و پژوهشی صنعت آب و برق خوزستان

سوابق کاری

• رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت تعاونی سهام عدالت شهرستان های رامهرمز و هفتگل از سال ۱۳۸۵ تاکنون.

• عضو اصلی هیئت مدیره شرکت سرمایه گذاری استان خوزستان.

• عضو اصلی هیئت مدیره اتحادیه تعاونی های سهام عدالت استان خوزستان.

• رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی و کارفرمایی توانبخشی مبتنی بر جامعه (CBR) استان خوزستان.

• عضو اصلی هیئت مدیره و خزانه دار انجمن کشوری توانبخشی مبتنی بر جامعه.

• مدیر مؤسسه خیریه کوشا جنوب رامهرمز با ۳۷۰ معلول تحت پوشش.

مجری طرح های:

۱. طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه در شهر و روستا.

۲. اجرای طرح ساماندهی سالمندان.

ص: ۱۱۹

۱. اجرای طرح مناسب سازی اماکن عمومی و اداری.

۲. اجرای طرح پیشگیری از تبلی چشم.

۳. اجرای طرح های اجتماع محور.

۴. همکاری در اجرای طرح کمیسیون پزشکی.

۵. مدیر دفتر پیشخوان خدمات دولت.

۶. مؤسس و مدیرعامل تعاونی مسکن معلولان در قالب مسکن مهر با عضویت ۹۴ نفر.

عضویت در ستادهای

• سهام عدالت شهرستان

• طرح CBR در شهر و روستاها

• مناسب سازی اماکن عمومی اداری

• ساماندهی بازنشستگان و سالمندان

۷. رئیس هیئت مدیره و عضو انجمن معلولان

۷. عضو هیئت ورزش های جانبازان و معلولان

۷. عضو کانون انجمن های صنفی و کارفرمایی استان خوزستان

اهداف و برنامه ها در راستای بهبود و توسعه خدمات شهری شهر رامهرمز

۸. نظارت دقیق و مستمر بر فعالیت های مالی، خدماتی و اداری شهرداری

۸. ارائه گزارش عملکرد هر سه ماه یکبار به مردم و اصحاب رسانه

۸. پیگیری برنامه ها و پروژه های نیمه کاره

۸. ایجاد طرح ها و پروژه های اشتغال زا در حوزه اختیارات شورای شهر

۸. بهبود مکانیزم های زیباسازی شهری

تأ توزیع عادلانه خدمات شهری در راستای محرومیت زدایی با اولویت مناطق محروم

تأ بهبود و ارتقا زیر ساخت های مورد نیاز تفریحی و گردشگری

تأ ارتقا امکانات و خدمات و زیر ساخت های تفریحی و رفاهی

تأ بهبود و ارتقای سرانه فضای سبز

تأ ارتقا تجهیزات و خدمات ایمنی و آتش نشانی شهری

تأ ارتقا کمیت و کیفیت پارک های محلات

تأ استقرار سیستم مدیریت بحران متناسب با استانداردهای شهری و ایجاد زیر ساخت های مورد نیاز

تأ توسعه زیر ساخت های خدمات شهری با رویکرد اشتغال زایی و افزایش درآمد شهرداری

تأ بهبود و توسعه فضاهای تفریحی، ورزشی جوانان

تأ بهبود امکانات تفریحی، ورزشی بانوان در محلات و محیطی امن

تأ بهبود و ساماندهی حمل و نقل شهری

• ایجاد بازارچه های محلات با کیفیت و تنوع محصولات و کنترل قیمت های مصوب در راستای ارائه خدمات مطلوب و توزیع عادلانه نیازهای مردم و کنترل و کاهش ترافیک شهری

• ساماندهی نخاله های ساختمانی

• ساماندهی اماکن تاریخی شهر رامهرمز در راستای ایجاد جذابیت های گردشگری و تفریحی

• توسعه و بهبود امکانات فرهنگی و هنری با ایجاد و حمایت مراکز فرهنگی نظیر تئاتر شهر، تئاتر خیابانی، کانون های موسیقی، اجرای موسیقی زنده جهت افزایش طراوت و روحیه شهروندی

• توسعه و بهسازی سرویس های بهداشتی عمومی شهر

• ایجاد و ساماندهی وسایل تفریحی آبی

• ایجاد پارک های مجهز جهت اسکان مسافران و میهمانان با امکانات مناسب نظیر حمام عمومی، محل اسکان، پارکینگ، مرکز خرید و ...

• تلاش جهت مناسب سازی اماکن عمومی و اداری ویژه معلولان و جانبازان جهت تردد در شهر

• ایمن سازی تجهیزات و امکانات خدمات شهری

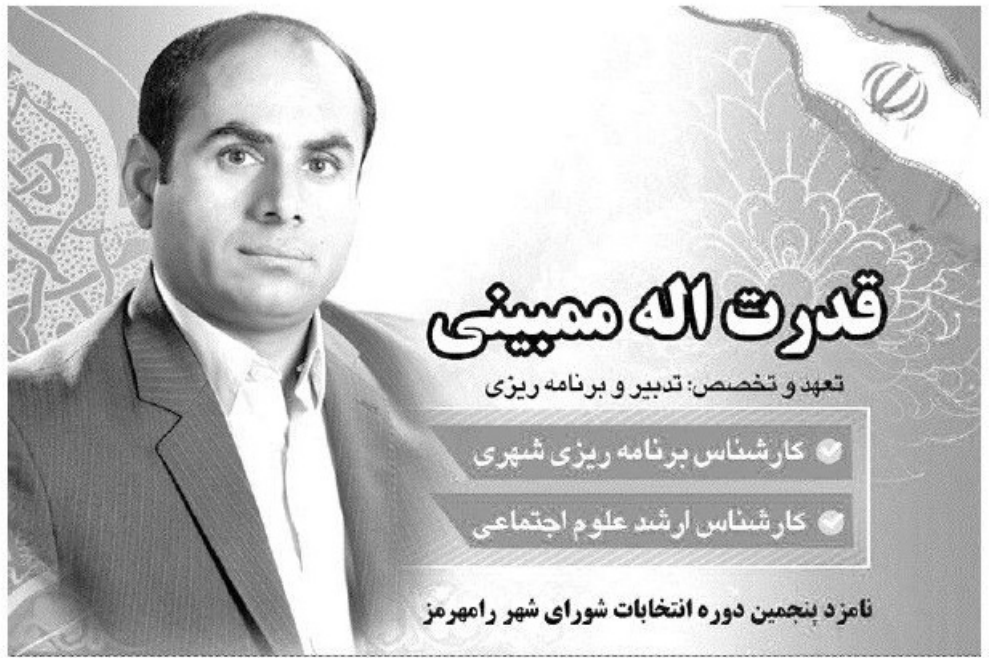
• ساماندهی دست فروشان و متکدیان خیابانی که منظره نامناسبی به شهر داده است

• ایجاد طرح های عام المنفعه

• ساماندهی پارکینگ های عمومی جهت کاهش بار ترافیک

• حمایت از تشکل های مردم نهاد در حوزه اختیارات شورای شهر

جهت ایجاد و راه اندازی موارد فوق نیاز به شورای فعال و پرتلاش و خلاق با انتخاب شهرداری مدیر و متخصص در حوزه شهری است که بتواند با جذب منابع حاصل از درصد اختصاصی از سهم نفت و مالیات یا سایر منابع استانی محقق گردد.



قدرت‌الله ممینی

تعهد و تخصص: تدبیر و برنامه ریزی

- کارشناس برنامه ریزی شهری
- کارشناس ارشد علوم اجتماعی

نامزد پنجمین دوره انتخابات شورای شهر رامهرمز

حوزه انتخاباتی: شهرستان بهبهان

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: ابراهیم

تاریخ تولد: ۳ آبان ماه ۱۳۶۲

تحصیلات: کارشناسی ارشد نرم افزار کامپیوتر

مسلم ویسی، ساکن روستای کوتک از حومه شهرستان بهبهان است. معلولیت او، جسمی حرکتی است. از دو سالگی به علت بیماری فلج اطفال این معلولیت برای او پیش آمده است. فوق لیسانس کامپیوتر دارد و طراح سایت و برنامه نویس کامپیوتر است. یک شرکت خصوصی به نام ارجان وب دارد. در کنار کارش سردبیر ماهنامه پیرسیک به عنوان روزنامه محلی است، سایت خبری به نام ارجان روز www.arjanroz.ir دارد. آدرس سایت شرکتش www.arjanweb.com است. سردبیر رسانه خبری تحلیلی بهبهان (ارجان روز) است. مدیر روابط عمومی جامعه معلولان شهرستان بهبهان و مسئول اطلاع رسانی ستاد حمایت از حقوق معلولان شهرستان بهبهان هم می باشد.

کاندیدای شورای شهر بهبهان بوده و نزدیک به هزار رأی آورد، آخرین نفری که در شورای شهر بهبهان به عنوان نفر هفتم وارد شورا شد ۵۷۰۰ رأی آورد.



مهندس مسلم ویسی

از فعالین سیاسی اصلاح طلب

کاندیدای متفاوت از قشر معلولین بهبهان

سر دبیر رسانه خبری تحلیلی بهبهان (ارجان روز)

مدیر روابط عمومی جامعه معلولین شهرستان بهبهان

فصل سوم: قانون حضور معلولان در انتخابات

اشاره

ص: ۱۲۳

از نظر حقوقی چه منعی برای شرکت و حضور اجتماعی معلولان هست؟ آیا شریعت اسلام حضور آنان را مجاز ندانسته است؟ آیا فقیهان رأی به فقدان مشروعیت مدیریت آنان داده اند؟

پاسخ همه این پرسش‌ها منفی است و غیر از معلولان ذهنی که آن هم قابل خدشه است، برای حضور معلولان در پست‌های مهم اداری هیچ دلیل قرآنی، روایی، عقلی و نقلی ارائه نشده است. دفتر فرهنگ معلولین مشغول دو تحقیق جامع فقهی در این باره است و انشاء الله در سال آینده منتشر می‌کند.

در دوره حیات رسول خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، بعضی از معلولان و نابینایان در پست‌های مهم اجتماعی انجام وظیفه می‌کردند. عبدالله (یا عمرو) بن ام مکتوم به عنوان جانشین پیامبر در مواقعی که حضرت برای امور جنگی از شهر خارج می‌شد، به امور مردم می‌پرداخت و به جای رسول خدا امام جماعت بود. نیز پیامبر او را به عنوان مؤذن صبحگاهی تعیین کرد.^(۱) در روایات و آیات هیچ منعی برای فعالیت مدنی معلولان وجود ندارد.

همچنین در تاریخ اسلام پادشاهان، وزرا و دیگر منصب دارانی بوده اند که دارای معلولیت نابینایی یا حرکتی بوده اند.^(۲) از نظر عقلی هم دلیل خاصی برای عدم حضور معلولان در انتخابات وجود ندارد.

با این حال از سال ۱۳۹۰ این بحث در مجلس شورای اسلامی مطرح شد و هنوز ادامه دارد. در این فصل سیر مباحث، ادله و استدلال‌های موافقان و مخالفان گزارش می‌شود.

ساختار این فصل تاریخی است و مباحث از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به ترتیب تاریخی گزارش می‌گردد.

ص: ۱۲۴

۱- کتاب عبدالله بن ام مکتوم، قدرت الله عفتی.

۲- صفدی در کتاب نکت العمیان، این افراد را تا قرن هفتم قمری رصد و شناسایی کرده است. این کتاب در دفتر فرهنگ معلولین به فارسی ترجمه و منتشر شد.

پیشینه قانون شرکت نایبانیان در انتخابات

در قانون انتخابات مصوب آذرماه ۱۳۸۷ در بند ۶ ماده ۲۸، از جمله شرایط شرکت کنندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی را بینایی دانسته است. بعداً بعضی نمایندگان اطلاعیه ای دادند و خواستار حذف کلمه بینایی شدند. البته چند اقدام در این زمینه انجام شد که به ترتیب و اجمالاً این گونه است:

- در آبان ماه ۱۳۹۰، ۶۹ نماینده با طرح دو فوریتی در مجلس هشتم، خواستار امکان حضور نایبانیان در انتخابات مجلس شورای اسلامی به عنوان کاندیدا شدند.

- این طرح در صحن علنی مطرح و یک فوریت آن رأی نیاورد و در فهرست طرح های تک فوریتی قرار گرفت. ولی با اتمام عمر مجلس هشتم و آغاز مجلس نهم لزوماً باید مجدداً درخواست می شد.

- در ۶ مهر ۱۳۹۲ تعدادی از نمایندگان طرحی به ریاست مجلس تقدیم کردند و خواستار اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون شدند.

- در ۱۳ آذر ۱۳۹۲ این طرح در صحن علنی مطرح شد و با مخالفت اکثریت نمایندگان مواجه گردید و عدم شرکت نایبانیان و کم بینانیان در نامزدی انتخابات قانونی گردید.

گزارش این جلسه

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سیزدهم آذر ۱۳۹۲ بررسی طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات شورای اسلامی را با آخرین اصلاحات که از سوی کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود، در دستور کار قرار دادند.

بر اساس این اصلاحیه کلمه "بینایی" از بند مذکور قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۷/۹/۱۳۸۷ و اصلاحات بعدی آن حذف و یک تبصره به این ماده واحده الحاق می شد.

بر اساس این تبصره جانبازان و معلولان مشمول این بند نباید دارای نقصی که مانع استفاده از تجهیزات مکمل که رافع محدودیت بینایی است، بوده و باید از ناحیه دست سالم باشند.

نمایندگان به کلیات این طرح رأی ندادند و بر این اساس کاندیداتوری نایبانیان در انتخابات مجلس شورای اسلامی با ۹۲ موافق، ۵۷ مخالف و ۱۴ رأی ممتنع از ۲۱۴ نماینده حاضر در صحن علنی مجلس شورای اسلامی رأی نیاورد. ۵۰ نماینده حاضر در مجلس در این رأی گیری شرکت نکردند. (۱)

- نخبگان و مشاهیر معلولان و غیر معلولان با این مصوبه در ۱۳ آذر مخالفت کردند و آن را تبعیض فاحش دانستند.

- ۲۲ مهرماه ۹۴ طرح جدیدی در مجلس در صحن علنی مطرح شد و قرار شد نمایندگان روی قید سنی و امکان ثبت نام نایبانیان برای مجلس شورای اسلامی بحث کنند و رأی گیری نمایند.

به منظور امکان کاندیداتوری نمایانان در انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۶۹ نماینده مجلس شورای اسلامی با ارائه طرحی دو فوریتی در مجلس هشتم، خواستار امکان حضور نمایانان در انتخابات مجلس شورای اسلامی شدند. این طرح در آبان ماه سال ۱۳۹۰ توسط ریاست مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد، اما در صحن علنی، فوریت آن رأی نیاورد و پس از آن نیز به دلیل فرآیند طولانی بررسی طرح ها و لوایح در مجلس هشتم، نوبت بررسی به آن نرسید. (۱)

افرادی که در صدد طرح این موضوع در صحن علنی مجلس بودند، اعتقاد داشتند ورود معلولان به عرصه های اجتماعی یک ضرورت است. اما منع قانونی برای حضور آنان وجود دارد. نمایندگان موافق دیدگاه خود را گاه این گونه در جراید مطرح کرده اند:

نهادهای مردمی حمایت از معلولان، خواستار رفع محدودیت های معلولان برای نمایندگی مجلس می باشند. زیرا در حال حاضر سیزده درصد از نمایندگان دنیا از معلولان هستند و جو و فضای جهانی در جهت حمایت از آنان است.

معلولیت یک ناتوانی جسمی است که خداوند از روی حکمت برای آدمی مقدر کرده اما در عین حال، درهای بسیاری از نبوغ و هوش را برای شخص معلول گشوده است. (۲)

بالاخره این بحث هم در تشکل ها و هم در جلسات فراکسیون همواره مطرح بود و همگان مترصد زمان مناسبی برای تصویب قانون مناسبی برای حضور معلولان در انتخابات بودند.

طرح مجدد در مجلس نهم

طرح قانونی کردن حضور معلولان در انتخابات همانطور که گزارش شد در مجلس هشتم، فرصت نیافت و مجدداً در مجلس نهم مطرح شد.

پس از آغاز به کار مجلس نهم، هیئت رئیسه مجلس بر اساس ماده ۱۴۱ آیین نامه داخلی مجلس این طرح را در اختیار طراحان آن قرار داد تا در صورت تمایل برای مطرح کردن مجدد آن در مجلس، تقاضا ارائه دهند.

رئیس فراکسیون حمایت از معلولان در مجلس نهم در ادامه اظهار داشت: پس از مطرح شدن مجدد این طرح در مجلس، ۲۶ نماینده مجلس نهم با ارائه یک درخواست به هیئت رئیسه، تقاضای بررسی مجدد این طرح را خواستار شدند که این طرح تحت عنوان "اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی" در حال حاضر در دستور کار کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس قرار دارد که در صورت تصویب آن، نمایانان می توانند در رقابت های

ص: ۱۲۶

انتخاباتی مجلس شورای اسلامی شرکت کنند و در صورت جلب اعتماد مردم، نماینده آنها در مجلس شورای اسلامی شوند.

در مقدمه این طرح آمده است: افراد نابینا و کم بینا از جمله گروه هایی هستند که با وجود برخورداری از استعداد های شگرف، از دستیابی به فرصت های شغلی و اجتماعی برابر با سایر آحاد جامعه محروم مانده اند. با توجه به بند ۹ اصل سوم قانون اساسی در رفع تبعیضات ناروا در شرایط عادی و برابری در حقوق سیاسی و اجتماعی برای همه شهروندان به ویژه معلولان نابینا و افراد کم بینا که با سایر معلولان ناشنوا و مبتلایان به اختلالات گفتاری قابل مقایسه نیستند و نظر به تجربه نمایندگی افراد نابینا و کم بینا در مجالس قانونگذاری دنیا به وضوح مبرهن است که این دسته افراد در صورت برخورداری از شرایط نمایندگی و وجود فناوری های نوین و در دسترس امکان مطالعه قوانین و مقررات برای آن ها فراهم شده است.

یکی از مستندات مهم این طرح، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت بود که در ۱۳ آذر ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود و حق معلولان در نامزدی انتخابات را تأیید کرده و برگزیده شدن نابینایان و افراد کم بینا برای مشارکت در زندگی سیاسی و عمومی به طور عام و راهیابی به مجلس قانونگذاری به طور خاص حمایت نموده است. لذا جهت رفع تبعیض مذکور طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی با آخرین اصلاحات تقدیم گردید.

این طرح با عنوان اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی با آخرین اصلاحات تهیه شده که بر اساس ماده واحده آن، عبارت بینایی از بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی با آخرین اصلاحات بعدی حذف می گردد.

در تبصره این ماده واحده نیز آمده است: جانبازان معزز و معلولان محترم مشمول این قانون به منظور بهره گیری از تجهیزات مکمل و رافع محدودیت بینایی، نباید نقص عضو در دست داشته باشند.

نمایندگان مجلس در ذیل تبصره ماده واحده این طرح، در توضیحاتی آورده اند: طبق اعلام سازمان های بین المللی، تعداد نابینایان در کشور ما حدود ۵ در هزار یعنی تقریباً ۳۵۰ هزار نفر است. در حال حاضر نمایندگانی از این قشر محترم عضو شوراهای اسلامی شهر و روستا هستند و وظایف نمایندگی خود را با موفقیت انجام می دهند و در داخل کشور تجهیزات مکمل و رافع محدودیت بینایی تولید می شود و قابل استفاده و در دسترس جانبازان معزز، نابینا و معلولان محترم دارای این معلولیت است.

نظر مرکز پژوهش های مجلس را هم گرفته بودند. نظر این مرکز با مراجعه به اطلاعات، تجهیزات و نیز مفاد کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق معلولان که جمهوری اسلامی ایران به آن ملحق شده است و نیز مطالعه این موضوع در سایر پارلمان های دنیا، "مثبت" اعلام شده است.

در صورت تصویب این طرح، گروه هدف که دارای سایر شرایط نمایندگی باشند، امکان داوطلبی و نامزدی در انتخابات مجلس را پیدا خواهند کرد.

حداد عادل، فاطمه آلیا، سید علیرضا مرندی، حسینعلی شهبازی، فتح الله حسینی، مهرداد لاهوتی، سید امیرحسین قاضی زاده هاشمی، مجتبی رحماندوست، عبدالرضا عزیزی، علیرضا

محجوب، رمضانعلی سبحانی فر، حسن تأمینی، محمدجواد نظری مهر، ابراهیم کارخانه ای، ایرج ندیمی، جواد سعدون زاده، مجید منصوری، منصور آرامی، مهناز بهمنی، لاله افتخاری، شهلا میرگلویات، سکینه عمرانی، نیره اخوان بی طرف، حسن کامران، محمد فیروزی و حسین طلا نمایندگانی هستند که تقاضای بررسی مجدد این طرح را در مجلس نهم خواستار شده بودند. (۱)

دیدگاه رئیس فراکسیون حمایت از حقوق معلولان مجلس

خانم فاطمه آلیا رئیس فراکسیون حمایت از حقوق معلولان مجلس از تلاش برای اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس خبر داد و گفت: با این اصلاح، نایبانیان نیز امکان رقابت در انتخابات مجلس شورای اسلامی را به دست خواهند آورد.

فاطمه آلیا نماینده مردم تهران، ری، اسلامشهر و شمیرانات در مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با خبرگزاری خانه ملت، با بیان اینکه نایبانیان با درایت و تحصیل کرده زیادی در کشور وجود دارند، توضیح داد: در سال های دور در مجلس ایران، نمایندگان نایبنا حضور داشتند و در حال حاضر نیز در مجلس نمایندگان کشورهای اروپایی نمایندگان نایبنا به چشم می خورند. بعدازظهر فردا (۲۸ مهر) به پیشنهاد فراکسیون حمایت از حقوق معلولان قرار است تا اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مجلس مورد بررسی قرار بگیرد.

این طرح از مجلس هشتم به مجلس نهم رسید که با تصویب نهایی آن در کمیسیون شوراها و بعد از آن رأی آوردن در صحن علنی مجلس، نایبانیان نیز شانس حضور در رقابت های انتخاباتی برای ورود به مجلس شورای اسلامی را خواهند داشت.

در کشور نایبانیان تحصیل کرده و با تدبیری هستند که توانایی رسیدگی به مسائل نمایندگی را دارند و باید از توانمندی های آنان استفاده شود.

در صورت تصویب این طرح، نایبانیان باید تحصیلاتی تا مقطع فوق لیسانس، همچون دیگر نمایندگان داشته باشند و علاوه بر آن باید از تجهیزات مخصوص نایبانیان که از سوی مهندسان داخل کشور تهیه شده استفاده کنند.

مرکز پژوهش های مجلس و همچنین سازمان بهزیستی نیز نظر مثبتی به تصویب طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی دارند و امیدواریم طرح مذکور مورد اقبال نمایندگان قرار گیرد.

در اظهار نظر کارشناسی مرکز پژوهش های مجلس آمده است؛ قانونگذار در ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی برای انتخاب شوندگان در زمان ثبت نام شرایطی را مقرر کرده از جمله بر اساس بند ۶ ماده مذکور داشتن سلامت جسمی در حد برخوردار از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی است.

ص: ۱۲۸

شرط مذکور باعث شده تا بسیاری از نمایانان که دارای شرایط مقرر در ماده ۲۸ هستند، از این حق محروم شده و نتوانند نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی شوند، بر همین اساس نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی را برای اصلاح بند مذکور و حذف شرط بینایی ارائه کردند. (۱)

دیدگاه کمیسیون بهداشت مجلس

عبدالرحمان رستیمان عضو هیئت رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری تسنیم، با اشاره به بررسی طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که بر اساس این طرح امکان کاندیداتوری نمایانان در انتخابات مجلس شورای اسلامی فراهم خواهد شد، اظهار داشت: امکان کاندیداتوری نمایانان در انتخابات مجلس، امروز در کمیسیون بهداشت مجلس بررسی شد و قرار شد که نمایانان به شرط اینکه دو دستشان معلولیت نداشته باشد و حداقل یک دستشان معلول نباشد، می توانند در انتخابات مجلس کاندیدا شوند.

همچنین امروز مسئولان بهداشت و درمان سازمان بسیج در جلسه حضور یافتند و گزارشی از خدماتی را که در بهداشت و درمان راهیان نور انجام می شود ارائه دادند.

دو نفر از اعضای کمیسیون بهداشت یعنی عابد فتاحی نماینده مردم ارومیه و شهلا میرگلوییات نماینده مردم ساوه در مجلس از اعضای کمیسیون برای انتخاب به عنوان عضو ناظر در شورای عالی نظام پزشکی مشخص شدند.

در جلسه امروز طرح اصلاح موادی از قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بررسی شد و در مورد آن تصمیم قطعی گرفته نشد و این طرح به کارگروه اصل ۴۴ ارجاع شد. (۲)

طرح قانونی شرکت نمایانان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

۱۳ آذر ۱۳۹۲ در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با کلیات طرح امکان کاندیداتوری نمایانان و کم بینانان در انتخابات مجلس شورای اسلامی مخالفت کردند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی صبح امروز خود بررسی طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس را در دستور کار خود قرار دادند که بر اساس این طرح نمایانان و کم بینانان امکان کاندیداتوری در انتخابات مجلس را پیدا می کردند.

پس از سخنان موافقان و مخالفان این طرح کلیات آن که روز گذشته در دستور قرار گرفته بود، با ۹۲ رأی موافق، ۵۷ رأی مخالف و ۱۴ رأی ممتنع از مجموع ۲۱۴ نماینده حاضر در صحن نتوانست

ص: ۱۲۹

رأی نمایندگان را به دست بیاورد و بر این اساس وکلای ملت با امکان کاندیداتوری نایبانیان و کم بینانیان در انتخابات مجلس شورای اسلامی مخالفت کردند.

حامد قادرمرزی نماینده قروه در مجلس شورای اسلامی در مخالفت با کلیات این طرح، کار نمایندگان را سخت توصیف کرد و گفت: فعالیت در صحن مجلس، کمیسیون ها و سرکشی به حوزه های انتخابیه از وظایف سنگین است و آیا بر این اساس بهتر نیست به فکر حقوق شهروندی نایبانیان و کم بینانیان باشیم؟

فاطمه آلیا نماینده تهران در مجلس نیز در موافقت با این طرح، حرف های مخالفان را مربوط به دهه های گذشته دانست و گفت: در حال حاضر امکانات و تجهیزاتی فراهم شده که نایبانیان نیز می توانند با استفاده از این تجهیزات کار نمایندگی را مانند دیگران انجام دهند و سازمان بهزیستی این تجهیزات را خریداری کرده است و اگر این طرح رأی بیاورد، می تواند این تجهیزات را در اختیار آنها قرار دهد.

در حال حاضر نیز عده ای از نایبانیان عضو شوراهای اسلامی شهر و روستا و شوراهای اداری هستند و با تجهیزات جدید که خط بریل را به صوت تبدیل می کند، می توانند وظایف خود را انجام دهند.

جواد هروی نماینده مردم قائنات در مجلس شورای اسلامی در مخالفت با کلیات طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس گفت: تصور بنده این است که با توجه به اینکه می خواهیم قانون تصویب کنیم، باید دقت عمل بیشتری داشته باشیم و راهکارهایی که موافقین و طراحان این طرح مطرح می کنند، سنجیده نیست. ما نمایندگان مجلس با تمام سعی و تلاش خود باز هم پیش مردم خجل هستیم. نمایندگی مجلس فقط قانونگذاری نیست. بنده تعجب می کنم از اصرار عزیزان در این مورد که معلولان چگونه می توانند از عهده این مسئولیت بر بیایند. این طرح رفع تبعیض نیست، بلکه عین تبعیض است و بنده ضمن احترامی که نسبت به همه معلولان و نایبانیان دارم، درست نیست مسئولیت را از افرادی که سلامت کامل دارند، به عده ای که از سلامت کامل برخوردار نیستند بدهیم که با این کار توان و ظرفیت آنها به مخاطره و چالش کشیده می شود.

برخی قوانینی که در مجلس تصویب می کنیم، خیلی عجولانه تصویب می شود؛ خواهش می کنم نسبت به این طرح نگاه دلجویی از معلولان نداشته باشید.

حجت الله خدایی سوری نماینده سلسله و دلفان در مجلس در موافقت با کلیات این طرح گفت: تجهیزاتی در کشور وجود دارد که می تواند در اختیار نایبانیان قرار بگیرد و البته در این طرح به عنوان تبصره ذکر شده که نایبانیانی بتوانند امکان کاندیداتوری پیدا کنند که امکان استفاده از دستان خود را داشته باشند و در حال حاضر ۳۵۰ هزار نفر در کشور وجود دارند که این گونه هستند.

نمایندگی مجلس پست انتصابی نیست، بلکه پست انتخابی است و در آخر این مردم هستند که باید تشخیص دهند به چه کسی رأی بدهند و یا رأی ندهند.

رجب رحمانی نماینده مردم تاکستان در مجلس شورای اسلامی در مخالفت با کلیات این طرح گفت: احترام به جانبازان با این

مصوبه حل نمی شود. ما باید احترام به آنها را بیشتر کنیم، اما مسئولیت نمایندگی سنگین است و ما نیز اگر بخواهیم به مسئولیت خود واقعاً عمل کنیم، کم می آوریم، چرا که اگر بخواهیم مسئولیت نمایندگی را خوب انجام دهیم، باید پا به پای مسئولان

ص: ۱۳۰

اجرائی شهرستان‌ها بدویم و حتی آنها را به تحرک وا داریم. حتی مردم نیز برای حل مشکلات خود اغلب به نمایندگان مراجعه می‌کنند. پس یک نماینده باید فعال و پر جنب و جوش باشد. نمایندگی نظارت اجرایی است و یک نماینده نه فقط به حوزه انتخابیه خود، بلکه نسبت به کل کشور مسئول است.

مجتبی رحماندوست نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در موافقت با کلیات این طرح گفت: نایبانیان نیز توانایی انجام مسئولیت نمایندگی مجلس را دارند و در صورت تصویب این قانون، یک قدم رو به جلو در عرصه قانونگذاری برداشته ایم. در حال حاضر تعداد زیادی از نایبانیان در مشاغل مختلف و دانشگاه‌ها فعال هستند و حتی برخی وظایف خود را بهتر از افراد سالم انجام می‌دهند. (۱)

دیدگاه تشکل‌های ویژه معلولیت

در همین زمان چند تشکل اعلام موضع کردند و دیدگاه‌هایی را در مورد حضور معلولان در انتخابات مطرح نمودند.

حمیدرضا رضایی، رئیس هیئت مدیره انجمن نایبانیان فارس درباره ممنوعیت حضور نایبانیان در کاندیداتوری انتخابات مجلس شورای اسلامی به خبرنگار ایران سپید می‌گوید: اول اینکه کنوانسیون حقوق معلولان بر حضور اجتماعی معلولان در همه عرصه‌های اجتماعی تصریح کرده است؛ دوم اینکه حتی در کشورهای کمتر توسعه یافته هم نماینده نایبانیان در پارلمان وجود دارد و دلیل سوم اینکه امروز توانایی‌های علمی، مدیریتی و اجرایی نایبانیان بر کسی پوشیده نیست. بنابر این دلایل می‌گوییم فرد نایبانیان هم به راحتی می‌تواند در مجلس حضور داشته باشد. دلیل چهارم را من اضافه می‌کنم. در ایامی که به وزرا، رأی اعتماد داده می‌شد، نمایندگانی از حوزه‌های مختلف صحبت کردند که مجموع صحبت‌های آنها این باور را در یک فرد نایبانیان به وجود می‌آورد که او هم می‌تواند بیاید و چه بسا حرف‌های منطقی‌تری داشته باشد. امروز در مقام مقایسه به لحاظ علمی و مدیریتی برخی از نمایندگان با بسیاری از نایبانیان قابل مقایسه نیستند. حضور در مجلس حق ماست. ما یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌های این کشور هستیم و در بسیاری از کشورهای دنیا اقلیت‌های معلولیتی در پارلمان نماینده دارند. من از حد نمایندگی یک حوزه خاص، فراتر می‌روم و می‌گویم باید در مجلس حداقل دو کرسی خاص نایبانیان در نظر گرفته شود و این گونه نباشد که فرد نایبانیان با سایر نامزدها رقابت کند. اگر قرار بود نمایندگان مجلس این آگاهی را در مورد حقوق معلولان می‌داشتند و حقوق این افراد را به عنوان بخشی از ملت مورد توجه قرار می‌دادند، تا حال این کار را کرده بودند. این بی‌توجهی، نشانه آگاه نبودن برخی از نمایندگان نسبت به نیازها و توانایی‌های بخشی از مردم است. ما خود را محق می‌دانیم که نماینده‌ای در مجلس داشته باشیم. بر اساس جمعیت نایبانیان باید کرسی‌های مشخصی به این گروه اختصاص داده شود و رأی‌گیری بین خود

ص: ۱۳۱

آنها انجام شود. برای حل این مشکل من فکر می‌کنم با توجه به کنوانسیون جهانی رفع تبعیض از معلولان و با توجه به حضور نمایندگان نایینا در بسیاری از کشورها، این برای کشور ما یک ضایعه بزرگ است. اما این نباید تیر خلاصی به جامعه نایینایان باشد تا مأیوس شوند. نایینایان و تشکل‌های متعدد آنها در استان‌های مختلف اگر پیش‌تر آمده بودند و با نمایندگان استان‌های خود مذاکره و رایزنی کرده و آنها را از میزان توانایی نایینایان در ایران آگاه ساخته بودند یا الحاق به کنوانسیون را متذکر شده و نحوه حضور نایینایان در پارلمان کشورهای دیگر را توضیح داده بودند، الان ما به جای تأسف خوردن، شادی می‌کردیم. (۱)

روابط عمومی جامعه نایینایان و کم‌بینایان استان آذربایجان شرقی دیدگاه آقای نادر قاضی پور را ترویج کرده است. زیرا نادر قاضی پور نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی پارلمان، طی خطبای با استناد به اصل ۳ قانون اساسی گفت: بر طبق این اصل روشندان فارغ‌التحصیل مقطع دکترا می‌توانند یک نماینده در مجلس داشته باشند.

برای همگان بهتر است که بتوانند از استعداد های نایینایان و معلولان استفاده کنند. (۲) در واقع آقای رضایی و آقای قاضی پور بر اساس حق اقلیت جامعه هدف، خواستار به رسمیت شناختن حق شرکت نایینایان در انتخابات را مطرح کرده‌اند.

دیدگاه سید محمد موسوی و سهیل معینی

سیدمحمد موسوی رئیس هیئت مدیره کانون معلولین توانا روز جمعه در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی ایرنا درباره مخالفت نمایندگان مجلس شورای اسلامی با نامزدی نایینایان تحلیل‌هایی مطرح کرد. وی ابتدا گفت: اگر مجلس شورای اسلامی محل اجتماع نمایندگان اقشار مختلف جامعه است، چرا به این گروه اجازه داشتن نماینده در مجلس داده نمی‌شود؟!

اجازه ندادن شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی به معلولان و جانبازانی که محدودیت بینایی دارند، تبعیض است و این تبعیض با آنچه در قانون اساسی آمده، موافق نیست، تجدیدنظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این رابطه لازم و ضروری است.

سهیل معینی مدیرعامل انجمن باور نیز با انتقاد از حذف طرح شرکت نایینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی گفت: این موضوع با حقوق شهروندی در تضاد است و ما سعی می‌کنیم مجدداً این موضوع را به مجلس ارائه دهیم.

وی در مورد حذف کلیات طرح حضور نایینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی یک روز بعد از روز جهانی معلول (۱۲ آذر) گفت: همزمان با انتشار منشور حقوق شهروندی از سوی رئیس جمهوری، نمایندگان مجلس گامی مغایر با حذف کلیات این طرح برداشتند. نایینایان نسبت به این اقدام نمایندگان اعتراض شدیدی دارند، دو فوریت این طرح سال گذشته رد شده بود، اما امسال نمایندگان با کلیات آن مخالفت کردند.

ص: ۱۳۲

نماینده‌گی در مجلس شورای اسلامی نیاز به تخصص، تجربه، درایت، تسلط به امور کشور و توانمندی در دفاع از حقوق ملت دارد و افرادی مخالفت کرده و دلایلی مطرح کرده اند اما کدام یک از این امتیازات نیاز به بینایی دارد؟! هیچ جنبه‌ای از استدلال‌های نمایندگان پذیرفتنی نیست. شرکت در انتخابات به معنی ورود به مجلس نیست، بلکه این مردم هستند که فرد نایبنا را به عنوان نماینده خود انتخاب می‌کنند و تصمیم نهایی را می‌گیرند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نباید این حق را از نایبانیان بگیرند و این موضوع یک تبعیض آشکار علیه حقوق نایبانیان است چرا که فرد نایبنا می‌تواند در انتخابات شورای شهر شرکت کند، اما در انتخابات مجلس نمی‌تواند. به نظر من این طرح را می‌توان مجدداً در شش ماه دیگر ارائه داد. (۱)

تلاش‌های علی صابری

علی صابری عضو روشندل شورای اسلامی شهر تهران از زمان تصویب عدم حضور نایبانیان برای نامزدی مجلس شورای اسلامی بسیار کوشید تا این مصوبه را فسخ کند و مصوبه جدید جایگزین آن گرداند.

او در ۲۱ اسفندماه ۹۳ گفت: امیدواریم موانع حضور معلولان در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مشکلات توانبخشی آنها در سطح کشور هرچه سریع‌تر پیگیری و رفع شود.

نیز او در مراسم اهدا ۵۰۰ دستگاه ویلچر به معلولان شهر تهران که با همت شورای شهر تهران در بوستان ولایت برگزار شد، گفت: حوزه معلولان در شورای شهر تهران فعال بوده و در دوره چهارم شورای شهر تهران شاهد آن بودیم که دو تن از معلولان با آرای مردم توانستند وارد این شورا شوند.

مسائل موردی معلولان و همچنین ملاقات آنها با اعضای شورای شهر همواره در شورا مورد پیگیری قرار گرفته و مصوبات خاصی برای معلولان تصویب شده است. (۲)

رأی گیری مجدد

بالاخره بعد از فشارهای بسیار از جانب تشکل‌ها و نخبگان که عدم کاندیداتوری و نامزدی نایبانیان خلاف همه ضوابط و نوعی تبعیض است، ریاست مجلس شورای اسلامی متقاعد شد مجدداً به اسم «شرایط کاندیداهای نماینده‌گی» وارد شود و رأی گیری شود.

نمایندگان مردم در خانه ملت شرایط ثبت نام در انتخابات مجلس شورای اسلامی را تعیین تکلیف کردند که از جمله آن می‌توان به حذف قید سنی و عدم امکان ثبت نام نایبانیان اشاره کرد. روز چهارشنبه ۲۲ مهرماه ۱۳۹۴ بررسی و شور و رأی گیری انجام شد.

۱- ۲۹ . -۱ www.irna.ir آذرماه ۱۳۹۲

۲- ۲۱ . -۲ www.isna.ir اسفندماه ۱۳۹۳

نمایندگان در نشست علنی چهارشنبه ۲۲ مهرماه مجلس شورای اسلامی، ضمن تعیین تکلیف شرایط ثبت نام در انتخابات مجلس شورای اسلامی، قانون قبلی این انتخابات را مبنی بر عدم امکان ثبت نام نایبانیان به تصویب رساندند.

در این میان نمایندگان با ۱۲۹ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع از مجموع ۱۹۴ نماینده حاضر در مجلس شورای اسلامی با ماده ۵ این طرح موافقت کردند.

بر این اساس قبلاً- بحثی در کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور صورت گرفته بود که افراد نایبانی می توانستند در انتخابات مجلس شورای اسلامی کاندیدا شوند اما قاسم جعفری به عنوان نماینده پیشنهاد دهنده حذف این کلمه گفت: گنجاندن این قید در قانون انتخابات احساسی است و ارزش خبری ندارد.

در ادامه حمید رسایی به عنوان مخالف پیشنهاد گفت: حذف قید نایبانیان برای شرکت در انتخابات صحیح نیست. فردا روز جهانی نایبانیان است و ما نمایندگان در عرصه های مختلف اجتماعی داریم که به خوبی کارهای خود را انجام می دهند مانند نماینده هایی که در شورای شهر حضور دارند. با توجه به فناوری هایی که در بازار وجود دارد، می توان این نواقص را پوشاند و نایبانی مانعی برای انجام کارها نمی شود.

همچنین غلامرضا کاتب به عنوان موافق پیشنهاد تصریح کرد: اگر قرار است نایبانیان به عنوان کاندیدا در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کنند پس بر این اساس افراد کم شنوا و لال نیز می توانند در این انتخابات شرکت داشته باشند. اگر قرار است با تصویب این قید به این افراد احترام گذاشته شود، می توان در عرصه های مختلف دیگر به این افراد احترام گذاشته شود. اگر فناوری وجود دارد که می تواند نواقص نایبانیان را پوشاند، قطعاً فناوری وجود دارد که بتواند نقایص افراد ناشنوا و لال را پوشاند.

همچنین محمدرضا دهقان در اخطار قانون اساسی مطرح کرد: این قید که کمیسیون شوراها مبنی بر حضور افراد نایبانی آورده اخطار اصل ۷۵ قانون اساسی دارد و می تواند بار مالی برای کشور داشته باشد چون نیاز است که کتاب هایی با خط بریل برای این افراد چاپ شود.

نمایندگان مجلس در ادامه با ۹۸ رأی موافق، ۵۲ رأی مخالف، ۱۵ رأی ممتنع از مجموع ۱۹۷ نماینده حاضر در مجلس به پیشنهاد حذف قید حضور نایبانیان در انتخابات مجلس شورای اسلامی رأی مثبت دادند.

بر این اساس نمایندگان مجلس با ۱۰۰ رأی موافق، ۵۲ رأی مخالف، ۱۱ رأی ممتنع از مجموع ۱۹۷ نماینده حاضر در مجلس به پیشنهاد حذف قید حضور افراد بالای ۷۵ سال در انتخابات مجلس شورای اسلامی رأی مثبت دادند.

در ماده ۲۸ این طرح قید شده است که انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. اعتقاد و التزام عملی به اسلام

۲. اعتقاد و التزام به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.

۳. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.

ص: ۱۳۴

۴. ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه.

۵. داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد و یا معادل آن.

۶. نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه.

۷. سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینائی، شنوایی و گویایی.

۸. حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتاد و پنج سال تمام.

همچنین در تبصره ۱ این قانون آمده است که داوطلبان نمایندگی اقلیت های دینی مصرح در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام، مذکور در بند (۱) مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت العقیده باشند.

تبصره دو این قانون حذف شد. در تبصره سه ذکر شده است که هر دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی معادل یک مقطع تحصیلی فقط برای شرکت در انتخابات محسوب می شود. (۱)

انتقاد علی صابری از مصوبه جدید

آقای علی صابری عضو روشندل شورای شهر تهران درباره جلسه تصویب طرح جدید گفت: گفتار کاتب در شأن یک نماینده مجلس نبود و امید است خودشان عذرخواهی کنند. پیش از این بر اساس نظر کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی کشور، افراد نایبنا می توانستند در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کنند اما در جلسه علنی چهارشنبه (۲۲مهرماه) مجلس شرایط ثبت نام در انتخابات مجلس شورای اسلامی تعیین تکلیف شد و طبق آن قانون قبلی این انتخابات را مبنی بر عدم امکان ثبت نام نایبنايان به تصویب رساندند.

او در واکنش به حذف حق عضویت نایبنايان در انتخابات مجلس شورای اسلامی به خبرنگار پایتخت می گوید: بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات شرایط کاندیداتوری افراد را مشخص کرده است. قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دورانی که شعارهای حمایت از معلولان و جانبازان سر داده می شد، به تصویب رسید، اما افراد نایبنا و ناشنوا را از حضور در انتخابات محروم ساخته است.

صابری با اشاره به اینکه تلاش های بسیاری برای اصلاح این منظور صورت گرفته است، می گوید: ایران به کنوانسیون حمایت از حقوق افراد معلول ملحق شده است و طبق ماده چهار آن تعهداتی برای کشورهای عضو مبنی بر حذف قوانین تبعیض آمیز ایجاد شده است که قانون انتخابات مجلس یکی از همان قانون های تبعیض آمیز است که باید اصلاح شود.

فراکسیون حمایت از حقوق معلولان مجلس بارها تلاش کرده تا این مورد قانونی را اصلاح کند، اما متأسفانه دو سال گذشته نیز نمایندگان به این اصلاحیه رأی موافق نداند و رفتاری توهین آمیز نسبت به نایبنايان نشان دادند.

وی با یادآوری پاسخ توهین آمیز نماینده های مجلس نسبت به روشندان، گفت: دنیا را عقل اداره می کند و نه چشم، متأسفانه نمایندگان در روزی که در شهر کاشان همایش ملی جامعه بینا شهروند نابینا برگزار می شد، با این اصلاحیه مجدداً مخالفت کردند.

صابری با گلایه نسبت به دلایل مخالفت و توهین نماینده مردم گرمسار و آرادان در مجلس نسبت به روشندان، می گوید: ایشان به شکل توهین آمیز استدلال هایی را مطرح نمودند که شکل گفتاری شان در شأن یک نماینده مجلس نبود و امید است تا پیش از شکل گیری کمپینی بر علیه این اظهارنظرها، خودشان عذرخواهی کنند.

عده ای از مردم در جبهه های جنگ حق علیه باطل چشم های خود را از دست دادند تا این نظام باقی بماند و افرادی امثال آقای کاتب نماینده مجلس آن شود. حال وی معتقد است که چشم ندارها نمی توانند نماینده مجلس شوند، این در حالی است که نمونه ای از این افراد در شوراهای شهر حضور فعالی دارند.

موافقت نمایندگان مجلس با حضور افراد نابینا در انتخابات مجلس هیچ الزامی برای حضور افراد نابینا در بر نداشت چرا که این مردم هستند که نمایندگان مجلس را انتخاب می کنند ولی با این شیوه اصلاحی قانون، مجلس به حقوق نابینایان احترام نگذاشت.

گفتنی است غلامرضا کاتب نماینده مردم گرمسار و آرادان در مجلس به عنوان موافق حذف نابینایان برای کاندیداتوری انتخابات مجلس و در سخنانی توهین آمیز گفته است: «چه فرقی می کنه بین بینایی و شنوایی، البته شاید بهترم باشه کسی که لال باشه بیاد تو مجلس، حداقل چالش درست نکنه و دردرس هم برای ما درست نکنه»، در واقع اگر فناوری وجود داشته باشد که بتواند نواقص نابینایان را بپوشاند، قطعاً فناوری وجود دارد که بتواند نقایص افراد ناشنوا و لال را هم بپوشاند.

دهقان هم یکی از اعضای هیئت رئیسه مجلس انتخاب افراد نابینا به عنوان نماینده مجلس را به دلیل داشتن بار مالی نادرست تلقی کرد. (۱)

ادبیات توهین آمیز برخی نمایندگان مجلس درباره نابینایان

علی صابری عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای اسلامی شهر تهران در جریان یکصد و نود و هفتمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران با بیان اینکه مجلس شورای اسلامی در جلسه ۲۲ مهرماه اصلاح بند شش ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس را در دستور کار داشت، اظهار کرد: در این بند به موضوع امکان حضور نابینایان در مجلس شورای اسلامی پرداخته شده است. ادبیاتی که مخالفان حضور نابینایان در مجلس به کار بردند، توهین آمیز و ضد کرامت انسانی بود، به نحوی که شرم دارم آن جملات را تکرار کنم.

این عضو شورای شهر با بیان اینکه بحث بنده در این موضوع به هیچ وجه سیاسی نیست گفت: کاتب نماینده گرمسار و همین طور غلامرضا دهقان از جمله کسانی بودند که ادبیات زشتی به کار

بردند و استدلال آنها نیز سست و بی پایه بود اما حجت الاسلام رسایی به عنوان موافق سخن گفت و ما از او تشکر کردیم.

به گفته این عضو حقوقدان شورای شهر تهران قانون نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، هرگونه رفتار خلاف شئون نمایندگی قابل شکایت و گزارش دهی در مجلس است و از این رو مراتب اعتراض شورا به این رفتار اعلام می شود. در پایان گفت: مجتبی شاکری و دیگر شاکری ها در جبهه چشم خود را از دست دادند تا امثال شما اکنون بتوانید در مجلس حضور داشته باشید. (۱)

نقض حقوق اساسی نایبانیان

در نقد حوادث و مذاکراتی که در جلسه روز چهارشنبه ۲۲ مهرماه در مجلس شورای اسلامی گذشت، آقای سهیل معینی مدیرعامل و عضو هیئت مدیره تشکل های نایبانیان و کم بینانیان کشور مقاله زیر را منتشر کرده است:

روز چهارشنبه ۲۲ مهرماه، درست یک روز قبل از روز جهانی نایبانیان که منطبق با انگیزه اختصاص این مناسبت جهانی است، شاهد اعلام اخباری خوش در مورد بهبود زندگی شهروندان نایبنا و کم بینا در همه کشورها هستیم. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حرکتی ناباورانه نه تنها قاصد خبری خوش برای بیش از پانصد هزار نفر نایبنا و کم بینای ایران عزیزمان نبودند بلکه اقدام به تصویب امکان پذیر نبودن نامزدی نایبانیان و کم بینانیان برای نمایندگی مجلس کردند. گذشته از این مصوبه که نقض حقوق اساسی تحصیل کرده ترین گروه دارای معلولیت کشور است و آنها را از یکی از اصلی ترین حقوق سیاسی شهروندی خود یعنی حق انتخاب شدن برای نهادهای تصمیم گیر کشور محروم می کند، ادبیات برخی نمایندگان خانه ملت قلوب صدها هزار نفر از شهروندان نایبنا و کم بینا را به شدت جریحه دار کرد.

از جمله می توان به سخنان آقای غلامرضا کاتب نماینده محترم گرمسار در دفاع از پیشنهاد حذف قید حضور نایبانیان در مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که در دفاع از این پیشنهاد این گونه سخن گفت: «چه فرقی می کند بین بینایی و شنوایی، البته شاید بهتر هم باشد کسی که لال باشد، وارد مجلس شود، حداقل چالش درست نکند و در دسر هم برای ما درست نکند» به نقل از خبر آنلاین.

آیا این گونه ادبیات با شأن نمایندگی ملت منطبق است؟! آیا این عبارات توهین به شأن و کرامت شهروندان دارای معلولیت کشور نیست؟ گذشته از محتوای این مصوبه که از نظر حقوقی نیز دارای چالش های جدی است، به طور آشکار نسبت به توانمندی هزاران شهروند نایبنا و کم بینا (که با مدارک عالی تحصیلی مانند دکتری و کارشناسی ارشد در بسیاری از پست های مدیریتی کشور از جمله نمایندگی شورای اسلامی شهر تهران) توهین آمیز تلقی نمی شود؟

آقای غلامرضا دهقان نماینده محترم دیگر مجلس در دفاع از پیشنهاد حذف قید حضور نایبانیان در مجلس شورای اسلامی (که اتفاقاً در کمیسیون تخصصی شوراها و پس از بررسی های کارشناسی

به تأیید رسید) با استناد غلط به اصل ۷۵ قانون اساسی و دادن اخطار قانون اساسی می گویند: چون حضور نایبانیان در مجلس مستلزم چاپ کتب بریل برای این افراد و لذا تحمیل بار مالی است، حضور آنان در خانه ملت مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است. در این مورد باید متذکر شد؛ اولاً حضور نایبانیان در مجلس با وجود فناوری های نوین که دسترسی به متون را از طریق رایانه برای نایبانیان کاملاً امکان پذیر می کند، نیازی به چاپ کتب بریل و بار مالی اضافی ندارد؛ ثانیاً انجام خدمت نمایندگی مجلس مستلزم هزینه هایی است که تأمین این هزینه ها برای همه نمایندگان پیش بینی شده است و امری که بخواهد بار مالی اضافه بر عرف نمایندگی به مجلس و کشور تحمیل کند، محسوب نمی شود.

جا دارد از آن دسته از نمایندگان مجلس که از حقوق مسلم نایبانیان و کم بینانیان برای امکان نامزدی نمایندگی خانه ملت دفاع کردند، تشکر کنیم.

از نمایندگان موافق با پیشنهاد حذف امکان نامزدی نایبانیان برای مجلس باید پرسید: آیا انجام وظیفه خطیر نمایندگی خانه ملت نیاز به خرد، تخصص و قدرت دفاع از حقوق موکلان را دارد یا چشم بینا؟!

مهم تر از آن امکان نامزدی نایبانیان برای نمایندگی مجلس به معنای الزام حضور آنان نیست بلکه امکان می دهد مردم در انتخاب افراد ذی صلاح برای دفاع از حقوق خود امکان انتخاب نایبانیان فرهیخته کشور را نیز پیدا کنند و اگر مردم به این تشخیص رسیدند، آیا باید در برابر این انتخاب موانعی غیرموجه ایجاد کرد؟!

سخنان جناب آقای کاتب نه تنها دفاعی منطقی از پیشنهاد حذف امکان حضور نایبانیان در مجلس نبود، بلکه آشکارا به همه شهروندان دارای معلولیت توهین تلقی می شود. آیا جا نداشت و ندارد هیئت رئیسه محترم مجلس از ادای ادبیات غیرمؤدبانانه نسبت به گروهی کثیر از شهروندان ممانعت کند؟ از فراکسیون حمایت از حقوق معلولان در مجلس که در این روزها با استدلال ارائه ندادن خدمات به معلولان کشور - که در بسیاری از موارد بازمانده از دولت های قبلی و ریشه ای درازمدت دارد - درصدد استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است می پرسیم: آیا جا نداشت و ندارد که از حقوق معلولان به ویژه تحصیل کرده ترین آنان در مجلس دفاع کنید و اجازه ندهید در صحن علنی مجلس این گونه شأن شهروندان معلول خدشه دار شود؟!

بیا باید دفاع از حقوق شهروندان معلول را خوراکی برای بازی ها و رقابت های سیاسی جناحی نکنیم. از نظر حقوقی نیز منع نایبانیان برای نامزدی مجلس نقض ماده ۲۹ پیمان نامه جهانی حقوق معلولان است که توسط مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۸۷ به تصویب رسیده و دولت جمهوری اسلامی ایران نیز آن را امضا کرده است. در گزارش دولت به دبیرخانه این پیمان نامه نیز بر رعایت حقوق اساسی شهروندان معلول برای انتخاب شدن و انتخاب کردن در تمامی انتخابات کشور تأکید شده است.

شهروندان نابینا و کم بینای کشور انتظار نداشتند در آستانه روز جهانی نایبانیان حقوق و شأن آنان در خانه ملت نادیده گرفته شود. به حکم اعتقادات دینی، باورهای اخلاقی و انسانی عمیق جامعه ما همه انسان ها در برابر قانون مساوی اند و توهین به حقوق و شأن شهروندی مردم ما به هیچ شکل قابل

پذیرش و توجیه نیست. حداقل انتظار این شهروندان از نمایندگان محترم خانه ملت عذرخواهی در این خصوص، التیام احساسات و کرامت جریحه دار شده نایبانیان و کم بینانیان و بازنگری در مصوبه ای است که حقوق اساسی این شهروندان را منطبق با قانون اساسی، قانون جامع حمایت از معلولان، پیمان نامه جهانی حقوق افراد معلول و اعتقادات معنوی جامعه ما نقض می کند. (۱)

دفاع از حقوق نایبانیان

در انتقاد از گفته ها و اظهارنظرهای آقای کاتب و دیگران در مجلس شورای اسلامی در ۲۲ مهرماه مطلب زیر در سایت خبر آنلاین منتشر شده است:

یک بار دیگر نمایندگان مجلس با ثبت نام افراد نایبنا در انتخابات مجلس مخالفت کردند. اما این بار یکی از نمایندگان در مجلس که به عنوان مخالف صحبت می کرد گفت که «چه فرقی می کند بین بینایی و شنوایی، البته شاید بهتر هم باشد کسی که لال باشد، وارد مجلس شود، حداقل چالش درست نکند و در دسر هم برای ما درست نکند.»

ترجیح می دهم با یک بیت از سعدی شروع کنم که می فرماید: دیده را فایده آن است که بهتر بیند. البته به این معنی نیست که از محیط عقلانیت بیرون بیایم و وارد محیط احساسی شوم. متأسفانه نایبانی و ناشنوایی روز چهارشنبه در مجلس، مبنای توهین های برخی افراد قرار گرفت. حرف هایی که برازنده کسی نیست.

بدون اینکه وارد بحث های حقوقی این اتفاق شوم، چند توصیه به آقای کاتب دارم و امیدوارم این توصیه ها را بخوانند. سرمربی انگلیس در کشوری که اسلام هم ندارند، در مورد معلولیت گفته بود که معلولیت افراد به دلیل گناهی است که پدر و مادر و نیاکان آنها انجام داده اند. افکار عمومی در آن ایام به حدی به گفته های این فرد اعتراض کردند و فشار آوردند که بحث در مسیر درستی قرار گرفت و او مجبور به عذرخواهی شد.

یک مورد دیگر برای کاپیتان تیم ملی انگلستان و چلسی پیش آمد و او اتومبیل خود را در جایگاه مخصوص معلولان پارک کرده بود و این موضوع در کنار فساد اخلاقی که داشت، باعث واکنش هایی از سوی جامعه شد و این موارد بارها برای فوئبالیست ها و هنرمندان پیش آمد و اعتراضات جامعه را برانگیخته است.

این اتفاق برای هنرمندان و ورزشکاران هم صورت خوشی ندارد، چه برسد به کسی که نماینده مجلس است و اگر این اتفاق در انگلستان و دیگر کشورها می افتاد، آقای کاتب وادار به استعفا می شد اما در کشور ما، این اتفاق معمولاً نمی افتد.

ما کسانی را داریم که در هشت سال دفاع مقدس چشمانشان را در جبهه های جنگ از دست دادند تا این آقا به نمایندگی برسد. این اظهارنظر ایشان توهین به شعور مردم است و همین مردم قضاوت خواهند کرد که چه کسانی استحقاق نمایندگی را دارند؟

رفتار این نماینده مجلس نه در ماهیت که حق نایبانیان را برای حضور در مجلس نمی پذیرد، بدتر از آن در شکل که معلولان و نایبانیان را دست آویز مضحکه قرار می دهد پسندیده نیست و فکر می کنم که اطلاعات و تصورات آقای کاتب مربوط به صد سال پیش است. (۱)

مگر نمایندگان مجلس با چشم تصمیم گیری می کنند!؟

محمدعلی محسنی رئیس انجمن فیزیوتراپی ایران و مشاور عالی سازمان بهزیستی ظهر امروز در مراسم افتتاح مجهزترین مرکز فیزیوتراپی ویژه معلولان در استان قزوین اظهار داشت: تخصیص سه درصد سهمیه استخدام ها به افراد دارای معلولیت راهکاری مطلوب به منظور رفع معضل اشتغال این قشر است.

وی از مخالفت نمایندگان مجلس با کاندیداتوری نایبانیان در انتخابات مجلس ابراز تأسف کرد و گفت: مگر نمایندگان مجلس با چشم، تصمیم گیری می کنند که نایبانیان در این زمینه محدودیت دارند؟! نایبانیان در توانمندی و استعداد نه تنها چیزی از سایرین کمتر ندارند بلکه از بسیاری افراد بالاتر نیز هستند. (۲)

نقض حقوق شهروندی با حذف نایبانیان از انتخابات مجلس

امروز ۲۴ مهرماه ۱۳۹۵ به عنوان روز جهانی عصای سفید، روزی ویژه برای دیده شدن و اهمیت دادن به نایبانیان و کم بینانیان است. روشندلانی که به لطف کم کاری های قانون و مسئولان از بسیاری از مصادیق حقوق شهروندی محروم هستند. با همه محرومیت ها بسیاری از افراد با آسیب های بینایی به موفقیت های چشمگیری دست می یابند. به سراغ یکی از همین افراد موفق از جامعه با آسیب بینایی رفتیم، فردی که با تلاش های بسیار، امروز حقوقدان و استاد دانشگاه شده و در امور حقوق شهروندی هم دستی بر آتش دارد.

ناصر سرگران استاد دانشگاه، حقوقدان و عضو کمیته فنی کنگره حقوق شهروندی در این گفتگو در خصوص وضعیت حقوقی نایبانیان در جامعه گفت: در جامعه ای که زندگی می کنیم، اقلیت هایی هستند که به عنوان بزرگ ترین اقلیت های هر کشور از جمله کشور ما محسوب می شوند و آن هم معلولان هستند. یکی از این معلولیت ها مختص افراد با آسیب بینایی است که با توجه به اینکه دارای نیازهای خاص خود هستند، برای آنها حقوق ویژه در کنار حقوق کلی که هر شهروند به موجب شهروندی بودن دارد، پیش بینی شده است. ضرورت توجهی که باید نسبت به این اقلیت ها وجود داشته باشد، ریشه در نیازهایی است که دارند.

ص: ۱۴۰

۱- (۲۴) . www.khabaronline.ir مهرماه ۱۳۹۴

۲- (۲۵) . www.tasnimnews.com فروردین ۱۳۹۵

وی با بیان یکی از موارد نقض حقوق شهروندی نایب‌نایان گفت: در رابطه با حق انتخاب شدن نایب‌نایان به عنوان نماینده مجلس است که در سال ۱۳۸۷ در قانون انتخابات مجلس بند ۶ ماده ۲۸، این قانون در شرایط انتخاب شونده‌گان آمده است که افراد دارای آسیب بینایی و شنوایی حق شرکت به عنوان کاندیدای نمایندگی مجلس را ندارند.

این استاد حقوق افزود: این ممنوعیت در حالی انجام می‌شود که هیچ فردی بنا به هیچ دلیلی از هیچ حقوقی از جمله حقوق سیاسی نباید منع شود. از طرف نمایندگان مجلس قبل، این مسئله اصلاح بند شش ماده ۲۸ قانون انتخابات در دستور کار قرار گرفت. متأسفانه در صحن علنی مجلس اصلاح این بند که اجازه می‌داد افراد با آسیب بینایی به مجلس راه پیدا کنند، به تصویب نرسید.

امیدواریم این مسئله در لایحه اصلاحی دیده شود و یا در لایحه ای مستقل در مجلس جدید طرح بشود چرا که حضور افراد با آسیب بینایی در شورای شهر دیده شده است اما در انتخابات مجلس حق حضور ندارند.

وی در خصوص حمایت‌های قانونی از جامعه نایب‌نایان و کم‌بینایان گفت: در کنوانسیون حمایت از افراد دارای معلولیت، بخشی از پشتوانه‌های حقوقی به معلولیت ناشی از بینایی بر می‌گردد. در قانون سال ۸۳ حمایت از معلولان، حمایت‌هایی لحاظ شد اما دارای نواقص اجرایی بود. در رابطه با این قانون در چند سال اخیر، لایحه اصلاحی به مجلس ارسال شد و در فروردین ماه امسال نیز شورای نگهبان این طرح را رد و دوباره به مجلس بازگشت تا ایرادات آن رفع شود. (۱)

تلاش مجدد برای طرح کاندیداتوری نایب‌نایان در مجلس

عبدالرحیم تاج‌الدین مدیرکل دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از ارسال مجدد طرح کاندیداتوری نایب‌نایان در مجلس شورای اسلامی خبر داد و گفت: با توجه به کنوانسیون حقوق معلولان مصوب آذر ۸۷ و متعهد شدن ایران به اجرای مفاد آن، طبق ماده ۲۹ کنوانسیون انتخاب کردن و انتخاب شدن حق مسلم همه افراد معلول است و قطعاً این حق شامل آن دسته از افراد معلول است که از نظر ذهنی قادر به تصمیم‌گیری و اثرگذاری باشند.

بر اساس گزارش روابط عمومی وزارت کار و رفاه اجتماعی، وی ادامه داد: بر این اساس مجدداً طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و پیشنهاد حذف کلمه بینایی از شرایط فرد منتخب به دفتر امور مجلس وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارسال شد. (۲)

ص: ۱۴۱

۱- (۲۴) www.Mehrnews.com مهرماه ۱۳۹۵

۲- (۲۴) www.asriran.com دی ماه ۱۳۹۵

هنوز بعضی حقوقدانان و نایبانیان نخبه ناامید نشده و امیدوار هستند قانون کاندیداتوری نایبانیان برای مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد و رأی بیاورد. از این رو در تلاش هستند و در جلسات مختلف به روحیه دادن عموم مردم می پردازند. به هر حال این رخداد که چند سال بسیاری از وقت و سرمایه و انرژی جامعه هدف و کشور را گرفت، برای نایبانیان و نیز برای کل معلولیت نوعی شکست روحی و سازمانی محسوب می شد. اما جالب اینکه رهبران این جریان کنار نکشیده اند و با تجربه آموزی از این شکست، مشغول برنامه ریزی برای اقدام جدید می باشند.

فصل قبل درباره قانون حضور و مشارکت معلولان در امور مدنی بود؛ اما این قانون تا چه اندازه متکی بر فقه اسلامی و ضوابط قواعد حقوقی اسلام است؟ و آیا کسانی که مسئولیت تدوین و تصویب این قانون را دارند از ضوابط شرعی و مبانی حقوق اسلامی آگاهی دارند؟ با پرس و جویی که شد متوجه شدیم متصدیان امور حقوقی معلولان بعضاً توجیه نیستند و لازم است اطلاع رسانی شود. به همین دلیل فصل حاضر را به مبانی حقوقی اسلام اختصاص دادیم.

قرآن کریم، روایات و سخنان معصومان علیهم السلام و نیز واقعیت های تاریخی نشانگر ممنوعیت و عدم حضور معلولان در عرصه های مختلف اجتماعی - سیاسی نیست. اگر جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام مسافرت حضرت برای جنگ ها، یک نفر نابینا بوده و اگر نابینایی امامت جماعت را بر عهده داشته و اگر نابینا یا افلیجی کرسی رهبری یک کشور اسلامی را بر عهده داشته و فقیهان هم نه تنها او را غیر مشروع ندانسته بلکه او را تأیید کرده اند، اگر همه این واقعیت ها است، چرا بعضی به نام دین و اسلام، با حضور معلولان در عرصه های اجتماعی مخالفت می نمایند؟

به نظر می رسد علت اصلی عدم فرهنگ سازی، فقدان شناخت اسلام واقعی، عدم آگاهی مردم حتی بزرگان و مشاهیر از رخدادهای و از فرهنگ قرآنی و حدیثی است.

البته بررسی جامع مبانی حقوقی اسلام در چارچوب معلولان، نیاز به فرصت بیشتر دارد. قصد داریم یک جلد کتاب در این باره منتشر کنیم. اما این فصل اجمالاً چند مبحث را مطرح می نماید.

نگرش اسلام به حقوق معلولان (۱)

معلولان از بارزترین و مهم ترین اقشار مطرح در حقوق بشر هستند و چتر حقوق بشر از هر جهت شامل آنان باید بشود. کمیسیون حقوق بشر اسلامی همین دلیل به معلولان و حقوق آنان عنایت ویژه دارد و برای اولین بار جلسه کارگاهی برای بررسی حقوق توان خواهان در سی ام بهمن ماه ۹۲ برگزار کرد. هدف این نشست، آشنا نمودن مدعوین با ابعاد حقوق اینان بود. مدعوین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در رشته حقوق بودند. استادان در چند برنامه از ساعت ۸ صبح تا ۷ بعدازظهر، هر کدام جنبه ای از حقوق توان خواهان را واری و بررسی نمودند. مدیر دفتر فرهنگ معلولین، آقای محمد نوری از جمله استادانی بود که باید به بررسی حقوق معلولان در متون اسلامی می پرداخت. متن حاضر در این جلسه مطرح شد:

وضعیت کنونی معلولان در جهان اسلام و بالأخص در ایران به گونه ای است که نسبت به تعداد و جمعیت آنها، کمبودها و نواقص بسیار است. بر اساس آمارهای عرضه شده بیش از دوازده درصد از جامعه ما را معلولان تشکیل می دهند یعنی بیش از هشت میلیون از جمعیت ایران، به نوعی معلولیت دارند. منظور معلولیت هایی است که منشأ مادرزادی یا بر اثر تصادف یا بیماری است و جانبازان جنگ از قلمرو ما فعلاً بیرون هستند. تصور بفرمایید جمعیتی بیش از هشت میلیونی داریم ولی نظام حقوقی کارآمد ندارند، اشتغال فراگیر ندارند، نظام بیمه و خدمات جامع ندارند، آینده آنان نامعلوم است و ده ها نوع نواقص دیگر پیش روی جامعه معلولان است. قابل توجه اینکه دبیر کل سازمان ملل متحد آقای بانکی مون هفته گذشته اعلام کرد یک میلیارد معلول در جهان هست. (۲) در ارتباط با این مشکلات دو فرضیه هست.

باور عده ای این است که ریشه همه این نقایص عدم حمایت شریعت و دین است. اما فرضیه دومی هست که دین دفاعیات از معلولان دارد ولی مسلمانان همتی برای شناخت متون دینی در ارتباط با اینان نداشته اند.

کلیات و قضایایی که در متون درج شده، می تواند مبنا و اساس استنباط های فقهی و تدوین قوانین موضوعه باشد. در مسائل و موضوعات دیگر هم از چند روایت و آیه احکام بسیار استنباط شده است.

در اینجا تلاش می کنیم قضایای دینی، آیات و روایاتی را که در دفاع از معلولان و تکریم اینان وارد شده، معرفی و بررسی کنیم. چون احترام و تکریم آنان زیر بنایی ترین مسئله است. اگر حقوقدانان، فقها و مدیران باور به محترم بودن معلولان داشته باشند، قطعاً در وظایف خود کوتاهی نمی کنند.

نگرش جوامع و متفکران: مناسب است ابتدا نگاهی به نگرش جوامع نسبت به معلولان در عصر ظهور اسلام داشته باشیم. از گذشته های دور نگرش و نگاه مردم به اینان منفی بوده است. افراد

معلول را به دیده نحوست و بدیمنی و شوم می نگرستند؛ معلول را فرزند شیطان، ثمره و فرزند گناه و دارای روح خبیثه می دانستند. در این باره اساطیر در فرهنگ باستان رواج دارد. دو راه کار همواره مطرح بوده است:

الف: نابود کردن معلول

ب: محتاج ترحم و مراقبت دائمی

در یونان باستان کودکان معلول را در رودخانه می افکندند. ارسطو می گوید: معلولان حق حیات ندارند (این نکته را در کتاب معروف سیاست گفته است). افلاطون می گوید: معلولان در جامعه آرمانی و پویا جایی ندارند. در قرون وسطی اینان را به دلیل اینکه فکر می کردند دارای روح شیطانی و پلشت هستند، در آتش می سوزاندند. حتی در دوره جدید، داروین، معلول را به دلیل بقای اصلح یا بقای اکمل، ناقص و نابود شونده می داند.

بالاخره همه نظام های اجتماعی و اخلاقی که بشر ساخته، نه تنها جایگاهی برای معلول در نظر نمی گرفتند، بلکه وی را محکوم به نابودی و دارای سرنوشت هلاکت پذیر می دانستند.

تنها انبیا و صالحان به ویژه اسلام، منادی احترام و تکریم معلولان بوده و آنها را افراد باسرف و صالح می دانسته اند. درست است معلول یک حس یا یک عضو ندارد ولی انسان است و به جای آن حواس و استعدادهای دیگر او قوی تر است.

طبقه بندی متون اسلامی: اسلام تفاوتی بین آدمیان قائل نشده و همه را فرزندان آدم و بدون تمایز و تفاوت دانسته است. متونی که به معلولان پرداخته به سه دسته عمده قابل تقسیم اند:

الف: آیات قرآن

ب: روایات

ج: متون تاریخی بیانگر سنت و رویه معصومان(ع)

در وقت اندک نمی توان به همه اینها رسید و فقط به آیات آن هم به اجمال می پردازم. اما آیات قرآنی که احترام به معلولان و کرامت آنان را مطرح کرده اند، به چند گروه قابل دسته بندی می باشند. گاه آیات را در بیست گروه دسته بندی و بررسی کرده اند. چند دسته از آیات را اجمالاً عرض می کنم:

۱. تعریف معلول

در مثل ها و ادبیات عامیانه مردم در بین ایرانیان و عرب ها به کافر یا به خطاکار یا متهم یا قاتل کور، نابینا، اعمی، معاق و معلول گفته می شود، با اینکه چشم و بینایی دارد و بدنش سالم است. در قرآن هم همین نکته پذیرفته شده است. یعنی کور و معلول واقعی و حقیقی را نداشتن چشم و فقدان بینایی نمی داند بلکه این گونه افراد با مردمان دیگر برابر هستند اما کسانی که

ایمان و بصیرت ندارند، کور واقعی اند.

اَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنَّ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (سوره حج آیه ۴۶)

چندین آیه در قرآن هست که می فرماید: کسانی که برای حل مشکلات مردم تلاش و حرکت نمی کنند، در واقع مشلول و معلول حرکتی هستند ولی فردی که یک پا ندارد اما در راه خدا و برای

ص: ۱۴۶

سعادت و بهورزی مردم دائم در تلاش و حرکت است، او را نمی توان شل و اعرج نامید بلکه این فرد از هر نظر با دیگران مساوی است.

قرآن صراحتاً می فرماید: عده ای زیادی از مردم که در جهنم هستند این گونه اند: لَّهُمْ أَعْيُنٌ لَا يَبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف ۱۷۹)

کسانی چشم، گوش و بدن سالم دارند ولی از مرتبه انسانیت سقوط کرده اند چون غفلت دارند. یعنی واقعیت ها و حقایق را نمی فهمند و به راه اشتباه رفته اند.

به هر حال نخستین دسته از آیات که کم هم نیست، مردمی را که اعضا و جوارحی مثل چشم، گوش، دست و پا ندارند، معلول نمی دانند یا حداقل معلول حقیقی نمی داند و می گوید اینها مثل دیگران هستند بلکه معلول واقعی را کسانی معرفی می کند که فاقد انسانیت اند، ظالم و غافل اند، از کمک به مردم دریغ ورزیده و از سیر در راه حق سرپیچی دارند.

۲. عدم تمایز و تبعیض ذاتی بین انسان ها

از نظر قرآن همگان و عموم انسان ها برابری و تساوی ذاتی دارند و تنها ملاک تمایز و برتری تقوی است. آیه معروف « إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۗ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ » (حجرات ۱۳) گویای اینست که اختلافات مردم ذاتی نیست و برتری به تقوا است.

از این رو معلول و سالم تفاوت و افتراق ذاتی ندارند. در حقوق، در فرصت ها و امکانات اجتماعی و آموزشی یکسان می باشند. چه بسا معلولی که به دلیل داشتن محاسن اخلاقی از افراد عادی برتری دارد.

۳. مسئولیت همگانی

از نظر قرآن معلول و غیر معلول، نابینا، ناشنوا و شنوا همه مسئولیت دارند و متعهدند در راه خدا تلاش کنند و برای سعادت جامعه خود بکوشند.

خداوند می فرماید همه مسلمانان باید از خدا اطاعت کنند و نیز از رسول خدا (ص) و اعمی، اعرج و مریض نمی توانند به دلیل مشکل جسمی، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند:

ليس على الاعمى حرجٌ ولا على الاعرج ولا على المریض حرجٌ و من يطع الله و رسوله (فتح ۱۷)

۴. تأمین امنیت روانی و اجتماعی معلولان

اذیت مادی یا معنوی معلولان در قرآن نهی شده، تحقیر و مسخره کردن و سنگ انداختن به آنان (که متأسفانه بسیار در جامعه ما رواج دارد) از نظر قرآن مردود است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ... (حجرات ۱۱)

رسول الله (ص) فرمود: ان الله يعذب الذين يعذبون الناس في الدنيا (صحيح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۴۲۶)

آیات و روایات در این زمینه فراوان است و خلاصه همه آنها اینست: همان طور که مردم عادی در بازار و محل کار و محل تحصیل تردد دارند و کسی مزاحم آنها نیست، معلولان هم باید چنین باشند. متأسفانه هم اکنون دائم معلولان مورد آزار و بی احترامی قرار می گیرند.

چند پروژه تحقیقاتی درباره این واقعیت که چرا معلولان در عرصه جامعه حضور ندارند اجرا شده است. حضور اینان در اماکن عمومی در کشورهای اروپایی و پیشرفته چشمگیر است؛ در خیابان های

ص: ۱۴۷

لندن یا پارک های پاریس، معلولان فراوان مشاهده می شوند. ولی در ایران به ندرت به معلول برخورد می شود. با اینکه تقریباً از هر ده نفر یک نفر معلول باید دیده شود. علت اصلی عدم حضور آنان، نداشتن امنیت و بی حرمتی به آنان است. در شهر قم بارها مشاهده شده بچه ها به معلولان سنگ انداخته و آنها را مسخره کرده اند یا راننده تاکسی بی احترامی کرده است.

سوره عبس و تولى

شاه بیت و احساسی ترین و حساس ترین آیات مدافع معلولان، ده آیه نخست سوره عبس است. گاه این سوره را به همین دلیل اعمی نامیده اند. آهنگ این سوره بسیار زیبا است.

فردی نابینا به نام عبدالله بن ام مکتوم پسران پسران جای حضرت رسول(ص) را پیدا می کند و به سراغ حضرت می آید و درصدد پرسیدن، چند سؤال شرعی بوده است. در حالی که رسول خدا با جمعی از بزرگان و اشراف مشغول گفتگو بود، عبدالله بن ام مکتوم وارد شد، سلام گفت، و با سروصدا می خواست خود را به حضار معرفی کند.

یکی از اهل جلسه از او رو برگرداند و چهره در هم کشید و حالت ناراحتی به خود گرفت. ولی عبدالله چون نابینا بود و هیچ کدام از این حالت ها را ندید، مجدداً صدا می زد و خواهان پاسخ رسول خدا(ص) بود. در این هنگام آیات نخست این سوره نازل شد.

درباره شأن نزول و فردی که رو برگرداند، اختلاف است. اهل سنت، رسول خدا و شیعیان، خلیفه سوم، یا فرد دیگری را ذکر کرده اند. البته همه، روی اینکه نابینایی به جلسه اشراف وارد شده و بزرگان به او بها ندادند و احترام او را پاس نداشته و به او بی توجهی کردند، اتفاق نظر دارند.

خداوند در دفاع از این فرد نابینا می فرماید:

ای کسانی که رو بر می گردانید و به نابینای تازه وارد بی توجهی می کنید و چهره در هم می کشید و حالت عبوس به خود می گیرید! شما چه می فهمید، او پاک و آگاه است. البته این حادثه برایش سودمند است و بر آگاهی او می افزاید.

اما شما که خود را اشراف و بی نیاز و سرمایه دار و پول دار می دانید... علامه طباطبایی در ترجمه آیه «أما من استغنی» می نویسد: اما تویی که توانگری خود را به رخ مردم می کشی و فکر می کنی متصدی و مسئول او هستی در حالی که چنین نیست.

او شتابان به سوی شما آمده در حالی که خدا ترس و متقی و با خشیت است ولی شما در تغافل هستید و خود را به غفلت می زنید گویا او را ندیده اید.

این ده آیه بسیار زیبا و آموزنده است. یکی از سران کلیسا در بیروت در جلسه ای که برای معلولان بود، پس از توضیح این آیات می گفت: اگر ما فقط این چند آیه را داشتیم، همه معلولان را به سوی خودمان جذب می کردیم ولی مسلمانان این همه دُرهای گران بها دارند ولی معرفی و استفاده نمی کنند.

فارغ از مباحث علمی زیادی که درباره این ده آیه در تفاسیر مفصلاً به آنها پرداخته اند و بیشتر آنها در کتاب سوره روشندان آمده، آیات خیلی روشن و گویا به ضرورت تکریم و احترام به معلولان و روشندان پرداخته، چند نکته مهم در این آیات هست:

ص: ۱۴۸

الف) احترام و توجه به معلولان لازم و ضروری است. بین امور بسیار مهم که رسول خدا مشغول سامان دهی به آنها بوده، توجه به خواسته یک معلول مقدم و ارجح است. بزرگان با رسول خدا جلسه مهمی داشتند و مشغول بحث های مهم درباره اسلام و مسلمانان بودند، از طرف دیگر یک نابینا آمده و خواستار توجه جمع یا سؤالاتی از رسول خدا است. خداوند می فرماید: به دومی اهمیت بده و او را مقدم بشمار.

می توان این نکته را به عرصه های اجتماعی گسترش داد؛ یعنی اگر امر دایر باشد بین تبلیغات و صرف هزینه های میلیاردی برای تبلیغ در زمینه اسلام و رسیدگی به امور معلولان، آیا باید از اینان روی گردانی داشت یا امور معلولان واجب تر است؟

حقوقدانان و مدیران اجتماعی وقتی تراحم و تعارض بین امور عمومی و امور معلولان را مشاهده می کنند، به نظر می رسد بر اساس آیات باید اینان را مقدم بشمارند. البته هم اکنون برعکس است. در همه زمینه ها از امور معلولان روی گردانی می شود و جامعه و نظام اسلامی از اینان روی برگردانده است.

حقوق ماهانه دریافتی یک معلول در کشورهای اروپایی حداقل هفت هزار یورو است یعنی حدود ۲۵ میلیون تومان، اما در ایران بعضی از آنها را بهزیستی حقوق ماهانه ۲۵ تا ۵۰ هزار تومان می دهد! این مبلغ حتی کرایه ماشین آنها برای رفتن و دریافت آن مبلغ نیست.

عبدالله بن ام مکتوم پس از اینکه احترام و تکریم الهی را مشاهده کرد، تبدیل به انسان خلاق شد که خدمات بزرگی به فرهنگ اسلامی کرده، زندگی نامه او در منابع مثل الطبقات الکبری ابن سعد آمده و احادیث فراوانی از طریق او نقل شده است. اروپا که به نابیناها حقوق می دهد و به آنها توجه می کند، نتیجه ی آن مشارکت و حضور معلولان در امور مختلف و تلاش برای پیشبرد امور است. به همین دلیل افراد معلول رقم بسیار بالایی به اقتصاد ملی این کشورها کمک کرده اند. اختراعات بسیاری توسط معلولان بوده است مثلاً برق را ادیسون ناشنوا اختراع کرد.

به هرحال احترام به اینان، ثمره و برکت های فراوان دارد که در آیات هم آمده است.

ب) از آیات سوره عبس و تولی درس می گیریم که اگر کسی یا کسانی معلولان را تحقیر کردند، به آنان بی توجهی نمودند، دولت، مجلس شورای اسلامی، سازمان بهزیستی، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، دفتر فرهنگ معلولین یا هر گروه و شخص دیگر باشد، فرقی نمی کند، مسلمانان وظیفه دارند با تندی با او برخورد کنند، توبیخ کنند، و مثلاً بگویند: چرا کمیسیون حقوق بشر تاکنون هیچ اقدامی درباره معلولان انجام نداده؛ چرا هنوز حقوق و بیمه و تحصیل و اشتغال و ده ها مشکل آنان حل نشده است؟

چرا کنوانسیون حقوق معلولان در دسامبر ۲۰۰۶ (بهار ۱۳۸۶) در سازمان ملل تصویب شد، حتی کشورهایی مانند مصر و سودان ظرف سه روز آن را پذیرفتند و دولت این کشورها دستورالعمل اجرایی صادر کرد اما در ایران سی ماه بعد امضا و پذیرفته شد، یعنی در مهر ۱۳۸۸؟! وانگهی بعد از پذیرش هنوز آیین نامه های اجرایی آن در زمینه های مختلف تدوین نشده و این میثاق نامه بین المللی در ایران هنوز شکل اجرایی و حتی حقوقی به خود نگرفته است.

درس های دیگری از این سوره می توان آموخت که در کتاب سوره روشندان مطرح شده است.

ص: ۱۴۹

حضرت ایوب(س) را قرآن به گونه ای زیبا و عبرت آموز مطرح کرده، از حضرت چهار بار در چهار سوره نام برده و او را از نسل ابراهیم و انبیا معرفی کرده است. حضرت ایوب مشکلات جسمی داشت و معلول بود. قرآن معلولیت او را این گونه بیان می کند:

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (سوره انبیاء، آیه ۸۳)

وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (سوره ص، آیه ۴۱)

ضُرٌّ و نُصْبٌ در تفاسیر به نقص عضو، بیماری لاعلاج یا صعب العلاج و معلولیت تعبیر و تفسیر شده است. ایوب با اینکه پیامبر بود، معلولیت داشت. ایوب سال های زیادی از عمرش را با درد و عذاب سپری کرد اما واکنش او صبر و عبودیت بود: إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (سوره ص، آیه ۴۴)

به خاطر استقامت و صبوری و تحمل، دعایش مستجاب شد و خداوند او را عافیت و سلامتی بخشید و به ثروت زیاد و مکنات فراوان دست یافت. به هر حال از نظر قرآن، معلولیت سد راه ترقی انسان نیست حتی مانع پیامبری نیست. چون ایوب پیامبری بود که حدود بیست سال از عمرش را معلول بود. با این حال نکات و عبرت هایی درباره ایوب ذکر کرده که عبارت اند از:

- ایوب از هدایت یافتگان است. (انعام، آیه ۸۴)

- از محسنین و نیکوکاران است. (انعام، آیه ۸۴)

- به او وحی می شده است. (نساء، آیه ۱۶۳)

- هم ردیف ابراهیم، اسماعیل، یعقوب، یونس، هارون و سلیمان است. (نساء، آیه ۱۶۳ و انعام، آیه ۸۴)

- بدبختی ها و مشکلات در زندگی انسان از جمله در زندگی ایوب منسوب به شیطان است. (سوره ص، آیه ۴۱)

- با تلاش و بهره گیری از توانمندی های خود، ضُر و معلولیت را کنار زد و بی اثر ساخت. (سوره ص، آیه ۴۲)

- از خداوند برای رفع مشکلات ناشی از معلولیت طلب کمک نمود (انبیاء، آیه ۸۳)

- اجابت و پاسخ مثبت خداوند به درخواست ایوب (انبیاء، آیه ۸۴)

- رفع مشکلات و ناراحتی های ناشی از معلولیت پس از خداگرایی. (انبیاء، آیه ۸۴)

- ایوب بر اثر معلولیت نه تنها فقیر و بیچاره نشد بلکه ثروتمند و صاحب امکانات فراوان گردید. (انبیاء، آیه ۸۴)

- سرگذشت ایوب را عبرتی برای بندگان و خردمندان دانسته است. (سوره انبیاء، آیه ۸۴)

- ایوب را بر اثر مرض و معلولیت از جامعه طرد کردند و مردم با او رفتار ناشایسته داشتند ولی او هرگز اینان را نفرین نکرد و بدشان را نخواست.

- خداوند به او امر کرد که پا به زمین بکوبد و چشمه ای آب گرم برای شستشوی بدن بیمارش و چشمه ای آب سرد برای نوشیدن به او اعطا کرد. (سوره انبیاء، آیه ۸۴) یعنی او روی پای خودش به پا خواست و عافیت بازیافت.

- خداوند ایوب را به اَوَاب یعنی بازگشت کننده به خداوند (ص، آیه ۳۲)، صابر (ص، آیه ۴۴) و دارای عبودیت معرفی کرد (سوره انبیاء، آیه ۸۴).

ص: ۱۵۰

- معلولیت منتسب به خداوند نیست بلکه ایوب می گوید شیطان مرا به بلایا دچار کرده است. (ص، آیه ۴۱)

- خداوند به ایوب کتاب، داوری و نبوت اعطاء کرد. (انعام، آیات ۸۹-۹۰)

داستان و سرگذشت ایوب در سه فرهنگ اسلامی، یهودی و مسیحی مؤثر بوده، به طوری که هم در قرآن به آن توجه شده و هم در تورات، رساله ای به نام ایوب هست. نیز در ادبیات فارسی مَثَل هایی مثل صبر ایوب، چشمه ایوبی و شراب ایوبی رواج دارد. ایوب نبی در بلاکشی و صبر و تحمل و یعقوب نبی هم در تحمل فراق و دوری از فرزندش و صبر در همه این فرهنگ ها اسوه و الگو شده اند.

خلاصه اینکه سرگذشت حضرت ایوب در قرآن اینست که او با تلاش و صبر و با درایت بر مشکلات معلولیت چیره آمد و به امکانات بزرگی دست یافت.

مولانا جلال الدین رومی درباره حضرت ایوب چنین سروده است:

آن یکی اندر بلا ایوب وار

و آن دگر در صابری یعقوب وار

هفت سال ایوب با صبر و رضا

در بلا خوش بود با ضیف خدا

تا چو وا گردد بلای سخت رو

پیش حق گوید به صد گون شکر او

کز محبت با من محبوب کُش

رو نکرد ایوب یک لحظه ترش

از وفا و خجالت علم خدا

بود چون شیر و عسل او با بلا

گفت حق ایوب را در مکرمت

من به هر موییت صبری دادمت

او شد تسلیم او ایوب وار

کی اسیرم هرچه می خواهی بیار

مرغِ آبی غرق دریای عسل

عین ایوبی شراب و مغتسل

که بدو ایوب از پا تا به فرق

پاک شد از رنج ها چون نور شرق

وضعت حقوقی معلولان

تا اینجا بعضی آیات قرآن در ارتباط با توجه و احترام به معلولان مطرح شد. اما می خواهیم ذهنیت ها را در ارتباط با کنوانسیون جهانی حقوق معلولان (مصوب سازمان ملل متحد، دسامبر ۲۰۰۶ / بهار ۱۳۸۶) بررسی کنیم. این کنوانسیون مانیفست و راهنمای جامعه معلولان و دارای ۵۰ ماده اصلی و ۱۸ ماده الحاقی است. مهم ترین ویژگی آن تأکید بر کرامت ذاتی معلولان است، ولی تعابیر آن بسیار ضعیف تر از تعبیرهای قرآنی می باشد.

ص: ۱۵۱

این کنوانسیون پس از تصویب در بهار ۱۳۸۶ در مجمع عمومی سازمان ملل، به همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ابلاغ شد تا نظر خود را بدهند. اما دولت با داشتن گنجینه‌ای از آموزه‌های اسلامی مدافع حقوق معلولان و کانون جامع حمایت از اینان، مصوب سال ۱۳۸۳ و آیات و روایات فراوان، میثاق نامه جهانی را تا ۵/۲ سال بعد امضا نکرد. تا بالاخره در مهر ۱۳۸۸ رسماً پذیرفت. اما نکته مهم اینست که:

اولاً نهادهای مردمی معلولان اعتراض‌های جدی به روش بررسی و شیوه پیوستن به این کنوانسیون و دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی دارند. با اینکه معلولان و نهادهای معلولیتی می‌توانند آرا و نظریات اساسی و راهبردی بدهند ولی کلاً از آنها مخفی‌نگاه داشته شده؛ از آنان خواسته نمی‌شود نظر بدهند و اینان را به مشارکت دعوت نمی‌کنند. این نوعی کم‌لطفی و بی‌احترامی به آنان و به قول قرآن روی برگرداندن است.

نکته دوم در خود این کنوانسیون هست که دولت‌های عضو می‌توانند اطلاعات بدهند و دیدگاه جامعه خودشان را منعکس کنند. دولت جمهوری اسلامی حداقل می‌توانست تفسیر علامه طباطبایی از سوره عبس را به انگلیسی ترجمه و ارسال کند. یعنی آیات و روایات و سیره نبوی (که بهترین آموزه‌ها را در زمینه تکریم و احترام معلولان دارد) مطرح نشده، گرچه سازمان ملل در حال تکمیل اطلاعات برای تکمیل کنوانسیون جامع تر است.

گویا چند سال آینده کنوانسیون جامع‌تر مطرح خواهد شد. دفتر فرهنگ معلولین آمادگی دارد با همکاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی متنی را آماده کند و برای سازمان ملل بفرستند تا چهره واقعی اسلام و قرآن کریم را در زمینه تکریم معلولان نشان دهد. این معرفی‌نامه با عملکرد مسلمانان در رده‌های مختلف و دولت‌مردان تمایز می‌یابد. یعنی چهره واقعی و حقیقی قرآن و اسلام را به جهان معرفی کنیم تا ذهنیت دنیا (که ساختار سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی را نماینده اسلام می‌دانند) تصحیح شود.

خلاصه بحث بنده اینست که معلولان از نگاه قرآن افرادی هستند که فقط فاقد یک عضو یا یک حس می‌باشند، ولی در اصل انسانیت و در دارا بودن خلاقیت و در اینکه می‌توانند اقدامات بزرگ و سازنده‌ای داشته باشند، تفاوتی با دیگران ندارند. از این رو باید مثل دیگران از مواهب اجتماعی، از فرصت‌ها و امکانات آموزشی، اجتماعی و اقتصادی بهره‌مند شوند.

در چند ماه گذشته قانونی تصویب شده که نایب‌نمی‌تواند برای نمایندگی مجلس شورا ثبت نام کند. قانون مصوب داریم که فرد معلول هر چند معلولیت در چند انگشت داشته باشد، نمی‌تواند به حوزه علمیه راه یابد و قوانین دیگر که تماماً با روح آیات قرآن در تعارض جدی است. وظیفه حقوق‌دانان است که تکلیف جامعه را روشن کنند. حضرت رسول (ص) به نایب‌نای مطلق مسئولیت‌های مهم مثل اداره شهر مدینه به عنوان پایتخت ام‌القرای جهان اسلام را می‌سپرد. از این رو مصوبه‌های فوق هم با آیات قرآن و هم با سنت نبوی در تعارض است. کمیسیون حقوق بشر اسلامی می‌تواند این ناهمگونی را مطرح و راه کار درست را معرفی نماید.

برابری، مساوات و عدالت یکی از اصول مهم همه مکاتب در همه دوره ها از جمله اسلام و در دوره جدید حقوق بشر است. برابری و نابرابری مفاهیمی قدیمی هستند و شامل برابری حقوقی، برابری سیاسی، برابری اقتصادی و برابری اجتماعی می باشند. این مفهوم دارای ابعاد مختلف و متنوع است.

وقتی شهروندان فارغ از ویژگی های فردی خویش نظیر نژاد، جنسیت، مذهب یا طبقه اجتماعی، تحت سیطره نظام حقوقی واحدی قرار گیرند و در شرایط مشابه شهروندان از حقوق و تکالیف یکسانی برخوردار می شوند؛ این نظام در تمامی روابط دوجانبه حکومت و جامعه مدنی تجلی می یابد. حکومت مدرن جامعه ای برابر را رهبری می کند (برابری سیاسی) و اعضای این جامعه باید به گونه ای برابر مطیع قدرت عمومی باشند (برابری مدنی) بدیهی است که واسطه این روابط، دیالکتیک قانون است که به مثابه خواست عمومی در جامعه حکم فرما است. به بیان دیگر این مردم هستند که خود با وضع قوانین، برابری خویش را تضمین می نمایند. اما از منظر جامعه شناسی حقوق، برابری باید در چارچوب یکی از کارکردهای حقوق قرار گیرد.

کارکرد مورد بحث در اواخر دهه ۶۵ میلادی مطرح شد و به موجب آن حقوق به تنظیم رفتارهای اجتماعی و شهروندان می پردازد تا به غایت خویش نزدیک شود. در غرب، آنتی ها نخستین مردمی بودند که در قرن چهارم پیش از میلاد به این مفهوم پرداختند. افلاطون بر مبنای سلسله مراتب طبیعی موجود، برابری را در دو شکل هندسی و برابری حسابی مطرح نمود. ارسطو نیز نخستین بار مفهوم برابری سیاسی را به کار برد. بدین معنا که تمامی شهروندان می توانند در کار حکومت شرکت نمایند. سپس در حقوق رم، برابری در مقابل قانون به وجود آمد بدون اینکه به مفهوم مشارکت سیاسی اشاره شود. اما در آثار ژان ژاک روسو به ویژه قرارداد اجتماعی بود که مفهوم آرمانی رنگ باخته و به قلمروی حقوق راه یافت. پس از انقلاب کبیر فرانسه این اصل در ماده یک اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه سال ۱۷۸۹ تجلی یافت. این ماده انسان ها را در بهره مندی از حقوق، آزاد و برابر می داند. در قرون جدید برابری در دیدگاه های مکاتب نوین جنبه های دیگر یافت. (۱)

برابری در اندیشه دین مبین اسلام یکی از اصول بنیادین محسوب می شود. بر این اساس، در اندیشه وحیانی اسلام، انسان ها با یکدیگر برابر هستند و هر گونه تفاوت و تبعیض میان آنها ممنوع است. در اندیشه دینی مبنای اصلی برابری، کرامت ذاتی انسان ها و منشأ واحد خلقت آدمیان است، بنابراین چون اینان همگی روح خدایی دارند، با هم برابر می باشند. در این گفتار به بررسی برابری در قرآن کریم و نیز نهج البلاغه می پردازیم.

برابری، فکری بلند و عمیق در اسلام است. بررسی این موضوع در قرآن کریم (که اولین و اساسی ترین منبع افکار و اصول اسلامی است) خالی از لطف نمی باشد. قرآن درباره این موضوع بسیار صریح و با تأکید سخن گفته، گرچه قرآن در تمام موضوعات، زیبا و نافذ سخن گفته ولی درباره پاره ای از مسائل مهم، عنایت و توجه خاصی مبذول داشته که برابری از آن جمله است. در قرآن کریم می خوانیم:

۱- ای مردم! در برابر خدایتان که همه شما را از یک فرد (یک پدر) آفریده، پرهیزکاری پیشه کنید. (۱)

۲- ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و به شکل دسته ها و قبیله هایتان در آوردیم تا بتوانید همدیگر را بشناسید، همانا گرمی ترین شما در نزد خدا با تقوی ترین شما است. (۲)

در این دو آیه تأکید شده، همه افراد بشر فرزندان یک پدر و مادرند و از یک ریشه و اصلند و بر آنها جز روش برادری و وحدت و یکپارچگی نمی تواند حاکم باشد. در آیات دیگری، مسئله برادری و وحدت به تعبیر «یا بنی آدم» بیان شده و با این خطاب که برای عموم انسان ها در همه زمان ها و مکان ها است، تأکید شده که همه فرزندان یک پدر و مادرند.

در آیه دیگری از قرآن کریم می خوانیم: «الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء...» همه انسان ها از هر نژاد و با هر نوع خصیصه مادی و معنوی، از دو انسان مرد و زن آفریده شده اند و نخستین مرد و زن که پدر و مادر همه انسان ها هستند، از نوع و طبیعت مشابه آفریده شده اند. (۳)

برابری در قرآن کریم، به این معنا است که همه انسان ها ارزش یکسانی دارند و باید با همه به شیوه ای برابر رفتار کرد. زیرا همه به حکم انسانیت برابرند و بر یکدیگر برتری ندارند و همه شهروندان در نزد قانون و از لحاظ حقوق و آزادی ها با هم یکسان هستند. (۴)

برابری در نهج البلاغه و اندیشه پیشوایان دینی

نهج البلاغه نیز به عنوان مهم ترین کتاب در اسلام حاوی نکات بدیعی در خصوص اصل برابری است. در خصوص برابری امام علی (ع) گفتارهای صریح و روشنی وجود دارد که در عهدنامه های خویش به فرمانداران، زمامداران و والیان به آن اشاره و تأکید گردیده، از جمله در نامه خود به محمد ابن ابی بکر که در آغاز سال ۳۷ هجری او را به فرمانداری مصر برگزیده است، می فرمایند:

«با مردم فروتن، نرم خو و مهربان، گشاده رو و خندان باش و در نگاه هایت و در نیم نگاه خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان ها از عدالت تو مأیوس نگردند.»

۱- .سوره نساء، آیه ۱.

۲- .سوره حجرات، آیه ۱۳.

۳- .سوره نساء، آیه ۱.

۴- .بخشایش اردستانی، احمد، دشتی، فرزانه، «مردم سالاری در حکومت دینی»، فصلنامه پژوهش نامه علوی، شماره ۸، ۱۳۹۲، ۶۲.

حقوق معلولان در نهج البلاغه

امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر سی بند حقوقی برای معلولان شمرده و حاکمیت را موظف به اجرای این حقوق می‌داند. از این حقوق، چند مورد از آنها در مورد مساوات و تبعیض و برابری است. اکنون به طرح این موارد می‌پردازم. امام می‌فرماید:

ضرورت مساوات و اجرای عدالت بین همه معلولان

«فَانَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى»؛ تبعیض ممنوع است و با آنان به مساوات رفتار کن؛ زیرا دورترین آن‌ها مثل نزدیک‌ترین آن‌ها است.

هر آنچه به آنان تعلق می‌گیرد و حقوقی که به آنان می‌خواهی بدهی، دور و نزدیک، خودی و غیرخودی ندارد. در ادامه حضرت خواستار رعایت حقوق همگان شده است.

رعایت حقوق تمامی مددجویان بدون تبعیض

«وَكَلَّا قَدْ اسْتَرَعَيْتَ حَقَّهُ»؛ حقوق همه مددجویان باید مراعات گردد.

حضرت از واژه استرعیت در باب استفعال استفاده کرده و گویا درصدد بیان این نکته است که ای مالک! تو به عنوان مدیر ارشد جامعه باید از همه مدیران تحت فرمانت رعایت حقوق مددجویان را درخواست کنی و پیگیری نمایی. صرفاً یک دستور نباشد بلکه پیگیری و مطالبه جزء برنامه رعایت حقوق است. مهم این است که در این بند، حضرت تمامی مددجویان را مشمول رعایت حق دانسته است. یعنی نفرموده فقط مسلمانان یا فقط طرفداران امامت یا فقط کسانی که فلان خصوصیت را دارند، بلکه فرمود همه مددجویان بدون تبعیض باید حقوق شان مراعات گردد. (۱)

ممنوعیت پامال حقوق مددجویان به بهانه اجرای کارهای اولویت دار

«فَإِنَّكَ لَا تُعْذِرُ بِتَضْيِيعِ الصَّغِيرِ لِأَحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمِّ»؛ انجام کارهای زیاد و مهم، عذر برای ضایع کردن حقوق بیچارگان نمی‌تواند باشد.

مدیران نپرداختن به امور مددجویان متعلق به اقلیت پایین جامعه را این گونه توجیه می‌کنند: کار زیاد یا کار مهم و اولویت دار، مانع از رسیدگی به امور آنان بود و معذور هستیم. اما حضرت می‌فرماید این استدلال پذیرفته نیست و اجرای کارهای کثیر و مهم، عذرآور نمی‌باشد و از مسئولیت دولتمردان برای رسیدگی به امور مددجویان نمی‌کاهد. زیرا موجب تضییع حق آنان و کرامت انسان‌های مددخواه و نیازمند مساعدت می‌گردد. حضرت نمی‌فرماید: پامال شدن مال یا تضییع آبرو یا تضییع زندگی آن‌ها می‌شود؛ بلکه می‌فرماید «تضییع الصغیر» یعنی عدم رسیدگی به بهانه رسیدگی به امور مهم و زیاد، موجب از هستی ساقط شدن قشر صغیر است و همه چیز خود را از دست می‌دهند.

در شرح نهج البلاغه صبحی صالح آمده است:

ص: ۱۵۵

۱- . منشور حقوق معلولان، علی نوری، ص ۱۲.

«فَأَنْتَ لَا تَعْدُرُ بِتَضْيِيقِ التَّافِهِ»؛ مجاز نیستی با تحقیر خود را ضایع کنی. حضرت پیش از این به مالک اشتر درباره غرور و تکبر هشدار داد و الآن درباره خود کوچک بینی و حقارت پیشگی، هشدار می دهد. حاکمی که بیش از حد خودش را کوچک می نماید، ابهت خود را از دست می دهد. در نتیجه افراد فرصت طلب از این وضع سوء استفاده می کنند. از این رو در چنین جامعه ای حقوق معلولان پامال می گردد.

ادامه سخن حضرت که فرمود: «لأحكامك الكثير المَهْم» را می توان این گونه تفسیر نمود: حاکم برای تحکیم جایگاه خود در جامعه باید کارهای مهم بسیار انجام دهد. با اجرای طرح های مهم و ابتکاری، مردم به استواری، اقتدار و استحکام قدرت حاکم پی برده و او را شایسته این مقام می دانند. معلولان در این گونه جوامع می توانند به نیازها و حقوق خود برسند. (۱)

عدم رفتار با غرور و نخوت با معلولان و تعامل انسانی با آنان

«و لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لَهُ»؛ به اینان فخر نفروش و از سر کبر و نخوت، از آنان روی بر مگردان.

یکی از حقوق معلولان این است که جامعه، به ویژه مسئولان رفتار عادی و انسانی با آنان داشته باشند. به دلیل نداشتن بینایی یا فلج بودن آنان را تحقیر نکنند و با کبر و نخوت برخورد نمایند.

گویا حضرت سخنش را از قرآن کریم اقتباس کرده، در سوره لقمان از وصایا و توصیه های وی به پسرش، این است: «لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لا تَمْشِ مَرِحاً انَّ اللهَ لا یحبُّ کلَّ مختار فخور» (آیه ۱۸ سوره لقمان)؛ چهره از مردم بر مگردان و در زمین خرامان راه نرو، همانا خداوند انسان های خودپسند و متکبر را دوست نمی دارد.

قرآن کریم می فرماید: هنگامی که نابینایی آمد، کسی با چهره عبوس روی بر گرداند (عبس و تولى ان جاءه الاعمى، سوره عبس، آیات ۱ و ۲) در ادامه این رفتار را به شدت سرزنش کرده است. در منطق قرآنی و در فرهنگ الهی، نابینا و کلاً معلولان کرامت دارند و کسی حق ندارد از آن ها رو برگرداند. (۲)

ضرورت احترام متواضعانه نسبت به مددجویان

«و تواضع لله یرفعك الله؛ به خاطر خدا تواضع کن تا خداوند تو را رفعت دهد».

حضرت تواضع حاکم را با رفعت و بزرگی او در ارتباط قرار داده است. حاکمی که نسبت به مردم و مددجویان تواضع داشته باشد، مقام رفیع و مقبولیت گسترده پیدا خواهد کرد. بر عکس حاکمی که تکبر داشته و نسبت به مردم متکبر و مستبد باشد، جلال و شکوه پیدا نمی کند. در حدیث معروف آمده: «من استبد برأیه هلك» یعنی کسی که مستبد و خودرأی باشد و به افکار عمومی احترام نگذارد، نابود می شود. زیرا اقتدار و قدرت واقعی در جامعه است، حاکم با نزدیک شدن به جامعه و احترام به اقشار اجتماعی، از قدرت و اقتدار لایزال مردمی بهره مند می گردد، مردم هم به او یاری رسانده و در دل های اینان نفوذ یافته و مردم با همه وجود در سختی ها و بحران ها یاور او خواهند بود.

۱- . همان، ص ۱۳-۱۴.

۲- . همان، ص ۱۴.

بنابراین وظیفه دو طرف (حاکمیت و مددجویان) در این قطعه از سخن حضرت این است که حاکم متواضع باشد، نه به صورت ظاهری و برای فریب مردم بلکه واقعاً و از سر عشق و اخلاص به مردم؛ مددجویان هم در رفعت حاکم نقش آفرین باشند.

امکانات و فرصت های اجتماعی و اقتصادی را در اختیار مددجویان گذاشتن

«وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلضَّعْفَاءِ؛ بال های خود را برای ضعیفان پهن کن».

بال پهن کردن دو جور تفسیر شده است:

استعاره از فروتنی در برابر ناتوانانِ توان خواه است. این کاربرد اخلاقی است. در تفسیر دوم، بال کنایه از رشد و توسعه و ترقی است. یعنی امکانات و ظرفیت ها و فرصت هایی که در اختیار حاکم است، نباید آن ها را به پولدارها و ثروتمندان بدهد بلکه باید فرصت ها و امکانات اقتصادی و اجتماعی را به مددجویان ضعیف بسپارد. پهن کردن بال، کنایه از اعطای امکانات و فرصت ها آن هم با تواضع و فروتنی است. این کاربرد حقوقی است.

نیاز جامعه به حضور اجتماعی و مساعدت مددجویان

«وَأَرْبِهِمُ إِلَى ذَلِكِ مَنْكَ حَاجَةٌ؛ به مددجویان نشان بده به این برنامه نیازمندی».

به نظر حضرت، حاکم با تواضع و سپردن امکانات و فرصت ها به مددجویان کارش تمام نمی شود بلکه باید برنامه فرهنگ سازی اقناعی و اطلاع رسانی هم داشته باشد. باید به مددجویان تفهیم کند حکومت به مددجویان نیاز دارد؛ چون آنان سرمایه اجتماعی هستند و با مشارکت در جامعه موجب پیشرفت و ترقی خواهند شد.

رسیدگی به امور معلولان منزوی و دور از دسترس

«وَتَفَقَّدْ أُمُورَ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مَنْ تَقْتَحِمُهُ الْعِيُونَ وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ؛ امور معلولانی را که درخواست های آن ها به تو نمی رسد، رسیدگی کن؛ زیرا اینان از چشمان پنهان اند یا به دلیل تحقیر، کنار رفته اند».

مدیران فقط نسبت به مراجعه کنندگان و کسانی که در فهرست ثبت شده اند رسیدگی می کنند. اما معلولانی هستند که در حاشیه اند؛ اساساً نمی دانند کسی و تشکیلاتی برای رسیدگی به امور آنان هست یا مددجویانی هستند که به هر دلیل تحقیر شده و آنان را کنار گذاشته یا در بازداشت هستند یا به بهانه سوء سابقه، حذف شده اند؛ همه اینان مصداق سخن حضرت می باشند و به حاکم امر می فرماید که باید به امور آنان رسیدگی کنی.

رسیدگی ویژه به افراد دارای معلولیت شدید

«وَتَعَهَّدْ أَهْلَ الْيَتِيمِ وَالزَّمَانَةَ وَالرِّقَّةَ فِي السِّنِّ مَنْ لَا حِيلَةَ لَهُ وَلَا يُنْصَبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ؛ نسبت به افراد دارای معلولیت های شدید یعنی زمین گیرها، کهنسالان و آسیب مندان درمانده متعهد باش. چون آنان بیچارگانی هستند که خواسته های شخصی خود

را هم نمی توانند برآورده سازند».

وظیفه شناسی، تعهد و قبول مسئولیت در منطق حضرت جایگاه خاص دارد. وقتی به افراد دارای معلولیت شدید می رسد، می فرماید: متولی جامعه باید وظیفه شناس باشد. «اهل الیتم» یعنی افرادی

ص: ۱۵۷

که به دلیل حادثه و قطع عضو یا نابینا شدن یا از دست دادن پدر و مادر جزء «طبقه آسیب مند» جامعه شده اند؛ «زمانه» یعنی افرادی که به دلیل ناتوانی و معلولیت شدید زمین گیر شده اند؛ و بالاخره «الرقه فی السن» یعنی کسانی که به دلیل کهولت و سن زیاد، توان تحرک ندارند. این سه دسته را حضرت به طور ویژه رسیدگی کرده و حقوق خاص برای آنان بر می شمارد. زیرا اینان چون توان برآوردن خواسته های شخصی خود را ندارند، حاکمیت باید برای آنان برنامه و تدبیر ویژه داشته باشد. سازمان بهزیستی با اجرای «طرح رسیدگی در خانه» درصدد اجرای همین فرمان است.

ضرورت استقرار در جایگاه مناسب حال با حقوق مکفی

«و وَضَعَهُمْ مَوَاضِعَ مَعَهُمْ فِي أَقْوَاتِهِمْ وَحَقُوقِهِمْ، فَإِنَّ الْأَعْمَالَ تُخَلِّصُ بِصَدَقِ النِّيَّاتِ؛ بِأَتَمِّينِ نِيَّاتِهِمْ ضَرُورِي وَحَقُوقِ أَوْلِيَّهِ مَدَدِجُويَانِ، وَضَعِيَّتِ أُنَّانِ رَا تَثْبِيَّتِ كُنْ؛ خُلُوصِ أَيْنِ أَعْمَالِ بَسْتِغِي بِه صَدَاقَتِ وَ نِيَّتِ پَاكِ تُو دَارِد.»

معلولان با تأمین نیازها و حقوق شان در جایگاه و مواضع واقعی شان قرار می گیرند؛ به شرط اینکه مددکاران، اندیشه و نیت صادقانه داشته باشند. اما اگر نیت استفاده ابزاری از معلولان باشد، نمی توان آنان را در جایگاه درست نشانند؛ چون اموال و امکاناتی که حق معلولان است، به آن ها درست داده نمی شود.

تأسیس اداره ای برای مددجویان زیر نظر حاکم

«و اجعل لذوی الحاجات منك قسماً تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ؛ لِأَنَّ أَعْمَالَ مَعْلُوبِيَّتِ يَكُ بَخْشِ أَدَارِي دَائِرِ وَ شَخْصِي رَا از جَانِبِ خُودِ تِ بَرِ أُنْ مَنصُوبِ كُن.»

به نظر حضرت، حق معلولان است که در ساختار اداری، دیوانی و اجرایی کشور، یک سازمان ویژه معلولان تأسیس شود و نماینده عالی ترین مقام در رأس این سازمان حضور داشته باشد. مالک اشتر به عنوان عالی ترین مقام در مصر باید چنین سازمانی را تأسیس کند و شخصی از معتمدان خودش را در رأس آن بگمارد. این فرمان دلالت دارد سخنان امام صرفاً اخلاقی نیست و باید اجرایی شود. برای اجرایی کردن آن باید ساز و کارهای لازم را فراهم آورد.

حضرت نکات ریز ولی پر معنایی در این عبارات به کار برده است. واژه «منک» یعنی متولی باید تشکل معلولان را خودش ایجاد کند و در واقع زیر نظر خودش باشد، به دیگران یا به سازمان های زیر مجموعه ای دولت نسپارد.

گویا سازمان بهزیستی بر اساس همین دستور حضرت تأسیس شده و در قانون جدید حمایت از معلولان همین نکته مورد توجه است.

تشکیل جلسات عمومی گفت و گو و مناظره

«و تجلس لهم مجلساً عاماً؛ نشست عمومی با آن ها داشته باش.»

حضرت به مالک اشتر می فرماید: به عنوان متولی و استاندار در کنار معلولان مصر بنشین و با آنان نشست عمومی و فراگیر

داشته باش. یعنی حق افراد دارای معلولیت است که استاندار و متولی امور با آن ها تشکیل جلسه دهد؛ به درد و دل آن ها گوش بسپارد، سخنان آنان را بشنود و به خواسته های

ص: ۱۵۸

آن‌ها رسیدگی کند. جلسه خصوصی و نشست‌های دو نفره با معلولان داشتن هدف امام نیست بلکه تأکید بر تشکیل جلسه عمومی دارد. در گفت‌وگوی عمومی، تضارب آرا پدید می‌آید، نقد و انتقاد می‌شود، معارفه و شناخت یکدیگر و بالاخره هم‌افزایی و رشد پدید می‌آید. معلولان به دلیل روانشناسی خاصی که دارند، نیاز مبرم به گفت‌وگو و جلسات عمومی دارند. اساساً این تدبیر به یک شیوه درمانی و سازندگی برای آنان است.

کسانی مثل عبدالله ابن ام‌مکتوم نابینا در آن دوره حضور داشتند. اینان نخبگان جامعه بودند و نشستن با این افراد، در واقع استفاده از تجارب و دیدگاه‌های آن‌ها بود. از این رو جلسه داشتن با معلولان فقط با هدف رسیدگی به نیازمندی‌های آن‌ها نبوده بلکه تأثیرهای این چنین هم داشته است.

در نسخه دیگر این فرمان به این صورت آمده است: «ثُمَّ تَأْذَنُ لَهُمْ عَلَيْهِمْ وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا» یعنی بار عام به آنان خواهی داد و با آنان در مجلس خواهی نشست (تحف العقول، ص ۲۸۶). واژه عام که بعد از مجلس در نسخه صبحی صالح آمده، همان «تأذن لهم عليهم» است و این دو یک معنا دارند. از این رو در هر دو نسخه معنا یکی است.

فروتنی در مجلس عمومی مددجویان و سپردن جلسه به آنان

«فتتواضع فيه لله الذی خلقک؛ در مجلس معلولان به خاطر خدایی که تو را آفریده، تواضع کن».

فردی مثل مالک اشتر که خداوند او را در کمال صحت و با بدنی سالم آفریده، نباید نسبت به کسانی که نقصی مثل فقدان حس بینایی دارند، غرور و تکبر داشته باشد. چون معلولان هر چند فاقد حسی هستند ولی جنبه‌های دیگر جسمی آنان قوی‌تر است. نابینایان گرچه فاقد حس بینایی هستند ولی در لمس و شنوایی و حافظه، از انسان‌های عادی برتر می‌باشند.

حضرت می‌فرماید: ای مالک! به خاطر اینکه خداوند تو را کامل آفریده، نسبت به افراد دارای معلولیت تکبر و غرور نداشته باش بلکه تواضع نما. بنابراین از جمله حقوق معلولان، تواضع متولی و مدیران ارشد نسبت به آنان است.

تواضع یعنی انسان خود را برتر و بالاتر از دیگران نبیند و دیگران را کوچک و خوار نشمارد. اصلی‌ترین مشکل معلولان در همین نکته است. افراد عادی و بعضی از مدیران جامعه، در سخن یا در رفتار و یا در عمل آنان را کوچک شمرده و تحقیر کرده‌اند! کوچک شمردن معلولان زمینه‌ساز تبعیض علیه آنان می‌شود و بسیاری از مشکلات از همین جا سرچشمه می‌گیرد.

اما مصداق تواضع در اینجا یعنی در جلسه عمومی، یکه تاز و متکلم وحده نباشد؛ اجازه بدهد حضار هم مشارکت داشته و سخن بگویند. تریبون و میکروفن را به آنان بسپارد و خودش مستمع باشد. نیز آداب مباحثه را رعایت کند. اگر کسی انتقادی مطرح کرد و حتی به رئیس دولت پرخاش نمود، او را تهدید نکند. اجازه دهد حرفش را بزند و بعد با استدلال و منطق پاسخ بدهد. البته معلولان هم با ادب و اخلاق نیک با رئیس برخورد کنند. فرصت طلبی نکرده و هر آنچه در دل دارند، بر سر رئیس بریزند. اما در نسخه دیگر این فرمان این‌گونه آمده است: «تتواضع فيه لله الذی رفعک» (تحف العقول، ص ۲۸۶). یعنی به جای خلقک (تو را آفریده) رفعک (مقامت را بالا برده) آمده است.

دسترسی آسان مددجویان به مسئولان دولتی با حذف نگهبانان

«و تَقَعِدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَاَعْوَانَكَ مِنْ اِحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ؛ پاسبان ها، سربازان، نزدیکان و یاران خود را از سر راه آنها دور کن.»

حق معلولان است تا با متولی و مدیران ارشد جامعه بدون ترس و لرز ارتباط داشته باشند. معلولان که توانایی آسیب رساندن به کسی را ندارند، از این رو به هنگام ارتباط با مقامات نیازی به نیروهای امنیتی و انتظامی نیست. معلولان باید بتوانند با مقامات ارتباط ساده و سازنده داشته باشند و مسئولان هم باید شرایط مناسبات پویا را فراهم آورند.

لزوم برپایی جلسات آبرومند جهت مراجعات مددجویان یا مواجهه رئیس با آنان با آغوش باز

«تَخَفُضُ لَهُمْ فِي مَجْلِسِكَ ذَلِكُ جَنَاحِكَ وَ تَلِينُ لَهُمْ كَنَفِكَ فِي مَرَاجِعَتِكَ وَ وَجْهَكَ؛ جلسه ای فاخر برای آنان تشکیل می دهی و به هنگام مواجهه با آنان یا مراجعه به تو، با نرم خوئی آنان را در آغوش می کشی.»

«تخفص لهم جناحك» مثل آیه «اخفض لهما جناح» اصطلاح و به معنی اقدام و عملی همراه با فروتنی است. «تلین لهم کنفک» نیز اصطلاح و به معنای برخورد با مخاطب با نرمی است. یعنی وقتی مددجویان به تو مراجعه کردند و با آنان مواجهه پیدا کردی، در گفتار و رفتار خشونت نخواهی داشت بلکه مدارا، تواضع و نرمی خواهی داشت.

«تخفص لهم جناحك» در اصل به معنای گشودن و پهن کردن بال ها و کنایه از برخورد محبت آمیز است. «تلین لهم کنفک» به معنای در آغوش کشیدن و کنایه از نشان دادن علاقه و دوستی به مخاطب با برخورد ملایم و نرم با او است. حضرت از چند اصطلاح و تعبیر استفاده کرده تا ضرورت تشکیل جلسات فاخر را بفهمانند. جلساتی که مدیر باید امکانات خود را مثل بال بگستراند تا مددجویان با اطمینان در کنار ریاست قرار گیرند. رئیس هم با آغوش باز و نرم خوئی از آنان استقبال نماید. حضرت با این تعابیر درصدد بیان روابط نزدیک مددجویان و مددکاران و علاقه مندی دو طرف به هم بوده است.

تحمل رفتار غیر متعارف مددجویان و عدم برخورد امنیتی و قضایی با آنان

«ثُمَّ اِحْتَمَلِ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَ الْعِيَّ؛ درشتی و سخنان غیر مطلوب معلولان را تحمل کن.»

معلولان به دلیل فشارهای روحی و روانی ناشی از مشکلات، گاه عرصه بر آنها تنگ شده و رفتارهای غیرمتعارف یا سخنان خلاف عادت و درشت از آنها بروز می کند. آیا باید آنان را محاکمه و مجازات کرد یا باید با آنان به تسامح رفتار نمود؟ امام به مسئولان امور دستور داده که رفتار و سخنان درشت و غیر مطلوب آنان را تحمل کرده و اینان را مجازات ننمایند. هر چند در جاهای دیگر از معلولان هم خواسته شده ادب و نزاکت و محسنات اخلاقی را رعایت کنند. به هر حال از حقوق معلولان این است که رفتارهای غیرمتعارف آنان عفو و بخشیده شده، متولیان قضایی و مسئولان انتظامی باید نسبت به آنان گذشت داشته و با رأفت و رحمت با آنان برخورد نمایند.

روابط مددجویان و مددکاران بدون خشونت و استبداد

«وَنَحِّ عَنْهُمْ الضِّيقَ وَالْأَنْفَ؛ از معلولان استبداد و خشونت را دور کن.»

ص: ۱۶۰

به نظر حضرت دو آفت استبداد و خشونت آثار منفی بسیار در پی دارد و به مالک دستور می دهد این آفات را از جامعه و فرهنگ معلولان بزدايد. متولی و حاکم اگر به جای باز کردن فضا و آزادی دادن به مردم و اجرای شیوه های تساهلی و تسامحی، فضای جامعه را ضیق و بسته کند، مردم را زیر انواع فشارهای امنیتی و پلیسی نگه دارد و به روش خشونت آمیز با مردم رفتار نماید، نخبگان از جامعه کوچ خواهند کرد، ابتکار و خلاقیت متفکران نابود خواهد شد، شادی و امید به زندگی و روحیه امیدواری از بین می رود و ده ها پیامد منفی خواهد داشت. به نظر حضرت، حق معلولان است که در جامعه ای آزاد و با طراوت و به دور از خشونت زندگی کنند و متولی جامعه وظیفه دارد چنین شرایطی را برای آنان فراهم آورد.

حضرت در ادامه می فرماید: «بیسط الله عليك بذلك اکناف رحمة و یوجب لك ثواب طاعته» یعنی در جامعه بدون خشونت و استبداد و ظلم، در رحمت های الهی باز شده و در همه جای آن رفاه و پیشرفت گسترش پیدا می کند. همچنین فرهنگ دینی و اطاعت از دستورات الهی تحقق می یابد.

خدمات رسانی به شیوه انسانی و کریمانه

«فَأَعْطِ مَا أَعْطَيْتَ هِنِئًا؛ آن چه می دهی، با بزرگ منشی اعطا کن».

حضرت خطاب به مالک اشتر می فرماید: به عنوان استاندار مصر، به مددجویان، اموال از خوراکی، پوشاکی و دیگر نیازمندی های زندگی اعطا خواهی کرد. این ها را با چهره عبوس و با غرغر کردن و با سختی اعطا نکن بلکه هر آن چه اعطا می کنی، باید به شیوه کریمانه و بزرگوارانه اعطا نمایی. امام شیوه ایده آل خدمات رسانی به معلولان را در این بند بیان کرده است. امام قبلاً وظایفی مثل پرداخت حقوق از بیت المال، سرویس دهی ارزاق و خوراک و غیره را به دوش متولی جامعه گذاشت. اکنون می فرماید: این ها را باید بدون تحقیر کردن و به روش کاملاً بزرگوارانه و کرامت انسانی مددجویان انجام بدهی. (۱)

روایتی از امام صادق علیه السلام دلالت دارد که رنگ، نژاد، علم و تخصص، لیاقت و شایستگی ها و حتی فضایل معنوی هیچ یک بهره مندی بیشتر فرد یا گروه و حزبی را از امکانات و سرمایه های عمومی موجه نمی سازد.

حضرت امیر علیه السلام در پاسخ به طلحه و زبیر (که خواستار سهم بیشتری از بیت المال شده و افزون طلبی را به سابقه شان در اسلام و قرابت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مستند نمودند) فرمودند: «در این امور، (سابقه اسلام و قرابت با پیامبر) من بر شما مقدم هستم ولی به خدا سوگند که سهم من به عنوان رئیس حکومت با آن همه امتیازات با سهم این کارگر در برخورداری از امکانات عمومی برابر است.» (۲)

ص: ۱۶۱

۱- همان، ص ۱۴-۲۵.

۲- احمدی، سید جواد، «معیار عدالت توزیعی و نسبت آن با انصاف و برابری با تأکید بر اخلاق حکومتی امام علی (ع)»، پژوهشنامه اخلاق، شماره ۱۸، ۱۳۹۱، ص ۶۵.

گاه ایجاد برابری مثبت به همگان عین ظلم است، مثلاً اگر نسبت به خردسالان و افراد مسن به بهانه برابری یک گونه برخورد گردد، قطعاً ظلم است. همینطور اگر به نام مساوات و عدالت، افراد مریض یا پیرزنان با افراد توانمند و جوان و سالم یکسان گرفته شوند، برای نمونه پیرزنان و جوانان وقتی وارد اتوبوس می شوند، به پیران جا نداد و گفت: مساوات در این است که هر کس وارد شد، اولویت دارد. این گونه رویه ها نوعی ظلم است و لازم است هر قشر و گروه به اقتضای شرایط و اقتضائاتی که دارد، سهم و امتیاز دریافت کند. گاه از این مسئله به واقع گرایی در تخصیص امکانات و توزیع فرصت ها یاد می شود و گاه آن را تبعیض مثبت می نامند.

لازم است نسبت به معلولان هم واقعیت و اقتضائات آنها در نظر گرفته شود و قانون انتخابات نسبت به اینان بر این اساس نوشته شود. برای اینکه معلولان به حقشان برسند، به این عوامل باید توجه داشت:

۱- به کارگیری روش متفاوت افراد ناتوان و معلولان.

۲- اعمال انواع بیمه ها برای افراد دارای معلولیت.

۳- به رسمیت شناختن آداب و عقاید مذهبی و دینی برای پیروان یک مذهب و دین و به رسمیت شناختن آداب و رسوم فرهنگ یک ملت برای شهروندان آن ملت.

۴- توجه به اقتضائات و واقعیت های اجتماعی و فرهنگی هر قشر از جامعه مثل معلولان.

قانون انتخابات ایران اعم از شوراهای شهر و روستا یا مجلس شورای اسلامی همان طور که برای اقلیت های دینی بر اساس تبعیض مثبت، امتیاز قائل شده و یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان هر کدام نماینده خاص خود را دارند، اقشار اجتماعی و فرهنگی مثل معلولان هم باید هر یک نماینده خاص خود را داشته باشند. مثلاً ناشنوایان یک نماینده، نابینایان یک نماینده، ذهنی ها یک نماینده و حرکتی ها هم یک نماینده در مجلس شورا داشته باشند. یا به لحاظ جمعیت آنها تعداد نمایندگانشان تعیین گردد.

تمامی نظام های حقوقی و در تمام کشورهای پیشرفته، تبعیض مثبت مورد توجه است و به آن عمل می شود. برخی نمایندگان در جریان طرح قانون حضور نابینایان برای نامزدی می گفتند: چنین مسئله ای موجب تبعیض است، اما باید گفت: در واقع نسبت به این نوع تبعیض آگاهی ندارند.

مشارکت اجتماعی و سیاسی معلولان

واقعیت این است که پادشاهان، وزیران، امیران، قضات، والیان و افراد دیگر در ده ها پست بالای دولتی در تاریخ اسلام بوده اند که معلولیت هم داشته اند. از طرفی فقیهان بزرگی در آن دوره ها می زیسته اند ولی هیچ کدام نگفته اند ولایت داری و رهبری شما باطل است. در همین دوره رهبر معظم جمهوری اسلامی بر اثر انفجار بمب جانباخت و یک دست ایشان از کار

ولی در مورد مشروعیت رهبری و اداره کشور هیچ یک از فقیهان موجود در عصر حاضر مطلبی نگفته بلکه همواره ایشان را تأیید کرده اند. برای اینکه معلوم شود واقعیت ها در تاریخ اسلام چیست و معلولان چه جایگاهی داشتند، اکنون گزیده ای از صدها شخصیت مقام دار و صاحب نفوذ مؤثر در جامعه و فرهنگ ولی دارای معلولیت را معرفی می کنیم:

ابراهیم بن جعفر، او را امیرالمؤمنین، ابواسحاق المتقی لله فرزند مقتدر بن معتضد خوانده اند. صفدی او را جزء نابینایان ثبت کرده است. وی در سال ۲۹۷ق متولد شد و در سال ۳۲۹ق پس از برادرش «الراضی بالله» جانشین وی شد و تا سال ۳۳۳ق به عنوان والی، خلافت کرد. سپس او را از خلافت برکنار کردند و چشمانش را از حدقه بیرون آوردند؛ ولی در قید حیات ماند و همواره از شخصیت های صاحب نفوذ بود.

خوش اندام، سیمین تن، سرخ موی و چشم آبی بود؛ نیز او را صالح و متدین و با نماز و روزه فراوان توصیف کرده اند. لب به شراب نمی زد. سرانجام در سال ۳۵۷ق در زندان از دنیا رفت. خلافتش سه سال و یازده ماه بیشتر نبود و پس از گذشت بیست و پنج سال از برکناری، دار دنیا را وداع گفت.

به دلیل شورش «ترکان» روزگار بر او تیره و تار شد تا جایی که به «رقه» گریخت. «اخشید» والی مصر در «رقه» با او ملاقات کرد و هدایای بسیاری تقدیم نمود و از بلاهایی که ترکان، به سرش آورده بودند، به ناله و شکایت پرداخت و وی را ترغیب نمود که با او به مصر برود. «المتقی» گفت: چگونه می توانم در گوشه ای از دنیا اقامت گزینم در حالی که عراق ناف و مرکز ثقل دنیا و سرچشمه و مقر خلافت است؟! (۱)

احمد بن الحسن، الناصر لدین الله، نام کامل او احمد بن الحسن، امیرالمؤمنین، الناصر لدین الله، ابوالعباس، بن الامام المستضی بن الامام المستنجد است. در روز دوشنبه دهم رجب سال ۵۵۳ق متولد شد. در اول ذیقعده سال ۵۷۵ق برایش بیعت گرفته شد. در آخر ماه رمضان سال ۶۲۲ق از دنیا رفت. دوران خلافت او چهل و هفت سال به طول انجامید. او را جزء نابینایان یاد کرده اند.

سفید روی بود و ترکی صورت. نمکین چشم بود و روشن پیشانی. بینی عقابی بود و کشیده رخسار. ریش قرمز بود و رقیق المحاسن. بر نقش انگشتر و مهرش نوشته شده بود: رجایی من الله عفو.

ابو الحسن عبدالحق یوسفی و ابوالحسن علی بن عساکر و بطحائی و شهده و گروه دیگری به او اجازه نقل حدیث دادند. او نیز به گروهی از بزرگان، اجازه نقل حدیث داد، از این رو در دوره او حدیث می گفتند و در این امر با یکدیگر رقابت می کردند. پدرش المستضی از او می ترسید، لذا او را بازداشت کرد و به سمت برادرش ابی منصور تمایل پیدا نمود. در این گیر و دار ابن العطار و اکثر

ص: ۱۶۳

دولت مردان و «بنفش» همسر المستضی و المجد بن الصاحب، با ابو منصور بودند و تعداد کمی با الناصر. سپس وقتی با ناصر بیعت شد، ابن العطار را دستگیر کرد و او را به «ممالیک» تحویل داد که بعد از هفت روز، مرده وی بیرون آورده و در بازار روی زمین کشانده شد. اما المجد بن الصاحب، قدرتی به دست آورد و طغیان کرد تا سرانجام کشته شد. موفق عبد اللطیف گفته است: ناصر، جوانی سرخوش بود و در او شورجوانی وجود داشت. بیشتر شب ها، در جاده ها و بازارها می گشت و مردم از هیبت دیدارش می ترسیدند.

ناصر در طول زندگی اش همواره در عزت و سربلندی زندگی کرد. دشمنان را سرکوب می نمود و بر پادشاهان غلبه می یافت و هرگز مورد ستم واقع نشد. متمردان و آشوبگران را سرکوب و مخالفان را نابود می ساخت. به امر حکومت و پادشاهی و مصالح آن توجه و اهتمام بسیار داشت. چیزی از امور بزرگ و کوچک مردم، بر او مخفی نبود. جاسوسانش، در تمامی نقاط، اخبار و احوال آشکار و پنهان حاکمان و پادشاهان را به او می رساندند.

ابن اثیر گفته است: ناصر به مدت سه سال به طور کلی از حرکت باز ماند. یکی از چشمانش از دست رفته بود و در آخر عمر، بیست روز به اسهال خونی مبتلا شد. در هنگام بیماری اش ذره ای از رسومی را که ایجاد کرده بود، رها نکرد و بد اخلاقی و بد رفتاری می کرد. در دوران حکومت او، عراق خراب شد و اهالی آن در دیار مختلف پراکنده شدند. اموال و املاکشان را گرفت و مصادره کرد. کاری که می کرد، ضد آن را هم انجام می داد.

ابو مظفر بن جوزی گفته است: بینایی خلیفه در اواخر عمرش کم شد. حتی گفته شده که کاملاً نابینا شد. خادمش «رشیق»، مدتی بر خلافت استیلا یافت و از جانب او، نامه ها را امضا می کرد. (۱)

احمد بن المختار، نام کامل او را احمد بن المختار بن عبید بن جبر بن سلیمان، ابوالعباس، بن ابوالفتح ابن اخی معروف به مذهب الدوله گفته اند. احمد و پدرش از جمله امرای بطیحه به شمار رفتند. وی اشعار بسیاری سروده است. به بغداد هجرت کرد و در آن جا به مدح مُسترشد و مستظهر و المقتفی لأمرالله پرداخت. وی سرانجام در سال ۵۴۸ق درگذشت. فرزندی داشت که از دنیا رفت و او آنقدر بر فرزندش گریه کرد تا یکی از چشمانش کور شد، سپس چشم دیگرش نیز نابینا گردید. وی در شکایت از روزگار چنین می گوید: گویا روزگار سوگند یاد کرده است که هیچ با هم بودن دو تا را نبیند، لذا فرزندم را گرفت و مرا تنها گذاشت و همین مصیبتی که بر روح و جان وارد کرد، او را کفایت نکرد، به همین جهت توان دیدن دو چشم را هم نداشت و به آن ها آسیب رساند. (۲)

اسحاق بن فاروت بک، سلطان شاه فرزند فاروت بک، فرزند داود بن سلجوق، فرزند دقاق بن سلجوق، پدرش فاروت بک برادر الب ارسلان بود. صفدی او را در شمار نایبانیان نام برده است. سلطان شاه همچنان در آن منطقه به پادشاهی بلا منازع خود ادامه داد. سلطان شاه اموال

ص: ۱۶۴

بسیاری جمع آوری کرد و برای تشریف به مکه و شکرگزاری جهت نجاتش عازم مکه شد. وی همچنان در همان حال حکمرانی کرد تا اینکه سال ۴۷۶ق از دنیا رفت. مادرش هدایای بسیاری برای سلطان شاه آورد. وی او را گرامی داشت و برادرش را جای خود قرار داد. (۱)

أَيْدُغْدِي الْأَمِيرِ علاء الدین، نام کامل او أَيْدُغْدِي الْأَمِيرِ علاء الدین الرکنی است. او نابینای زاهد، ناظر اوقاف قدس شریف و الخلیل بود. بناهای بزرگ و کاروانسرا و مانند آن ها را، بسیار ایجاد کرد. آثار حسنه و ماندگاری در قدس و شهر الخلیل و مدینه منوره به یادگار گذاشت. وی در سیرت و منش و اخلاق یکی از زیباترین ها و بهترین ها بود. در دوران او به اوقاف، جان تازه دمیده شد. اجاره اوقاف دو برابر شد. وی در میان مردم شهرت پیدا کرد. از نابغه های جهان به شمار می رفت. در موردش گفته شده که گرمابه ای را در شهر ابراهیم خلیل علیه السلام طراحی کرد و پایه ها و اساس بنا را خودش با دستانش ترسیم کرد و نقشه آن را با آهک برای معماران بر روی زمین پاشید. به اسب و زاد و ولد آن علاقه بسیار داشت. هرگاه اسبی از اسبانش در بین خیل عظیمی از اسب ها در برابرش می گذشتند، آن را می شناخت و می گفت: این اسب من است. وی در سال ۶۹۳ق در قدس شریف به رحمت خدا رفت. مردم دمشق برایش نماز میت غائب به جا آوردند. (۲)

بیجار، امیر حسام الدین اللاوی الزومی، او فرزند بختیار و در سرزمین های روم، داری کاخ و خدم و حشم بود. در اواخر حکومت ظاهری ها، به سرزمین های مسلمانان مهاجرت کرد. حج به جا آورد و اموال بسیاری انفاق کرد. سپس بازگشت و در خانه اش خانه نشین شد و فرمانروایی را ترک کرد. شیخ قطب الدین الیونینی گفته است: سنش چند سال از صد گذشت و چشمانش کور شد. وی در سال ۶۸۱ق وفات یافت. (۳)

بَیْبَغَاءُ، الاشرافی الامیر سیف الدین، به نظر می رسد پس از ۷۲۰ق، زمانی نماینده حاکم و امیر کرک در سوریه بود. سپس از آنجا برکنار شد و روانه دمشق گردید. آماده لشکرکشی به «صرخد» شد. وی در سال های پایانی عمرش نابینا گردید. صفدی او را در شمار نابینایان آورده است. (۴)

سعد بن ابی وقاص، او هفتمین کسی است که به اسلام گروید. وی در نوزده سالگی اسلام آورد. خود گفته پیش از وجوب نماز اسلام آورده است. در جنگ های بدر، حُدیبه و سایر جنگ ها حضور داشت. او یکی از اعضای شش گانه شورایی بود که عمر بن خطاب، انتخاب کرد. نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام مرگ، از وی راضی بوده است.

ص: ۱۶۵

۱- همان، ص ۱۱۲، ۱۱۰.

۲- همان، ص ۱۱۶.

۳- همان، ص ۱۲۴.

۴- همان، ص ۱۲۴.

همچنین گفته شده که وی یکی از ده نفری بوده که به بهشت بشارت داده شده و مستجاب الدعوه بوده است. علت مشهور بودن به این امر، این است که پیامبر درباره اش فرموده باشند: خداوندا دعای سعد را به هدف اجابت برسان.

وی در اواخر عمرش انزوا اختیار کرد و در قصری که در منطقه حمراء الأسد بنا کرده بود، ساکن شد و در آنجا زمینی فراهم کرد و در همان جا دیده از جهان فروبست. بنا به قول اصح به مدینه برده شد و در سال ۵۵ق در مدینه به خاک سپرده شد. او را از نابینایان صاحب نفوذ دانسته اند.^(۱)

سؤتای (سودای)، او همان کسی که بر دیار بکر حکومت کرد. بعد از مرگ «النوین ایک باضیمش» وارد «تومائه» شد و از اوایل حکومت سلطان الجایتو، تا نهایت حکومت فرزندش، سلطان ابوسعید، حکومت کرد. وی در سال ۷۳۲ق در شهر بَلَد که یک شهر ویران در نزدیکی موصل بود، از دنیا رفت. سپس جنازه اش از بَلَد به موصل انتقال داده و در مقبره‌ای که خود در داخل شهر موصل کنار دجله، بنا کرده بود، به خاک سپرده شد. وی بسیار عمر کرد حتی از یکصد سالگی گذشت. صفدی او را جزء نابینایان دارای مقام و موقعیت اجتماعی می داند.^(۲)

صاروجا، امیر صارم الدین مظفری، او امیر مصر بود. بعد از آن که سلطان ملک ناصر امیر سیف الدین تَنکَز فرماندهی «عشره» از واحدهای نظامی ممالیک را پیش از رفتن به کرک، به او سپرد، امیر صارم الدین، اُغَالَه را انتخاب کرد تا با او درباره املاکش صحبت کند. وی به «تنکز» خدمت و احسان نمود. سپس وقتی که سلطان از کرک آمد، او را بازداشت کرد. بعد از گذشت زمان، حدود ده سال او را آزاد کرد و او را به عنوان امیر منطقه صفد برگزید و تجهیز کرد. وی نزدیک دو سال آنجا بود و امیر سیف الدین او را به دمشق در کنار تعدادی از امیران منتقل کرد و در آنجا نزد او بهره برد و حق خدمتگزاری را در حق او ادا کرد. وقتی او را مورد خطاب قرار می داد، به او می گفت: یا صارم! پیوسته در دمشق بود تا اینکه امیر سیف الدین در ذیحجه سال ۷۴۰ق در دمشق گرفتار شد. پس از آن، امیر سیف الدین بشتاک آمد و امیر صارم الدین صاروجا را بازداشت کرد و در زمره سایر بازداشتیان هوادار «تنکز» قرار گرفت. سپس فرمانی از مصر آمد تا چشمانش را میل بکشند و کور کنند اما امیر علاء الدین «الطُبغَا» نایب یوئیمات از او دفاع اندکی کرد، ولی ترسید و سکوت اختیار کرد تا اینکه آخر الأمر به فرمانش، چشمان او را میل کشیدند و کور شد. بامداد همان روز فرمان عفو او آمد. علاء الدین حقوق ماهیانه‌ای در حد کفایت برایش مقرر کرد و او را به قدس فرستاد. مدتی در آنجا بود و سپس به دمشق بازگشت و تا اواخر سال ۷۴۳ق در آنجا اقامت گزید و به رحمت خدا رفت.^(۳)

ص: ۱۶۶

۱- همان، ص ۱۴۷-۱۴۹؛ دانشنامه دانش گستر، ج ۹، ص ۷۳۷.

۲- نکت الهمیان فی نکت العمیان، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۳- همان، ص ۱۶۱-۱۶۲.

طَقْتُمَر، او سلاح دار، یکی از امیران طبل خانه‌های دمشق بود که بینایی اش ضعیف شده بود و در جلوی یک از ممالیکش حرکت می‌کرد تا مردم را به او معرفی کند و او به آنان سلام گوید. سپس چهار سال، پیش از مرگش کاملاً کور شد و خانه نشین گشت. سرانجام در یازدهم شوال سال ۷۵۰ق به رحمت خدا رفت. (۱)

عبدالصمد العباسی (۱۰۴-۱۸۵ق)، او ملقب به هاشمی و عباسی و عموی خلیفه عباسی، منصور و عاملش در مکه و طائف بود. سپس به عنوان والی مدینه در سال ۱۴۷ق تعیین شد. مهدی عباسی در سال ۱۵۹ او را عزل کرد ولی در سال ۱۶۲ق به عنوان والی الجزیره منصوب نمود. سپس در سال ۱۶۳ق عزل و زندانی شد. سپس در سال ۱۶۶ق آزاد و به عنوان والی دمشق تعیین گردید. در آخر عمرش نابینا شد. در شرق بغداد، خیابانی به نام عبدالصمد است. (۲)

عبدالله بن علی، ملقب به امیرالمؤمنین، المستکفی بالله است. (۳) او در ماه صفر سال ۳۳۳ق پس از برکناری برادرش، با او بیعت شده، در جمادی الآخره سال ۳۴ دستگیرش کردند و چشمانش را کور نمودند و به زندان انداختند تا سال ۳۳۸ق که در چهل و شش سالگی از دنیا رفت.

سفید رو بود و زیبا، بلند قامت بود و بالا بلند، سبک موی بود با چشمانی به غایت سیاه. فرزند کنیزی بود به نام «غصن». خلافتش تداوم نیافت. پس از «المطیع لله الفضل بن المقتدر» با او بیعت کردند. ملقب بود به «الوسیم» خوش سیما، و امام الحق نامیده می‌شد. به نام «المستکفی» برایش خطبه می‌خواندند. کنیه اش «ابوالقاسم» بود. (۴)

علی بن محمد ابوالفتح ابن العمید، پدرش وزیری بلند پایه و مشهور بود و پس از پدرش، بیست و دو ساله بود که وزیر رکن الدوله شد. فردی بود هوشمند و حاضر جواب و ادیبی در حد متوسط که از نظم و نثر برخوردار بود. ولی در ناز و نعمت بزرگ شد و خودپسند و متکبر بود. نفس خود را به انجام کارهایی وادار می‌کرد که خصلت جوانی ایجاب می‌کرد، لذا نظر عضدالدوله از وی برگشت. هنگامی که رکن الدوله از دنیا رفت و مؤید الدوله از اصفهان به سمت ری روان شد، کاتبش صاحب بن عباد را با خود برد و ابوالفتح ابن العمید را واداشت تا به همراهانش قرائت یاد دهد و به او رتبه و مقام قدرت و اختیار داد. سپس به تکبر و خودرایی و عادت خود ادامه داد. مؤید الدوله از وی ترسید و بین او و عضدالدوله نوشته‌هایی درباره‌اش ردوبدل گردید. سپس در ماه ربیع الأول سال ۳۶۶ق او را دستگیر کرد و شکنجه‌اش داد و چشمانش را از حدقه درآورد و بینی‌اش را برید و ریشش را چید. وی یقه‌ردای خود را شکافت و از آن تکه نوشته‌ای که شامل اموال ذخیره و به ودیعت نهاده شده‌ او بود،

ص: ۱۶۷

۱- همان، ص ۱۶۶.

۲- الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۱۱؛ نکت الهمیان، ص ۱۹۳؛ تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۳۷.

۳- ابن المستکفی بن المعتضد بن طلحه الموفق بن جعفر المتوکل بن المعتصم بن الرشید بن المهدي بن المنصور.

۴- همان، ص ۱۷۵-۱۷۶.

در آورد و در آتش انداخت و به گماشته‌اش گفت: هر کاری می‌خواهی بکن. به خدا قسم حتی یک دانه از اموال پنهان من به شما نخواهد رسید. پس از آن همواره شکنجه شد تا از دنیا رفت. (۱)

عمرو بن قیس، وی فرزند أم مکتوم نابینا، مؤذن رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. نام مادرش «أم مکتوم» عاتکه، دختر عبدالله بن عاتکه بن عامر بن مخزوم است. در مورد نام عمرو اختلاف نظر است، گفته می‌شود که نام وی عبدالله است. همچنین گفته می‌شود که نامش عمرو است. البته احتمال نام دوم بیشتر است. او پسر دایی خدیجه، یعنی برادر مادرش می‌باشد. وی یکی از کسانی است که همراه مصعب بن عمیر قبل از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد. واقعی گفته است: اندک زمانی بعد از جنگ بدر وارد مدینه شد و پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه‌های خویش، وی را سیزده مرتبه به عنوان جانشین خویش در مدینه قرار داد. همچنین هنگام خروج برای ادای آخرین حج «حجه الوداع» نیز او را جانشین خود قرار داد. وی در جنگ قادسیه حضور داشت و در حالی که پرچم را در دست داشت به شهادت رسید. واقعی می‌گوید: به مدینه بازگشت و در سال ۱۵ق در آنجا از دنیا رفت. ابو داود و نسائی و ابن ماجه از او روایت کرده‌اند. (۲)

غازی بن القاضی، وی مشهور به ابن واسطی است و در حلب به دنیا آمد. در دیوان مالیات به عنوان نایب رئیس و سپس به عنوان کاتب سپاه، به خدمت مشغول شد. پس از آن به مصر رفت و در سمت‌های متعددی خدمت کرد. سپس به حلب بازگشت و در حکومت الظاهر بیبرس به عنوان دریافت‌کننده مالیات منصوب شد. پس از عزل شدن، به مصر بازگشت و در دیوان انشا منصوب گشت. خطی زیبا داشت و نسخه‌ای از کتاب المثل السائر را دیدم که با خط بسیار زیبای وی نگاشته شده بود. پس از آن در عصر پادشاهی منصور مناصب مشاوره را بر عهده گرفت. در سال ۶۸۲ق با امیر بدرالدین بکتوت اقرعی، ملازم گشت و اموال مردم را مصادره و آن‌ها را مجازات کردند تا جایی که خبر آزارشان به قضات رسید. سپس تا سال ۷۰۲ق عهده دار سمت مشاوره حلب، در دولت ناصری شد و پس از برکناری، منصب مشاور حکومتی، در دمشق را بر عهده گرفت. مجدداً عزل شد و در حالی که چشمانش بسیار ضعیف شده بود، به حلب بازگردانده شد. وی در سال ۷۱۲ق از دنیا رفت. وی انسان با فضیلتی بود و اشعار و تألیفاتی نیز دارد. (۳)

محمد بن احمد، الظاهر بالله، نام کامل او محمد بن احمد، امیرالمومنین، ابونصر، الظاهر بالله، بن الامام الناصر، بن المستضیء است. پدرش با او بیعت کرد، سپس وی را برکنار نمود. هنگامی که برادرش از دنیا رفت، برای دومین بار پدرش با او بیعت کرد، و هنگام مرگ پدرش، جانشین او شد. وفات او سال ۶۲۳ق بود. مدت خلافتش نه ماه و نیم بود. با اجازه پدرش از او روایت می‌کرد.

ص: ۱۶۸

۱- همان، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۲- همان، ص ۲۱۸.

۳- همان، ص ۲۲۱.

رخساری زیبا، منشی نیک و خصائل شایسته داشت. از نیروی بدنی قوی برخوردار بود. سخنانش با «جاموس» در محضر پدرش معروف است. وی در محرم سال ۵۷۰ق متولد شد و پدرش در سال ۵۸۵ خطبه ولایتعهدی او را بر منابر اجرا کرد. در سال ۶۰۱ق او را برکنار و مجبورش کرد که به برکناری خود شهادت دهد. سپس در سال ۶۱۸ق او را به ولایتعهدی بازگرداند. بعد از آن که پدرش ناصر در سال ۶۲۲ق از دنیا رفت، نزدیک به پنجاه و دو سال داشت که به خلافت رسید. بر جنازه پدرش نماز خواند و سه روز عزای عمومی اعلام کرد.

پس از آن که پدرش او را از ولایتعهدی برکنار کرد، نامش را در سراسر بلاد از خطبه منابر حذف کردند، ولی خوارزم شاه نام او را حذف نکرد و گفت: ولایتعهدی او در نزد من صحیح و ثابت است ولی دلیلی که موجب برکناری اش باشد، برایم ثابت نشده است. همین امر حجت لشکرکشی به عراق برای رد خطبه او شد.^(۱)

مرزبان صمصام الدوله، او پس از پدرش به سلطنت رسید. هنگامی که پدرش از دنیا رفت، نزدیکان و خواص او مرگش را مدتی پنهان و کتمان نمودند. سپس صمصام الدوله را به مرکز خلافت فراخواندند و عهدنامه ای از عضدالدوله ارائه کردند که وی را به جانشینی و سلطنت سفارش کرده و نوشته بود: «ما به ابوکالیجار مرزبان پسر عضدالدوله امور را واگذار کردیم. خداوند به ما و به او حسن انتخاب عطا بفرماید». سپس بر اساس عهدنامه با او بیعت شد. آنگاه از خلیفه الطائع، برایش عهدنامه و لوازم سلطنت از قبیل خلعت و لواء و القاب، درخواست کردند. خلیفه هم همه را برایش فرستاد. سپس صمصام الدوله به تخت نشست و در مقابلش، عهدنامه خوانده شد. پنهان نگاه داشتن مرگ عضدالدوله همچنان استمرار یافت تا همه مقدمات برای حکومت صمصام فراهم شود و اتحاد کلمه به وجود آید.

صمصام الدوله در سال ۳۷۹ق از بازداشتگاه رهایی یافت و به منطقه فارس رفت و حاکم شیراز شد و تا سال ۳۸۸ق پادشاه آنجا بود تا اینکه دیلمیان در آن منطقه بسط ید یافتند و دارایی‌هایی که در اختیار داشت، موجب راضی کردن آنها نشد و دیلم بر تیول مادر صمصام و اطرافیانش دست اندازی کرد ولی هزار نفر از مردانش کشته شدند.

سپس آهنگ فتح دژ یاد شده را نمود، اما دژبان آنجا اجازه ورود به نداد. وی کردها را فراخواند و از آنها پیمان گرفت و اموال و جواهرات و همه دارایی‌های آنان را گرفت و به سمت اهواز روان شد. چندان از شیراز دور نشده بود که تمام آنچه را همراه داشت، غارت کردند. ابونصر از این حادثه با خبر شد و گروهی از دیلمان را به سمت او گسیل داشت و او را در چهاردهم ذیحجه سال ۳۸۶ق کشتند. وی هنگام مرگ سی و پنج سال و هفت ماه و هفده روز داشت و نه سال و هشت روز بر منطقه فارس حکمرانی کرد.^(۲)

ص: ۱۶۹

۱- همان، ص ۲۳۵-۲۳۶.

۲- همان، ص ۲۷۹.

یعقوب بن داود، نام کامل او یعقوب بن داود بن عمر بن عثمان بن طهمان، با ولای شِلمی، غلام ابوصالح، عبدالله بن حازم شِلمی است. او حاکم خراسان کاتب ابراهیم بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام بود. پدرش داود و برادرانش، کاتبان نصر بن سیار، کارگزار خراسان بودند. وقتی منصور بر ابراهیم یاد شده غلبه یافت، یعقوب را در زیر زمین زندانی کرد.

یعقوب انسانی کریم و باگذشت بود، بسیار نیکوکار و زیاد صدقه می داد و فضل و احسان فراوانی داشت. مراد و مقصود مردم بود و از سوی مردم مدح و ستایش می شد. وقتی «منصور» از دنیا رفت و «مهدی» جانشین او شد، به او تقرب جست تا اینکه از نزدیکی او قرار گرفت و مورد اعتمادش واقع شد و شأن و منزلتش در نزد او بالا رفت تا حدی که کاتبانش به دیوان نوشتند که امیر مؤمنین با یعقوب بن داود عقد اخوت بسته است، لذا «سلم خاسر» در این باره سرود: به امامی که خلافتش به حق به او هدیه شد و از او گرفته نخواهد شد، بگو: چه خوب همنشین تقوا پیشه‌ای برگزیدی و یاور خود ساختی! او برادر دینی تو یعقوب بن داود است.

مهدی به حج رفت و یعقوب همراه او بود. هیچ یک از نوشته‌های مهدی بدون نوشته وزیر یعقوب خطاب به امینش برای اجرا، اجرایی نمی شد. منصور شصت و یک میلیون درهم در بیت المال باقی گذاشته بود. وزیر ابو عبیدالله به مهدی سفارش می کرد که در هزینه کردن و حفظ اموال، اعتدال و اقتصاد را مد نظر داشته باشد. هنگامی که او را برکنار کرد، یعقوب بن داود را به جای آن گمارد. سپس مهدی از روی هوی و هوس اموال را خرج لذات و شرب خمر و مجالس غنا می کرد و یعقوب به تدبیر امور می پرداخت تا جایی که بشار بن برد گفت: ای بنی امیه! بیدار شوید، خواب شما طولانی شد و اکنون خلیفه یعقوب بن داود است. ای قوم! خلافت شما از بین رفت. خلیفه الله را در بین آلائت موسیقی و نی و عود بجوئید. یعقوب از آنچه پیش آمده بود زجر می کشید، لذا از مهدی خواست او را برکنار کند ولی مهدی قبول نکرد.

رشید اموالش را به او باز گرداند و او را آزاد گذاشت هر کجا که می خواهد برود. او هم مکه را برگزید و به آن جا رفت و در مکه اقامت داشت تا در سال ۱۸۷ق و یا به گفته ای ۱۸۲ق از دنیا رفت. (۱)

مشارکت فرهنگی و علمی معلولان

تاریخ اسلام شاهد است که افرادی با اینکه معلولیت داشتند ولی در پیشرفت علمی و توسعه فرهنگی جامعه مؤثر بودند. اینان در واقع اداره فرهنگ و نظام علمی جامعه را بر عهده داشتند و خدمات بسیاری انجام دادند.

از نظر حقوقی مشارکت و حضور این افراد مشهور در مشاغل اجتماعی یا فرهنگی، عرفی را شکل می داده و پدید می آورده که خود این عرف، سند دال بر رسمیت و مشروعیت فعالیت معلولان از نظر شریعت اسلامی است. زیرا فعالیت های نخبگان در منظر و مرآی فقهای پاسدار شریعت بوده و اگر

ص: ۱۷۰

فعالیت های متعارف آنان با شریعت و ضوابط دینی تعارض داشت قطعاً آنان جلوگیری و اعلام می کردند. در اینجا بعضی از این افراد معرفی می شوند:

جعفر بن علی، کنیه اش ابو محمد، نابینا، قاری قرآن، اهل بغداد و یکی از مشهورترین عالمان دینی بود. او به عنوان امام جماعت در مسجد «منصور» نماز عصر روز جمعه را اقامه می کرد. او بر پدرش و بر حمزه بن عماره بن الحسن قاری قرآن، و ابی بکر احمد بن العباس بن مجاهد و ابی بکر بن احمد بن ابی قتاده و ادريس بن عبدالکریم الحداد، قرائت کرد. ابوالفضل محمد بن جعفر خُزاعی و قاضی ابوالعلاء محمد بن علی بن یعقوب واسطی، بر او قرائت کردند. وی افزون بر آن، از قاضی ابوالعلاء حدیث روایت کرده و کمی هم از ابن مجاهد و ابی محمد عبدالرحمن بن محمد بن عبیدالله زهری، نقل حدیث کرده است. وی در سال ۳۷۳ ق چشم از جهان فرو بست. (۱)

شافع بن علی، نام کامل او شافع بن علی، بن عباس بن اسماعیل بن عساکر، الکنانی العسقلانی، و مصری است. او نوه قاضی رشیدالدین بن عبدالظاهر است که در سال ۶۴۹ ق دیده به جهان گشود و در سال ۷۳۰ ق به رحمت خدا رفت. مدتی در مصر محرر بود تا اینکه نابینا شد، زیرا در سال ۶۸۰ و در جنگ بزرگ حمص، تیری به او اصابت کرد و به شقیقه اش خورد و سپس کور شد و خانه نشین گردید تا سرانجام به رحمت ایزدی پیوست.

از شیخ جمال الدین بن مالک و سایرین روایت کرده است و شیخ اثیر الدین، ابوحیان و شیخ علم الدین برازالی و جمال الدین ابراهیم غانمی و سایرین از او روایت نقل کرده اند. وی نظم و نثر بسیاری دارد و کتاب های بسیاری را جمع آوری می کرد. شهاب بوتیجی معروف به زحل نقل کرد که او هجده گنجینه نفیس کتب ادبی به جای گذاشت. همسرش بهای هر کتابی را می دانست. تا وقتی که راوی در سال ۷۳۹ ق که از قاهره بیرون آمد، هنوز همسرش از آن کتاب ها می فروخت. همان منبع نیز نقل کرد که شافع بن علی وقتی کتابی را لمس و برانداز می کرد، می گفت: این همان فلان کتابی است که در فلان وقت به دست آوردم. هر جلدی را که می خواست، بلند می شد و به سمت گنجه ای که در آن بود می رفت و آن را جوری برمی داشت که گویا همین الان آن را در آنجا گذاشته است.

سراج وراق به او نامه نوشت و از او خواست نزد فتح الدین بن عبدالظاهر، برای او شفاعت بطلبد. وی نوشت: ای یاریگر دین! مرا یاری کن. چه بسیار که از یاری تو با جاه و مال، کامیاب شده ام. شفاعت کننده باش و بدان که خدا تو را شافع نامیده و تو این نام را با بهترین عمل مطابقت داده ای. ارزش تو نزد محمد صلی الله علیه و آله پنهان نمی ماند، زیرا ابن عباس از صحابه و اهل بیت است.

ص: ۱۷۱

صفدی بارها در خانه‌اش با او ملاقات کردم وقتی در سال ۷۲۸ق در قاهره بودم به او نامه نوشتم. استدعایی داشتم که کاملاً آن را در زندگی نامه اش در «تاریخ کبیر» آورده‌ام. وی پاسخ داد و به من اجازه اعطا کرد. آن پاسخ نیز به صورت نظم و نثر بود و من آن را هم در کتاب تاریخ گنجاندم.

وی تألیفاتی که اجازه نقل آن را به من داد، ذکر کرد و آن‌ها عبارت‌اند از: دیوان شعرش و مناظره فتح بن خاقان موسوم به «شَنف الآذان فی مماثله تراجم قلائد العقیان» و سیره سلطان ملک ناصر محمد بن قلاون و سیره سلطان ملک منصور قلاون و سیره ملک اشرف خلیل و «نظم الجواهر فی سیره الملک الناصر» به صورت نظم و «ما یشرح الصدور من أخبار عُکا و صُور» و «الإعراب عمّا شتمل علیه البناء الملکی الناصری بسریاقوس من الإعراب» و «إفاضه أبهی الحُلل، علی جامع قلعه الجبل» و «قلائد الفرائد وفرائد القلائد، فیما للشعراء العصریین من الأماجد» و «مناظره ابن زیدون فی رسالته» و «قراضات الذهب المصریه فی تقریظ الحماسه البصریه» و «المقامات الناصریه» و «مماثله سائر ما حل من الشعر وتضمن الآیه الشریفه والأحادیث النبویه من المثل السائر» و «المساعی المرضیه، فی الغزوه الحمصیه» و «ما ظهر من الدلائل، فی الحوادث والزلازل» و «المناقب السریه، المنتزعه من السیره الظاهریه» و «الدر المنتظم، فی مفاخره السیف والقلم» و «الأحكام العادله فیما جرى من المنظوم والمثور من المفاضله» و «الرأی الصائب فیما لا بد منه للكاتب» و «الإشعار بما للمتنبی من الأشعار» و «تجربه الخاطر فی مماثله فصوص الفصول» و «عقود العقول مما كتب به القاضی الفاضل فی معنی السعید بن سنا الملک» و «عده الکاتب» و «عمده المخاطب» و «شوارد المصائد فیما لحل الشعر من الفوائد» و «مخالفة المرسوم فی الوشی المرقوم». و خود برایم اجازه‌ای سرود. (۱)

عبدالله بن الأرقم الکاتب، وی افرادی بود که در فتح مکه مسلمان شد. کاتب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و ابوبکر و سپس عمر بود. برای مدتی خزانه دار بیت المال در دوران عمر و عثمان بود. از فاضلان و صالحان صحابه به شمار می‌رفت. عثمان به او اجازه داد سی هزار درهم از بیت المال برداشت کند ولی نپذیرفت. سرانجام حدود سال ۶۰ق وفات یافت. بخاری و مسلم و ابو داود و ترمذی از او روایت نقل کرده‌اند. (۲)

عبدالله بن محمد (ابوسعبد تمیمی)، وی قاضی القضاة، شرف الدین و اهل موصل و فقیه شافعی و یکی از بزرگان سرشناس بود. فقه را نزد قاضی مرتضی بن شهرزوری و ابو عبدالله حسین بن خمیس موصلی فرا گرفت. قرائت سبعة را نزد ابو عبدالله بارع و قرائت عشره را نزد ابوبکر مزرفی و علم نحو را نزد ابو حسن بن دبیس فرا گرفت.

به حلب رفت و در آنجا به درس مشغول شد. دوستش نورالدین، متوجه او شد و زمانی که به دمشق رفت، با وی وارد دمشق شد و در غزالیه تدریس کرد. سپس به حلب بازگشت و متولی امر قضاوت در

ص: ۱۷۲

۱- . همان، ص ۱۵۵-۱۵۹.

۲- . همان، ص ۱۶۹-۱۷۰.

سنجار و حرّان و دیار ربیعہ شد. سپس به دمشق برگشت و امر قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. نورالدین، مدارس در حلب، حماه، حمص و بعلبک برای وی بنا کرد. خودش هم مدرسه‌ای در حلب و مدرسه‌ای در دمشق بنا نمود. در اواخر عمر با اینکه قاضی بود، نابینا شد، لذا بابتی را در قضاوت شخص نابینا و جواز آن نگاشت. وی در سال ۵۸۵ق درگذشت.

سلطان صلاح الدین به خط خودش نامه‌ای به قاضی فاضل نوشت و گفت: قاضی گفته است که قضاوت نابینا جائز است. حال شما، با شیخ ابوطاهر بن عوف اسکندری بنشینید و از وی از احادیثی که در باب قضاوت نابینا وارد شده سؤال کنید.

از آثار وی: «صفوه المذهب فی نهایه المطلب» در هفت جلد. «الانتصار» در چهار جلد. «المرشد» در دو جلد. «الذریعه فی معرفه الشریعه» و «التیسیر فی الخلاف» در چهار جلد، «مآخذ النظر» و «مختصر فی الفرائض» و «الارشاد فی نصره المذهب» که تمام نشده و «التنبیه فی معرفه الاحکام» و «فوائد المذهب» در دو جلد و چند کتاب دیگر. (۱)

العلاء بن الحسن، معروف به ابوسعید بغدادی و یکی از کاتبان معروف بود. هنگامی که خلیفه در چهاردهم صفر سال ۴۸۴ق اهل ذمه را به پوشیدن لباس معیار مجبور کرد. و آنان را به رعایت شروطی که عمر بن خطاب برای آنها وضع کرده بود، ملزم ساخت، پا به فرار گذاشت.

العلاء از دوران «القائم» منصب دیوان رسائل را عهده دار بود و قائم مقام وزارت گردید. در اواخر عمرش نابینا شد. مدت خدمتش ۶۵ سال به طول انجامید که در هر روز آن بر وجاهتش افزوده می‌گشت. قائم مقامی وزارت را نیز بر عهده گرفت. چندین بار بینایی اش را از دست داد. پسر خواهرش «هبه الله بن الحسن» از جانب او انشاءات را می‌نوشت و بسیار صدقه دهنده و نیکوکار بود. تولدش در سال ۴۱۲ق بود و در روز هجدهم جمادی الاولی سال ۴۹۷ق دیده از جهان فرو بست. خلیفه لقب «امین الدوله» به او داد. محمد بن عبدالملک همدانی گفته: کسی که دانش سیره شناسی را مطالعه کند، می‌فهمد که خلیفه و ملوک دیگر به هیچ کس مانند «امین الدوله» اطمینان نداشتند و مشورت دادن و نصیحت هیچ کس مانند نصیحت او نبوده است. (۲)

علی بن ابی القاسم (القاضی تاج الدین القزوینی)، او شافعی مذهب، قاضی، امام و دانشمند فاضل، پاکدامن و متقی، بزرگ و با طول عمری بسیار. ملقب به تاج الدین ابوالحسن، ساکن بغداد، متدین و متواضع بود. حدود پنجاه سال در ناحیه شرقی بغداد عهده دار امر قضاوت شد. مدتی در مدرسه نظامیه تدریس کرد تا اینکه کمی بعد از نابینا شدنش در سال ۷۴۰ق از دنیا رفت.

دوستدار مردم و حکام بود و مردم اعتقاد زیادی به او داشتند. امام الدین افتخاری قزوینی، حاکم بغداد، محلی را برایش درست کرد که مدرسه‌ای بود در شرق بغداد در آستانه فراشا، ساختمانش را

ص: ۱۷۳

۱- . همان، ص ۱۷۷-۱۷۹.

۲- . همان، ص ۱۹۶-۱۹۸.

بازسازی و به خوبی تعمیر کرد و او را در آنجا اسکان داد و امر تدریس آنجا و متولی اوقاف آن را به او تفویض کرد و او معروف به همان مدرسه است.

در نظم و نثر و ادب، نوشته‌های بسیاری دارد و کتب تصنیف کرده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: شرح المصاییح، شرح المقامات الحریره، کتاب المحيط بفتاوی أقطار البسیط، کتاب العُجاب مع شرحه فی النحو، کتاب الإعجاز مع شرحه فی النحو، کتاب الرُّغاب مع شرحه فی التصریف و کتاب اللطائف و غیره. (۱)

علی بن مسهر، او از موالی قریش، حافظ، قاضی موصل و برادر عبدالرحمن قاضی جبُّل بود. در حدیث او را از ثقات شمرده‌اند و فقه و حدیث را گردآوری کرد. قضاوت ارمنستان را بر عهده داشت. هنگامی که به آنجا رفت از چشمش اظهار ناراحتی می‌کرد. فردی که پیش از او قاضی آنجا بود، به چشم پزشکی گفت: میل به چشمش بکش تا کور شود، من هم پولی به تو می‌دهم. او هم چنین کرد و بینایی اش از دست رفت و نابینا به کوفه بازگشت. وی در سال ۱۸۹ق از دنیا رفت، بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی و نسایی و ابن ماجه، از او حدیث و روایت نقل کرده‌اند. (۲)

عمر بن میمون، وی از خاندان بحر بن الرماح، ابوعلی، فقیه و قاضی بلخ، حدود بیست سال قضاوت بلخ را به عهده داشت. در این امر مورد ستایش دیگران بود و از او به صبر و علم و نیکی یاد می‌شد و در واپسین عمر خویش نابینا گشت. ابوداود گفته‌اند که او در سال ۱۷۱ق از دنیا رفت. (۳)

محمد بن احمد، ابوجعفر سمنانی، او قاضی موصل، شیخ حنفی و ساکن بغداد بود. از «مرجی و دارقطنی» حدیث نقل می‌کرد. خطیب بغدادی گفته‌اند: من درباره او نوشته‌ام، وی بسیار راستگو، حنفی مذهب، فاضل و باورمند به عقیده اشعری بود و دارای تألیفات است. ابن حزم از او یاد کرده و می‌گوید: سمنانی روشن دل، قاضی موصل، از بزرگترین یاران باقلانی و از پیشتازان مذهب اشعری در زمان خود بود، ولی بعداً به تقبیح او پرداخت. وی در سال ۴۴۴ق از دنیا رفت. (۴)

محمد بن احمد مزنی، او امام جماعت موقت مسجد اموی، پیشوای موشکاف بود و در نزد شیخ شمس الدین بن ابراهیم بن ساعد اکفانی، درس خواند. شیخ شمس الدین، او را به خاطر ذهن سرشارش، بسیار ستایش می‌کرد. وی «الشاطیبه» را حفظ بود. انواع قرائت‌ها را نقل می‌کرد. کمی از علوم عربی، در ذهن داشت. در قرار دادن اُسْطَرلاب و الارباع چنان مهارت داشت که بهتر و با ظرافت تر

ص: ۱۷۴

۱- . همان، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۲- . همان، ص ۲۱۵.

۳- . همان، ص ۲۱۷.

۴- . همان، ص ۲۳۴.

از قرار دادن او ندیدیم. در زمان حیاتش، اسطرلابش به دویست درهم و بیشتر معامله می‌شد و ارباعش به پنجاه درهم و بیشتر به فروش می‌رسید. مردم در طول زندگی اش تا حد ازدحام، به او رجوع می‌کردند. شاید بعدها قیمت آن بیشتر شده باشد.

وی ابتدا امام جماعت موقت الربوه بود. سپس به مسجد جامع منتقل شد. برخی از زیرکی و حيله بازی های یهودیان را می‌دانست و به کار می‌برد. وی نوشته‌هایی در اسطرلاب دارد. رساله‌ای دارد که آن را «کشف الريب في العمل بالجيب» نامیده است. شعر هم می‌گفت. سرانجام در اوائل سال ۷۵۰ق در شصت سالگی درگذشت. (۱)

محمد بن سالم قاضی جمال الدین، او قاضی شافعی شهر حماه بود. یکی از امام جمعه‌های مشهور که در دوم شوال سال ۶۰۴ق در حماه به دنیا آمد و روزگاری طولانی زیست و در سال ۶۹۷ق به رحمت خدا رفت.

در علوم دینی و عقلی، اخبار و روزهای مهم تاریخی، مهارتی خاص داشت. کتاب تألیف می‌کرد و درس می‌داد و برای مردم فتوا صادر می‌نمود و بسیار کار می‌کرد. آوازه اش در دوردست‌ها منتشر شد و مشهور گشت. وی یکی از باهوش‌ترین افراد جهان محسوب می‌شد. مدت زمان طولانی امر قضاوت را بر عهده داشت. از حافظ زکی الدین برزالی در دمشق و حماه، روایت نقل کرد. عده‌ای از طریق وی به درجات علمی رسیدند. پیوسته بر کار کردن حریص بود. چنان در تفکر و اندیشه فرو رفته بود که از اوضاع و احوال خود و کسانی که با او همنشین بودند، غافل گشته بود. هنگامی که در روز جمعه ۱۴ شوال سال یاد شده، در ۹۴ سالگی از دنیا رفت، پیکرش در مقبره‌ای در یبیرین دفن شد. (۲)

نوح بن درّاج (درگذشت ۱۸۲ق/۷۹۸م)، او از یاران ابوحنیفه و ساکن کوفه بود. مدتی قاضی و والی آن جا بود. وقتی قاضی بود، نابینا شد و به رغم نابینایی به قضاوت ادامه داد. حتی سه سال از نابینایی او گذشت ولی کسی نمی‌دانست او نابینا شده است. (۳)

ص: ۱۷۵

۱- همان، ص ۲۴۱-۲۴۲.

۲- همان، ص ۲۴۸-۲۵۰.

۳- الاعلام، زرکلی، ج ۸، ص ۵۰.

شخصیت هایی با اتکا بر منابع متقن تاریخ اسلام معرفی شدند تا نشان داده شود در طول تاریخ اشخاصی در رأس امور بوده و معلولیت هم داشته اند. از این رو بر خلاف تصور برخی، معلولیت با مسئولیت تعارض ندارند بلکه این دو می توانند مکمل یکدیگر باشند.

نابینایان، ناشنوایان، معلولان حرکتی و ذهنی که بخش مهمی از جامعه ایران را تشکیل می دهند، تقنین، نیاز به مناسب سازی و صدها مسئله اجتماعی دیگر دارند. از طرف دیگر مسائل آنان کاملاً تخصصی است و می توان گفت از هر مسئله اجتماعی پیچیده تر است. از این رو لازم است افرادی از جنس خودشان که اطلاعات و تجربه کافی دارند، در مجلس شورا یا در شورای شهر حضور داشته و به طرح مسائل آنان پردازند.

حل مشکلات معلولان و فعال کردن آنان در عرصه های اجتماعی و نجات آنان از هزاران مشکلی که گریبان گیر آنان است، بستگی به سپردن امور به دست خودشان و راه را برای آنان گشودن دارد، تا در عرصه های اجتماعی حضور یافته و خودشان با درایت و عقلانیت به حل مشکلات جامعه خود پردازند. همه اینها منوط است به اینکه نمایندگان از آنان در رأس کارها و در نهادهای تصمیم ساز مدنی حضور داشته باشند.

معلولان در ایران از جهات آموزشی، اجتماعی و اقتصادی رشد یافته و نسبت به یکصد سال پیش توانسته اند توانمندی های خود را نشان دهند و در فضای جامعه به عنوان انسان های مؤثر معرفی و جایگاه ویژه داشته باشند.

در واقع مثل گروه ها و قشرهای اجتماعی همچون معلمان، دانشجویان، جوانان و کارگران، معلولان هم به مثابه بخشی از جامعه آن هم قشر مؤثر و دارای اهداف راهبردی برای سازندگی ایران مطرح شده اند.

مهم ترین نمود و بازتاب این قشر اجتماعی، حضور آنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر بوده است. در واقع در مهم ترین فرآیندهای انتخاباتی ایران حضور یافته و خود را نشان داده اند.

جامعه شناسان، تحلیل گران اجتماعی و اصحاب رسانه ها، پدیده حضور اجتماعی معلولان را زیر نظر گرفته و به مطالعه آن پرداخته و گاه مطالب و مقالاتی در این باره منتشر کرده اند. بعضی از این نوشته ها را در این فصل می آوریم. هدف این است که بدون توجه به ابعاد اجتماعی معلولان ایران، نمی توان حقوق مدنی آنان و از جمله انتخاب شوندگی و نامزدی آنان را بررسی کرد.

ص: ۱۷۸

گفت و گو با برخی از نامزدهای دارای معلولیت شوراهای شهر و روستا

گفت و گو با برخی از نامزدهای دارای معلولیت شوراهای شهر و روستا (۱)

«توانش» (صفحه ویژه مباحث معلولیت و معلولان روزنامه ایران) در گفت و گو با برخی از نامزدهای دارای معلولیت شوراهای شهر و روستا از برنامه هایشان پرسیده و نظرات آنان را ثبت کرده، گفت و گو و تدوین آنها بر عهده خانم رضیه کباری بوده است.

عزم معلولان برای ساختن شهرهایی دسترس پذیر

خانم کباری درباره اهمیت حضور معلولان در انتخابات شورا می نویسد: شورای شهر؛ عرصه رویارویی نظرات متنوع برای رسیدن به شهری ایده آل در راستای توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. این شوراها وقتی می توانند کارآمد باشند که نمایندگان از قشرها و نظرات متفاوت در آن حضور داشته باشند تا با رویکرد توسعه ای، شهری متناسب با نیازهای همه افراد جامعه بسازند. گرچه معلولان در شوراهای پیشین نیز در رقابت های انتخاباتی شوراها شرکت داشتند ولی شاید شورای چهارم تهران با حضور دو چهره نابینا در آن؛ وجهی متمایز از این تعامل را نمایش داد. تجربه حضور دو نابینا در شورای شهر تهران و هم رویکرد اجتماعی جامعه برای سازندگی سبب شده این بار معلولان و نابینایان بسیاری از شهرهای دیگر نیز خود را در معرض انتخاب شدن برای نمایندگی مردم و معلولان بگذارند. مروری بر انگیزه های این افراد و دید آنها نسبت به توسعه شاید بتواند چراغ روشنی برای انتخاب نمایندگان اصلح شوراها باشد. از آنجا که درج نام و عکس کاندیدای انتخابات شهر و روستا خلاف قانون انتخابات است «توانش» تنها به منظور فرهنگ سازی در زمینه حضور افراد دارای معلولیت اقدام به درج این گزارش کرده است. باشد که راه های حضور افراد دارای معلولیت در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی بیش از پیش هموار شود.

در ادامه نظریات کاندیداهای شهرهای مختلف را آورده است:

در شهر ما هیچ کاری برای معلولان نشده است (کاندیدای در مشکین شهر)

کارشناس جغرافیای طبیعی و معلول جسمی - حرکتی و عضو علی البدل شورای مشکین شهر است. او می گوید: در شهر ما تاکنون هیچ اقدامی برای معلولان انجام نشده، دغدغه او مناسب سازی فضای شهری برای استفاده معلولان است.

ص: ۱۷۹

جامعه معلولان تریبونی برای طرح خواسته هایش ندارد (کاظم رضایی از تهران و ری و شمیرانات)

دکترای جامعه شناسی علوم سیاسی و معلول است. او می گوید: متأسفانه جامعه بزرگ معلولان تاکنون تریبون در خوری برای بیان مطالبات و خواسته های خود نداشته اند. این مهم باعث شده است مدیریت شهری نیز آن گونه که باید، توجهی به کمبود های این حوزه نداشته باشند. نیک می دانیم که با تکرار روش های همیشگی، به نتایج متفاوت نخواهیم رسید. لذا پازل قدرتمند و با اهمیت شورای شهر و مدیریت شهری، اشخاص توانمند و با تدبیری را نیاز دارد که با جامعه بزرگ معلولان آشنا باشند و نیازهای آنان را به طور ملموس بشناسد. روح و اندیشه های بزرگ در کالبد هر انسانی که باشد، شگفتی می آفریند.

معلولیت محدودیت نیست (از پاکدشت)

معلول جسمی - حرکتی و استاد ژنتیک دانشگاه آزاد است. از حوزه پاکدشت آمادگی خود را برای حضور در شورای این شهر اعلام کرده است تا نشان دهد معلولیت محدودیت نیست. وی می افزاید: با اعلام آمادگی برای حضور در شورا، قصد آن دارم که به هموعانم بگویم ما هم می توانیم در تعیین سرنوشت خود نقش داشته باشیم.

فرصت های برابر معلولان با دیگران (محمدحسن پارسائیان از یزد)

کاندیدای نایبای یزدی که کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دارد؛ انگیزه خود را برای شرکت در این میدان رقابت، در درجه اول تثبیت اصل و خواسته فرصت های برابر بین معلولان و دیگر قشرهای جامعه و نهادینه کردن این فرهنگ عنوان می کند. او می افزاید: در برخی از شهرها، هنوز حضور نمایندگان معلول یک پدیده غیر منتظره به نظر می رسد. در درجه دوم؛ اگر ما بتوانیم وارد یک مرکز تصمیم گیری و تصمیم سازی شویم، می توانیم صدای معلولان را به مسئولان برسانیم.

شعار او در انتخابات «شهر دسترس پذیر برای همه» است. وی ادامه می دهد: البته منافع دسترس پذیری همه افراد جامعه را بهره مند می سازد. او در مورد برنامه دیگرش که تلاش در جهت رسیدن معلولان به مسکن مناسب خود است، می گوید: مسکن مناسب برای همه افراد جامعه یکی از اصول قانون اساسی ماست. قوانینی که در این باره هست، گاه متناقض اند و این دسترسی را محدود کرده است.

فرهنگ سازی عمومی با استفاده از امکانات شهری (علیرضا حیدری رامشه از اصفهان)

کارشناس ارشد روانشناسی و نامزد نایبای اصفهانی که دبیر آموزش و پرورش است، معتقد است: از بیرون شورا، یک فعال مدنی تنها می تواند طرح و برنامه خود را برای پیشبرد امور ارائه دهد اما از درون شورا؛ می تواند به صورت عملی تصویب و اجرای آن را پیگیری کند. من آمده ام تا به صورت عملی نشان دهم اگر شرایط برابر اجتماعی فراهم باشد، معلولان نیز می توانند در اجتماع حضور یابند و خود را اثبات کنند. حضور نایبایان در شوراها، چند نتیجه دارد: اول اینکه فرهنگ سازی می شود و

مردم با توانمندی های این افراد آشنا می شوند. فرهنگ سازی نشان می دهد اگر شرایط برای حضور اجتماعی نایبانیان دیگر هم فراهم باشد، می توانند تا همین اندازه توانمند ظاهر شوند. از طرف دیگر نماینده نایبنا یا معلول؛ امکانی پیدا می کند تا عملاً از حقوق هموعان خود دفاع کند. سوم اینکه در کلان شهرها، حضور نماینده معلول، این امکان را فراهم می سازد که به صورت عملی از فضاهای شهری به نفع فرهنگ سازی عمومی استفاده کنند.

این کاندیدای شورای شهر برنامه های خود را برای هموعان نایبنا این گونه توصیف کرد: مثلی را در نظر بگیرید، یک ضلع این مثلث، فرهنگ سازی و آموزش با استفاده از ظرفیت شهرداری است. آموزش در مورد نایبانیان و آموزش به نایبانیان. در این فضاها می توان خدمات حرفه آموزی به نایبانیان را مد نظر داشت. ضلع دوم این مثلث؛ مناسب سازی و دسترس پذیر ساختن اماکن شهری از نظر فیزیکی است و در ضلع سوم؛ تسهیلگری استفاده معلولان از خدمات شهری می گنجد که می تواند شامل سیاست های تخفیفی به معلولان برای استفاده از اماکن فرهنگی و... باشد.

وی در پایان افزود: حمایت معلولان از کاندیداهای معلول خیلی مهم است. به علاوه وقتی فرد معلول وارد شورا شود، تازه معلولان دیگر باید به او طرح و برنامه بدهند و از او اجرای آنها را بخواهند.

سهام معلولان از بودجه شهرداری لحاظ شود (محمود سلوکی از تهران)

کارشناس ارشد برق و کاندیدای کم بینای پردیس؛ اولویت اول کاری خود را مناسب سازی معابر، بوستان ها، مبلمان شهری، وسایل حمل و نقل، کتابخانه ها و اماکن عمومی می داند. او معتقد است باید شورای راهبردی معلولان در شهرداری شهرهایی چون پردیس هم ایجاد شود. او می گوید: باید ساختاری با عنوان مشاور مدیرعامل در امور معلولان در شهرداری وجود داشته باشد، البته این ساختار باید در همه دستگاه ها دیده شود که بتواند حقوق معلولان را از آن دستگاه ها مطالبه کند. در برنامه ای که من برای معلولان ارائه داده ام، حداقل ده درصد بودجه شهرداری یعنی معادل سهم جمعیتی معلولان، باید به این حوزه اختصاص یابد. رسیدگی به خانواده های دارای چند معلول، مناسب سازی معابر جلوی منازل این افراد، تعمیرات منازلشان، نصب آسانسور و ارائه خدمات درمانی مانند ویلچر نیز از دیگر برنامه های «سلوکی» برای دسترسی بهتر معلولان و برابر سازی فرصت ها برای آنان است.

مشارکت در امور شهر (امیدعلی میرزایی از خرم آباد)

کارشناس جامعه شناسی و نامزد نایبنا خرم آبادی معتقد است: ما هم مثل سایر مردم برای اداره شهر خودمان ایده و فکر داریم و می توانیم در اداره شهر مشارکت داشته باشیم. به علاوه معلولان در شورای شهر کسی را می خواهند که صدایشان باشد و حقوق آنها را مطالبه کند. او به مواردی چون مناسب سازی اماکن عمومی و معابر و حذف موانع شهری برای تسهیل حضور معلولان در شهر اشاره می کند و می افزاید: به نظرم ما می توانیم با ایجاد تسهیلاتی چون امکان حضور معلول به همراهی یک یا دو نفر به صورت رایگان در اماکن تفریحی و تاریخی زمینه حضور این افراد را بیشتر مهیا سازیم.

این کاندیدا در پایان ضمن انتقاد از تشکل های معلولان می افزاید: متأسفانه تشکل های ما کم جان هستند و از این رو نمی توانند کاندیدای خودشان را حمایت کنند.

دستاورد حضور نایبانیان در شورای چهارم تهران (از تهران و ری و شمیرانات)

جانباز نایبنا که سابقه عضویت در شورای شهر تهران را هم دارد؛ در زمینه دستاورد حضور نمایندگان نایبنا در این شورا می گوید: نخستین مصوبه شورای چهارم در تهران، رایگان شدن هزینه ایاب و ذهاب معلولان بود. بودجه ای که در سال اول به این امر اختصاص یافت، سه و نیم میلیارد تومان بود که در سال چهارم به ۱۲ میلیارد تومان رسید.

او ضمن اشاره به اینکه، با حضور دو نماینده نایبنا در شورا و مطالبه حقوق معلولان، بسیاری از نیازهای معلولان در شورا دیده شد، می افزاید: اگر چه شهر دسترس پذیر یک بحث راهبردی است اما امروز این ایده مراحل خوبی را در فرآیند شکل گیری طی کرده است.

او ادامه می دهد: بخشی از قوانین مطروحه در این بحث، مربوط به آیین نامه های سازمان نظام مهندسی است و اینکه در هر ساختمانی که ساخته می شود، ضوابط مربوط به عبور و مرور معلولان رعایت شود و در بوستان ها ضوابط دسترس پذیری برای معلولان شکل بگیرد. در حال حاضر هم نمونه هایی از این بوستان ها آماده شده است.

این جانباز نایبنا ادامه می دهد: ما مسئولان مترو را موظف کردیم در زیرساخت هایی که طراحی می کنند، برای ورود افراد با ویلچر، آسانسور تعبیه کنند و محل ورود و خروج معلولان را به صورت صحیح طراحی کنند. البته در مورد مناسب سازی مترو، بحث استفاده از سنسورها شکل نگرفت چون لوکوموتیوهای موجود هوشمند نیستند و به صورت انسانی اداره می شوند و نمی توانند در نقطه مشخص بایستند. تلاش ما این است که مترو، «بی آرتی» و معابر شهری تا حد امکان قابل دسترس شوند. البته از موضوع دسترس پذیری همه قشرها هم کودکان و هم سالمندان بهره مند می شوند.

دیگر عضو نایبنا شورای تهران نیز می گوید: دسترس پذیری نسبت به مناسب سازی، معنای عام تری دارد و مصداق های آن را می توان در حمل و نقل عمومی، خرید از فروشگاه ها، خدمات اینترنتی، دسترسی به اداره های شهرداری ها و... یافت. این نامزد به شورای تهران، برای کار در حوزه معلولان، نمره بالاتر از متوسط می دهد. این حقوقدان ادامه می دهد: کار بزرگی که شورای تهران انجام داد این بود که دسترس پذیری را در ادبیات مدیریت شهری وارد کرد و از این پس نمایندگان شوراها دیگر؛ باید آن را پیگیری کنند. در این شورا کاری که شد این بود که هر قانونی که تصویب شد، اگر به معلولان مرتبط بود، واژه «دسترس پذیری» مستقیم یا غیرمستقیم در آن به کار گرفته شد.

امروز در تبصره دو قانون بودجه سالانه شهرداری، دسترس پذیری پیوست طرح های شهری شده است. به این ترتیب از نظر ادبیات موضوعی و تئوری به جاهای خوبی رسیده ایم.

عضو نایبنا شورای شهر در مورد برنامه آینده خود در صورت حضور در شورای پنجم، می گوید: خود معلولان باید ایده های نو را تولید کنند چون کسی بهتر از آنها نسبت به مشکلاتشان مطلع نیست. معلولان همچنین باید در فرآیند عملی شدن

این ایده ها هم نظارت داشته باشند تا کار به درستی انجام شود. وقتی معلولی در عمل نشان می دهد که حضورش برای دیگران هم

ص: ۱۸۲

راهگشاست، در واقع خواسته ما که مشارکت معلولان در همه امور اجتماعی است، خود به خود برآورده شده است. او با استقبال از حضور معلولان برای نامزدی شوراها در سراسر کشور می افزاید: به نظر من در دوره آینده شوراها، دسترس پذیری باید شعار محوری همه دوستان باشد و معلولان در هر شهری، همه برنامه های خود را حول و حوش این موضوع قرار دهند.

با کمی کنکاش در فهرست شرکت کنندگان در انتخابات شوراها با حضور گسترده معلولان مواجه شدیم. آنچه در بالا آمد، تنها قطره ای از این دریا بود اما حال که با این استقبال مواجه شده ایم و کسانی از بین معلولان، خود را در معرض انتخاب برای شوراها، شهر و روستا گذاشته اند و در این گرما گرم حزب و باندبازی، کاش جامعه بزرگ معلولان با یک تصمیم جمعی و برای رسیدن به شهرهایی ایمن برای همه مردم، عزم خود را برای فرستادن نمایندگان لایق و فرهیخته به شوراها، شهر و روستا جزم کنند تا هر روز بیش از پیش، شاهد شهرهایی باشیم که همه امکاناتش برای همه قشرهای کم توان و ناتوان قابل دسترس باشند و ای کاش احزاب مورد قبول و مورد نظر مردم نیز به این موضوع توجه ویژه داشته باشند و در انتخاب فهرست های خود سهمی ویژه برای معلولان قائل شوند.

بازتاب انتخابات شوراها در روزنامه ها

بازتاب انتخابات شوراها در روزنامه ها(۱)

«مسئولیت فرا سازمانی شورای شهر»، «تعامل شورا و شهرداری به نفع شهر و شهروندان» و «توسعه پایدار شهری و ایمنی شهر و شهروندان» از جمله محورهای اصلی تحولات انتخاباتی در روزنامه های یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۹۶ به شمار می رود. خبرگزاری ایرنا با مطالعه همه روزنامه ها، قسمت های مهم گزارش هر روزنامه را در این مبحث آورده، این گزارش به کوشش مهسا شریفی و شهربانو جمعه تهیه شده است.

مسئولیت فرا سازمانی شورای شهر (روزنامه صبح امروز)

روزنامه های صبح امروز در ارتباط با انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا عنوان هایی چون «مسئولیت فرا سازمانی شورای شهر»، «تعامل شورا و شهرداری به نفع شهر و شهروندان»، «توسعه پایدار شهری و ایمنی شهر و شهروندان»، «تحقق گام سوم در گرو وحدت دوباره»، «شهرداری ۶۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد»، «شهروندان دارای معلولیت حق دارند»، «صدای ما به هیچ جا نمی رسد»، «حضور کاندیداها در انتخابات شورای شهر باید بر اساس لیست باشد»، «سهم ۳۰

ص: ۱۸۳

درصدی می خواهیم»، «تعیین تکلیف نامزدهای شوراها در ایستگاه پایانی»، «شیشه های خاکستری ساختمان بهشت» و «مطالبات زنان و انتخابات» را بازتاب دادند.

مسئولیت فرا سازمانی شورای شهر (روزنامه آفتاب یزد)

روزنامه «آفتاب یزد» در گزارشی با عنوان «مسئولیت فرا سازمانی شورای شهر»، نوشت: بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ اداره امور کشور باید به اتکای آرای عمومی انجام شود. در اصل یکصدم قانون تأکید شده: «برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان، یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراها مذکور و سلسله مراتب آن ها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می کند.»

تعامل شورا و شهرداری به نفع شهر و شهروندان (روزنامه رسالت)

روزنامه «رسالت» در مطلبی با انتشار عنوان «تعامل شورا و شهرداری به نفع شهر و شهروندان»، نوشت: شورا و شهرداری ارتباط متقابل و دوسویه با هم دارند و تعامل شورا و شهرداری به نفع شهر و شهروندان است. سهیم کردن و مشارکت مردم با انتخاب شوراها در جهت اجرای تصمیمات و توسعه و آبادانی شهر و روستا امری بسیار مهم و ضروری است و مردم با انتخاب افراد اصلح در شوراها نقش بسزایی در اجرای طرح ها و رفع مشکلات و معضلات سطح جامعه ایفا می نمایند.

توسعه پایدار شهری و ایمنی شهر و شهروندان (روزنامه همدلی)

محسن مهرعلیزاده در یادداشتی در روزنامه «همدلی» با درج عنوان «توسعه پایدار شهری و ایمنی شهر و شهروندان»، نوشت: اهمیت و جایگاه مدیریت به عنوان یک موضوع محوری مهم در توسعه شهری کاملاً آشکار است. شهرها به عنوان سکونتگاه های اصلی بشر امروز، ویژگی هایی دارند که برنامه ریزی و مدیریت توسعه گرا یکی از الزامات اصلی مدیریت آنها به شمار می رود. شهروندان در طول حیات خود همواره در معرض مخاطرات مخرب مختلفی هستند که در بسیاری از موارد خسارات عمده جانی و مالی را در پی دارد. بر این اساس توجه به «مخاطرات انسان ساز» و «مخاطرات طبیعی» در محیط زندگی بشری بسیار حائز اهمیت است.

وقوع پدیده های مختلفی نظیر زلزله، سیل، نشست زمین، آلودگی هوا و خاک، افزایش جمعیت، ترافیک و غیره همواره مانع اصلی توسعه پایدار جوامع مختلف به ویژه جوامع شهری است. در این مسیر اولین قدم، شناسایی انواع مخاطرات و زمینه ها و بسترهای آن است تا در ادامه، متولیان امر بتوانند با انتخاب راهکارهای مناسب در جهت رفع یا کاهش خسارت حاصل از آن مخاطره اقدام کنند.

تحقق «گام سوم» در گرو وحدت دوباره (روزنامه ابتکار)

روزنامه «ابتکار» در گزارشی با درج عنوان «تحقق «گام سوم» در گرو وحدت دوباره»، نوشت: مدت زمان زیادی تا آغاز تبلیغات کاندیداهای دوره پنجم انتخابات شوراهای شهر باقی نمانده است. در شهرهای مختلف اما شرایط تأیید صلاحیت ها به یک شکل و میزان نیست؛ در شهرهایی همچون اهواز، اصفهان و کرج اصلاح طلبان بسیاری قربانی رد صلاحیت گسترده کاندیداهای این جناح شده اند، در حالی که وضعیت پایتخت کمی متفاوت است. تعداد زیادی از کاندیداهای اصلاح طلب و چهره های سیاسی در تهران توانستند از سد هیئت نظارت بر انتخابات شوراها عبور کرده و خود را در معرض رأی مردم بگذارند.

شهرداری ۶۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد (روزنامه ایران)

روزنامه «ایران» در گفت و گویی با محمود میرلوحی عضو شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان با انعکاس عنوان «شهرداری ۶۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد»، نوشت: من فکر می کنم اعضای شورای شهر در دوره اول عزمشان را برای اجرای قانون و به فعل درآوردن اصول قانون جزم کردند، البته شرایط مساعدی هم برای قرار گرفتن شوراها در جایگاه خودشان به عنوان پارلمان محلی فراهم شد تا مسائل شهری را مدیریت کنند. به ویژه با توجه به ساختار اقتصادی و سیاسی کشور که تمرکزگرا است و میزان مشارکت مردم را تحت تأثیر قرار می دهد، چرا که مدیریت غیر دولتی آن طور که باید محقق نشده است. بنابراین شوراها می توانند ما را به مدیریت و حاکمیت محلی نزدیک کنند. متأسفانه حاکمیت محلی به علت مسائل مختلفی که در کشور ما وجود دارد، تاکنون اجرایی نشده، اما در کشورهای توسعه یافته و از جمله در مهد دموکراسی دنیا یعنی هندوستان هم نظام فدراتیو اجرا می شود، یعنی ایالت ها اختیارات لازم را دارند و حکومت های محلی تصمیم گیرنده اند.

شهروندان دارای معلولیت حق دارند (روزنامه همدلی)

روزنامه «همدلی» در یادداشتی با قلم مرتضی الویری با عنوان «شهروندان دارای معلولیت حق دارند»، نوشت: امروزه اصل تساوی حقوق معلولان و افراد سالم، مورد توجه همه جوامع قرار گرفته است. مطالعات نشان می دهد که عقب ماندگی های اجتماعی معلولان عمدتاً ناشی از عدم سازگاری وضعیت معلولان و محیط آنهاست و این امر هنگامی روی می دهد که معلولان با موانع فرهنگی، اجتماعی و کالبدی مواجه می شوند.

از دیدگاه برنامه ریزان شهری، شهر سالم، شهری است که تمامی شهروندان بتوانند از فضاهای آن بهره مند شوند. این فضای شهری باید ارائه دهنده خدمات بیشتر به اقشار آسیب پذیر باشد تا این گروه از صحنه جامعه محو نشده و به فراموشی سپرده نشوند. آن بخش از جامعه که به سبب ناتوانی جسمی - حرکتی، عملاً از استفاده از فضاهای شهری محروم شده است، علت را نه در «معلول بودن شهر» که در «معلول بودن خویش» جستجو می کند و خود را از نزدیک شدن به این فضاهای شهری باز می دارد.

روزنامه «ایران» در گزارش میدانی درباره مطالبات راننده های تاکسی از اعضای شورای شهر تهران با انتشار عنوان «صدای ما به هیچ جا نمی رسد»، نوشت: از میان همه اقشار جامعه راننده های تاکسی بیشتر از همه با شورای شهر سر و کار دارند. بهبود خدمات سازمان تاکسیرانی، نحوه و ساز و کار تبدیل به احسن کردن خودروها، تعیین نرخ برای آنها، وضعیت ساماندهی آسفالت خیابان ها و اموری از این دست سبب می شود گذر راننده های تاکسی بیش از سایر شهروندان به شورای شهر بیفتد. حال که انتخابات شوراها پیش رو است، به میان آنها رفتیم تا دریابیم مطالباتشان از اعضای شورای شهر چیست؟

راننده های تاکسی های خطی برخلاف مردم کوچه و بازار کاندیدای شورای شهر تهران را به خوبی می شناسند. آنقدرها که حتی می توانند نام تعدادی از آنها را بگویند. آنها معتقدند تصمیمات شورا در حل مشکلاتشان بسیار مؤثر است.

حضور کاندیدها در انتخابات شورای شهر باید بر اساس لیست باشد (روزنامه ابتکار)

روزنامه «ابتکار» در مطلبی با عنوان «حضور کاندیدها در انتخابات شورای شهر باید بر اساس لیست باشد» به نقل از محسن هاشمی مدیر پیشین مترو تهران، نوشت: برای موفقیت در انتخابات شوراها باید راهبرد ثبت نام حداکثری به انصراف حداکثری تبدیل شود تا لیست نهایی با قدرت وارد شورای شهر شود. در این دوره حدود سه هزار نفر ثبت نام کرده اند که از این تعداد ۸۰۰ نفر برای حضور در لیست امید اعلام آمادگی کردند و از این تعداد قرار است ۲۱ نفر وارد لیست نهایی بشوند، بنابراین برای موفقیت در این انتخابات باید راهبرد حضور و ثبت نام حداکثری به انصراف حداکثری تبدیل شود تا لیست نهایی با قدرت وارد شورای شهر شود.

آخرین خبرها از لیست اصلاح طلبان (روزنامه همدلی)

روزنامه «همدلی» همچنین در گفت و گو با حسن رسولی عضو شورای عالی اصلاح طلبان، عنوان «آخرین خبرها از لیست اصلاح طلبان شورای شهر» را بازتاب داد و نوشت: اصلاح طلبان ظرف سال های اخیر و از ابتدای دهه ۹۰ و پس از عبور از حوادث انتخابات سال ۸۸ به دلیل دور بودن از مسئولیت های دولتی و حکومتی فرصتی پیدا کردند تا با انجام کار کارشناسی دقیق نسبت به آسیب شناسی عملکردهای گذشته این جریان در دهه ۸۰ اقدام کنند. یکی از مهم ترین دستاوردهای این آسیب شناسی رسیدن به این باور راهبری بود که اتحاد و یکپارچگی همه ظرفیت های اصلاح طلبی شرط اصلی و اساسی اثرگذار بودن در سپهر سیاسی ایران است. به همین دلیل تلاش هایی صورت گرفت و نقشه راهی ترسیم شد و متناسب با وقایع و رویدادهای سیاست داخلی پروژه هایی به مرحله اجرا درآمد.

روزنامه «آرمان» نیز در گزارشی با عنوان «تأخیر در تصمیم شورای عالی اصلاحات»، نوشت: همزمان با تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، تبلیغات انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا هم از چند روز دیگر آغاز خواهد شد. این احتمال وجود دارد که با آغاز رقابت شورای شهر فضای جامعه بیشتر انتخاباتی شود. البته به رغم اینکه اعلام شده بود شنبه لیست شورای عالی اصلاحات اعلام خواهد شد، اما برخی از تأخیر در اعلام آن خبر می دهند و این احتمال وجود دارد که حتی تا روز اول مهلت قانونی شروع تبلیغات شورای شهر اعلام لیست از سوی شورای عالی به تأخیر بیفتد، زیرا در ابتدا حدود ۷۰۰ نفر درخواست حضور در لیست شورای شهر تهران را داشتند که بعدها اعلام شد حدود ۱۵۰ نفر به مرحله بعد راه یافتند.

سه‌م ۳۰ درصدی می‌خواهیم (روزنامه شرق)

روزنامه «شرق» در گزارشی با عنوان «سه‌م ۳۰ درصدی می‌خواهیم» به مطالبات زنان از شورای شهر پرداخت و نوشت: ایمن‌سازی فضای عمومی و بی‌دفاع یا متروک شهری و تغییر کاربری فضای ناامن برای زنان از طریق نورپردازی معابر، ایجاد بازارهای محلی - منطقه‌ای امن برای دست‌فروشان به ویژه دست‌فروشان زن و توقف سیاست کنونی مدیریت شهری مبتنی بر اولویت وسایل نقلیه به انسان‌ها و سپس حذف بیلبردهای تبلیغاتی از پل‌های عابر پیاده به منظور ایمن کردن آن برای رفت و آمد زنان، اختصاص فضایی متناسب برای زنان در وسایل حمل و نقل عمومی به منظور تسهیل تردد و تحرک زنان در فضای شهری، تلاش برای نفی رویکرد متهم‌انگاری زنان در زمینه بروز آزار خیابانی از طریق فرهنگ‌سازی، پیام‌رسانی عمومی و تبلیغات بخش‌هایی از مطالبات زنان در این بیانیه بود.

تعیین تکلیف نامزدهای شوراها در ایستگاه پایانی (روزنامه جام جم)

روزنامه «جام جم» در گزارشی با عنوان «تعیین تکلیف نامزدهای شوراها در ایستگاه پایانی»، نوشت: فرصت بررسی صلاحیت نامزدهای پنجمین دوره انتخابات شوراها، اسلامی شهر و روستا رو به پایان است و نتایج اولیه بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات شوراها امروز اعلام می‌شود. بر اساس اعلام هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها، نتیجه بررسی صلاحیت نامزدها در این مرحله توسط هیئت‌های استانی نظارت بر انتخابات شوراها به شخص داوطلب اعلام می‌شود و امروز به مدت یک روز یعنی تا پایان روز ۱۸ اردیبهشت، فرصت دریافت اعتراض‌ها در هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهاست.

شیشه‌های خاکستری ساختمان بهشت (روزنامه شهروند)

روزنامه «شهروند» در گزارشی با عنوان «شیشه‌های خاکستری ساختمان بهشت»، نوشت: از میان ۲۱ نماینده شورای شهرمان، چند تن را در حد تمییز چهره و صدا می‌شناسیم و از میان آنها، مواضع چند تن را می‌دانیم و بر کار چند تن از نمایندگان که به آنها رأی داده‌ایم، نظارت داریم. آیا اگر

نماینده ما که صاحب یکی از صندلی های شورا است، چند جلسه به شورا نیاید، متوجه ماجرا خواهیم شد؟ سؤال اینجاست که حق شهروندان از دانستن جزئیات جلسات علنی شورای اسلامی شهر تهران چقدر است و وظیفه رسانه ملی در گسترش این شناخت چقدر؟

شفافیت یکی از شاخصه های توسعه یافتگی است و بنابراین هر چه شفافیت در یک جامعه بالا برود، آن جامعه از نظر توسعه یافتگی در موقعیت بهتری قرار می گیرد و شفافیت به پیشرفت فرآیند توسعه کمک می کند.

مطالبات زنان و انتخابات (روزنامه شرق)

روزنامه «شرق» در یادداشتی به قلم سیده فاطمه ذوالقدر با انتشار عنوان «مطالبات زنان و انتخابات»، نوشت: ایران امروز بیش از پیش نیاز به جامع نگری در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های خود دارد و در نتیجه، تشویق زنان به حضور در انتخابات و حمایت از نمایندگان زن و نیز تشویق زنان برای حضور و مشارکت فعال در عرصه انتخابات سیاسی، به ویژه انتخابات شورای شهر پیش رو فرصتی مناسب برای حمایت از موضوع است.

حضور فعال زنان در مقام های تصمیم گیری در نسبت هایی وسیع تر از پیش، مشروط بر اینکه این زنان نمایندگان طبقات و اقشار مختلف زنان در ایران و نمایندگان طیف های متنوع سیاسی و فرهنگی باشند، می تواند قوانین را به نفع زنان و در جهت کاستن از شرایط تبعیض آمیز علیه زنان در سایر حوزه ها (نظیر آموزش، بهداشت، اقتصاد و اشتغال) تغییر داده یا ارتقا بخشد. امید است در عرصه انتخابات ریاست جمهوری، کاندیدای اصلح و منتخب، این خواست نیمی از جمعیت را در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها مدنظر قرار دهد و در رأس امور و دستور کار خویش موضوع مطالبات حقوق زنان از جمله عرصه سیاست را مدنظر قرار دهد و در عرصه انتخاب شورای شهر نیز کاندیداهای زن بیشتری را بر کرسی شوراهاى شهر ببینیم.

حضور کاندیدای جامعه معلولان در شورای شهر نوید بخش شهری پویا

حضور کاندیدای جامعه معلولان در شورای شهر نوید بخش شهری پویا(۱)

این گزارش به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ در پایگاه خبری همدان ورزش چاپ و منتشر شده و شامل مجموعه گفت و گوهایی با معلولان شهر همدان است. ابتدا توضیحی آورده و در ادامه مصاحبه ها درج شده است.

ص: ۱۸۸

در رقابت های سنگین پنجمین دوره شورای اسلامی شهر حضور کاندیدای جامعه معلولان در این رقابت ها نشان از شهامت و شجاعت و نوید بخش شهری پویا و استانداردهای لازم برای این قشر را می دهد.

برگزاری انتخابات در ایران اسلامی، نشان بلوغ سیاسی و تجلی وحدت و همدلی مردم در تقویت توان ملی و قدرت سیاسی کشور در سطح بین المللی دارد.

وسایل نوین ارتباطی در سال های اخیر جای تبلیغات انتخاباتی سنتی همانند چسباندن تصاویر نامزدها در خیابان ها و راه های عمومی و انتشار بیلборدهای تبلیغاتی را گرفته است و بسیاری از هواداران نامزدها برای تبلیغ نامزد مورد نظر خود به صفحات شبکه های الکترونیکی به جای تبلیغات کاغذی متوسل می شوند و برخی دیگر نیز از روش نقد طنزآمیز در تبلیغات خود استفاده می کنند که بی تأثیر بر تصمیم رأی دهنده هم نیست.

امسال هم همانند ادوار گذشته برگزاری یک انتخابات سالم، بی طرفانه و پرشور را شاهد خواهیم بود و باید شاهد صیانت از آرای تک تک آحاد مختلف مردم و دوری از هرگونه تخلف باشیم.

حضور حماسی و پرشور مردم در انتخابات، پشتوانه ای بزرگ برای نظام اسلامی به شمار می رود که زمینه ساز توسعه و پیشرفت کشور است.

این روزها با نزدیک شدن به زمان برگزاری پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر تب و تاب ستادهای انتخاباتی نامزدها در همدان بالا گرفته است.

بسیاری از اقشار مختلف نمایندگان برای انتخابات این دوره از شورای اسلامی انتخاب کردند که می توان گفت بعضی از آنان وابسته به کانون های قدرت و ثروت هستند اما در میان تمام تبلیغات پرهیاهو، جامعه معلولان منتخب خود را برای پارلمان محلی آماده کردند که بتوانند در تمام این سال ها حق از دست رفته خود را محقق کنند. در این میان به گفتگوی مردمی در خصوص حمایت از کاندیدای جامعه معلولان پرداختیم.

زهره مرادی، دانشجوی حقوق

بعضی از اعضای شورای چهارم به دنبال منافع شخصی و تیر یک خود در صفحه اول روزنامه بودند اما این در حالی است که برخی دیگر خود را واقعاً نماینده مردم می دانستند.

وی با بیان اینکه یکسری سیاسی بازی در شورای چهارم عملکرد آنان را مختل کرده است، افزود: پیگیری های برخی از اعضای شورا به خاطر سیاسی بازی نتیجه نمی دهد.

در خصوص استانداردهای مناسب سازی برای معلولان، شورای چهارم نمی تواند عملکرد قابل قبولی ارائه بدهند به طوری که کیوسک های تلفن و عابر بانک ها برای افراد معلول و کوتاه قامت مناسب سازی نشده است.

زمانی که نامزد انتخاباتی جامعه معلولان پا به عرصه رقابت بگذارد، به دلیل اینکه با این مشکلات دست و پنجه نرم کرده است، به طور قطع مطالبه گری آنان را به حداکثر می رساند.

افشین سالاری، شهروند همدانی

یک سوم جامعه ای ما را قشر معلول تشکیل می دهند اما خدمات شهری، مناسب سازی و استاندارد سازی برای این اقشار در نظر گرفته نشده است.

ص: ۱۸۹

قشر معلول هم به عنوان شهروند این شهر محسوب می شوند یا بعضاً در ادارات و مراکز خرید جای خالی رمپ (۱) برای این افراد ملموس است.

در دوره های گذشته از شورای اسلامی شهر همدان مشاهده می شود که برخی از اعضای شورا تنها به شعار اکتفا کردند و پای عمل نبودند که امیدواریم با حضور برخی از کاندیدا در این دوره شاهد هم گرایی آنان باشیم.

زهرا غلامی، کارمند دستگاه های اجرایی

شورای چهارم عملکرد قابل توجهی از نظر فرهنگی در مناطق محروم نداشته است. بارها این دوره از شورا اعلام کردند که فرهنگسراهایی در مناطق حاشیه شهر به بهره برداری رسیده است اما از امکانات لازم برخوردار نیستند. به نظر بنده اگر شورای شهر اقدام به احداث و افتتاح یک مکان فرهنگی می کنند، باید از صفر تا ۱۰۰ آن آماده خدمت رسانی برای مردم باشد.

با نگاهی به پیرامون شهر می توان دید که شورای شهر برای سهولت و دسترسی معلولان و جانبازان به خدمات شهری اقدامات شایسته ای انجام نداده است. حضور کاندیدای جامعه معلولان در شورای شهر برای این قشر خاص از می تواند برکات فراوانی همراه داشته باشد.

صغری صیفی از مادران و شهروندان همدان

شورای چهارم شهر از وجود افراد متخصص بهره برد اما با این وجود گاهی دچار روزمرگی شدند و به همین دلیل نتوانستند کارایی لازم را داشته باشند. اگر هر قشری از جامعه نماینده خود را برای پارلمان محلی برگزینند، قطعاً از تخصص لازم برخوردار هستند و بنابراین می توانند مطالبه گری حوزه خود را افزایش دهند.

همانطور که در پنجمین دوره شورای اسلامی شهر نامزد انتخاباتی از جامعه معلولان برخاسته است، نوید از شهری پویا و بانشاط و استانداردهای لازم می دهد.

سبحان جعفری از جوانان همدان

معلولان هم شهروندان این شهر محسوب می شوند اما مناسب سازی برای آنان از جمله سرویس های بهداشتی وجود ندارد. مسئولان استانی باید بودجه ای ویژه ای برای این قشر از جامعه اختصاص دهند و امیدوارم کاندیدای جامعه معلولان دغدغه ای اصلی این شهروندان را حل و فصل کند.

معلولان هم می توانند نمایندگان خود را به مجلس بفرستند (امیر خجسته، نماینده همدان)

امیر خجسته، نماینده مردم همدان در مجلس شورای اسلامی در نشست صمیمی با اعضای هیئت رئیسه جامعه معلولان و جمعی از معلولان اظهار داشت: معلولان و توانمندان همانند سایر اقشار مختلف مردم می توانند نمایندگان خود را در راستای احقاق حقوق و مطالبه گری به مجلس شورای اسلامی بفرستند.

۱- شیب مناسب از سطح زمین و کف حیاط یا خیابان.

وی بیان کرد: قانون برای اقشار معلول هم اولویت هایی در نظر گرفته است به طوری که استخدام جامعه هدف در ادارات دولتی به نوعی توجه به این قشر خاص می باشد.

وی افزود: در هیچ یک از قانون جمهوری اسلامی حضور معلولان برای ثبت نام در ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای شهر منع نشده است و در غیر این صورت موردی مشاهده شده باشد، بررسی و پیگیری های لازم در کمیسیون شورا انجام می شود.

وی با اشاره به اینکه شاهد خریدن رأی توسط برخی از کاندیدا هستیم، تصریح کرد: خریدن رأی با دادن وعده های غذایی و توزیع پول در بین مردم امری غلط و خلاف قانون به شمار می رود که اگر سرنخی از این موضوع به دست آید، قطعاً برخورد قانونی می شود. لازم است که همه آحاد مردم به ویژه جامعه معلولان نماینده خود را به شورای اسلامی شهر همدان بفرستند تا پیگیر مطالبات آنان شوند.

اظهار نظر آقای و کیلی، نایب نماینده حاضر در جلسه

یکی از نایب نمایان حاضر در جمع به نام و کیلی ابراز کرد: با توجه به اینکه ده درصد از جمعیت کشور را معلولان تشکیل می دهند اما همچنان مناسب سازی در شهرها انجام نشده است که حضور یک نماینده منتخب از جامعه معلولان در شورای شهر الزامی می باشد.

وی با بیان اینکه مسئولان باید به نیازهای توانمندان و معلولان توجه ویژه کنند، اظهار داشت: متأسفانه در حال حاضر شاهد کم رنگ شدن توجه مسئولان به این قشر از جامعه هستیم و حضور کاندیدای جامعه معلولان در شورای اسلامی شهر ضروری است. افراد معلولی در سطوح بالای علمی وجود دارد که این نشان دهنده توانایی این افراد در کسب علم به رغم وجود ناتوانی در برخی ابعاد جسمی، ذهنی، حرکتی و... است.

معلولان از ظرفیت، پتانسیل و توانمندی های بالای برخوردارند و باید بسترهای لازم برای فعالیت کودکان معلول و سالم در کنار هم را فراهم کنیم که این امر لازمه حضور کاندیدای جامعه هدف به شورای اسلامی شهر است.

دیدگاه محمدعلی افشاری، رئیس هیئت مدیره جامعه معلولان استان همدان

علاوه بر اینکه مناسب سازی در شهر استاندارد نیست، در حال حاضر قشر معلول هزینه های زیادی را در بخش های مختلف اعم از درمانی و... پرداخت می کند. برای احقاق حقوق جامعه توانمندان باید یکی از کرسی های شورای اسلامی شهر همدان در اختیار جامعه هدف قرار بگیرد. جامعه معلولان استان همدان از سال ۷۸ پایه ریزی شد که هدف از تشکیل آن نقش حمایتی در کنار سازمان بهزیستی استان است تا حق و حقوق معلولان را مورد پیگیری قرار دهد.

اجرای طرح مناسب سازی و ایجاد رمپ برای معلولان یکی از برنامه هایی است که برای تردد معلولان باید مورد توجه قرار گیرد که از سال ۸۳ تاکنون با وجود تشکیل کمیسیون های مناسب سازی در سطح استان و کمیسیون تخصصی در بهزیستی،

این طرح با کندی پیش رفته است.

ص: ۱۹۱

شورای شهر و حقوق معلولان (۱)

وحید نوروزی استاد دانشگاه، عضو حزب ندای ایرانیان و کاندیدای دوره پنجم شورای شهر تهران درباره انتخاب معلولان نکاتی را مطرح کرده است. او می گوید: شورای شهر و شهرداری باید خود را به مناسب سازی اماکن عمومی برای جامعه معلولان ملزم کند.

معمولاً در برنامه های نامزدهای شورای شهر هیچ توجهی به ۱۵ درصد از مردم شهر نشده و اشاره ای بر آن نمی شود.

مواردی که می توان به آن اشاره کرد:

۱. طبق آمار بهداشت جهانی ۱۵ درصد از جمعیت کشورها را افراد ناتوان تشکیل می دهند، شامل افراد دارای معلولیت، کهنسالان و...

۲. طبق مفاد کنوانسیون بین المللی افراد دارای معلولیت، وظایف زیادی در این خصوص بر عهده شهرداری و تصمیم گیران شهری است.

۳. طبق قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب سال ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی تکالیف مهمی در مورد مناسب سازی معابر، اماکن عمومی و کلیه ساختمان ها و حمل و نقل معلولان و مبلمان شهری بر عهده شهرداری گذاشته شده که تصمیم سازی و تصمیم گیری آن بر عهده شورای شهر است.

برنامه هایی که می توان در شورای شهر برای حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت بررسی کرد، به شرح زیر می باشد:

۱. در مجموعه شورای شهر و شهرداری مناسب سازی اماکن عمومی برای تردد راحت جامعه معلولان باید در دستور کار قرار بگیرد و در این راستا در مناطق مختلف شهر اقداماتی باید انجام شود.

۲. وظیفه شهرداری و شورای شهر تأمین بهترین امکانات برای رفاه و افزایش رضایتمندی شهروندان در بهره مندی از خدمات عمومی است که در این راستا جامعه معلولان نیز باید به حق و حقوق واقعی خودشان در این زمینه دست پیدا کنند.

۳. ارتقای شأن و منزلت انسانی افراد دارای معلولیت به عنوان شهروندانی برابر با سایر افراد و کوشش در راه تخصیص امکانات برابر با سایر افراد جامعه برای آنها در محیط شهری.

۴. تلاش در جهت مناسب سازی صد درصدی امکانات و فضاهای شهری از جمله معابر، ساختمان ها، محیط های تفریحی، فضاهای ورزشی، وسایل حمل و نقل عمومی و غیره جهت استفاده افراد دارای معلولیت.

بسیاری از معلولان جامعه ما در توانمندی های فکری، اعتقادی و انجام کارهای خلاقانه حتی از سالم ترین افراد نیز کارآتر

هستند به طوری که ما به صورت روزانه با چنین افراد توانمندی روبه رو هستیم که با ابتکار و خلاقیت های بی نظیر سعی می کنند فضای شایسته ای را در مسیر افزایش توانمندی ها فراهم آورند.

ص: ۱۹۲

۱- ۵. www.entekhabkhabar.ir اردیبهشت ماه ۹۶

لزوم حضور کاندیدای جامعه معلولان در عرصه رقابت انتخابات شوراها

لزوم حضور کاندیدای جامعه معلولان در عرصه رقابت انتخابات شوراها(۱)

یکی از اعضای جامعه معلولان استان همدان، درباره انتخابات و نقش معلولان در آن اظهارنظرهایی مطرح کرده که نقل می شود:

در پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر همدان کاندیدای جامعه معلولان به دور از هرگونه شائبه سیاسی، قدرت و ثروت وارد عرصه رقابت شده است. قانون حمایت از معلولان تمهیداتی برای برآوردن حقوق معلولان اندیشیده که نیاز به تبیین بیشتر دارد.

متأسفانه برخی از قوانین مانند بحث مناسب سازی و استفاده برابر از امکانات برای معلولان از طرف برخی از مسئولان مورد بی مهری قرار می گیرد.

افراد معلول همانند هر شهروندی نیازمند استفاده از خدمات عمومی و رفاهی می باشد که متأسفانه هیچ گونه مناسب سازی برای تسهیل در تردد آنان در نظر گرفته نشده است. یکی از دغدغه های موجود معلولان دسترسی غیر آسان برای دریافت پول نقد از عابر بانک های سطح شهر، پمپ بنزین و مطب پزشکان و... می باشد که توجه کمتری به این قشر از جامعه از سوی مسئولان شده است.

افراد معلول همانند هر شهروندی نیازمند استفاده از خدمات عمومی و رفاهی می باشند که متأسفانه هیچ گونه مناسب سازی برای تسهیل در تردد آنان در مناطق عمومی و ... انجام نشده است. مناسب سازی ورودی ها، رمپ ها و آسانسورها به ویژه در دستگاه های اجرایی باید مورد توجه قرار گیرد.

در مجلس شورای اسلامی نمایندگان لایحه ای را به موجب دسترسی آسان معلولان و توجه بیش از پیش به این قشر از جامعه را به شرط بودجه به تصویب رسانده است که بنابراین شرط عملاً این قانون ماهیت خود را از دست می دهد.

از آن جایی که تردد برای معلولان به سختی انجام می شود، در این دوره از انتخابات مسئولان باید یکی از صندوق های رأی را به معلولان اختصاص دهند.

نیاز به حضور کاندیدای جامعه معلولان

مسئول انجمن روشندان استان همدان درباره انتخاب همدان و نقش معلولان مسائلی را مطرح کرده که نقل می گردد.

نهاد قدرتمند و با اهمیت شورای شهر و مدیریت شهری، نیازمند حضور اشخاص توانمند و با تدبیری از جمله کاندیدای جامعه معلولان است. متأسفانه جامعه بزرگ معلولان تاکنون تریبون در خوری برای بیان مطالبات و خواسته های خود نداشته اند که این مهم باعث شده است مدیریت شهری نیز آن گونه که باید، توجهی به کمبود های این حوزه نداشته باشند.

۱- . همدان پرس، گزارش بهارانه، ۲۵ اردیبهشت ماه ۹۶.

نهاد قدرتمند و با اهمیت شورای شهر و مدیریت شهری، اشخاص توانمند و با تدبیری را نیاز دارد که با جامعه بزرگ معلولان آشنا باشند و نیازهای آنان را به طور ملموس بشناسند.

جامعه معلولان از وضعیت کنونی راضی نیستند و امیدواریم کاندیدای انتخاباتی جامعه هدف با پیگیری های لازم و اجرای برنامه های مدون، مطالبه گری این قشر از جامعه را به حداقل برسانند.

در راستای شهری آباد باید سایر شهروندان به جهت پیگیری های مطالبات خود، هموعان و تمامی معلولان می توانند به کاندیدای مورد نظر جامعه معلولان رأی دهند. این مسیر ها باید از سطح پیاده رو بالاتر و برجسته تر باشد تا نابینایان و کم بینایان بتوانند آن را لمس کنند. (۱)

کاندیداتوری معلولان در انتخابات شوراها مصداق بارز موفقیت توانمندسازی

کاندیداتوری معلولان در انتخابات شوراها مصداق بارز موفقیت توانمندسازی (۲)

این مطلب به هنگام انتخاب شورای شهر در سال ۱۳۹۲ توسط رئیس سازمان بهزیستی بیان شده است.

همایون هاشمی رئیس سازمان بهزیستی با اشاره به حضور ۱۵۰ نفر از معلولان و جانبازان به عنوان کاندیدای شورای اسلامی شهر و روستا گفت: کاندیداتوری معلولان در انتخابات شوراها مصداق بارز موفقیت نهضت توانمندسازی در سازمان بهزیستی است. این حرکت و حضور معلولان در شوراهای شهر قطعاً به تسهیل اجرای قانون جامع حمایت از معلولان منجر شده است و می تواند اثرات غیرقابل انکاری در تحقق آرمان شهرهای بدون مانع داشته باشد. مناسب سازی محیط، تسهیل در رفت و آمد و طرح های ویژه شهری برای معلولان نمود تأمین عدالت در دسترسی بوده است و اثرات روانی فوق العاده مثبتی خواهد داشت. وقتی در آرایش عناصر و توزیع امکانات به نیازهای خاص معلولان توجه شود، دیگر کمتر نیازی به کمک یا مداخله دیگران در زندگی روزمره آنها خواهد بود.

دیگر زمان آن رسیده است که به جای ترویج فرهنگ ترحم به معلولان، وظیفه خود در قبال بهینه سازی و مناسب سازی محیط شهری برای تسهیل رفت و آمد و زندگی اقشار خاص عمل کنیم. بدون شک حضور قابل توجه معلولان به عنوان کاندیدای چهارمین انتخابات شوراهای شهر و روستا، نشان از بلوغ اجتماعی جامعه هدف سازمان بهزیستی داشته و همچنین حاکی از توان و اثرگذاری این سازمان در عرصه اجتماع است.

کاندیداتوری معلولان در انتخابات شوراهای شهر و روستا مصداق بارز موفقیت نهضت توانمندسازی در سازمان بهزیستی است زیرا بالغ بر ۱۵۰ نفر از معلولان و اعضای جامعه هدف

ص: ۱۹۴

سازمان بهزیستی در سراسر کشور به عنوان کانیددا در چهارمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستاها ثبت نام و احراز صلاحیت شده اند.

حضور معلولان و اعضای جامعه هدف سازمان بهزیستی در انتخابات شوراهای شهر و روستا نشانگر خود شکوفایی و توانمندی این قشر از جامعه است که با تلاش و اعتماد به نفس خود توانسته اند بر موانع و مشکلات غلبه کنند و خود را به عنوان اعضای مولد مورد نیاز جامعه معرفی کنند.

حضور معلولان در چهارمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستاها می تواند گام محکم و بلندی در جهت احقاق حقوق معلولان و جلب توجه و نگاه ویژه مسئولان به این گروه باشد که برای بهبود شرایط زندگی و تغییر نگرش جامعه به توانمندسازی آنان، بی وقفه می کوشند و باور دارند که معلولیت، محدودیت نیست.

انتظار جامعه معلولان از ۱۷۴ معلول منتخب شورای شهر و روستا

انتظار جامعه معلولان از ۱۷۴ معلول منتخب شورای شهر و روستا (۱)

اشاره

در آخرین ساعاتی که مشغول نهایی کردن این کتاب برای چاپ و نشر بودیم، خبر ملاقات آقای نحوی نژاد و آقای ربیعی با منتخبان شوراها منتشر گردید. این خبر اهمیت بسیار دارد و خود این رخداد هم، ابعاد مهم و قابل تأمل دارد.

حسین نحوی نژاد معاون توانبخشی سازمان بهزیستی در نشست معلولان منتخب پنجمین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا گفت: آرزویمان این است که توانمندی معلولان را به جامعه نشان دهیم و شاهد حضور آنها در مناصب مدیریتی باشیم. اینکه این افراد در ایاب و ذهاب، دسترسی به ادارات، دانشگاه ها، اماکن تفریحی و بسیاری اماکن دیگر دچار مشکل باشند، به معنی عدم برابری با سایر شهروندان است.

وی با بیان اینکه با موانعی روبرو هستیم که زمینه حضور معلولان را در جامعه محدود می کند گفت: ۱۷۴ نفری که دارای معلولیت بودند، به شوراهای شهر و روستا راه یافتند که از این تعداد چهل نفر منتخب شوراهای شهر و مابقی منتخبان شوراهای روستا هستند.

طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه، سی سال است که اجرا می شود که سال گذشته ۴۳۰ هزار معلول روستایی را تحت پوشش قرار دادیم و امسال همان برنامه را در شهرها و حاشیه شهرها اجرا خواهیم کرد. سی شهر محروم را در نظر گرفته ایم که ده شهر در سیستان و بلوچستان، هفت شهر در کرمان و مابقی در سایر استان هاست. همچنین حاشیه کلان شهرهایی چون مشهد را مورد توجه قرار می دهیم.

۱- . سایت سازمان بهزیستی کشور، ۷ مرداد ماه ۱۳۹۶.

امیدواریم روزی بیاید که هیچ دانشگاه و هیچ مرکز تفریحی و اداره ای نباشد که به علت عدم مناسب سازی مانع حضور معلولان باشد. هیچ گونه انزوا و جداسازی را نمی پذیریم. امروز دنیا قبول نمی کند که اماکنی چون پارک معلولان بسازیم، بلکه باید همه پارک ها برای استفاده معلولان مهیا و مناسب باشند. امروز تأکید ما در شوراها این است که از قید و بند شهر خود خارج شویم.

اولین خواسته ما از اعضای منتخب شوراهای شهر پنجم ایجاد یک شبکه مرتبط و به هم پیوسته است تا یک تفکر و اندیشه در کل کشور به بار بنشیند.

وی خطاب به معلولان منتخب شوراهای شهر و روستا افزود: از نوع ارتباط خود با نمایندگان مجلس استفاده کنید تا قوانین راهگشا و اثربخش در کل کشور برای ارتقای وضعیت همه معلولان تصویب و اجرایی شود.

بیمه سلامت و تأمین اجتماعی خدمات فیزیوتراپی را به شکل محدود ارائه می دهند و خدماتی چون کاردرمانی و... در شمول بیمه نیست و مشغول پیگیری هایی در این زمینه هستیم.

طرح های بسیاری در مناطق روستایی شهرها و حاشیه ها قابل اجراست. دو، سه سال است که طرح های مناسب سازی را برای گروه های مختلف معلولان شروع کردیم و درخواست می کنیم شما پس از ورود به شوراهای شهر این طرح ها را حمایت کنید و در این موضوع مداخله کنید. از شهرداری ها فقط انتظار مناسب سازی فیزیکی را نداریم بلکه مناسب سازی اجتماعی هم یک اصل است و شهرداری ها نباید نسبت به آسیب دیدگان اجتماعی بی تفاوت باشند. امید است با تشکیل یک شبکه منسجم گام های خوبی در آینده برداریم. (۱)

از نظر آماری در وضعیت مطلوبی به لحاظ مناسب سازی قرار نداریم

همچنین کاظم مؤمن سرایی، رئیس دبیرخانه پیگیری مناسب سازی کشور نیز در این نشست گفت: خوشبختانه امروز معلولان وارد شوراهای شهر شده اند و مستقیم می توانند پیگیر مطالبات باشند.

از نظر آماری در وضعیت مطلوبی به لحاظ مناسب سازی قرار نداریم، درحالی که زیست شهری در محیطی آرام و بدون دغدغه از انتظارات منطقی و از حقوق همه مردم است.

متأسفانه برخی افراد مناسب سازی را به معلولیت گره می زنند و معتقدند این قشر جامعه آماری محدودیتی دارد و باید به مسائل اساسی و کلان تر شهری پردازیم و به همین خاطر مناسب سازی را در اولویت های پایین قرار می دهند درحالی که این باور غلط است.

کمی بودجه از علل عدم مناسب سازی بهینه شهری است و قانونگذار دوازده وظیفه قانونی به شهرداری ها محول کرده که اگر به درستی انجام شود، می توانیم بگوییم بسیاری مشکلات در حوزه مناسب سازی حل می شوند، البته اقداماتی مانند اختصاص ردیف مناسب سازی سال گذشته با پیگیری بهزیستی در بودجه شهرداری ها اعمال شد. (۲)

۱- . سایت سازمان بهزیستی کشور، ۷ مرداد ماه ۱۳۹۶.

۲- . (۷ . www.farsnews.com مرداد ماه ۱۳۹۶)

حضور ۱۷۴ منتخب معلول در شوراهای شهر و روستا، تلنگری بر وجود صدای گروه های خاموش (۱)

علی ربیعی در نخستین نشست معلولان پنجمین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستای کشور در محل سازمان بهزیستی افزود: وجود ۱۷۴ فرد دارای معلولیت در شوراهای شهر و روستای کشور که توانایی های ذهنی و اندیشه های بزرگی دارند می تواند در فصل جدیدی در سیاستگذاری های شهری و روستایی برای افراد دارای معلولیت و نیازهای خاص باشد.

وی ادامه داد: امروز متأسفانه صدای افراد دارای نیازهای خاص کمتر شنیده می شود و کسانی که بلندگوهای بیشتری دارند، صدای خود را به جامعه منتقل می کنند؛ بلندگوها حقانیت می آورد و برخی ها با تکرار کردن و بلند صدا کردن، واقعیت نمایی می کنند، بنابراین باید شرایطی ایجاد کنیم تا صداهای کمتر شنیده شده، بازتابانده شوند و با برنامه ریزی و سیاستگذاری بر مشکلات غلبه کنیم.

امروز در تعاریف توسعه یافتگی، "توجه به اقشار خاص" یکی از شاخص های توسعه یافتگی به شمار می رود اما فراتر از آن باید به این شاخص به عنوان یکی از شاخص های جامعه اخلاقی و دینی توجه داشت.

میزان توجه به اقشار خاص به عنوان خط کش انسانی و اخلاقی جوامع محسوب می شود به طور مثال توجه به سالمندان یکی از این شاخص ها است اما متأسفانه در دوره های اخیر، سالمندان دارای ناتوانی به نوعی از خانواده ها دور می شوند.

منظور از "توجه" این است که چقدر در سیاستگذاری ها به افراد دارای نیازهای خاص توجه می شود. میزان حرکت روان و فقدان انسدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای افراد دارای ناتوانی، شاخص توسعه یافتگی یک جامعه محسوب می شود. عدالت در این است که برای افراد دارای نیازهای خاص، تبعیض مثبت قائل شویم.

اکنون با نابرابری های منطقه ای روبرو هستیم و باید بکوشیم نابرابری های حاشیه شهرها را نیز از بین ببریم؛ قابل قبول نیست که فردی از خانواده ای فقط ارزش لباسی که پوشیده، یکصد میلیون تومان باشد اما فرد دیگری با ۱۲ میلیون تومان بدهی به سختی زندگی کند. کاهش فقر و محو نابرابری های مختلف نیاز به برنامه ریزی دارد.

وی در ادامه سخنانش به لایحه حمایت از حقوق معلولان اشاره کرد و گفت: این لایحه در دولت تصویب اما در مجلس با مشکلاتی روبرو شد و اکنون تلاش داریم آن را احیا کنیم و نخستین کار ما این است که این لایحه را دنبال کنیم و در صحن مجلس به تصویب برسانیم تا بودجه سال ۹۷ بر اساس آن بسته شود.

حرکت با ویلچر همانند حرکت عابر پیاده

اقدام بعدی ما این است که شهر باید مناسب حرکت معلول و سالمند شود. ما در کمیسیون اجتماعی مصوبه ای گرفتیم که طبق آن حرکت با ویلچر همانند حرکت عابر پیاده تلقی شود چرا که

قبل از این حرکت با ویلچر به عنوان حرکت با خودرو تلقی می شد و تا سه هفته دیگر آن را در هیئت وزیران مصوب خواهیم کرد.

همچنین باید روی «بردن آموزش به خانه های کودکان ناتوان» کار کنیم، البته ترکیب خانه و محیط اجتماعی و عادی سازی حضور کودکان در سایر افراد جامعه نیز مهم است.

وی در ادامه با اشاره به اهمیت اشتغال برای افراد دارای معلولیت گفت: اولویت برنامه های اشتغال به ویژه اشتغال روستایی برای گروه های هدف سازمان بهزیستی و کمیته امداد است.

همچنین از این به بعد آموزش های فنی و حرفه ای باید متناسب با فیزیک معلولان نیز باشد و نخستین مرکز آموزش فنی و حرفه ای با این هدف در هرمزگان افتتاح شده است. (۱)

ص: ۱۹۸

قرآن کریم

اسحاق پیامبر هدیه الهی، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۲.

اعلام القرآن، عبدالحسین الشبستری، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۹.

اعلام قرآن، تهران، محمد خزائلی، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

اعلام قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.

امام خمینی و معلولان، علی نوری، توانمندان، ۱۳۹۶.

انسان و سرنوشت، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۶۵.

تاریخ بلعمی، محمد بلعمی، به کوشش بهار و پروین گنابادی، تهران، زوار، ۱۳۵۳.

تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.

تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار، ابوالفضل میبدی، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱-۱۳۳۹.

تفسیر مجمع البیان، ابوعلی الفضل طبرسی، افسست: تهران، ناصر خسرو، ۱۴۰۶ق.

تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.

تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۵.

تلقیح مفهوم اهل الاثر، ابن جوزی، لیدن، ۱۸۹۲م؛ چاپ دهلی، ۱۹۲۷م.

توانش صفحه ویژه مباحث معلولیت و معلولان، روزنامه ایران، ۱۳۹۶.

حضرت خضر(ع): (ذوالقرنین، خضر، شعیب)، رضا بهین راد، تبریز، رضا بهین راد، ۱۳۸۴.

حضرت شعیب پیامبر جامعه ساز، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۴.

حقوق معلولان ایران، علی نوری، صبح صادق، قم، ۱۳۹۴.

داستان پیامبران در کلیات شمس، تقی پورنامداریان، تهران، مؤسسه مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۴.

داستان پیامبران، حمید یزدان پرست، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۰.

دانشنامه بقیع شریف، محمد نوری، صحیفه خرد، قم، ۱۳۹۴.

دانشنامه دانش گستر، به کوشش کامران فانی و دیگران، تهران، ۱۳۸۹.

دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی، تهران، ناهید، ۱۳۷۷.

دانشنامه ناشنویان، محمد نوری، تهران، مؤسسه فرجام جام جم، ۱۳۸۷.

دانشوران روشندل، باقری بیدهندی، قم، ۱۳۷۶.

دایره المعارف

بزرگ اسلامی، بجنوردی، کاظم (سر ویراستار)، تهران، ۱۳۸۰.

ص: ۱۹۹

قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، ۱۳۸۶.

دکتر خزائلی، به کوشش قدرت الله عفتی، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۱.

سیمای حضرت اسحاق(ع)، عین الله ارشادی، تهران، نیمروز، ۱۳۹۰.

صبر ایوب: ایوب نبی اسوه معلولان، خدیجه صفی زاده، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۳.

فرهنگ جاودان المیزان، علی تاجدینی، تهران، مهاجر، ۱۳۸۴.

قاموس کتاب مقدس، ترجمه مستر هاگس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.

الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، به کوشش عبدالله القاضی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق؛ دار صادر، ۱۳۸۵ق.

کتاب مقدس، انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۶۹م.

کلیات شمس یا دیوان کبیر، به کوشش فروزانفر، امیر کبیر، چاپ اول.

لغت نامه، تهران، علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

المعجم المفهرس للكشف آيات القرآن، رضا کیان زاد، تهران، کیان کتاب، ۱۳۸۰.

معجم مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، به کوشش ندیم مرعشلی، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا.

معلولان از نگاه امام حسین(ع)، اقدس کاظمی، توانمندان، ۱۳۹۶.

مفردات راغب، به کوشش ندیم مرعشلی، قم، اسماعیلیان، افسست از چاپ دار الکاتب العربی.

منشور حقوق معلولان، علی نوری، توانمندان، ۱۳۹۶.

نقد و بررسی اسرائیلیات: در داستان های چهار پیامبر (حضرت شعیب، موسی، یوشع و یونس)، فهیمه کلباسی اصفهانی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۸.

نکت الهمیان و نکت العمیان، خلیل بن ایبک الصفدی، به کوشش احمد زکی، قاهره، ۱۳۳۹ق.

www.datadisability.com

www.etminannews.ir

www.farhang.gov.ir

www.farsnews.com

www.handicapcenter.com

www.iran-newspaper.com

www.irna.ir

www.isna.ir

www.mehrnews.com

www.moi.ir

www.tasnimnews.com

ص: ۲۰۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

